این نسخه‌ای از یک کتاب کتابخانه‌ای است که توسط Google به
عنوان بخشی از تلاش مداوم برای حفظ اطلاعات موجود در کتاب‌ها
و دسترسی جهانی به آن دیجیتالی شده است.

کتاب های گوگل

https://books.google.com

املاک OP
University of Michigan Libraries
1817 هنر
SCIENTIA VERITAS
دیجیتالی شده توسط
گوگل

دانشگاه
میشیگان،

دسامبر

کتابخانه

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

با جلیوم فلورانتین

منتشر شده با طرح و هزینه مؤسسه اعظم شرق شناسی oC UME NT AE T SCR IPT ORE S

سری B

BESSARION NICAENUS

S. R. E. CARDINALIS

دعای جزمی

در اتحادیه

انتشار انتقادی از خودکارهای دستنوشته ها با مقدمه -

یادداشت ها - به دستور امانوئل کاندال S. I

پروفسور ON THE BIDGE INST. EAST STUDY

VOL. VII - FASC I

CICKVPIOCIHcOYC

IANTECCN

HTANHCA+ATANATEG

موسسه پاپی شرق شناسی

پیازا سانتا ماریا ماگیوره 7

رم

1958

دیجیتالی شده توسط گوگل

شورای اسناد و نوی‌سندگان فلورانس

I

بی‌رون آمدند

جلد I (سری A) - نامه های پاپ‌ی در مورد شورای فلورانس. اد. جورج هافمن، اس.آی.

بخش اول. نامه های پاپ‌ی در مورد مسائل پی‌ش روی شورای فلورانس (1418-1438)، صفحه. xvIn,
118. Rome 1940. L,it. 2850. 4.75 .عروسک

قسمت دوم نامه های پاپ‌ی در مورد امور شورای فلورانس در سال های 1438-1439، ص. xx, 148.
Rome 1944. L.it. 2850. 4.75 .عروسک

بخش سوم نامه‌های پاپ‌ی درباره آخری‌ن اقدامات شورای فلورانس در سال‌های 1440-1445 و درباره
روی‌دادهای پس از شورا در سال‌های 1446-1453، صفحه 180 ،xvi1. رم 1946. Lit. 3780
عروسک. 6.30

جلد 2، فاکس I (سری B) - IOANNES DE TORQUEMADA, O. P.، دستگاه در مورد فرمان فلورانس اتحادی‌ه یونان. اد.
EMMANUEL CANDAL, S. I., page 62, 147. Rome 1942. Lit. 3150. 5.25 .عروسک

جلد 2، فاکس II (سری B) - Fantinus Vallaresso, archiep. کرتان، کتاب دستور شوراهای عمومی و اتحادی‌ه فلورانس.
اد. برناردوس شولتزه، اس. آی.، صفحه. 64, 121. 3150 .I,it. 1944 Rome. عروسک. 5.25

جلد 3، fac. I (سری A) - مجموعه مقالات اتاق حواری و ای‌الات ونیز، فراری‌ا، و جنوا، در مورد شورای فلورانس. اد. جورج هافمن،
اس. آی.، ص. xxiii, 125. Rome 1950. L,it. 3150. عروسک. 5.25

جلد 3، fac. II (سری A) - بخش های‌ی از پروتکل، خاطرات خصوصی، مکالمات. اد. جورج هافمن، اس. آی.، صفحه. 41,
99, Rome 1951. L.it. 3150. 5.25 .عروسک

جلد 3، fac. III (سری A) - اسناد شرقی جزئی. اد. جورج هومان، اس. آی.، توماس اوشاگنسی، اس. آی.، جان سی‌مون، اس.
آی.، صفحه. ی‌ازدهم، 86. رم 1953.
روشن شد 2000. عروسک. 3.50

جلد 4، fac. I (سری B) - ANDREAS DE ESCOBAR, O.S.B., ep. Megarensis، ی‌ک رساله جدلی - الهی‌اتی در مورد
یونانی‌ان سرگردان. اد. EMMANUEL CANDAL, S. I., p. CxXVI، 112
رم 1952. I,.it. 3150. عروسک. 5.25

جلد 4، fac. II (سری B) - IOANNES DE TOROUEMADA, O. P., Oratio Synodalis de Primatu (سپتامبر-اکتبر
1939). اد. EMMANUEL CANDAL, S. I., page 84, 116. Rome 1954. I,.it. 4700
عروسک. 7.70

جلد 5، fac. I (سری B) - مجله یونانی شورای فلورانس (با نسخه لاتی‌ن): قسمت اول - روی‌دادهای فراری‌ا. اد.
IosEPHUs GLL, S. I.، صفحه. xCI, 228. Rome 1953. L,.it. 5000
عروسک. 8.50

جلد 5، fac. II (سری B) - آکتای یونانی شورای فلورانس (با نسخه لاتی‌ن): قسمت دوم - وقایع فلورانس. اد.
JOSEPHUS GIL, S. I.، 1953 رم .256 .صفحه .I,.it. 4000. 6 جلد. 6.50 عروسک. (سری B) - ANDREAS DE
SANTACROCE، مدافع قانونگذاری، مجله لاتی‌ن شورای فلورانس. اد. جورج هافمن، اس. آی.، ص. 56, 288. Rome
1955. L.it. 6200. 10 .عروسک.

جلد VII, fac. I (سری B) - BESSARION NICAENUS، کاردی‌نال، آدرس جزمی در اتحادی‌ه. اد.
EMMANUEL CANDA, S. I., page xcn, 98. Rome 1958. I,.it. 6000. 10 .عروسک.

آماده می شوند

جان لئو، 0. P.، ep. لاری‌نتسی‌س، درباره بی‌نای‌ی مبارک. اد. امانوئل کاندال، اس.آی.

BESSARION NICAENUS، در سی‌ر حرکت روح القدس، به الکسی‌وس لاسکاری‌ن فی‌لانترو - پی‌نوس.
اد. امانوئل، کندال، اس. آی.

جورج اسکولاری‌وس، موعظه های اتحادی‌ه. اد. جوزفوس گلی، اس. آی.

اسلوستر سی‌روپ‌پولوس، تاری‌خ یونانی شورای فلورانس، وی‌رای‌ش. وی‌تالی‌انوس لورن، A. A.

اسناد اسلاوی اد. IOSEPHUS OLŠR, S. I.

ای‌سی‌دوروس کی‌وورنسی‌س، موعظه های یونانی منتشر نشده. اد. جورجی‌وس هافمن، اس، آی.، توماس اشپی‌دلی‌ک، اس.
آی.

دی‌جی‌تالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

شورای فلورانس

اسناد و نویسندگان

طرح و هزینه منتشر شده

موسسه پاپی شرق شناسی

سری B

جلد هفتم - فایل اول

موسسه پاپی شرق شناسی

پیازا سانتا ماریا ماگیوره 7

رم

1958

دیجیتالی شده توسط گوگل

BESSARION NICAENUS

S. R. E. کاردینال

سخنرانی جزمی در مورد اتحادیه)

به طور انتقادی منتشر شده از خودکارهای دست نوشته ها با مقدمه

یادداشت - دستورالعمل هایی که توسط EMMANUEL CANDAL S. I.

ON THE BIDGE INST. مطالعه شرق، پروفسور.

EIGKY

NANTEC CN

QHANHS ATANA

موسسه پاپی شرق شناسی

پیازا سانتا ماریا ماگیوره 7

رم

1958

دیجیتالی شده توسط گوگل

|x
230
.1438
P2
1940
v.7
pt.1

ای حقوق بسیار محفوظ هستند
حق چاپ توسط پونت Inst. شرق شناسی

می توان آن را چاپ کرد: رم، 12 مارس 1958 P. ALPHONSUS RAES S. I., Pontifical Rector. Inst. Orientalis Imprimatur:
معاون سابق. شهر، 21 مارس 1958 - t AlovsIUs TRAGLJA, Arch. تو در فلسطین می کشی نایب.

رم — چاپ PIO X -- VIA DEGILI ETRUSCHI, 7-9

دیجیتالی شده توسط گوگل

مری

مادر تقوا

ملکه بدون شکستگی اصلی

در سال اول قرنی که از آن زمان بودم

اخیر به طور خطاناپذیری توسط DOGMATE تعریف شده است

بی نقص از مفهوم او

در GAVI FLVMINIS ORAM

در شهر یووردس

از ایمان الهی NIVTRIX

RICH MIRACVLORVM DISPENSATRIX

او ظاهر شد

این OPVS کوچک

CONSCRIPTVM FOR VINTY OF CHLYCHER

به جلال بزرگتر خدا

اطاعت از دختر

فاولر

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

خواننده محترم

در جمع آوری تمام اسناد مربوط به شورای فلورانس، اولین مجری کار "شورای فلورانس، اسناد و نویسندگان")، کشیش P. GEORGII HOFMANN، S. I، - در 9 اوت 1956، در 9 اوت 1956، که با تقوا در زندگی خداوند خدمت کرده است - در نظر داشت که هیچ عنوانی از سرهنگ علنی نیست. می تواند آن شورای بزرگ اتحادیه کلیسایی را نشان دهد، اما همچنین شورای عالی را نشان می دهد. فحش های متکلمان، یا در شورا متولد شده و یا برای این شورا ساخته شده اند، به طور انتقادی خورده شده اند.

؛

و در واقع از این متکلمان، دو جلد از IOANNIS DE TORQUEMADA، یکی از FANTINI VAI، L، ARESSO، و دیگری نیز از ANDREA DE ESCOBAR، از سلسله آئین ها صادر می شد. و با این حال هیچ یک از نویسندگان بزرگ یونانی.

و بنابراین اولین رئیس الهیات یونانی اکنون در شورای فرارا-فلورانس، بساریون نیکائوس بزرگ، حامی سرسخت اتحادیه، چه انسانی و چه الهی حضور دارد.

پررونق ترین در ادبیات

اکنون من سخنرانی جزمی او را که در شورا ایراد شده است منتشر خواهم کرد و ممکن است آن را به اطاعت از یاد عزیز و حکیم P.Georgius Hoffmann تقدیم کنم، زیرا خود او که مرگ مانع از آن شده بود، نتوانست آن را از هر جهت تمام شده ببیند، همانطور که بسیار می خواست و همچنان می خواست.

مایلم توجه داشته باشید که من این نسخه را هم در متن یونانی و هم در نسخه لاتین، که توسط خود بساریون تهیه شده، از روی دست نوشته های خودنویسی که در کدکس ونیزی نگهداری می شود، تهیه کرده ام، و طبق معمول، مقدمه ای تاریخی-الهیاتی را مقدم بر آن دارم، که در آن سعی می کنم ضمائم خطبه و اهمیت آن را توضیح دهم. پس از تشریح یادداشت کتابشناختی، نشانه های بسیار مختصری از ارزش ویژه برخی از آثار اضافه کردم.

اما من همه چیزهایی را که می‌توان از بساریون یا شورای فلورانس جمع‌آوری کرد، برشمردم، بلکه فقط آن‌هایی را که اغلب در کاهش حجم استفاده می‌کردم، یا به نظر می‌رسد که برای دانش بساریون اهمیت خاصی دارند، برشمرده‌ام. در نهایت کل حجم نیز باید به نمایه های لازم برای راهنمای مناسب مجهز شود.

اما من در هیچ اثری به زندگی خود کاردینال بساریون نپرداخته ام، مبادا خیلی جلو بروم. سبزی‌ها تمام می‌شدند، به‌ویژه که کارهای اصلی بساریوس و بزرگ‌ترین تلاش‌های او، که بی‌وقفه برای کلیسا در شرق و غرب قرار می‌گرفت، به وفور از نوشته‌های نویسندگان مدرن شناخته شده است.

در نهایت وظیفه خود می دانم از همه کسانی که با توصیه های حکیمانه به من در تکمیل این جلد کمک کردند، به ویژه ر.آی، نهایت تشکر را داشته باشم. PP آلفونسو راس، جوزف گیل و مائوریتزیو گوردیلو، S. I.، همکاران من. اما دیگرانی هم دارم با قلب سپاسگزاری که به هر نحوی به من کمک کرده اند، چه با اطلاعات مناسب در مورد چیزها، چه با عکس و یا حتی در انجام کار ناخوشایند اصلاح وصله ها.

رم، 11 فوریه 1958

EM. سی.، اس. آی.

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

توضیح سیگلاس

مجله g. (= آنچه از اعمال یونانیان شورای فلورانس باقی مانده است. I. اعمال فراری. II. اتفاقاتی در فلورانس افتاد. (ویرایش I. GILL, S. I.). CFDS V. Rome 1953.

Acta lat. = اندرو صلیب مقدس Acla Latina از شورای فلورانس (ویرایشگر G. HOFMANN, S. I.), CFDS VI. 1955 رم

CFDS = شورای فلورانس، اسناد و نویسندگان (منتشر شده با مشاوره و هزینه مؤسسه پاپی شرق شناسی). رم 1940 متر مربع

DENZ = H. DENZINGER, Handbook of Symbols, Definitions and Declarations on the things of baweriya و اخلاقی, توسط Clemente Bannwart مجدداً توسط I. B. Umberg, S. I. ویرایش شده است (ویرایش 28). فریبورگ برادر-بارسلونا 1952.

DHG == Dictionnaire d'Histoire et de Géographie ecclésiastiques (sous la direction de A. BAU- DRILI,ART - A. DE MEYER - T. VAN CAUWENBERGH). پاریس 1912 متر مربع

DTC == Dictionnaire de Théologie Catholique (sous la direction de A. VACANT - E. MANGENOT - É. AMANN). پاریس 1909 متر مربع

جوگی = م. JvGIE, A. A.، الهیات جزمی مسیحیان شرقی. خاستگاه، تاریخ و منابع الهیات جزمی یونانی-روسی. پاریس 1926. II. 1933 نمایش الهیات جزمی یونانی-روسی. پاریس

Msi = John Dominicus MANSI, مجموعه جدید و گسترده ترین مجالس مقدس. فلورانس 1759 متر مربع (بعدها پاریس-لایپزیگ).

ML- MG = J.-P. MIGNE, یک دوره کامل گشت زنی. سری اول لاتین. پاریس 1844 متر مربع سری دوم، یونانی. پاریس 1857 متر مربع

MOHLER = بساریون آل تئولوگ، اومانیست و اسلاتسمان I. کاردینال بساریون. II. دارستلونگ. III. Aus Bessarions Gelehrienkreis. (Quellen und به تهمت زننده کتاب چهارم افلاطون. Forschungen aus dem Gebiete der Geschichte, XX, XXII, XXIV). پادربورن 1923، 1927، 1942.

OrChrPer = نشریات ادواری مسیحی شرقی. (تفسیرهای منتشر شده توسط مؤسسه پاپی مطالعات شرقی. رم 1935 sqq).

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

یادداشت کتابشناسی ()

(ناشناس)، Alcune ricerche sulla vita del Bessarione. "بساریون" 1 (1896-1897) 610-617.

(ناشناس)، بساریون. بیوگرافی ها را یادداشت کنید "بساریونز" 1 (1896-1897) 9-16; 65-77.

BANDINI A.، در مورد زندگی و اعمال کاردینال بساریون نیکیه. MG 161, col. 3-100 (به همراه ضمیمه اسناد متعدد).

BECUS، (vid. IoANNES BECCUs).

BESSARION NICAENUS، در مورد حرکت روح القدس به الکسیوس لاسکارینوس، نیکوکار. متن یونانی: MG 161, 321-406 (با نسخه پیتر آرکودیر). متن لاتین بساریون:

همان، 407-448.

— عذرخواهی کتیبه های بچی علیه پالاماس. MG 161, 243-288 (با نسخه پیتر آرکودیوس).

نسخه لاتین همان BESSARIONIS: همان، 287-310.

— پاسخ به سرهای افسسیان. MG 161, 137-244. *I*

BRÉHIER L., (هنر) Bessarion. DHG VIII (1935) 1181-1199. (کتابشناسی عالی).

CANDAL Em., S. I.، نامه منتشر نشده Andreae Rhodiensis به بساریون (De divina essentia et ope- دلیل). OrChrPer 4 (1938) 329-371.

— بساریون نیقیه در شورای فلورانس. OrChrPer 6 (1940) 417-466.

— جان تورکمادا آپارات بر فرمان اتحادیه یونان. CFDS II/1. رم 1942

— نیلوس کاباسیلاس و الهیات سنت توماس در راهپیمایی روح القدس. "Stui e Testis 116" شهر واتیکان 1945. (

CAYRÉ F.، (هنر) ژرژ قبرس. DTC VI (1920) 1231-1235.

CHEVALIER U.، Répertoire des sources historique du Moyen Age. Bio-bibliography, I. Paris 1905, PP. 595-596. (کتابشناسی عالی).

DINI-TRAVERSARI A.، A mbrogio Traversari e i suoi tempi. 1912 فلورانس

EUBEL C.، سلسله مراتب کاتولیک قرون وسطی. 2، 3، 4 کنوانسیون 1914، 1923*، 1935.

یوژنیکوس، (vid. Marcus Eugenicus of Efesus).

فابریسیوس I. A.، اطلاعات تاریخی و کتابشناختی بساریون. Bibliotheca Graeca, XI (کتاب پنجم، حدود 43).

MG 161, col. 139-150 (با بهترین مکمل توسط Gottlieb Christopher HARLES).

I FRATI C.، Dizionario bio-bibliographico dei bibliotecari e bibliofli italiani dal sec. 14 و 19 (جمع آوری شده منتشر شده توسط Albano Sorbel، LI)، * Biblioteca di bibliografia Ilaliana». XIII فلورانس 1934، صص 76-94. (بهترین و غنی ترین کتابشناسی که در 104 شماره توزیع شده است، همراه با نشانه های بسیار مفید).

() بدیهی است که همه چیزهایی که می توان درباره بساریون یا شورای فلورانس جمع آوری کرد در اینجا بررسی نخواهد شد. اما فقط مواردی که یا بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، یا برای دانش BESSARION اهمیت ویژه‌ای دارند. بسیاری دیگر، که در اینجا گنجانده نشده‌اند، در انتهای صفحات یافت می‌شوند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

جورجیوس (گرگوریوس) سیپریوس، شرح توماس وفادار علیه بکوم: MG 142, 233-246 (فقط به زبان یونانی).

— عذرخواهی برای Tomo fdei: همان، 251-270 (فقط به زبان یونانی).

— درباره صفوف روح القدس: همان، 269-300 (فقط به زبان یونانی).

جورجیوس (گنادیوس) SCHOL.ARIOS، خطاب به مجمع عمومی فلورانس، I: در مورد صلح مذهبی. Oeuvres complèles de Gennade Scholarios, I. (Ed. PETIT-SIDÉRIDÈS-JUGIE). پاریس 1928، ص 306-325.

— خطاب به مجمع عمومی فلورانس، دوم: در مورد موانع صلح: همان، 325-345 (

— خطاب به مجمع عمومی فلورانس، III: در مورد وسایل حصول صلح: همان، 346-372.

GILI, I., S. I., The Printed Edition of the Practica of the Council of Florence. OrChrPer 13 (1947) 486-494.

— آنچه از قوانین شورای یونانی فلورانس باقی مانده است. I. وقایع فراری. II. اتفاقاتی در فلورانس افتاد. CFDS V. Rome 1953.

HEREL CH. I. - LECLERCQ H., Histoire des Conciles d'après les اسناد اصلی. تام VII. پاریس 1916، § 810 (ص 965-987)، § 812 (ص. 995-1014).

Hormann G., S. I. فرمول های اولیه برای تعریف شورای فلورانس در راهپیمایی روح القدس. مجله فرهنگستان ولحراد 13 (1937) 81-105; 237-260.

— در Konzilsarbeit در فرارا. OrChrPer 3 (1937) 110-140; 403-455. (توالی دقیق وقایع در I شورا).

— Konzilsarbeit در فلورانس. OrChrPer 4 (1938) 157-188; 372-422. (شرح مفصل جلسات شورا و اشاره تلفیقی از سخنرانی های مختلف).

— نامه های پاپ به شورای فلورانس. I. نامه های پاپی در مورد مسائلی که در مقابل شورا انجام شده است (1418-1438). II. اپستولاس پاپی در مورد. III. نامه های پاپ در مورد امور شورای فلورانس در سال های 1438-1939. آخرین اقدامات شورای فلورانس در سال های 1440-1445 و در مورد وقایع پس از این شورا در سال های 1446-1453. CFDS I 1/3. رم 1940، 1944، 1946.

— اندرو از صلیب مقدس Acia Latina از شورای فلورانس. CFDS VI. رم 1955

HURTER H., نامگذاری ادبی الهیات کاتولیک. II (هنر. بساریون). Oeniponte 1906, col. 904-907.

IOANNES BCCUS, در مورد اتحاد و صلح کلیساهای روم قدیم و جدید. MG 141, 15-158.

— در صفوف روح القدس. همان، 157-276.

— نظر مجمع عمومی در مورد همه پرسی Escamatismenum. همان، 281-290.

— کتیبه‌ها یا کتیبه‌های روی صفوف روح‌القدس. همان، 613-724.

— رد کتاب فوتیوس در استاگوژی روح القدس. همان، 727-864.

- در توم کیپریوس و بدعت های جدید همان. همان، 863-926.

JUGIE M., A. A., الهیات جزمی مسیحیان شرقی. I. الهیات جزمی یونانی-روسی. پاریس 1926. II. منشأ، تاریخ، منابع نمایش الهیات و جزم شناسی یونانی-روسی. پاریس 1933. (کار اساسی).

— در راهپیمایی روح القدس از منابع وحی و به نقل از معاندین شرقی. «لاتران» (سری جدید، 3-4). رم 1936

KRUMBACHER K., Geschichte der byzantinischen Litteratur. مونیخ 18971، صص 117-118 (و جاهای دیگر).

LAMI I., Catalog of the library of Bessarion (Deliciae Eruditorum, 9. Florence 1740). MG 161, 701-714. (از کتابخانه ریکاردیان).

دیجیتالی شده توسط گوگل

LAUCHERT F., (هنر) Bessarion, Kardinal. Lexikon für Theologie wnd Kirche, II. فرایبورگ در بریسگائو

1931، سرهنگ 247-248.

LOENERTZ R., O. P., Pour la biographie du Cardinal Bessarion, OrChrPer 10 (1944) 116-149.

— (هنر) بساریون. دایره المعارف کاتولیک، 1492-1498 (1949) II. (جدیدترین تحقیقات به ویژه به گاهشماری زندگی بساریون مربوط می شود).

مارکوس یوجنیکوس افسینوس، گزارش کارهایی که او در کلیسای فلورانس انجام داد. Patrologia Orientalis 17. پاریس 1923 (I. PETIT, Documents relatifs au Councile de, Florence. Doc. XIV), pp. 443 [305)-449 (311).

MEHUS DE L.، از Mbrosius Traversari... latinae epistolae, II. 1759 فلورانس

MINCUZZI M., La dottrina theologica di Giovanni di Montenero. [1941] باری.

MOHLER L., Kardinal Bessarion als Theologe, Humanist und Staatsmann (Quellen und Forschungen aus dem Gebiete der Geschichte, XX, XXII, XXIV). I. دارستلونگ. Paderborn 1923. (اثر بنیادی). II. تهمت زن بساریون از Paderborn 1927. III. Aus Bessa- rions Gelehrtenkreis. کتاب چهارم افلاطون. پادربورن 1942. r

MONTFAUCON DE B., O. S. B., خاطرات ایتالیایی. پاریس 1702، ص 41-45.

— Bibliotheca bibliothecarum manuscriptorum n0va, I. Parisiis 1739, pp. 467-477. (کتابخانه بسا-رودخانه). 1

OMONT H., Inventaire des manuscripts grecs et Latins donnés à Saint-Marc de Venise par le Cardinal Bessarion en 1468. Revue des bibliothègues, IV. [59-1 ص « استخراج] 187-129 پاریس 1894، ص.

PALMIERI A., (هنر) (کاردینال) بساریون. DTC II (1910) 801-807. (بهترین منابع کتابشناختی) انجیر در جنبه های مختلف بساریون).

PASTOR von L., Geschichte der Päpste seit dem Ausgang des Mittellaters. I. Geschichte der Päste im Zeitalter der Renaissance bis zur Wahl Pius II Freiburg im Breisgau 1901, pp. 309-312; 409-411 (و جاهای دیگر). II. Geschichte der Päpste im Zeitalter der Renaissance von der Thronbesteigung Pius' II. bis zum Tode Sixtus' IV. Freiburg im Breisgau 1904, pp. 125-136; 393-396; 466-469 (و جاهای دیگر). (نه چند نشانه از ارزش فنرها).

RODRÍGUEZ F., S. I. Reuniones de confronte de Actas y entrega de textos en el Concilio Florentino. باشد Dios Ecclesiasticos 30 (1956) 439-458. (حاوی مطالب جدید بسیاری برای تاریخ شورا).

RUBEIS DE I. A. M., Dissertatio I historico-dogmatica de George Cyprio. MG 142, 47-142.

SADOV A., بساریون نیکائنوس. فعالیت او در شورای فراری-فلورانس، آثار الهیاتی و و در تاریخ اومانیسم (به روسی). پترزبورگ 1883.

SCHULTZE B., S. I., Fantinus Vallaresso. جزوه دستور شوراهای عمومی و اتحادیه فلورانس. CFDS II/2. 1944 رم

SYROPULOS-CREVGHTON، تاریخ واقعی اتحاد نادرست بین یونانی ها و لاتین ها، یا شورای فلورانس دقیق ترین روایت شمارش لاهه 1660.

VALENTINELLI I., Bibliotheca manuscripta ad S. Marci Venetiarum, I. Venetiis 1868. (Multa de Bes-ساریون در فصول مختلف مقدمه، به ویژه در فصل دوم، صص 10-25).

VAST H., Le Cardinal Bessarion (1403-1472). Elude sur la Chrétienté et la Renaissance vers le milieu du XV siècle Paris 1878. (بسیاری از مفیدترین آنها تکمیل یا حتی اصلاح شده توسط دیگران).

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

مقدمه

دی‌جی‌تالی شده توسط گوگل

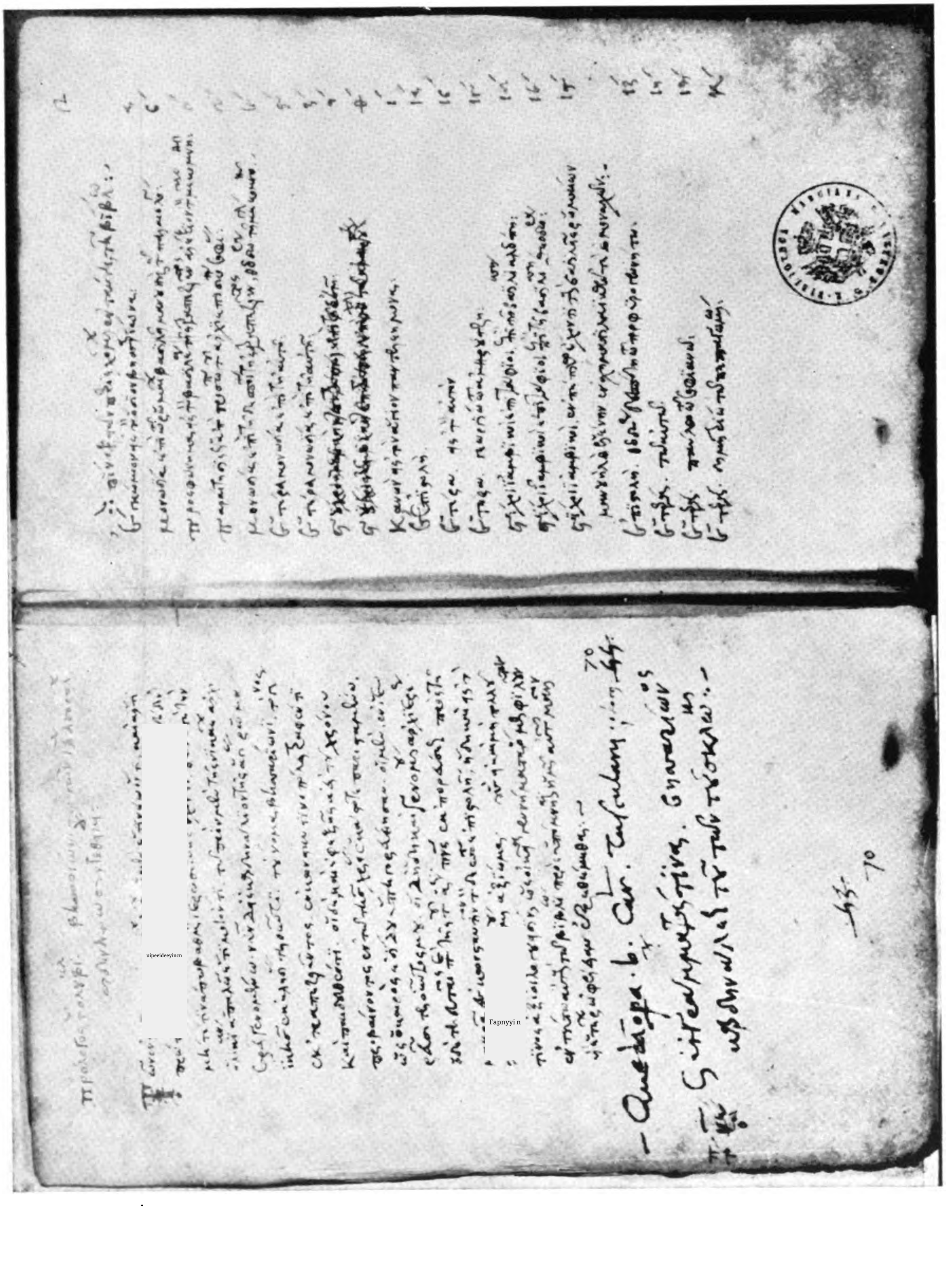
دیجی‌تالی شده توسط گوگل



شورای فلورانس 1 | VII جدول I

بنای یادبود در کلیسای SS. دوازده حواری، که در آنها
استخوان های کاردینال بساریون، که اخیراً به طور متعارف
شناخته شده است، در رونا نگهداری می شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل



دیجیتالی شده توسط گوگل

1. در قوانین یونانی شورای فلورانس، طبق مجموعه ما «شورای فلورانس، DOCUMENTA ET SCRIPTORES» ظاهر شد ()، او باید طبق ترتیبی که یک نویسنده یونانی به وقایع شورا داده بود، یک سخنرانی کامل از بساریون بزرگ را دنبال می کرد. که البته همیشه با عنوان "دعای جزمی" مزین شده است. " در این دوره موقت، Acta می نویسد - ... شاهزاده نیکائنوس، لرد بساریوس، در وسط یک سخنرانی در مورد اتحادیه، که به ده فصل تقسیم شده بود، با این کلمات ایراد کرد." و گفتمان کلامی از این نوع در آنجا — قرار نگرفت، قطعاً به این منظور که پس از آن باید از سایرین جدا شود و به شیوه ای انتقادی منتشر شود، به عنوان نوعی یادبود از برجسته ترین موارد مربوط به شورای فلورانس، نه تنها به دلیل پیوست های تاریخی، که توسط آنها هم تکمیل و هم تلفظ شده است، بلکه به دلیل همان جریان روحی عالی که از نظر روحی و معنوی در روحیه عالی است. به وضوح آن را توضیح داد و همچنین یونانیها، ملیها، که با متقاعد کردن آنها تا حد امکان مؤثر، همچنان در برابر همین موضوع اکراه داشتند.

و بنابراین، به خواست خدا، اکنون آن نسخه را آغاز می کنیم. اما ابتدا، طبق معمول، مقدمه مقدمه را انتخاب کرد که در آن ضمائم خطبه، تحلیل آن، اهمیت جزمی آن، و در نهایت استدلالی که در آن وجود دارد، که از کدهای نسخه خطی استخراج می شود، به ترتیب پیشنهاد می شود.

دعای جزمی" اضافه شد" - .I

2. و قبل از هر چیز به اوضاع و احوال آن زمان می پردازم و سپس به تمایلات شخصی خود بساریوس برای بیان صحیح خطبه خود می پردازم.

زمان اضافی

در مورد زمان مورد بحث، باید دانست که این سخنرانی پس از آن برگزار شد که یونانیان ("") تصمیم گرفتند که جلسات عمومی شورا دیگر جشن گرفته نشوند، زیرا فایده ای ندارد.

() رجوع کنید به Acta gr., p. 407. با این حال، مایلید توجه داشته باشید که همه - حداقل با قطعیت - قبول ندارند که خطاب بساریون در اصل در اعمال اعمال شده است. اما بر اساس چه دلایلی این را ادعا کردند و فکر میکنند که بعداً توسط PLUSIADENUS وارد شده است، من نمیدانم.

() بنابراین از آن جلسات خصوصی مختلف یونانی ها که از 30 مارس 1439، دوم هفته بزرگ، با پدرسالار و حتی گاهی با امپراتور جشن گرفته می شد، روشن است.

رجوع کنید به Acta gr., ص 399-407.

III

دیجیتالی شده توسط گوگل

در اداره امور کلی‌سای‌ی ملت خود آشکارا آن را نشان داد (). با این حال، او که ظاهراً قبلاً مورد لطف یوجین چهارم قرار گرفته بود، همانطور که پدرسالار به یونانی‌ان اشاره کرد («»)، سپس توسط ژولی‌ان سزارینی، که به نام یک نماینده ویژه توسط پاپ و خود پاپ عالی فرستاده شده بود، در 15 آوریل، چهارمین روز پس از هشتمین روز به معنای واقعی یونانی، به رقابت پرداخت.

موضوع بسیار مهمی در حال رسیدگی بود که مبادا شورا بیهوده برگزار شود، اما ممکن است به سرانجام مطلوب برسد. اما سرانجام، در نقطه‌ای، اختلاف با این توافق حل شد، به طوری که اگر «امپراتور را نمی‌توان به برگزاری جلسات [علنی] برای بحث و گفتگو وادار کرد»، ده نفر از لاتین‌ها و همین‌طور یونانی‌ها انتخاب می‌شدند که «هشت جلسه برگزار می‌کردند» () و ابزاری برای اتحاد پیدا می‌کردند، «مصالحه عقاید». از همه این‌ها، Acta Latina ساکت است، زیرا این چیزها اساساً بین آنها معامله نشده است. با این حال، آنها القا می کنند که یونانی‌ان در تمام ماه آوریل و مه بعد از آن سختی های کمی را متحمل شدند، «تا بدون سرخ شدن آنها، پایان روند روح القدس به وجود آید، تا دیده نشود که آنها بدون رنگ با حقیقت بیگانه بوده اند» (0).

زیرا حقیقت این است که دیگر وظیفه ما نیست که در اینجا کل تاریخ شورا را با جزئیات بیشتر بیان کنیم، زیرا برای ما کافی است که مطمئن باشیم که سخنرانی بساریون بلافاصله قبل از اتخاذ تصمیم نهایی در 15 آوریل اعلام شده است. در واقع، اگر اشتباه نکنم، فاقد ضمیمه زمان است، مخصوصاً به این دلیل که سخنور، هم با مثال خود و هم با کلمات ملی خود، همه را به تحصیل اس اس تشویق می کرد. آنها همچنان پدران خود را عمیق‌تر آموزش می‌دادند، و بنابراین، همانطور که بسیاری از یونانی‌ها امیدوار بودند، از کار خود دست بر نمی‌داشتند.

بنابراین، در 13 و 14 آوریل 1439، سخنرانی () در واقع در دو جلسه برگزار شد، زیرا هم اهمیت موضوع و هم توضیح کاملتر ارائه شده توسط بساریون آن را ایجاب می کرد.

() این به بسیاری از اعمال رسولان، v. Gr. نشان داده شده است. به صفحه 407: پس چه نیازی به نزاع و مناظره است شاهنشاه؟ . باز هم به ص. 409، زمانی که خود او به کاردینال سزارینوس پاسخ می دهد: "یا باید وسیله ای برای اتحاد یافت، یا دیگر بحث نمی کنیم. " و کمی بعد، ص. 411: ما به شما گفتیم که دیگر بحث نمی کنیم.

() Acta gr., p. 399

() این کنفرانس نمایندگان پاپ با یونانی‌ان در خانه پدرسالار برگزار شد که در آن زمان بیمار بود، اما هنوز به عنوان امپراتور حضور داشت. رجوع کنید به Acta gr., p. 408. آنها همراه با کارت، سفیران بودند. جولی‌ان سزارینی که امور شورا را کنترل می کرد، دو کاردینال دیگر، فرانسیسکو کوندولمر، برادرزاده یوجین چهارم، و دومینیکوس کاپرانیکا. اما همچنین بخشداران دیگری از لاتین ها، حدود ده نفر، با بقیه گروه مذهبی و غیر روحانی بودند.

(9) Acta gr., p. 411. متذکر می شوم که این هشت جلسه باید فی نفسه علنی می بود، مانند یک شورای کوچک در داخل شورای عمومی، اما در واقع به دلیل اقناع شاهنشاه و موافقت پاپ، جشن جداگانه برگزار می شد و به عدد ثابتی نمی رسید.

(5) بنابراین آندریاس از صلیب مقدس در آغاز روایت خود پس از جمع آوری فلورانس، ر.ک. Acta lat.. ص 223

(9) Acta gr., p. 407. ر.ک. همچنین G. Hofmann, S. I., Die Konzilsarbeit in Florena, II. OrChr Per 4 (1938) 382. - H. VAST (Le Cardinal Bessarion, Paris 1878, pp. 90-94) که فقط روز سیزدهم آوریل را برای سخنرانی نیکائئی تعیین می کند، اشتباه می کند. اما هم برای بساریون و هم برای جورج اسکولاریوس، که فوراً در مورد آنها صحبت می کند، و در واقع از اعمال اعمال، به نظر نمی رسد که او با Acta مشورت کرده باشد. او همچنین فقط سیزدهم آوریل را برای سخنرانی جزمی BRÉHIER L. (DHG VIII 1197) تعیین می کند. اما PALMIERI - من نمی دانم چرا ماه اکتبر (DTC II 805).

دیجیتالی شده توسط گوگل

پدران یونانی مشتاقانه منتظر پاسخ قطعی یوجین چهارم بودند که آیا باید جلسات شورای دولتی را ادامه دهند.

3. اکنون دشوارتر است که از تاریخ سیروپوس زمانی را تعیین کنیم که سخنان جزمی نیقیه ساخته شده است، اگر، با این حال، او قطعاً قصد دارد به آن اشاره کند، در حالی که در بخش 9، فصل 7، بساریون ما حیله‌گرانه بر استحکام شهادت‌های SS. او پدرسالار بیمار را نزد پدر معلم می آورد (). زیرا همه چیزهایی که در آنجا نقل شده است را می توان از گفتگوی دیگری از نیکیه که قبلاً انجام شده است فهمید. مطمئناً از آن، مطابق با مفهوم کامل کاتولیک، که در 8 آوریل، چهارمین روز از هفته بزرگ ذکر کرده است. زیرا در آنجا بساریون ما در حال بحث با Acta Graecorum پدرسالار در مورد چندین شهادت پدران برای عقاید کاتولیک ().

اما اگر اینها چنین باشد، در واقع باید به احتمال زیاد به این نتیجه رسید که در سیروپوس سکوت عمیقی در مورد سخنان جزمی بساریوس برقرار بود. با این حال، سیروپولوس در روایت همه چیزهایی که در میان یونانیان در مورد هفته مقدس و هشتم عید پاک رخ داده است، چیز مفیدی به ما می دهد. یعنی اینکه بتوانیم بگوییم که سخنرانی بساریوس مکان محتمل تری داشت، که اعمال اعمال در مورد آن ساکت است، در خانه ایلخانی، که تقریباً همه امور در حضور او انجام می شد، که در آن روزها اذهان همه را به شدت آشفته می کرد و خود — امپراتور اغلب به او مراجعه می کرد.

بلندگوی شخصی پیوست شده

4. اما این مسئله زمان کلی تر است; و به نظر می رسد که بررسی شرایط شخصی خود خطیب مشکل روانشناختی خاصی را در پیشگوی نیکیایی ایجاد می کند که ارزش تحلیل دقیق تری را دارد. در واقع، اجازه دهید به صراحت بگوییم، این یک تغییر بزرگ در یک مرد بسیار درست است.

در واقع، با توجه به آنچه که مدتها پیش در جایی دیگر به این موضوع پرداخته بودم («»)، بساریون ما، در ابتدای شورا، در جلسات فراری، نه تنها به عنوان سرسخت ترین مدافع غیرقانونی بودن افزودن " به نماد ظاهر شده است، که مطمئناً نمی توان آن را انکار کرد ()، بلکه به عنوان یک مخالف قوی "Filioque کاتولیک، خود را نیز به عنوان یک مخالف کاتولیک در نظر گرفت.
زیرا این قضاوت عادلانه ای نیست که در مورد مرد ما شکل بگیرد، مگر اینکه من اشتباه می کنم، مانند همه سران دین، قبل از اینکه او آشکارا جامعه کاتولیک را در پایان شورا بپذیرد.
در واقع، دیگر نمی توان شک کرد که خود او، قبل از اولین ورودش به ایتالیا، یا به طور کامل با دکترین رسمی کاخ خداحافظی کرده بود، یا حداقل فکر می کرد که باید آن را مظنون به ایمان تلقی کرد، همانطور که او برای آرامش خاطر با هموطنش مشورت می کرد.

(4) SYROPULOS-CREYGHTON, 258 .تاریخ واقعی اتحادیه نادرست. 9، 7، شمارش لاهه 1660، ص.

(3) رجوع کنید به Acta gr., p. 402-403.

(9) Em. CANDA, S. I., Bessarion of Nicaea در شورای فلورانس. OrChr Per 6 (1940) 417-466. رجوع کنید به
مخصوصاً ص 437-439.

() در جلسات ششم و هفتم فراری باید شرکت کرد، که در آن بساریون به تنهایی بار رد آندره رودس را بر عهده گرفت (رجوع کنید به Acta gr. pp. 138-160؛ Acta lat. pp. 46-56). من قبلاً در مطالعه خود به نام بساریون نیکائنوس توضیح داده بودم که دلایل او برای رد نشدن چیست. .. تا صفحه 434-435.

دیجیتالی شده توسط گوگل

او می خواست در نوشته های خود به اندرو کریسوبرگا کاتولیک اعلام کند ()؛ به‌گونه‌ای که موقعیت او که برای بسیاری در رابطه با پرسش‌های قصری شناخته شده بود، دلیل واقعی این بود که در نهایت گاهی توسط مردم خودش او را از ادامه‌ی بحث‌های نوویسیموس که توسط خود فراریا کارگردانی می‌باشد، منع می‌کردند. و چرا، برعکس، M. Eugenicus افسسی مجبور به تسلیم شد ().

5. با این حال، در مورد جزم تثلیث، در مورد حرکت روح القدس از پدر و پسر، نشانه های زیادی وجود دارد - نه شواهد روشن - که به وسیله آنها می توان نشان داد که بساریون نیکائوس، هنگامی که شروع به بحث با لاتین ها در شورا کرد، بسیار به درخواست های جدایی طلبان وابسته بود.

البته در آن دو جلسه ششم و هفتم در فرارا (1 و 4 نوامبر 1438) حتی اگر سخنان او تماماً در رد ادله آندریاس رودینسیس برای افزودن «فیلیوک» باشد; با این حال، ثانیاً، اما همیشه با عبارات صریح، او نادرستی جزمی خود اضافه را فرض کرد، همانطور که برای خواننده دقیق اعمال آشکار می شود. البته در این معنا می توان به موارد زیادی اشاره کرد ()؛ اما کافی است مکان مشخصی برای نشان دادن آن بیاوریم. زیرا او در جلسه ششم چنین گفت: «ما می گوییم که نه تنها کلمات (اضافه) متفاوت است، بلکه شیء نیز متفاوت است، علاوه بر این، این صدای واحد روح از پدر می آید، اما از پدر و پسر، دو صدا وجود دارد که یکی هستند، بنابراین دو صدای مخالف دارد:

دیگری، در واقع، طبق نظر هر دو [لاتین ها و یونانیان]، نادرست است [البته از اعمال لاتین، روح از پدر خارج نمی شود]. اما دیگری [البته همچنین از اعمال لاتین -، روح از پسر سرچشمه نمی گیرد]، فقط از نظر ما صادق است.» (). با این اعتراف چه چیز واضح‌تری می‌توان تصور کرد، تا بتوانیم به درستی تأیید کنیم که بساریون نیقیه، در آغاز شورا، با روحیه‌ای کاملاً بر خلاف عقاید کاتولیک عمل می‌کرد؟ (0).

(4) نگاه کنید به همان کلمات بساریون، پر از جاذبه، همانطور که در نامه کریزوبرگ -، در Em. CANDAL، S. I.، نامه ویرایش نشده از اندرو رودیا به بساریون، OrChrPer 4 (1938) 346-348.

() رجوع کنید به Em CANDAL، بساریون نیقیه. .، صص 429-431; و همچنین همان، مجموعه مقالات بحث از آخرین در شورای فلورانس. OrChrPer 19 (1953) 309، یادداشت 2 و 311.

(3) رجوع کنید به، پیشین. gr.، که در اعمال یونانی در صفحه وجود دارد. 142-143، جایی که با فرض داده شده است، اما پذیرفته نشده است، "و برای پسر توضیح نماد برهنه است؛ و به همین ترتیب آنچه در زیر خوانده می شود (صفحه 149)، که قبلاً به وضوح گفته شده است که حاوی آن اضافه اضافی از نماد ایمان است: زیرا او می گوید هر دو صدا متفاوت است و چیزها متفاوت است. —

در مورد موضوعی که حرف زیادی برای گفتن هست... .

() Acia gr., pp. 149-150; Acta lat., p. 49.

(3) بنابراین، به نظر من، L، اشتباه است. MOHLER, I. pp. 213-218، که فکر می‌کند عذرخواهی بساریون برای بکو علیه گریگوریوم پالاما قبل از آغاز شورای فلورانس توسط او نوشته شده است. او توجه کافی به cl. نویسنده به تناقض ذاتی ادعای خود که صرفاً بر اساس دلایل فرضی استوار است، با این واقعیت، کاملاً قطعی، ترتیب نویسنده، که در آغاز شورا، با تمام قوا به عقاید کاتولیک حمله کرد. در واقع، کل این سؤال مدتها پیش مورد توجه قرار گرفته بود و نویسنده ارتدوکس A. SADOV (Bessarion Nicaenus، اقدام او در شورای فراری-فلورانس، کار الهیات و اهمیت در تاریخ اومانیسم (به زبان روسی) .Petersburg 1883, pp. 55-57) وقتی فعالیت های Bessarion CESSIONAL، CESSIONAL را بررسی کردم، برای من آورد. نیقیه

صص 431-433. من سعی کرده ام در یادداشت ها روشن کنم که استدلال های مخالف لوئیس مولر چه وزنی دارند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

6. با این وجود، این طرز فکر در بساریون برای مدت طولانی بدون تغییر باقی نماند.
هشت جلسه دیگر فراری سپری شد (')، روز 27، 18، 11، 8 .sc نوامبر، 4، 8، 13 و 10 ژانویه، قبل از اینکه شورا به دلیل طاعون به طور متعارف به شهر فلورانس منتقل شود. در واقع، همه این جلسات، به جز جلسه آخر، که شامل اعلام رسمی ترجمه شورا بود، در طولانی ترین بحث های M. Eugenicius افسوسی، و همچنین Symbol اسقف فورولیوی، و کاردینال جولیان سزارینی، تنها در مورد موضوع .O. F. M، از پیران Aloysius بحث کردند. اما در همه آنها، بساریون ما ساکت بود، یعنی اگر وقفه های بسیار کوتاهی که با سخنرانی های آنها در میان است، علناً استدلال نمی کرد، که بیشتر به مردی خیانت می کند که هنوز با استدلال های طرف مقابل قانع نشده است ().

اما یک بار در این وقفه ها، به نظرم می رسد که او قبلاً چیزی را پذیرفته است، که از آن می توان گفت که سرسختی در قضاوت او، که هنوز موضوع جزمی را به شیوه ای کاتولیک ارزیابی نکرده بود، تا حدودی شروع به تزلزل کرد. در واقع، پس از سخنرانی طولانی اسقف فورولیوینس در جلسه هشتم، در 8 نوامبر ()، و پس از آن مداخله عالی کاردینال سزارینی، که به عنوان متخصص ترین در قوانین شرعی، به درستی همه آنچه را که گفته بود مطابقت داد تا درک دقیقی از قوانین کلیسایی داشته باشد، که در قدیم هر سخنران را ممنوع کرده بود، هر گونه اضافه کردن به purcas را ممنوع می کرد. ستایش صمیمانه، اما کاردینال سزارینی تا آنجا که ممکن است. اما بهتر است سخنان خود بساریوس را نقل کنیم. و بنابراین، "با احترام، سرورم."

گفت، البته همه بحث ها و گفتارهای هر دوی آنها بسیار خوب و عاقلانه بیان شده است، مخصوصاً بحث هایی —— که بالاخره از طریق پدری شما انجام شده است، و به احتمال زیاد هدف را برآورده کرده است. شما چیزهایی را که مربوط به موضوع بود لمس کردید. .، و شما هیچ چیز را رد نکردید... بنابراین ما فکر می کنیم که بیش از آنچه شما گفته اید [خود سزارینی، درک کنید] برای ما انجام می دهد" ().

بنابراین بساریون پذیرفت که سزارینوس چیزهای خاصی را مطرح کرده است که با توجه به توضیحاتی که در مورد مفهوم کلیسای آنها داده شده است، خود یونانیان به راحتی نمی توانند آنها را رد کنند. زیرا از شما میخواهم که به سخنان نیقیه توجه کنید: «تمام آنچه شما گفتید بهترین کار را برای مقصود انجام میدهد، اما از این قبیل است که بیشتر آنها برای ما انجام میدهند، یعنی میتوانند به نظر ما توضیح داده شوند».
بنابراین حداقل چیزهای خاصی وجود دارد که هر کسی می تواند نتیجه بگیرد - که نه برای یونانی ها، بلکه برای توضیحات لاتین ها از پسر.

7. همانطور که من فکر می کنم، مطمئناً باید ادعا کرد که درست ترین قضاوت بساریوس از این لحظه روانی و جدی شروع به تغییر کرد و متعاقباً همان دلایل از هر دو طرف مطرح شد.

() G. HOFMANN S. I. خلاصه ای از همان توصیف را به شما ارائه می دهد (Acta Latina Concilii Flo-Yentini. CFDS VI, Introd. pp. XXII-XXIV).

(9) آنها فقط یک، اگر اشتباه نکنم، Acta Graeca (ص 186) را ذکر می کنند، اما چندین مورد دیگر را در Acla Latina (مثلاً، صص 63-64، 73، 76، 81، 114).

(3) Cir. Acta gr., pp, 161-176; Acia lat., 72-56 ص.

(4) Acta lat., p. 76. در عین حال سزارینی جسارتی دارد، زیرا با وجود اینکه بسیار گفته است، اما به اختصار گفته است. سپس بساریون می خواهد که اینها را کتباً به یونانیان داده شود، مخصوصاً دلایل کاردینال، تا به آنها اجازه داده شود که با آرامش موضوع را بررسی کنند و پاسخی مناسب تهیه کنند. (Cr. همچنین Acla gr., p. 186 که در آن کمتر به صراحت همین مطلب بیان شده است).

دیجیتالی شده توسط گوگل

که او با سکوت خود فکر می کرد که در برابر تعصبات مقاومت می کند، و در شورای‌ی که قبلاً در فلورانس تأسیس شده بود، زمانی که دیگر در مورد اضافه کردن برهنه به نماد نبود، بلکه در مورد آشکار شدن حقیقت خود جزم بود، که در تمام هشت جلسه او شهادت های پدران را از نظر دینی سنجیده بود و در نهایت همان سگ کاتولیک بسیار مناسب بود. سپس، همانطور که قبلاً در ماه های آخر فراری انجام داده بود، بدون شک در جلسات فلورانس نیز عمداً سکوت کرد.

اما این مانع از آن نمی‌شود که در سخنرانی‌ها وقفه‌هایی ایجاد کند تا در بیشتر موارد توضیح دقیق‌تری از چیزها داشته باشد () و حتی گاهی اوقات برخی از آن‌ها را که گفته می‌شد بیشتر برای یونانیان است (). هماناً نوسان خود حکم که اکثر انساني است در جدي ترين چيزها در اينها مشاهده مي شود; اما در واقع به راحتی، به طوری که هیچ کس جرات نمی کند بگوید که انتقال او به کلیسای کاتولیک نتیجه یک سبک ذهنی خاص است (). —

8. برعکس، غیرت اوین شدیداً او را وادار کرد تا با تلاش و کوشش طولانی مدت، خود را تماماً وقف اعطای انطباق با پدران شرقی با پدران غربی کند که امتناع از آنها اشتباه بود. زیرا در آن هشت جلسه — فلورانس، لاتینی‌ها از طریق جان مونتنرو شهادت‌های پدری بسیاری آوردند، و آنها را توضیح دادند، و آنها را که لاتین بود، به صورت مکتوب برای مطالعه خصوصی به یونانیان سپردند (4). اما ثمره این کار پرانرژی یک دانشمندترین مرد را بدون شک باید گفتار جزمی درباره اتحادیه دانست که اکنون منتشر می شود و در این ستایش گسترده ترین است، البته برای نشان دادن رضایت پدران هر دو کلیسا، شرقی و غربی، که تا حد امکان شکوفا می شود.

از این رو خود نیکائوس عمیقاً تحت تأثیر این عقیده قرار داشت، زیرا هنوز آشکار نبود که پدران با تمام قوم خود به طور مساوی موافق بودند، حتی پس از آخرین جلسه 24 مارس، یعنی از فلورانس، جایی که بین یونانی ها و لاتین ها در مورد موکب روح القدس بحث شد، او واقعاً تصمیم گرفت که به زودی به کشور خود بازگردد و به زودی این بحث را به پایان برساند. و بلافاصله در آشفته ترین

() رجوع کنید به Acta gr., v. Gr. ص 265، در جلسه دوم (2 مارس); یا ص 294، در جلسه سوم (5 مارس).

) از gr، در جلسه ششم (23 اسفند): Acta gr., p. 345

(3) منقطع دیگری از آن در Acis greicis، ص 292-293 وجود دارد که در مکان موازی اعمال lat. (ر.ک. ص 153) این واقعیت را منعکس نمی کند که سخنان بساریون به خود مارکوس اوژنیوس نسبت داده می شود که در آن زمان صحبت می کرد. تمام این قطعه در اعمال رسولان lat. موارد تازه منتشر شده از ns به خوبی خوانده نشده اند. به نظر می رسد؛ برای خواندن واقعی کد مالیات بر ارزش افزوده لات

4119، پیش. 91r، به نظر می رسد این است: EPHESINES. بر حسب عقل ما.. هر شخصی با عقل از جوهر خود متمایز می شود. بنابراین، آنها زمانی که خود شخصاً توسط خودشان تشکیل می شوند، توسط شخص در امر الهی متمایز می شوند. استانی با چه وسیله ای؟ این اموال همان شخص است یعنی پدری و پدری؟. اما یادداشت BES-SARION در آنجا به درستی از تمایز اشخاص در الهی از ذات صحبت می کند.

(4) فهرستی از تمام نقل قول‌هایی که در این جلسات آورده شد توسط G. Hofmann, S. I., Die Konzilsarbeit in Florenz, I. OChrPer 4 (1938) 170-187 به دقت گردآوری شد.

) با اطاعت از سخنان ایزیدور کیوویا، با اراده یونانیان برای عزیمت به کشور خود مخالفت کرد و موضوع را ناتمام گذاشت BESSARION () نک : Acta gr. pp. 399-340). علاوه بر این، برای قطع جلسات، فرصت ویژه ای به خودی خود در غیاب روزهای مهم هفته در آن زمان، که یونانیان از پاپ خواستند جلسات شورا را متوقف کند، به اختیار خود فراهم شد. رجوع کنید به Acla gr., p. 399: بنابراین پدرسالار ما کسانی را فرستاد که به پاپ می‌گویند جلسات را برای کل هفته اصلی تعلیق کنند تا این کار انجام شود.

انجام این کار باعث خوشحالی پاپ شد . . .

دیجیتالی شده توسط گوگل

در آن جلسات یونانیان، از اواخر ماه مارس تا 11 آوریل، بسیاری از آنها از پیشنهاد امپراتور تردید نکردند ().

9. بنابراین، بدون مشورت با این نقشه یونانیان، بساریون را دو برابر کردند، به هیچ وجه موافق نبودند.

در اعمال رسولان مشخص است که او متوقف شد

و به همین دلیل است که ما او را قبل از هر چیز طرفدار و آشکارا موافق با همکار خود ایزیدور کیوویی می دانیم، I زمانی که شاهزاده روتنی به شدت با بازگشت شرقی ها مخالفت کرد، زیرا اتحادیه ساخته نشده بود (). و علاوه بر این، روشن شد که چرا از همان اولین کنفرانس در 30 مارس، بساریون از اکراه‌ترین افراد در برابر افسوس که عمیقاً در قلبش ریشه داشت، یعنی توافق پدران را ترغیب کرد، زیرا این موضوع با ذهنی یکسان و بدون علاقه طرفین، روز به روز روشن‌تر در نظر گرفته شد.

زیرا هنگامی که مارکوس افسیوس تمام علت انشقاق را بر سر لاتینیان گذاشت و گفت که آنها نیز بدعت گذار هستند به دلیل افزودن «پسر»، بساریون هجوم آورد: «آیا کسانی که ادعا می کنند روح القدس از پسر سرچشمه می گیرد نیز بدعت گذار هستند؟» - افسس: بیشتر از همه. — او گفت — خود نیکائوس: خدایا به من رحم کن! و اولیا [شرقی و غربی] که این را می گویند بدعت گذارند؟ (). سپس خطاب به تمام گروه یونانی‌ها، گویی مقدمه‌ای برای «دعای جزمی» می‌سازد که مدت‌ها بود در فکر انجام آن بودند، «اما شما با قلبتان گوش می‌دهید». قدیسان شرقی و غربی تفاوتی ندارند، اما همان روح القدس در همه مقدسین صحبت می کند. و اگر می‌خواهد نوشته‌هایشان با یکدیگر مقایسه شود، و بدین‌سان اولیای الهی متفق القول یافت می‌شوند» ().

البته، این کاملاً به این دلیل است که او پس از چند روز به طور کامل رشد می کرد، و با مقایسه ای بسیار گسترده با نهادهای پدران، او می خواست هویت آموزه هر دو کلیسا را به وضوح ثابت کند تا جزم حرکت روح القدس الهی را اعلام کند. اما قبل از اینکه طلوع روزی مناسب را برای آن خطبه بزرگ ببیند، اجازه نمی دهد زمان به هیچ وجه تلف شود. در واقع، با توجه به این فرصت، او قدرت فرمول "از طریق پسر" را مورد بحث قرار می دهد و آن را برای نشان دادن حرکت ابدی روح بسیار مناسب نشان می دهد، و با افشای این موضوع که "چندین قدیس از آن صدا استفاده می کردند" در آموزه تثلیث، و "به ویژه تاراسیوس بزرگ"، از آن دفاع می کند.

اما با خشم کامل اعتراض مارکوس اوژنیوس را که با هر روش کاملاً علمی رد شده بود رد کرد. افسس گفت: «و چه کسی می‌داند که آیا این کتاب‌ها توسط آنها خراب شده است؟

(4) قضاوت امپراطور در این مورد با سخنان قبر او در 11 آوریل در شب زنده داری روز یکشنبه در الطبیس بی چون و چرا می شود: پس چه نیازی به نزاع و مناظره و برهان و سوگند و شهادت؟... اگر راه دیگری برای آشتی وجود دارد، با هم متحد شویم. اگر نه، ما با صلح به کشور خود خواهیم رفت، Acta gr., p. 407. و متوجه شدید که خود او سپس ذهن خود را به روی نمایندگان گشود تا آنها فوراً یوجین چهارم را از آن مطلع کنند.

(9) Acta gr., pp. 399-400: که وقتی او (ایسیدوروس]... به این نظر گفت، شاهزاده نیکائنوس، لرد بساریون، بسیار عاقلانه و شفاف، با همان کلمات و همان نظر استدلال کرد).

(3) Acta gr., 401-400 ص.

(4) همان، ص. 401

(6) این چیزها در اول آوریل، چهارشنبه هفته مقدس اتفاق افتاد. رجوع کنید به A cta gr., p, 402. سپس شهادت های تاراسیوس در خود سخنان جزمی گردآوری شده است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

و چه کسی جرات دارد این را تأیید کند؟ نیکائوس پاسخ می دهد -. کل خطبه ها، شرح های اناجیل، کل روایات کلامی در همان؟ یقیناً اگر بخواهیم آنها را از کتاب ها پاک کنیم، جز فیلم های سفید چیزی در آنها باقی نمی ماند» (1).

قبلاً در آن روزها، همانطور که از آنچه گفتیم مشخص است، بساریون بزرگ از بخشهای کلیسای کاتولیک محافظت می کرد. با این وجود، پس از بیان این ویژگی های سخنان او، اجازه دهید، همانطور که فکر می کنم، به درک درستی از آن بپردازیم.

II. - تحلیل ایدئولوژیک «نماز»

10. این یادگار عالی از دانش الهیات، و همچنین نشانه ای از پختگی و کار منحصر به فرد نبوغ، برای آن دسته از نویسندگانی که هر زمان با بساریون سروکار داشتند، به خوبی شناخته شده بود. و در واقع، آنچه دیگران در مورد او متفاوت فکر می کردند، به اتفاق او را ستودند ().

با این حال، اکنون لازم است که کل پیوند ایده ها و سلسله استدلال های این خطبه را توضیح دهیم و مراحل مختلفی را طی کنیم که خود بساریون به هدف خود رسیده است. اما ما خواهیم دید که آن را به طور برجسته در همخوانی پدران هر دو کلیسا بیان کرده است.

بنابراین، این گفتار جزمی بزرگ در باب اتحاد، به غیر از آغاز (شماره 1) () شامل ده فصل است که به نظر من به راحتی به دو بخش یا بخش تقسیم می شود. اولین مورد از اینها (فصل 1-4؛ شماره 2-19) به سمتی گرایش دارد که با توجه به موقعیت واقعی یونانیان در آن زمان، که در آن زمان درگیر آن بودند، پس از بحث های بسیار در شورا، نشان می دهد که تنها راه ایجاد اتحاد عبارت است از بررسی پدران، که همگی با هدایت یک روح، همیشه همان چیزها را به غرب و همچنین به شرق آموخته اند. بعد بلافاصله می آید، گویی در یک مسیر هموار، قسمت دوم و طولانی تر سخنرانی (فصل 5-9؛ شماره 20-70)، که در آن اکثر SS.

شهادت های پدران به ترتیب شگفت انگیزی تنظیم شده است، به طوری که از آنها، یک فرمول یا فرمول دیگری که جزم حرکت روح القدس را اعلام می کند، نباید توافق همه آنها به روشن ترین شکل پنهان شود. در نهایت، در انتها یک سوراخ مناسب تر اضافه می شود (فصل 10; خواه 71-79)، به طوری که برخی از دشواری ها و تعصبات عملی، به اصطلاح، که می تواند عمل اتحاد را دچار بحران کند، به طور کامل برطرف شود.

با این حال، اکنون باید به تفصیل به این تقسیم بندی ها بپردازیم.

(") Acta gr.، 401 ص.

() ایده کلی سخنرانی به اختصار توسط H. VAST (Le Cardinal Bessarion, PP. 90-93 با توجه به روشی که سخنور به وسیله آن پیش می رود، توسعه داده شده است. هنوز کوتاه‌تر، و همانطور که قبلاً اشاره کردیم، فکر می‌کنیم که این سخنرانی باید بعد از «A pologiam pro Becco conlya Palamas» قرار گیرد، می‌گوید I. MOHLER، I، pp. 218-220 (ر.ک. نیز پیش از این، صص 159-165). به طور کامل تری نیروی هر فصل از خطبه را نشان می HEFELE-LECLERCQ (Histoire des Conciles, VII. Paris 1916, pp. 998-1000) دهد. اما به طور دقیق تر، بسیار کوتاه، G. HOFMANN, S. I. (Die Konzilsarbeit in Florenz, II. OrChrPer 4 [1938] 382-383; به طور خلاصه، او کل ترتیب سخنرانی را ارائه کرد و چندین استدلال از آن را مرور کرد. CANDAI., S. I. (Bessarion Nicaenus in the Florentine Council. OrChrPer 6 [19401 439-455).

(3) از این پس به اعداد اصلی به این ترتیب اشاره می‌شود که بر حسب ضرورت به متن خطبه اضافه کردم وقتی در ms. بگذارید همه چیز به طور مداوم در رمزها نوشته شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل

نبوت

11. ExoRDIUM دعا (شماره 1) بسیار کوتاه است. صلح و توافق بزرگترین موهبت در میان همه به حساب می آیند.
در عوض، پیروان مسیح باید با نشان عشق متقابل مشخص شوند، به طوری که آنها را در همه جا با این امر می شناسند، و از
سوی دیگر، اگر طوری رفتار کنند که گویی دشمن یکدیگر هستند، سزاوار تحقیر می شوند.
این، در واقع، یافت می شود؛ اما تنوع و اختلاف در انتخاب ابزار اتحاد است. از این رو خطیب کمربند خود را می بندد
تا پاسخ دهد و با تکیه بر این امید که آن چیزهایی که از همه پسندیده تر است از سوی او پذیرفته شود.

بخش اول

12. سپس بلافاصله بخش اول سخنرانی، که شامل چهار فصل است، به گونه ای منظم تنظیم شده است که به
یکدیگر نیاز دارند، و به نظر می رسد که همه با هم پایه محکم تری برای بقیه سخنرانی تشکیل می دهند.

فصل اول

علاوه بر این، شما می گویید که فصل اول (شماره های 2-7) با تزیینات شگفت انگیزی تزئین شده است.
از نظر نیکائوس، که به علل اختلاف بین کلیساهای شرقی و غربی می پردازد، در آغاز به مواردی می پردازد که
ممکن است به نحوی شنوندگان یونانی را به خود جلب کنند. البته (شماره 2)، علت شکاف به طور کلی باید در
اضافه کردن نماد توسط 50 آتین، با حمایت یک پاپ روم، بدون مشورت با یونانیان، قرار داده شود. حتی بیشتر از
آن (شماره 3-4)، زیرا همیشه در میان پدران باستانی کلیسا غالب بوده است، فهرست کردن و بررسی تفاوت های
عمده ایمان و اکتشافات بدعت گذاران با مشورت مشترک همه در کلیساهای جهانی. او گفت بنابراین ما (شماره 5)
به درستی از لاتین ها عصبانی به نظر می رسیدیم، زیرا هنوز بهانه های آنها را نمی دانستیم. با این حال، در حال
حاضر ما "بسیار گسترده" فهمیدیم که آنها چه پاسخی دادند و با چه توافقی خود را از ایرادات خلاص کردند () و ما
در شورای کلیسایی هستیم که لاتین ها اصلاً آن را رد نمی کنند و علاوه بر این، در مورد اضافه کردن، حتی اگر
پذیرفته شده باشد که آنها در زمان های قدیم اشتباه کرده اند، کار دیگری نمی توان کرد، اما در مورد این موضوع.

() خود بساریون، زمانی که کمی بعد از شورا کاردینال کلیسای کاتولیک شد، همه این دلایل را در یک بدنه منظم جمع آوری کرد و با
توضیح مختصری قدرت آنها را نشان داد، تاریخ شورای فلورانس را در خلاصه ای به مرد برجسته الکسیوس لاسکارین
فیلانتروپینوس منتقل کرد. رجوع کنید به BESSARION، De processione Spiritus Sancti، در MG 161, 344 B-356 B. در واقع، در این
اثر، BESSARION به وضوح اعتراف می کند که یونانی ها در بحث های مربوط به اضافه از لاتین ها شکست خوردند، به طوری که آنها
بسیار ترسیدند وارد بحث دیگری درباره جزم شوند، اما هرکس می خواست از زبان یونانی به زبان لاتین خود را ترک کند. برای بازگشت
به کشور خود (همان، 353 D-422c).

دلایل I,atians را نیز می توان در قوانین شورا به شیوه ای کم و بیش سازمان یافته یافت، همانطور که توسط آندریا کریسوبرگا (
Acta gr., pp. 91-137; A cta lat., pp. 52-55) و توسط ALOISIO FOROLIVIENSI، c.16,17-17,17,17, 17, 17, 16, 17, 17, 17, 13, 13, 13, 1393
توضیح داده شده است. لاتین، صص 56-72). - بهترین جلسات فراری، که در آن این دو سخنور برای لاتین ها صحبت کردند، خلاصه ای را در G.
HoFMANN, S. I, Die Konzilsaybeit in Ferrara, II ببینید. OrChrPr 3 (1937) 431-435 و 444-439.

دیجیتالی شده توسط گوگل

در ضمیمه‌ای محتوا باید درباره‌ی جزم‌ها بحث کرد، که شاید چیزی درخور مخالفت نیابیم ().

راه حلی وجود دارد که لاتین ها بدون علت دچار تفرقه نشوند: یعنی (شماره 6-7) خود را مجدانه وقف جستجوی حقیقت کنیم، معلمان مقدس را زیر سوال ببریم و دوست داریم در همه چیز به عنوان راهنما از آنها پیروی کنیم ().

فصل دوم

13. و بنابراین، با وارد شدن به میانه موضوع با این سخنان، او پایه تزلزل ناپذیر بقیه خطبه را بر اساس فصل دوم (شماره 8-14) پایه گذاری کرد: همه معلمان کلیسا، شرقی و غربی، اگر قرار است آنها را مدعی ایمان تلقی کنند، باید همیشه به نظر برسند که با یکدیگر موافق هستند.

ترتیب ایده هایی که با آن نشان داده می شود ساده ترین است. استدلال، قوی و واضح.

زیرا وعده مسیح، الهام بخشیدن به واعظان ایمان با سخنان راست، فقط برای رسولان (شماره 8) نبود، بلکه برای دیگرانی نیز بود که در طول اعصار، خود ایمان را به ملت‌ها خواهند رساند. و هیچ کس به درستی نمی گوید (شماره 9) که پدران و معلمان ما، جانشینان رسولان، مخالفان یکدیگر را بیان می کنند. زیرا بدیهی است (شماره 10) که بدعت گذاران معلمان خارج از کلیسا هستند.

به این ترتیب، پدران در شوراها (شماره 11) عمل می کردند و جزمات را بر اساس استدلال های خود اعلام نمی کردند، همانطور که در میان فلاسفه مرسوم است، بلکه با حمایت مقام پدران قبلی و نامه های مقدس. از این رو لازم بود که آنها همیشه و خودشان با خودشان و پیشینیان مطابقت داشته باشند.

از این رو دمشقی (شماره 12) از همخوانی ایمان، مانند آنچه در پدران یافت می‌شود، دفاع می‌کند، و تاراسیوس نیز بارها و بارها از آن دفاع می‌کند، در همان زمان و هفتمین شورای جهانی، نیقیه دوم (شماره 13)، زمانی که آنها می‌دانستند که همه از یک روح در کلیسا دمیده شده‌اند.

آنها معلم هستند

اما از آنچه گفته شد، واقعیتی به دست می‌آید که به طور مفصل مورد توجه قرار می‌گیرد (شماره 14): یعنی اینکه جانشینی طولانی و درخشان از پدران نه تنها در کلیسای شرقی مسیح، آتاناسیوس، من می‌گویم، ریحان، گرگوری، کریزوستوم، سیریل، ماکسیموس، تاراسیوس و بقیه وجود داشته است.

بلكه مشهورترين آنها در نواحي غرب كه مثلاً هيلاري، آمبروز، آگوستين، ژروم، داماسوس، گرگوري ايوك نامهايشان است، بدانند كه هر يك از آنها بزرگ ناميده شده است. آیا همه این پدران که برای استقرار ایمان، از هر طرف این همه زحمت کشیدند و استقامت کردند، ایمان را به آیندگان ندادند؟ به هیچ وجه، اما همه آنها "با یک روح صحبت کردند."

فصل سوم

14. در عوض، سخنور، با تکمیل گام بسیار قدرتمند دیگری در استدلال خود، در فصل سوم (اعداد 15-17) اظهار می دارد که بنابراین ضروری است که همه حقایق را بیان کنند، حتی اگر گاهی به نظر می رسد که خودشان خلاف آن را آموزش می دهند.

() در اینجا جدی ترین کلمات برای شما آمده است: و ما تا آنجا که ممکن بود به ملاقات برخی از سخنان آنها (لاتینیان) رفتیم. اما برای بسیاری از چیزهای راحت‌تر و تأییدکننده‌تر نظر آنها، ما اصلاً هیچ حرفی نزده‌ایم، و شاید هم چیزی شایسته‌ای که بتوانیم درباره آن صحبت کنیم، نداشته‌ایم.

() عادل ترین نیکائنوس احساس می کند که بزرگترین مشکل اخلاقی بر او تحمیل می شود، زمانی که مجبور است صحبت کند تا بتواند آزادانه صحبت کند. اما او نشان می دهد که برای دفاع از حقیقت آماده است تا از بدگویی ها و خطرات رنج ببرد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

در واقع، آن تناقضی که شاید بتوان در نظر گرفت، که در فرمول های مختلف برای نشان دادن سیر روح القدس یافت می شود، مانند «از پدر به واسطه پسر» و «از پدر و پسر»، اصلاً تناقض واقعی نیست (شماره 15). اما راه حل درست را باید در این موارد جستجو کرد. و بیش از این، زیرا اگر این فرمول ها به گونه ای متناقض بیان می شد، باید انجام شود، به طوری که از یک طرف "از طرف پدر و پسر" و از طرف دیگر از طرف پدر و نه از طرف پسر به نظر می رسید. زیرا بسیاری از اینها حتی در حروف مقدس (شماره 16) یافت می شوند، که در نگاه اول متناقض هستند، در واقع با کامل ترین معنای حقیقت مطابقت دارند ("").

بنابراین، نتیجه همه اینها (شماره 17) این است: اگر چنین چیزی در پدران ظاهر شد، باید سعی کنیم نشان دهیم که آنها از نظر موضوع هیچ اختلافی با یکدیگر ندارند. اما ما فقط باید به دنبال ابزار به دست آوردن آن باشیم، همانطور که به زودی در مطالب بعدی روشن خواهد شد.

فصل چهارم

15. البته، این گونه است که آخرین مرحله استدلال در فصل چهارم (تعداد 18-19)، جایی که بساریون یک اصل تزلزل ناپذیر دیگر از هر روش علمی را بیان می کند: این که باید از چیزهایی که آشکار است، به ناشناخته ها، و با چیزهایی که واضح تر هستند، به چیزهایی که کمتر واضح هستند، ادامه داد.

بنابراین، اگر در موضوع پیشنهادی (شماره 18) چیزی مبهم‌تر در پدران بیان شود، باید آن را با موارد قبلی صادق بدانیم، باید با نظرات روشن‌تر دیگران روشن شود. اما «به نظر من، نیکائوس (شماره 19) می گوید، پدران شرقی و غربی هر دو به روشنی صحبت کردند، و همه حقیقت ایمان را به ما تحویل دادند... با این حال، مسلم است که شرقیان در مورد حرکت روح القدس به اندازه غربی ها به وضوح صحبت نکردند. سپس آن قاعده روشمند باید اعمال شود و باید فکر کرد که فرمول های معلمان شرقی باید با ویژگی دیگری از پدران غربی مطابقت داشته باشد که خود آنها این ایمان تثلیثی را "بسیار آشکار" توضیح می دهند.

با وجود این، بساریون برای گذراندن به بخش اصلی خطبه بیان می کند که می توان به او نشان داد که حقیقت عقاید کاتولیک را می توان به وضوح حتی در میان پدران شرقی، بدون مقایسه با لاتین ها نشان داد.

بخش دیگر

16. تا کنون خطیب نیکائوس استوارترین پایه‌های آن عمارت بزرگ الهیاتی را در اطراف صفوف روح‌القدس بنا نهاده است، که گام به گام در طول بقیه سخنرانی‌های گسترده‌اش برمی‌خیزد.

و این قسمت دوم با پنج سر تکمیل می شود که آنقدر خوب در میان یکدیگر چیده شده اند که جدا از این که به نظر می رسد یکی خود به خود از دیگری جاری می شود و آن را کامل می کند، کل

) هشت آیه از اناجیل و حواریون ذکر شده است که در آنها تناقض ظاهری به خودی خود حل می شود. همچنین کنایه از گذرگاه خاصی از سنت سیریل اسکندریه، کلمه «علت» در موکب های الهی، علیه دیگر پدران شرقی است که آن را رد می کنند. سپس همه این نقل قول ها به صورت جداگانه در زمان خود ارجاع می شوند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

بررسی موضوع مورد رسیدگی، که ممکن است از قلم افتاده باشد، باید مجموعه ای از آنها را ارائه دهد. در واقع، ابتدا یک مبنای فلسفی استدلال ارائه می شود، تا بتوانیم به درستی تصدیق کنیم که حرف اضافه از طریق در فرمول «از پدر بوسیله پسر» واقعاً دلالت بر علت دارد. پس از آن، معابر SS نشان داده شده است. پدرانی که از این فرمول حرکت ابدی روح القدس استفاده می کنند باید واقعا درک شوند. که بلافاصله، در وهله سوم، قدرتی از همخوانی که این محلات حفظ می‌کنند، با بال‌های پدران نیز اضافه می‌شود، که صریحاً از فرمول واضح‌تر «از پدر و از پسر» برای نشان دادن همان صفوف استفاده می‌کنند. چهارم، حتی بیشتر به این دلیل که آنها سیر واقعی روح را نشان می دهند، و نه تنها هدای‌ای او، دیگر فرمول های مشابه، "برآمده از پسر" و موارد دیگر، که توسط همان پدران شرقی مورد استفاده قرار می گرفتند. و سرانجام، کل بحث با این ادعا تکمیل می‌شود که همه اینها با عقاید کاتولیک مطابقت مستقیم دارد، زیرا این هدف همیشه پدران غربی بوده است، مسلماً توسط آنها، که بدون هیچ استثنایی در آثار مکتوب خود با صراحت بیشتر از همه با حرکت روح‌القدس رفتار می‌کردند.

فصل پنجم

17. اکنون، با توجه به چیز اول (فصل پنجم؛ شماره 20-26)، نیکائنوس با اصرار بر اصول فلسفه اشاره می کند (شماره 20) که حرف اضافه «از طریق» همیشه دلالت بر علتی میانی دارد («»). دلیل آن (شماره 21) است، زیرا این نوع حرف اضافه علت فعل را مشخص می کند، زیرا از فاعل ناشی می شود و بنابراین به عنوان علت نهایی، صوری و مؤثر تلقی می شود، اما تنها علت نهایی برای چیزهای ایجاد شده به گوینده ارجاع می شود - یا علت فعل، با توجه به خاتمه این واقعیت مانند علت مولد، که کار با ابزاری به آن گفته می شود.

اما اکنون، از آنجا که معلمان مقدس تأیید می کنند که روح القدس از طرف پدر از طریق پسر است، کاملاً واضح است (شماره 22) که نمی توان گفت پسر علت نهایی، رسمی یا کارآمد روح است.
بنابراین باقی می ماند (شماره 23) که پسر، بر اساس پذیرش چهارم، علت آن دانسته می شود و «تا آنجا که ممکن است»; زیرا روح به عنوان ابزار پدر، علت نیست، زیرا قدرت تولیدی پدر و پسر یک عدد است، و همچنین فعالیت پسر شامل هیچ نقصی نیست که واقعاً ایجاد می کند. اما اگر اتفاقاً با کلمه «از طریق پسر» به عنوان ابزاری توضیح داده شود، این را باید به ناتوانی ذهن انسان نسبت داد (شماره 24)، که مجبور است با الوهیت با کلمات برگرفته از چیزهای معقول رفتار کند. زیرا در اینجا از نقطه قوت‌تری رخ می‌دهد، زیرا ما حتی به ابزاری فکر نمی‌کنیم، وقتی ادعا می‌کنیم که جهان توسط خدا به همان شیوه «از طریق پسر» خلق شده است.

اکنون که این هنوز باید در نظر گرفته شود، هنگامی که ما در مورد صفوف الهی در تثلیث صحبت می کنیم، از دو اس اس مشهود است. به شهادت پدران، یعنی ریحان کبیر (شماره 25)، و یوحنا کریزوستوم (شماره 26); از آن معلوم می شود که آن صدای «از طریق پسر» از جانب خداوند عمل می کند مانند ——

(1) به طور کلی، این زمانی است که چیزی از این از طریق این گفته می شود، حتی اگر آن چیزی که مشمول حرف اضافه توسط است یا وسیله ای باشد که با فاعل اول همکاری می کند، یا زمان و مکان، که علت حرکت هستند، طبق نظر STAGIRITES (ر.ک. Phys., 4, 14, 1 and 2, 5) به علت به وجود می آیند. گفتمان عقل syl و یا در مقابل، یک گفتار افراطی که گویی با یک اصطلاح میانی از طریق

دیجیتالی شده توسط گوگل

همچنین دلالت بر علت خلقت مخلوقات و در عین حال نظم در SSma. سوگند به تثلیث، هنگامی که پسر با کمک حرف اضافه بلافاصله پس از پدر اما همزمان با او درک می شود ().

فصل ششم

18. با این چیزها، فصل ششم (شماره 27-54) به شکلی باشکوه توسعه یافته است تا بیشتر سخنان پدران شرقی را که در آن فرمول "از پدر به وسیله پسر" دلالت بر علت واقعی دارد، به طور جزمی توضیح دهد.

بنابراین، آنها آورده شده اند و با حکیمانه و زحمتی فوق العاده مورد تفسیر قرار می گیرند، یک شهادت از آتاناسیوس (شماره 27)، و دو شهادت از صمغ- ریحان (شماره 28 و 29-31)، همچنین یکی از ماکسیموس اعتراف کننده (شماره 32)، دو شهادت به طور مساوی از 3-3 از گرگوری (3-6). سیریل اسکندریه، همراه با دیگری از Ps.-Basil (شماره 38-39)، یکی علاوه بر گریگوری نازیانزوس (شماره 40-43)، و یوحنای دمشقی، در نهایت، دو (شماره 44-49).

اما گفتن چند نکته در مورد هر فرآیند کمک می کند.

19. بنابراین سنت آتاناسیوس ابتدا به ما می رسد (شماره 27)، جایی که او می گوید که "روح به وسیله پسر از خدا نشأت گرفت و مانند مخلوقات توسط خدا ساخته نشد" (). اما بساریون قدرت شهادت را بر دو دلیل به بهترین وجه ارزیابی می‌کند: و از این جهت که کلمه «برآمده» را نمی‌توان به‌عنوان یک فرض واقعی وجود درک کرد، و از طریق روشی که در آنجا صرفاً «از پدر به‌واسطه پسر»، بلکه از جانب خدا به‌واسطه پسر گفته می‌شود. به موجب آن، حتی بهانه ی دشمنان برای تضعیف استدلال به کلی از میان برداشته می شود.

در اینجا، بدون شک، نیکائنوس باهوش، به شیوه ای خاص، نظریه جورج سیپریوس را که قبل از انتصاب به عنوان پدرسالار قسطنطنیه پس از جان بیکوس در سال 1282 توسط او شرح داده شده است، می پرستد. به همین دلیل است که او گفت که در پدران گفته شد که روح القدس از پدر سرچشمه می گیرد، زیرا به این طریق است که از طریق پسر می گویند. "پدر" به وضوح نشان داده شده است. زیرا اگر معلمان کلیسا می گفتند: "روح القدس از پدر سرچشمه می گیرد" چه می شد؟ زیرا پدر به عنوان چنین رابطه ای با روح ندارد. بنابراین، پدران باید « بوسیله پسر» را اضافه می‌کردند، که با این عبارت می‌خواستند فقط آن را بیان کنند، «از پدر — از پدر — پسر» یا، که همان، از جانب خدایی که پدر پسر است. بنابراین، سرانجام، در یک زمان، هیچ نیمه واقعی پسر، به گفته خود معلمان، بین پدر و روح برای این صفوف مداخله نکرد (9).

() لطفاً توجه کنید که چگونه بساریون از ابتدای بحث خود به این صورت آشکارا از تقاضای جدایی طلبان که بیشتر از همه پس از فوتیوم توسط نیلو کاباسیلوس حمایت می شود کناره گیری می کند: البته هیچ نظمی بین اشخاص الهی وجود ندارد، به جز برابری برهنه. ببین، اگر لطفا، Em. CANDAI, S. I., Nilus Cabasilas و الهیات سنت توماس. « Studi e Testi 116, Città del Vaticano 1945, pp. 130 s.

() در این قسمت و به همین ترتیب در بقیه موارد بعدی، فقط معنای نقل قول داده شده است. از جایی که هر یک از آنها گرفته شده است، سپس به مکان های مربوطه خود در پای صفحات متن ارجاع داده می شوند.

(9) این تئوری GEORGIA CYPRII قبلاً توسط جان بکو به خوبی رد شده بود (Refutatio libri GEORGII CYPRII, cc. 15-17 = MG 141, 917 ff.). اما نویسندگان دیگر نیز در قرون پیشین از همین نظریه دفاع کردند که خود بیکوس به آن اشاره ای نمی کند (De Unione Ecclesiarum, 22 = ibid., 64 AB). شما می توانید در همان زمان توجه کنید، 1) چگونه این نظریه جورج قبرس با بدیهیات سوم و ششم فوتیان، که توسط M. JuGIE, I, pp. 196-199 بحث شده است، کاملاً در تضاد است. 201-205)؛ 2) طبق خود قبرس، باید آن را آبسون نیز نامید - به طوری که

دیجیتالی شده توسط گوگل

20. سپس اولین شهادت ص. ریحان () (زوم 28). البته در پاسخ به این سؤال که چرا روح القدس را پسر پسر نمی نامند، خود او پاسخ می دهد: «بنابراین هشدار می دهم که از جانب خدا از طریق پسر نیست، بلکه تثلیث نباید به یک جمعیت بی نهایت برود. سپس بساریون استدلال را سه جانبه، در واقع شیوا، برای تز کاتولیک مطرح می کند. زیرا در وهله اول یا از آنجایی که این نوع سؤال مطرح می شود، حداقل باید مقداری هجوم پسر به صفوف روح القدس اعطا شود. زیرا اگر واقعاً چنین هجومی وجود نداشت، مناسب‌ترین پاسخ در دسترس بود: که البته، هیچ رابطه‌ای با روح با پسر وجود نداشت. ثالثاً، به این ترتیب: اگر واقعاً گفته می شد که روح پسر پسر است، هیچ کس بر علیت پسر در صفوف او پافشاری نمی کرد. اما از آنجایی که از دلیلی که در شهادت آمده است، ما از این گونه سخن گفتن منع شده ایم و به جای صیغه «پسر پسر»، این فرمول دیگر «از جانب خدا بر پسر» قرار داده شده است، در این که پسر آن علیت را دارد، جای تردید نیست.

و بدین ترتیب توضيحي مستقيم از شهادت پدري ارائه مي شود; حالا دلیل چهارمی هم به فراوانی اضافه می شود که برای جاهای مشابه دیگر هم باید معتبر باشد. البته تعبیری که فوطیان پس از جورج موشاباروس، در قرن سیزدهم ارائه کرده‌اند، مردود است که به موجب آن وانمود کرده‌اند که آن را «از طریق پسر» با عبارت «با پسر» یکی می‌دانند. از آنجا که، پس از اعتراف، نظر پدری کنونی و هر چیز دیگری مانند آن، آشکارا از هر معنایی محروم خواهد شد.

21. نیکائوس با قدرت برابر، بلافاصله شهادت دوم همان ص را مورد بحث قرار می دهد. باسیلیوس (اعداد 29-31)، یعنی چیزی که تأیید می کند که "روح از طریق پسر ظاهر می شود و بنابراین روح پسر نامیده می شود." بنابراین او نشان می دهد (شماره 29) که این عبارات معلم یونانی همان قوت فرمول پدران غربی است که می گویند روح از پسر سرچشمه می گیرد. بنابراین، صحیح است که «از طریق پسر» نیز دلالت بر علت واقعی صفوف دارد.

همچنین نمی توان آن دعاهای فوتیانی و پالماتیک را پذیرفت (شماره 30)، که می کوشند این تجلی روح را از طریق پسر به یک مأموریت موقت یا مکاشفه روح که در زمان انجام شده است بکشانند. زیرا اگر به دلیل این تجلی، که موقتی است، گفته شود که روح القدس پسر است، به طور مطلق نتیجه می شود که وجود او فقط در زمان است، که در واقع چنین است.

آن انجیل: روح حقیقت که از پدر بیرون می آید» (یوحنا 15:26) که همچنین ...

علیه خود فوتیوس

جورج قبرس (1241-1290) در زمان میشائیل پالئولوگوس از جمله حامیان اولیه اتحادیه شرق با کلیسای روم به حساب می آمد. اما سرسخت ترین دشمن در زمان آندرونیکوس دوم به وجود آمد. او همچنین نظریه‌های اعتقادی جدیدی را مطرح کرد، به‌ویژه پس از به دست آوردن کرسی قسطنطنیه، اما هنگامی که از سوی ایلخانی آنتیوکین مشروع شناخته نشد، در سال قبل از مرگش (1289) مجبور به عزل شد.

() ص. - BASII, IUS احتمالاً با اشاره به کتاب پنجم علیه Eunomius, DIDYMUS ALEXANDRINE، به نام کور، معاصر باسیل، IO MAGNO است. با این حال، مسلم است که آموزه اصیل تثلیث در این اثر وجود دارد.

() جورجیوس MOSCABARUS, Saec. 13، حرف اضافه (Sá (ôuà to Yioŭ را اختراع کرد تا همان تأثیر peTd را با مثنی یا (ÚP (äpu داشته باشد، به طوری که معنای آن این است: "روح از پدر می آید (یا می درخشد، یا غرق می شود و غیره) همراه با پسر." اما این اختراع، که حتی معاصران - برای مثال، خود جورجیو قبرس (ر.ک. MG 142, 257) قبلاً بی شرف و مضحک به نظر می رسید، سپس توسط پالامی ها با یک ارتش دفاع شد (ر.ک. Em. CANDAL, S. I., Nilus Cabasilas . . . برگزار شد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

فکر کردن (') بی شرمانه است. حتی در این مورد نیز باید آن تعبیر مشابری را که در بالا ذکر شد رد کرد. زیرا اگر تجلی شدن از طریق او همان تجلی شدن «با او» است، زیرا پسر با پسر روح کمتر از روح ظاهر شد، لازم است که او را پسر روح نیز بخوانیم، به عنوان نشانه ای که پسر با روح ظاهر شد. اما این دروغ و سخنی نابخردانه است. زیرا او با روح ظاهر شد، اما نه از طریق روح.

و او با دشواری دشمنان (شماره 31)، به نظر می‌رسد که نیلوس کاباسیلا برانگیخته است، که بر خلاف این استنباط که «روح از پسر است، یا روح از طریق پسر ظاهر می‌شود، بنابراین از او بیرون می‌آید»، بارها فریاد می‌زند: بنابراین، از سوی دیگر، پسر را نمی‌توان نامید، زیرا فقط به روح القدس اشاره می‌شود، به همین دلیل است. (). اما از آنجایی که در استدلال کاباسیلیان به نظر می رسد که نام روح نسبی نیست جز به پدر تنها () در پاسخ بساریون به درستی تأیید می کند که «روح نیز نامی نسبی است و به کسی که نفس می زند اشاره دارد». اما نفس کشیدن تنها پدر نیست، بلکه پسر نیز هست.

زیرا روح با هر دو نسبتاً مخالف است، زیرا خود او در نامه های مقدس گفته می شود که هم برای پدر و هم برای پسر مناسب است ().

() به همین منظور، از زمان فوتیوس تا قرن تا قرن دوازدهم، برای شرقیان جدا شده بسیار رایج بود که گویی به یک اصل تزلزل ناپذیر پناه می بردند. اما پس از اینکه بحث های لاتین ها - یا لاتینوفرون ها - با یونانی ها بیشتر شد، به ویژه پس از آثار NICETA MARONENIS و NICEPHOR BLEMMIDAE، این موضع دیگر نمی توانست پایدار بماند. بنابراین، اگر از پدران بشنوند که روح از طریق پسر جاری می‌شود (exrogeVE Obai)، این را فقط از هم‌ماهیتی کامل و متقابل روح و پسر می‌فهمند. اما در جاهایی که کلمات دیگری در عبارات پدری آمده است، مانند، مثلاً درخشیدن، آشکار شدن، عمیق بودن (čxhápuneLV، BxrEPīvaL)، • و مواردی از این قبیل، باید به دلخواه آنها را به عنوان اشاره به مأموریت موقت یا تجلی در زمان خلقت در نظر گرفت «(nòoxe iata).

() رجوع کنید به v. Gr. فصل 7 اثر او درباره سیر روح القدس در ms. مالیات بر ارزش افزوده گر 1117, 171v-181 ,f. جای تعجب نخواهد بود که خود بساریون، قبل از اینکه به طرف احزاب کاتولیک متمایل شود، آن کتاب NILÊ CABASILA را با دقت و احتیاط برگرداند. در واقع، شورای قبلی در قسطنطنیه به پزشکان یونانی داده شد، که قرار بود در مجمع عمومی فلورانس حضور داشته باشند، تا کتاب سنت کاباسیلا (نیلی) را توسعه دهند، که از آن، با برداشتن یک تانگو از یک انبار معین، باید چیزهای زیادی را انتخاب کنند و با دقت در مورد معابر مناسب تعمق کنند (SYROPUIOS-CREYGHTON, p. III, 357).

(3) در نهایت، گاهی اوقات اینها بر اساس دو اصل فوطیان، سوم و ششم، استوار است، جایی که گفته می شود پدر به دلیل شخص نفس می کشد، نه به دلیل طبیعت (ر.ک. Photius, Mystag. Spir. Sancti, cc. 15, 16, 47) و اینکه حرکت روح القدس از طریق خود و بنابراین مستقیماً از طریق F انجام نمی شود. (همان، ج 62). این دکترین در مجمع مؤسسانی که در سال 1285 علیه جان بکوس برگزار شد، تأیید شد. همه کسانی که ادعا کردند، 1) "oş i uia oboia xai deórns Iarpòg xal Yioŭ tis too Ilyeúuaros únág-feós šor airía" با تحقیر مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. 2) «oru ó Ilarho atuos ToŬ Ayíov IIveóuaros، o T lóyy r s inooráoEwŞ، T đ hóyy Tis gúaeoş». (ر.ک. MG 141، 241 B و D).

علاوه بر این، NILUM CABASIL، AM، در واقع پیش از GERMANUS II، پدرسالار Const/pnus 1222-1240، در پاسخ همسویی به " اعتراف به ایمان پاپ گرگوری نهم" (در ChyoniconoGUESoT, GEORGUESoT, GEORGUSoT,GEOESoT, GEORGUSoT, PHUteroT, CHYonicon, PHUterolied, 1222-1240) نام روح نسبی نبود. Vindobonae 1796، pp. 139 ff.).

(4) میراندوس در این بساریون می توان گفت که آن اعتراف جزمی شورای تولتانی یازدهم، در سال 675 را در نظر داشته است، جایی که در مورد نسبیت سه شخص الهی چنین نوشته شده است: «و نه همانطور که سه شخص را موعظه می کنیم، سه جوهر؛ بلکه یک جوهر، بلکه سه شخص. نه به خود، بلکه به پدر، به همین ترتیب، روح القدس مربوط به خود او نیست، بلکه به پدر و پسر نسبتاً مربوط می شود

دیجیتالی شده توسط گوگل

22. اما از شهادت قدیس ماکسیموس اعتراف کننده (شماره 32) قدرت بیشتری به آنچه گفته شد افزوده می شود، که بر اساس آن "روح القدس اساساً از پسر و همچنین پدر است، زیرا اساساً از پدر ناشی شده و به طور غیرقابل توصیفی از پسر متولد شده است."

نیکینس استدلال می کند که دلیل اینکه روح القدس برای پسر مناسب است یکی است، اما معلمان به دو طریق بیان می کنند. در واقع، در ماکسیموس، زیرا اساساً از پدر از طریق پسر سرچشمه میگیرد. و در مقام بالاتر ص. باسیلیوس، زیرا از طریق پسر آشکار می شود. با این حال، اکنون هر دوی این عبارات لزوماً ما را به گونهای هدایت میکنند که گویی با دست ادعا میکنیم که حرف اضافه توسط، که در آنجا قرار میگیرد، واقعاً دلالت بر علت دارد، زیرا توسط پسر، روحالقدس، نمیتوان آن را ادامه داد یا ادامه داد.

جشن گرفته شود، بدون اینکه وجودش را به درستی از خودش بگیرد.

23. بنابراین شهادت قدیس ماکسیموس که از همه مشهورتر است توسط چند نفر تکمیل می شود; و دو مکان معروف سنت گرگوری نیسا با قلمی ترکیب شده تر مورد بررسی قرار می گیرند. که اولی (شماره 33-36) تأیید می کند که نه تنها در تثلیث از نظر علت و مسبب تفاوت وجود دارد (1)، بلکه درست است که « تفاوت روح القدس و روح القدس در دو است: و این که از طریق پدر، به عنوان پسر، پدید نمی آید و از طریق پسر آشکار می شود».

بساریون (شماره 33) پس از بیان درک خود از متن پدری با وضوح کامل، دوباره پیش از هر چیز آن توضیح فوطیان را رد می کند که بر اساس آن، حتی در این متن، تجلی روح نه از طریق پسر، بلکه با پسر باید صورت گیرد. به هیچ وجه گفت؛ زیرا آن تجلی، نه اینکه بگوییم که می تواند به روشن کردن تفاوت بین روح و پسر کمک کند، تقریباً در هر دو وجود دارد. می توان گفت جای خود را به برابری می دهد.

24. او همچنین با استدلال های قوی و بسیار رد می کند (شماره 34) که این تجلی روح را می توان برای عطای کریسمس های او یا برای هر دانش دیگری که در زمان آفرینش از او اعطا شده است گرفت، زیرا نیسن این سؤال را نه در مورد اینها، بلکه در مورد تمایز اشخاص در تثلیث مطرح می کند.

اما باز هم صمیمانه تر، در وهله سوم (شماره 35) تلاش می کند تا در معنای متن استاد بزرگ نفوذ کند.

زیرا نیسن قصد ندارد فقط تمایز اشخاص تثلیث را ایجاد کند، بلکه در عین حال از آنجایی که با روح سروکار دارد، بین این موجودات تمایز قائل است. اکنون، در واقع، او تأکید می کند که از آنها جدا شده است، بیش از همه، که تجلی او از طریق پسر تغییر ناپذیر و ابدی است، اما خلقت مخلوقات از طریق همان پسر، متغیر و در زمان است. بنابراین، روح القدس و مخلوقات این وجه مشترک دارند، این است که آنها از طریق پسر هستند، اما به روشی کاملاً متفاوت: روح ابدی و تغییرناپذیر است، در حالی که مخلوقات موقتی و در معرض تغییر هستند. با وجود این، باید از این نتیجه کمتر نتیجه گرفت که تجلی روح که ازلی توسط پسر ساخته شده است، دلیل واقعی را نشان میدهد، همانطور که آفرینش مخلوقات توسط پسر بدون شک از وجود واقعی آنها قابل درک است.

در نهایت، چهارم (شماره 36)، تمام زمینه این قطعه نیز باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد، بساریون عاقل توصیه می کند. آیا بدعتگذارانی که نیسنوس با آنها مخالفت میکردند، اصلاً چنین قصدی نداشتند تا روحالقدس را در میان مخلوقات بشمارند، زیرا کسانی که - همانطور که خودشان پسر میآورند.

) در میان لاتین ها، بلکه «اصل و اصل با سنت توماس گفته می شود». رجوع کنید به پیشگفتار اثر علیه خطاهای یونانیان (ویرایش پارما، ج 15، ص 239).

دیجیتالی شده توسط گوگل

همانطور که گفتند ساخته شده است؟ پس در مجموع، آنها فکر می کردند که روح مخلوق است و پسر واقعاً علت آن است.
بنابراین، به حرف اضافه توسط در فرمول «تجلی شده توسط پسر» (یا «ساخته شده توسط پسر»، به گفته آنها)، آنها به طور کامل یک ارزش علی دادند. اما پدران، برعکس، همیشه با تمام تلاش خود اولین چیز را رد میکردند، که مخلوق است، و هرگز به فرمول «پسر ساخته شده» که متعلق به یک مخلوق است، نپذیرفتند. اما در عین حال به حفظ حرف اضافه از طریق، بیان علت واقعی، پیوسته ادامه دادند.

25. اما باز هم قطعه معروف دیگری از قدیس گریگوری نیسا توسط بساریون (شماره 37) با قدرت بیشتری به وسط آورده شده است: او البته وقتی به ابابیوم می نویسد، همچنین به تمایز و نظم اشخاص تثلیث می پردازد، علت و علت به گونه ای تقسیم می شوند که پسر، همان روح که مستقیماً از طریق F است، او است که مستقیماً از طریق F است. اول

اوراتو من استدلال می کند که انگار می گوییم روح از پسر متمایز می شود، زیرا از طریق اوست. به طوری که به نظر می رسد اشاره می کند، "از آنجایی که هر دو از اولی هستند، به اندازه کافی متمایز نمی شوند مگر اینکه یکی از طریق دیگری باشد" (). اما در توضیح آن باید توجه داشت، مگر اینکه اشتباه کنم، که متن نیسن کلمه به کلمه گرفته نشده است. اما بساریون تمام زمینه را در ذهن داشت، و بنابراین، به درستی، مسئله درک کلماتی را که در نیسن آمده است، مطرح کرد. زیرا آن «تفاوت دیگر» که توسط نیسن مطرح شده است، پس از اینکه او گفت که علت الهی به تنهایی از علت متمایز می شود، نیکائنوس آن را توضیح می دهد که نه به شکل دیگری فهمیده می شود، به طوری که ممکن است به نظر برسد که خود دکتر با خود نمی جنگد، بلکه به تعداد متفاوتی قابل درک است. و از این، در حقیقت، قوت برهان نتیجه می گیرد، زیرا بر اساس متن نیسن، روح القدس از پسر متمایز می شود زیرا از طریق او شخص اول تثلیث است. بنابراین، او سوم است; و پسر وسطی

با این حال، در پایان، او بارها و بارها از حمله به نظریه مشابری سابق که به جای گفتن «به پسر»، جایگزینی با پسر را ترجیح داد، دست برنداشت. اما به نظر بساریون می رسد که ذرات برای متمایز شدن به دنیا نیامده اند.

26. با وجود این، وقتی در برخی از شهادتهای پیشین، کلمه «تجلی شده توسط پسر» آمده است که باعث ایجاد مشکل می شود، گویی کمتر از «پیشرفت» وجود ابدی روح نشان می دهد. نیکائنوس دو متن از سنت سیریل اسکندر (شماره 38) را اضافه می کند که در آن پسر یگانه گفته می شود که توسط پدر تجلی یافته است تا صریحا وجود الهی خود را اعلام کند. بنابراین، بساریون میگوید، اگر شکی وجود ندارد که در آن مکانها «مجلس» را برای «پیشرفت» فرض میکند، چرا باید آن را انکار کرد، وقتی آن کلمه در مورد تجلی روحالقدس گفته میشود؟ به همین دلیل نیز ص. ریحان تعلیم می دهد که خود او توسط خدا تجلی یافته است، و انکار اینکه او به عنوان معلم حرکت ابدی روح در آنجا عمل می کند اشتباه است.

(4) این بیانیه معمولاً به این صورت بیان می شود، زمانی که گزارش های علمی ScoTI (I, dist. 11, g. 2) رد می شوند.
اونوقت چی؟ آیا می توان گفت که BESSARION NICAENUS بر نظریه اسکاتیستی تسلط داشته است؟ آن طور که من فکر می کنم این احتمال کمی است. زیرا هنوز چنین سوالی در جلسات علنی شورا مطرح نشده بود. اما ارتباط بین آنچه در اینجا توسط او گفته می شود و این بحث های مکاتب، فکر می کنید پوچ نیست، کتاب NILI CABASII، AE بود که BESSARION نمی توانست آن را نادیده بگیرد. برای کاباسیل، به نظر می رسد که AS بیش از یک بار از استدلال های اسکاتلندی ها برای مبارزه با توماس وحشی استفاده کرده است. رجوع کنید به از این Em. CANDAL، S. I.، نیل کاباسیلاس. . .، صص 78-79، 100، 117-118، 147.

دیجیتالی شده توسط گوگل

اگر برخی ترجیح می دهند که این کلمه «مجلس» (شماره 39) را برای بیان تجلی زمانی که با مثال گریگوری ثوماتورژیست که توسط نیسن -(به آنها اشاره شده است، بیان کنند، باید بدانیم، همانطور که نیکائنوس به عنوان راه حل اشاره می کند، می توان هر دو را تحت آن اصطلاح دلالت کرد: هم زمان و هم ابدی از طریق تجلی روح.

اما در واقع این امر دنیوی را الزاماً ابدی دیگر فرض می کنیم، "به طوری که روح از طریق پسر به طور موقت ظاهر نشد، بلکه تا ابد از طریق او حرکت کرد."

27. اما اکنون گریگوری دیگر می آید، یعنی نازیانزونوس، که نام خداشناس را به دست آورده است، که شهادت باشکوه او را بساریون به طور گسترده تر توضیح می دهد (شماره 40-43) و آن را با متون قبلی صص. باسیلیوس، ماکسیموس و نیسن.

بنابراین نازیانزنوس تأیید می کند (شماره 40) که روح القدس چیزی کم ندارد، همانطور که مخالفان می گویند، که او ممکن است پسر باشد - زیرا الوهیت چیزی کم ندارد. با این حال آنها به خود نامی متفاوت از پسر، شیوه ای متفاوت از تجلی آن، و نیز تنوعی از روابط متقابل بین او و پسر شفاعت کننده نسبت می دهند. در واقع شاهد خوبی است، اگر آن را با متن نایسن در بالا () مقایسه کنید، متوجه خواهید شد که با کلمه «تجلی» یک صفوف ابدی با هر دو معنا می شود. اکنون که نیسن گفت که روح القدس به عنوان یگانه زاده تولید نشده است، نازیانزن در این قسمت به شیوه های مختلف تجلی پسر و روح اشاره می کند، و آنچه او توسط پسر گفته است، در اینجا با تفاوت رابطه با یکدیگر - پسر، من می گویم، بین و روح - توضیح می دهد.

به راستی این چه نوع رابطه متقابلی است؟ یقیناً بساریون (شماره 41) به هیچ وجه توضیح نمی دهد که پسر علت روح القدس است و این به نوبه خود برای او ایجاد می شود.

او با هوشمندی نتیجه می گیرد: «و بنابراین به روش های مختلف». در واقع نباید بگویید که روح القدس را روح پسر می نامند، زیرا این رابطه روح را به پسر تبدیل می کند و نه پسر را به روح. جدا از این که روح پسر چیز دیگری نیست، روح القدس را می توان روح القدس نامید، مگر اینکه خود را از طریق پسر (بنابر ص. ریحان) تجلی کند، یا از طریق پسر (اگر به ماکسیم گوش دهید)، یا به طور خلاصه، از پسر (به گفته پدران غربی) حاصل شود. در واقع، همه این چیزها در آن توافق دارند، به طوری که نشان می دهد که دلیل علت و علت این است که پسر بین روح حضور دارد.

28. بنابراین، رابطه متقابل بین این دو واقعاً افراد پسر و روح را متمایز می کند، و بساریون حکیم بسیار شگفت آور است، در حالی که او دلیل این موضوع را بسیار دقیق توضیح می دهد (شماره 42)، حتی اصطلاحات مکتبی نیز با دقت حفظ شده است، به طوری که ما اصلاً تردیدی نداریم که او را یک مرد واقعی می نامیم.

البته، افراد تثلیث همانطور که Ps.-Dionysius دوست دارد بگوید، "با تمایز متحد و با وحدت جدا شده اند." آنها در واقع در ذات متحد هستند، اما آنها را یا با روابط، یا با روش های مختلف پیشروی از هم جدا می کنند - یا، که یک چیز است، از نظر منشأ، همانطور که لاتین ها می گویند - ()، یا توسط هر دو در یک زمان. در واقع، از آنجایی که رابطه و مبدأ یکی هستند،

(1) لطفاً به یادداشت پیوست شده به متن در جای مناسب خود در صفحه 36 توجه فرمایید.

(3) نویسنده به متن مورد بررسی در وهله اول، از کتابهای علیه یونومیوس اشاره می کند.

() از اینجا واقعاً به نظر می رسد که BESSARION به خوبی استدلال های لاتین ها را سنجیده بود، زمانی که همه این چیزها توسط IOANNE DE MONTENERO در شورا، مطابق با شیوه صحبت کردن در مورد سنت توماس توضیح داده شد. به همین دلیل، این چیزها به شدت بوی الهیات مکتبی می دهد، و در واقع همان طور که آنجیکوس آن را نقل کرده است (Summa theol., I, q. 40, a. 2; De pot., q. 8, a. 3).

دیجیتالی شده توسط گوگل

هر دو تثلیث را متمایز می کنند. اما از آنجایی که آنها بر اساس نحوه درک ما نیز متفاوت هستند () دلیل کافی وجود دارد که اشخاص الهی اساساً با روابطی تقسیم شوند که البته به وسیله آنها موجود می شوند.

بنابراین، طبق گفته معلمان ما، روح از پسر متمایز می شود - نیکائوس (شماره 43) - به دو طریق: با تفاوت روند یا تجلی و با ارتباط با یکدیگر. اما اکنون پسری که پسر در آن است به روح اطلاق نمی شود، بنابراین گویی او نفس می کشد. اما روح، از سوی دیگر، به پسر به گونه ای نگاه می کند که گویی او نفس کشیده است. در یک کلمه، خود روح، همانطور که آتاناسیوس شهادت می دهد، نفس پسر به صراحت نامگذاری شده است.

29. با این حال، این شرح عالی بیشتر پدران یونانی، که اعلام کردند روح القدس به طرق مختلف از طریق پسر است، اکنون باید بسته شود. اما بساریون (اعداد 44-49) هنوز تنها یکی از بقیه را برای بررسی مطرح می کند، یعنی آخرین مورد، یوحنای دمشقی، که در مشهورترین قسمت ها، گاهی به وضوح می گوید که پدر از طریق کلام آشکار، مولد روح است، و در موارد دیگر روح القدس از پدر از طریق پسر سرچشمه می گیرد. سخنور استدلال می کند که این کلمات (شماره 44) باید وجود واقعی روح را بر اساس شخصیت یونانی درک کرد.

بنابراین، خطای تئودورت اهل سیرنه (شماره 45) که اظهار داشت روح از پسر یا از طریق پسر وجود دارد، به خوبی از آنها مستثنی شده است. اما سکوت سومین شورای کلیسایی که در افسس برگزار شد به هیچ وجه نباید ما را آزار دهد، درست مثل اینکه تئودورت این کار را نکرده باشد.
زیرا پس از او پدران بسیاری مانند ماکسیموس و دمشق، و حتی تاراسیوس بزرگ در هفتمین شورای جهانی که در نیکیه جشن گرفته شد، بودند، که همگی بیشتر ثابت کردند که روح القدس از طریق پسر است. بنابراین تئودورتوس اهل کورنی (شماره 46)، حداقل در این بخش، اشتباه کرد. و با این حال بدیهی است که سینود افهسوس در این مورد نیز سکوت کرده است. بنابراین، ادعای وجود روح القدس از طریق پسر، از سکوت او، اشتباه است.

30. اما اگر بگویید (شماره 47): در واقع دمشق نیز به نظر می رسد با تئودورت موافق است، وقتی او اجازه نمی دهد که روح القدس از پسر خوانده شود، زیرا تنها پدر علت است؟
آیا خود ماکسیموس در رساله خود به مارینوس رومیان نگفته است که البته آنها گمان نمی کنند که پسر علت روح است؟ بساریون پاسخ می دهد که ملت های کمی وجود دارند که روش منتقدان مدرن را ترجیح می دهند. من طبق عادت لاتینی ها نمی گویم که یا این مکان ها اصیل نیستند یا همان جاهای تحریف شده ای هستند که حتی در همه کدهای پنهان این پزشکان یافت نمی شوند.
اما دلیل دیگری البته وجود دارد: دلالت بر حرف اضافه از یک علت اولیه، مانند آن که قطعاً پسر نیست، بلکه پدری است که خود را از او دریافت می کند، «تا روح القدس از طریق او جاری شود».

(1) بساریون این را به شیوه ای کاملاً مکتبی توضیح می دهد: اما این رابطه از طریق شکل و به عنوان پدری است.

() می بینید، سابق. gr،، توضیحاتی که او درباره DAMASCEN ارائه کرد، که در زمان خود بیشتر رایج بود، اما به طور ناکارآمد، IOANNES DE TORQUEMADA در دستگاه خود درباره فرمان فلورانس اتحادیه یونانیان (ویرایش CANDAI، در CFDS که در ظرفیت الهیات نابغه ای بود، اولین کسی بود ،TORQUEMADA ص 60). با این حال، توجه داشته باشید که خود ،1|II که راه حل واقعی مورد حمایت BESSARION را در این خطاب اثبات کرد (ر.ک. همان،

دیجیتالی شده توسط گوگل

با این وجود، این مانع از آن نمی‌شود که پسر نیز علت واقعی باشد، و وابسته به پدر باشد (تعداد 48-49)، همانطور که از شهادت‌های جدید ارائه شده توسط ریحان کبیر و گریگوری نازیانزوسی نتیجه‌گیری می‌شود. زیرا اینها، با صحبت از خلقت مخلوقات، و گفتن اینکه پدر علت آنهاست، به هیچ وجه منکر این نبودند که پسر و روح نیز علت کل خلقت هستند، بلکه اشاره کردند که آنها تنها علت اولیه نیستند.

31. و این چیزها واقعاً در مورد آن پدرانی گفته شد که از فرمول «از طریق پسر» به هر طریقی استفاده کردند. در آنچه در ادامه می‌آید، نیکائنوس خلاصه‌ای از سه نکته را بیان می‌کند: 7) که توسط پسر نه تجلی زمانی مخلوقات قابل درک است، نه هدایای بی‌عارض و جذابیت‌های روح، و نه به طور خلاصه، همان اعتبار فرمول «با پسر» (شماره 50). 2) اینکه این سه چیز مبتنی بر حقیقت است، چنانکه به ویژه از آیات دمشقی و ماکسیموس که در بالا توضیح داده شد، روشن است (شماره 51). 3) بنابراین تنها برای مخالفت با کسانی که مایل به باقی ماندن آن گریز هستند ، (شماره 52)، که بنابراین ادعا می کنند که روح القدس از طریق پسر از پدر در پدران خارج می شود، به طوری که n یکسان بودن هر دو به صراحت پیش بینی می شود (1).

اما این صدق نمی کند، زیرا «نه به این دلیل که می گوییم روح از طریق پسر حرکت می کند، بنابراین هویت جوهر یا وجود دارد یا آشکار می شود»، بلکه برعکس. زیرا ذات الهی با شیوه گفتار ما به اشخاص الهی ابلاغ نمی شود. علاوه بر این، هم جوهری بودن پسر و روح، و هر دو با پدر، هم برای L. Athenes و هم برای سیریل اسکندریه ما (شماره 53) به خوبی شناخته شده است، و آنها تأیید می کنند که در آن صورت، زمانی که رابطه علت و علت بین خود اشخاص الهی بیان می شود، همین امر به ویژه به الهی داده می شود. و این نام از این دست است، به طوری که آنچه در تثلیث بیش از همه به دنبال آن است، اتحاد اشخاص الهی به نحوی مناسب و تمییز آنها بدون شک است. —

در واقع، به گفته ریحان اعظم (شماره 54)، «آنها صرفاً هم جوهری نامیده نمی‌شوند، همان‌طور که اگر روح نیز از پسر سرچشمه نمی‌گرفت، یکسان هستند، بلکه به درستی زمانی که آن چیزی که علت است و آن چیزی که از یک علت وجود دارد، ماهیت واحدی داشته باشند.» همانطور که در پدر و پسر کاملاً واضح است، او استدلال می کند که با همان معلم، نیکائوس «زیرا ما آنها را برادر نمی خوانیم، بلکه به پدر و پسر اعتراف می کنیم؛ اما هویت ذات در آنهاست، پسر راهنمای پدر است. ›

ص 61). اما این چیزها بدون شک در آن زمان در میان لاتین ها جدید بود. و از این رو این است که شما بیهوده به دنبال دمشق هستید - شاید به دلیل دشواری درک درست او در بحث های عمومی شورا، که IOANNES DE MONTENERO مجبور بود برای عقیده ی راهپیمایی روح القدس تحمل کند.

() در واقع، در میان نویسندگان جداگانه، بیشتر متداول است که به عنوان آخرین و مهم ترین دلیل، به «هم ماهیت» متوسل شوند. آنها قبلاً این را از پدرسالار فوتیوس آموخته بودند، که نه تنها این راه حل را اغلب می آورد (رجوع کنید به یونانی، فوتیوس، میستاگ.، ح. به این ترتیب: "De Mystagogia روح القدس، جایی که نشان داده می شود، همانطور که پسر تنها از پدر متولد شد، طبق الهیات، روح القدس نیز از نظر الهیات تنها از پدر سرچشمه می گیرد و خود روح پسر نامیده می شود، "زیرا با خودش هم جوهری است" و توسط او فرستاده می شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل

فصل هفتم

32. بنابراین، در حالی که فصل اساسی قبلاً تمام شده است، او در سخنان بساریوس، فصل هفتم (شماره 55-61)، برای تکمیل مرحله جدیدی از استدلال، که در واقع از اهمیت زیادی برخوردار است، ادامه می دهد. البته پدران یونانی کم نیستند که می گویند روح القدس نیز مانند لاتین ها از پسر سرچشمه می گیرد.

اما نیکائنوس، شاهزاده، به درستی فکر می کند که باید آنها را جانشین کرد (شماره 55)، "که شهادت هایشان مورد تهمت قرار می گیرد، گویی مال آنها نیست، یا از آنها صادر نشده است" (). بنابراین فقط آن چیزهایی که واضح‌ترین و بدون مناقشه پذیرفته شده‌اند، از سیریل و اپیفانیوس.

یعنی، بساریون پنج شهادت به قدیس سیریل اسکندر می دهد (رومیان 56) که در همه آنها گفته شده است که روح القدس «مخصوص پسر است، هم در او و هم از جانب او، همانطور که مخصوص پدر است، و در او و از اوست». اما تفسیر با یکی دو کلمه تمام می شود، زیرا ساده ترین است.

اما آخرین شهادت که برگرفته از شرح تشریفات نهم سیریل است، حلقه نیکی‌ای را ارائه می دهد، به طوری که مجدداً سؤال تئودورت که در بالا به آن اشاره شد، با وضوح بیشتری وارد می شود ().

33. اما مطمئناً این اشتباه است که تفسیر تئودورت را علیه سند سیریل وسط بیاوریم. و در واقع، سخنور برای اولین بار آن چیزهایی را که قبلاً توضیح داده بود، تکرار می کند (شماره 57) یعنی اینکه هیچ نیرویی برای آلوده کردن سکوت شورای افسس در مورد تئودورت وجود ندارد. و پیش‌بینی می‌کند که تمام آثار این نویسنده، برخلاف سیریل، «توسط مجالس مقدس بعدی رد شد». بنابراین، سیریل به اشتباه توسط رقیبش به عنوان موضوع مورد تحقیر توضیح داده شد. به خصوص که خود سیریل در آخرین متن نقل شده ذهن خود را به وضوح باز کرده است.

نه تنها در آنجا، بلکه در چند جای دیگر از آثار او (شماره 58). به عنوان مثال، معلم در پاسخ به تئودورت استدلال می کند: روح القدس از خدای پدر سرچشمه می گیرد، اما برای پسر بیگانه نیست، زیرا "هر چه پدر دارد، پسران نیز دارند"; و از این رو خود نجات دهنده اشاره کرد که روح از آن اوست، همانطور که از آن پدر است، "و نه بیشتر از پدر، کمتر از پسر، بلکه به طور مساوی از هر دو"; بنابراین، با آوردن آن کلمات کتاب مقدس، اضافه می کند که "خداوند این را در مورد روح گفته است" (9).

() آتاناسیوس، ریحان و گریگوری نیسنوس به صراحت نام برده شده اند. اما، بدون شک، آن قطعه معروف سنت باسیل در کتاب سوم علیه یونومیوس، که قبلاً در دومین جلسه فلورانس (2 مارس 1439) پیشنهاد شده بود، در سومین جلسه (5 مارس) از سر گرفته شد و در چهارم (7، 8 مارس مطابق با Acta Latina -)، پنجم (10 مارس) و ششم مارس (10 مارس)، ششم ماه مارس (10 مارس) و ششم مارس (14 مارس) به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت. Acta gr., ص 262 286, 302, 319, 352, 386; Acta lat.، ص 150، 154، 168، 174، 193.

() بنابراین، آنچه را که در بالا در مورد اینکه آیا 29 از این مقدمه بیان شد، ببینید. در عین حال توجه داشته باشید که مطالب بعدی در مورد سنت سیریل فقط در متن لاتین و در یونانی نیز در کد نوشته می شود. ب.

(3) همانطور که می بینید، بساریون در بررسی دقیق و بی طرفانه آموزه پدران، پیشرفت زیادی کرده بود. زیرا در جلسات فراریان، که شش ماه قبل از آن برگزار شد، هنگامی که او علیه قانونی بودن افزودن پسر صحبت می کرد، گویی که چیزی بیرونی است، و بنابراین از قدرت اثبات محروم شد، همین شهادت Seriptura (از یوحنا 16:15)، که توسط لاتین ها به عنوان اعلامیه جزمی ارائه شده بود، رد کرد. Cir.

Acta gr., sess. ششم (1 نوامبر 1438)، ص 142-143.

دیجیتالی شده توسط گوگل

و بنابراین در آنچه در ادامه می آید، بساریون با شش قطعه جدید سیریلیک () به توضیح ذهن سنت سیریل به کامل ترین شکل ادامه می دهد. کسانی که به وفور ثابت می‌کنند که همه متون روح هستند، یا سرچشمه می‌گیرند، یا از پسر سرچشمه می‌گیرند، نباید از یک صفوف زمانی خاص یا از سرازیر شدن هدایا گرفته شوند، «بلکه از همان هیپوستاز روح».

و این واقعاً در مورد سیریل کافی به نظر می‌رسد، اما ذهن او هنوز بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد (شماره 59)، که صریحاً نشان می‌دهد که همین امر برای او معتبر است، خواه او بگوید که روح از طریق پسر می‌آید، یا اینکه او از پسر است. در واقع، تا آنجا که به موضوع مربوط می شود، حروف اضافه توسط و از یکسان هستند، همانطور که دوباره به وضوح نشان داده شده است، در دو قسمت برگرفته از آثار او.

بنابراین، همانطور که می بینید، محصول محلات سنت سیریل، که در آن فرمول غربی "از پدر و از پسر" استفاده می شود، بسیار زیاد است، که با چهارده متن مختلف غنی شده است، همانطور که هرگز نمی گویید.

34. پس از سیریل اسکندریه، قدیس اریفانیوس آورده شد (شماره 4 متر 60)، و در واقع پنج بار از ؛ آنکوراتوی خود استدلالی عالی برای عقاید کاتولیک ارائه کرد، و در عین حال با لاتین ها در فرمول استفاده از از پدر و پسر موافق است. اما ذکر این نکته مفید است که یکی از متون مورد استناد یکی از کسانی است cex که در بحث های عمومی در فلورانس، مشکل مارکوس اوژنیوس را مطرح کردند. بدیهی است که در نسخه لاتین آمبروز تراورساری () کلمه «est» که در یونانی اصلی وجود ندارد («که از پدر است، که از پسر است») آن را جسورانه معرفی کرده بود. اما این دشواری برای بساریون وجود ندارد، کسی که متن یونانی را بدون ذره "est" رونویسی می کند، و با این وجود دلیلی عالی از خود ارائه می دهد.

ناطق عمومی با بیان آنها به این نتیجه می رسد که البته که به طور خود به خودی از رساله ها تا اینجا حاصل شده است: علت یا اصل واقعی روح القدس را نیز باید پسر نامید. و به یونانیانی که گوش می دهند خطاب می کند که «مبادا گوششان را بر این مقامات و شهادت های مقدسین ببندند، این همه بسیار باز، خدایی و هماهنگ با یکدیگر و حقیقت و با قلبی سرسخت با این چیزها مبارزه می کنند».

() این متون سپس فقط در نسخه لاتین توسط بساریون و به زبان یونانی در کد اضافه شد. ب.

(") آمبروسیوس تراورساری در 16 سپتامبر 1386 در نزدیکی فلورانس به دنیا آمد و در جوانی وارد نظم کمالدوس شد و در سال 1431 مدیرکل آن شد. او در هیئت های پاپ به شورای بازل و امپراتور زیگیسموند در شورای بازل حضور داشت. یونانیان در دانش خود از ادبیات انسانی سرآمد بود. او نامه‌های خود را از یونانی به لاتین ترجمه کرد (ویرایش فلورانس، 1439). I'wnità della Chiesa, 3 (1938): و اخیراً J. M. DECARRAUX, Un moine t diplomale: A mbroise Traversari (Excerptue Revue des Etudes Italiennes) 101-143.

() دو متن سنت اپیفانیوس در فلورانس، جلسه دوم (2 مارس) مورد بحث قرار گرفت. اما به دلیل این دشواری - که در واقع وجود ندارد، زیرا ظاهراً کلمه ماهوی در آنجا دلالت دارد، طبق معمول ترین عرف یونانی ها - IoANNE DE MONTENERO نتوانست استدلال دگم «و پسر از او» را کامل کند. سپس در جلسه پنجم (10 مارس) همان متن عید فطر از سر گرفته شد.

رجوع کنید به اکتا گر، ص 256، 271-272; Acta lat.، ص 137-138، 173.

دیجیتالی شده توسط گوگل

فصل هشتم

35. اما از آنجا که در برخی از متون استناد شده از فعل «پیشرفتن» یا «بودن» که مستقیماً برای دلالت بر وجود روح مناسب تلقی می شود، استفاده نشده است، بلکه از عبارات دیگری استفاده شده است، مثلاً « بیرون آمدن»، «بیرون آمدن»، «بیرون آمدن»; فصل جدیدی توسط بساریون ساخته شده است، فصل هشتم (شماره 62-67)، به طوری که هر بهانه ای از میانه درک چنین کلماتی حذف می شود، نه وجود خود روح، بلکه برای انعام آن. مانند SS ذهن پدران فقط تحت آن سخنان روح بود که توسط پسر برای تقدیس به این جهان فرستاده شده بود.

از این رو، دوباره قدیس سیریل، اسکندر ایالات متحده را مطرح می کنند، که بیش از همه پدران را می توان در این مورد به مناقشه دعوت کرد (اعداد 62-64)، به طوری که با کمک شهادت های پنج گانه او (برگرفته از گفتگوها به هرمیا و از توضیح به یوحنا)، به وضوح مشخص می شود که شخصیت او نه از روح، بلکه توسط روح او توصیف شده است. آنها و در حقیقت، تمام عباراتی که در اینجا بیان شده است، از ساکن شدن روح در ارواح عادل سخن می گوید، که نه تنها هدایایی به آنها داده می شود، بلکه واقعیت های بسیار ابداعی تثلیث عالی نیز به آنها داده می شود. بلکه آنها از نوعی هستند که شبهات را به کلی برطرف می کنند.
بگذارید یک نمونه باشد. انسان با فیض، صورت خدا می شود و زیبایی او به صورت مهر بر او تأثیر می گذارد. سپس سیریل می پرسد: "آیا کسی که این کار را می کند روح خدا نیست؟" بله، هرمیا نه به عنوان خدا، بلکه به عنوان وزیر فیض پاسخ داد. - سیریل: پس این خود روح نیست، بلکه فیض از طریق او بر ما تأثیر می گذارد. هرمیا: به نظر می رسد. سیریل: بنابراین لازم بود که تصویر فیض، نه از خدا، مرد خوانده می شد. اما به این شخص که تقدیس ارواح را انجام می دهد، گفته می شود که صادر می کند، از پسر سرچشمه می گیرد و بقیه می گویند، مانند پدر، دقیقاً به همین ترتیب، نشأت می گیرد، پیش می رود، در یک کلمه، پیش می رود.

36. این دکترین سیریل هنوز با سه استدلال دیگر تأیید می شود.
برای 7)، Ps.-Basilius به همین ترتیب صحبت می کند (شماره 65) و با عمل بسیار واضح در شخص روح القدس، نشان می دهد که "عیسی همان روح را با دمیدن در شاگردانی که شمرده شده و به خود و به پدر به عنوان خالق ملحق شده اند، داد"; 2) برای سیریل، او همچنین اولین اقدام شورای نیقیه را انجام می دهد که در عین حال به وضوح به شخص روح می پردازد و در عین حال به معادل بودن "پیشرفت" و "نشستن" اشاره می کند، زیرا او خود روح را هم برای خروج از پدر و هم از پسر نشات می دهد (). 3)، اما در واقع، حتی خود عیسی خداوند در اناجیل توسط کریل (شماره 66) تقویت شده است، و آشکارا می گوید که او همان روح را برای شاگردان خواهد فرستاد.

) که دو مورد اول فقط در نسخه لاتین و در کد وجود دارد. B، سپس توسط BESSARION اضافه شد.
(3) این استدلال نیز فقط در نسخه لاتین و در کد وجود دارد. B، سپس توسط BESSARION اضافه شد. بیتردید به شرحهای گلاسیوس سیزیسنی (کتاب دوم، حدود MANSI 2، 860 D = 20) اشاره شده است. علاوه بر این، شورای اول نیکیه در سال 325 هیچ کاری در مورد راهپیمایی روح القدس انجام نداد. اما در زمان شورای فلورانس به عنوان معتبر پذیرفته شد. Tanen FANTINUM VAII, ARESSO (Libellus de ordine generalium Conciliorum - ed. B. SCHUITZE -, CFDS III2, Rome 1944, pp. 6-7) را مقایسه کنید که فقط می داند که شورای اول نیکیه به الوهیت پسر می پردازد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

که از پدر سرچشمه می گیرد ('). بساریون با زیرکی از آن کلماتی که او به دقت و نه بدون کنایه خاصی توضیح داده است استدلال می کند که این جمله منجی با این دو عضو سازگار است: روح القدس از پدر سرچشمه می گیرد. روح القدس توسط پسر فرستاده شده است. بنابراین، اگر شکی وجود نداشته باشد که عضو اول، که در صفوف ابدی عمل می‌کند، مستقیماً به شخص روح می‌نگرد، دقیقاً به همان صورت عضو دوم نیز به همان شخص روح ارجاع داده می‌شود، نه به عطای‌ای او. در واقع، دو بخش از گفتار دارای یک موضوع و یک موضوع هستند که ساده ترین نکته برای نشان دادن آن حتی به کودکان، دانش آموزان دستور زبان است.

سخنور (شماره 67) می گوید، پس از توضیح آنها، همان کلمه «ارسال شده» که در متن به کار رفته است، باید از کلمات مشابه دیگری که اغلب در پدران آمده است فهمید. بنابراین، با بهترین حق، که قبلاً به طور کامل هر استدلالی را بیان کرده است، می‌تواند هدف خود را به این ترتیب نتیجه‌گیری کند: «اگر روح فرستاده شده را بشنویم، اگر می‌شنویم، اگر بیرون می‌آید، اگر جاری می‌شود، اگر می‌جوشد، اگر می‌شنویم روح از پسر طلوع می‌کند، لازم است که فرضیه الهی او را درک کنیم.» اما فرض الهی روح از پسر سرچشمه می گیرد، یا سرچشمه می گیرد، و بقیه، به چه طریق دیگری ممکن است، مگر اینکه پسر علت یا اصل وجود روح باشد؟

»

فصل نهم

37. و سخنرانی بساریون بدون شک می توانست در اینجا متوقف شود. با این حال، با یادآوری این که قبلاً قبلاً گفته بود که پدران لاتین، حتی از نظر طرز گفتار، غالباً با شرقیان هماهنگ هستند () از فرصت استفاده کرد و فصل نهم (شماره 68-70) را اضافه کرد که در آن مقامات معلمان لاتین مانند مقامات شرقی نشان داده شده بودند.

با وجود این، این شهادت‌های غربی‌ها اکنون (شماره 68) که قبلاً در شورا مطرح شده‌اند و به اندازه کافی توضیح داده شده‌اند، ارائه نشده‌اند () بلکه به صورت مکتوب به یونانیان نیز رسیده‌اند تا راحت‌تر با کتاب‌های خودشان مقایسه شوند (). فقط نام این پدران (شماره 69) را باید به خاطر آورد، «البته هیلاری، جروم، داماس، آگوستین، آمبروز، مگنوس اول، ایون، گریگوری و دیگران»، که همگی، با یک دهان، در همه آثارشان، همیشه عقاید کاتولیک را در مورد صفوف پدر و روح القدس از آغاز، حتی از همان ابتدا، منتقل کردند.

(") "هنگامی که ذره ای بیاید که او را نزد شما خواهم فرستاد، روح راستی که از پدر می آید...
(یوحنا 25:26).

() بدون شک، او تفسیر خشونت آمیز این متن را از نیکی‌ایی ها می گیرد که فوطیوس و پس از او همیشه فوطیان به طور بلاعوض ارائه کرده اند: "کسی که از پدر بیرون می آید، یعنی تنها." رجوع کنید به در مورد این M. JuGIE, I, pp. 205-207.

31 کلمات این مقدمه، زمانی که در مورد هم جوهری بود، باقی می ماند. و نه کی، () به یاد آورید، v. gr.، که در بالا به شماره. به اینکه آیا. 33-34 از همان مقدمه از پدر و از پسر» سخنرانی بود. نقش پسر و روح در فرمول "توسط پسر پسر" از متون SS. سیریل و اپیفانیوس

(4) این به ویژه توسط JOHN DE MONTENERO در 21 مارس 1439 انجام شد، که استنادهای او از پدران لاتین و از شوراهای غربی نیز در G. HOFMANN, S. I., Die konzilsarbeit in Florenz, I. OrChrPer 4 (1938-1938) گردآوری شده است.

(6) درخواست مبنی بر اینکه شهادت لاتین ها باید به صورت مکتوب به یونانیان داده شود، توسط ایسیدوروس کیوویِنسی (cr. Acta lat., p. 222) مطرح شده بود. اعمال یونانی در این مورد ساکت است، مگر اینکه من اشتباه کنم. اما این قطعه بساریون نه تنها همه تردیدها را برطرف می کند، بلکه گواهی می دهد که لاتین ها اراده یونانیان را برآورده کردند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

نیکائوس می گوید با توجه به همه اینها، ما به دنبال ملاقات با پدران شرقی بوده ایم و به ما اجازه داده شده است که توافق کاملی را که بین آنها وجود دارد آشکار کنیم. از این رو تنها (شماره 70) باقی می ماند که یا آثار غربانی را که نقل می شود، به هیچ وجه نباید پذیرفت، چنان که صریح و همیشه با یکدیگر سازگار باشد، یا «اگر این چیزها را قبول داریم، باید آنچه را که در مورد این ماده می گویند، انجام دهیم و آنها را بپذیریم و باور کنیم».

فصل دهم

اپیلوگ

38. در حقیقت، سخنان بساریوس، در مورد موضوع جزمی، با این سخنان شریف به پایان رسید. و با این حال، EPILOGUE، یا فصل دهم، اضافه شده است (شماره 71-79)، به طوری که ممکن است سه چیز وجود داشته باشد، که قبلاً در بیان خود عنوان آورده شده است: 1، یعنی خلاصه کردن. 2) پاسخ به اعتراض برخی از یونانیان مبنی بر عدم پذیرش شهادت پزشکان غربی. 3) در نهایت اینکه خود رئیس مجلس هرچه بیشتر هموطنان خود را به عضویت در اتحادیه تشویق کند.

اول از همه، به آنهایی که می‌توانستند وزن بیشتری برای پذیرش اتحاد با لاتین‌ها () داشته باشند، به اختصار اشاره می‌شود: صغیر، یعنی بهانه یونانیان، در صورت عدم اتحاد، در شورایی که قبلاً جشن گرفته شده است (شماره 71)، و به ویژه کامل‌ترین توافق پدران، که ما را در حقیقت ایمان تأیید می‌کند، زیرا «انسان‌ها از طریق روح خدا سخن می‌گویند». (شماره 72).

دوم این که به ایرادات پاسخ داده شود (شماره 73). اما، مطمئناً، تنها یکی باقی مانده است () که «در نظر گرفته خواهد شد که وجود ندارد، در واقع مضحک و کودکانه است، نه شهادت نامه های لاتینی واقعی که در حال پخش است، نه معتبر، و نه مطابق با افکار مقدسین، بلکه «داستان ها، اضافات و اضافات این 1، قدیس ها و مضافات یک قدیس در کتابی از کاتب ها» است. با این حال، همه اینها «احمقانه هستند و حاوی تهمت آشکاری هستند»، زیرا غیرممکن است که بسیاری از کتاب‌های آنها، حتی باستانی‌ترین آنها، در سراسر جهان پراکنده شده باشند، و غالباً با یکدیگر هماهنگی داشته باشند، «با یک سرمایه‌گذاری عجولانه، به‌ویژه زمانی که ما از قبل کتاب‌های لاتینی را پیدا کرده‌ایم، تغییر داده و به آن‌ها اضافه شده باشند.» همانطور که آنها در این روز هستند، و زمانی که از جاهای دیگر، کدهای باستانی آنها در میان ما شکست می خورد، ما نمی توانیم مقایسه ای انجام دهیم و خطا را تشخیص دهیم.

() از لاتین ها BESSARION بهترین قضاوت را در مقایسه با عرف آنها انجام می دهد:

[او می‌گوید دلیلی وجود ندارد که ما از این قبیل افراد جدا شویم و دوست داریم با آن 50 نفر دشمن باشیم، این‌قدر دانا، دانشمند، دارای هر قوه‌ای، نه فقط آن چیزی که ذهن را زینت می‌دهد، بلکه به بدن و امور مادی نیز مربوط می‌شود.

() البته، غالباً، در فصول قبل، بساریون به چیزهایی مشغول بود که ممکن است در برابر تفسیر واقعی پدران مطرح شود، در حالی که خود متن آنها توضیح می داد. که تقریباً همیشه ناشی از جهل یا سهل انگاری در جستجوی حقیقت بود.

(3) اینکه این درست است، و نه صرفاً یک تصنع بلاغی از جانب سخنور، ما به وفور از آنچه مارکوس یوگنیکوس افسوسی چند روز قبل (30 مارس) در بحث با خود بساریون گفته بود، می دانیم. رجوع کنید به اکتا گر، ص 400-401. نه، در واقع، خود ارهسینوس، در گزارش خود در مورد مشکلاتی که در شورا انجام داده بود، اعم از 3، همین را تأیید می کند. رجوع کنید به گشت مشرق، 17، ص 445-446.

6

دیجیتالی شده توسط گوگل

سفر به اتحادیه

39. پس آنچه باقی می ماند این است که اتحاد کلیساها باید صورت گیرد. که مهم ترین دلیل آن مبارزه برای ملاقات است.

اولاً (شماره 74) که نه تنها از جان خود، بلکه با تمام ملت ما مشورت کند که باید دشمن مشترک شاهزاده ترکان را شکست دهد، مبادا تسلیم شود. در واقع، این در مورد بحران بسیاری از انبوه ملی ما (شماره 75) است، که آنها نیز از دست دادن کالاهای موقتی رنج می برند، حتی اگر اینها دست کم گرفته شود - و آنچه جدی‌تر است، "بخشی داوطلبانه، بخشی به زور، در خطر انحراف از ایمان، ترک خدا، و موافقت با خطاکاران هستند".

و از همه بیشتر، زیرا این اتحاد ما با لاتین ها هیچ استدلالی بر ضد وجدان ندارد (شماره 76). زیرا آنها در مسائل جزمی همان خرد معلمان شرقی ما را دارند، در واقع آنها همیشه از تعصب کاتولیک و پدران غربی خودشان و همچنین شرقیان ما استفاده کرده اند. زیرا اگر لاتین‌ها را در معرض خطاهای اعتقادی می‌دانستم، هرگز به شما توصیه نمی‌کردم که با ترس درگیر شده باشید. اما باید بترسیم که "مبادا نابودی بدن را نیز همراه با نابودی روح انتخاب کنیم."

40. بنابراین، از آنجا که دلیل قانع کننده ای برای جدا شدن ما از آنها وجود ندارد (شماره 77)، از شما عاجزانه خواهش می کنم، نیکینس می گوید که همان حکمت من را داشته باشید (شماره 78). و به خدا گواهی می دهم که همیشه آنچه را — که به نظرم راست و عادلانه به نظر می رسید، «بدون شوق و تقلب»، «نه از مشورت کوتاهی کردم»، «نه ساکت ماندم و از ترس مأیوس شدم» گفته ام.

بنابراین، یک چیز کم است، که می توانید نظر کاملاً آزادانه بدهید (شماره 79). اما اگر غیر از این بود، همانطور که می‌توان امیدوار بود، «نظر بدتری حاکم خواهد شد»، بارها و بارها شهادت می‌دهم که هرگز چنین فکری نداشته‌ام، و من نیز چنین نیستم، «علاوه بر همه عقل، از لاتین‌ها جدا شده‌ام؛ زیرا خودم را متقاعد نمی‌کنم که درست و درست نیست که آنها را درباره ایمان بدانم، و مانند معلمان مقدس شرقی و غربی، آنها را باور نکنم.

خود بساریون با این سخنان بسیار جدی، گسترده ترین خطبه خود را بسته است و شایسته به نظر می رسد که تحلیل همان خطبه را نیز با آنها به پایان برسانیم.

III. - ثمره «دعای جزمی»، لحظه الهیات، منابع

ثمره «نماز»

41. می‌توان گفت که قدرت منحصر به فرد این عالی‌ترین بنای تحقیقات الهیات در این است که تا آنجا که به شرارت مربوط می‌شود، تقریباً به تمام پدران یونانی شورا انگیزه قاطعی داد، اگر نگوییم کمتر، برای تقویت اتحادیه، اما حداقل مهم‌ترین آن، که بالاخره یک روز، هم به دلیل قدرت گوینده و هم به دلیل قدرت او، هم به دلیل قدرت گوینده و هم به دلیل قدرت او، به آن کمک می‌کند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

یا باید گفت، به سادگی تعیین کننده است. زیرا حتی اگر درست باشد که یونانی‌ان پس از سخنرانی بساریون می‌دانستند که جورج اسکالر هنوز «سه سخنرانی پند آمیز» را برای همان هدف اتحادیه نوشته است ()، با این وجود، آشکار است که حتی خود یونانی‌ان در دوره بعدی، تا هفته پنطی‌کاست، در پایان ماه مه، همچنان به هم چسبیده‌اند و به تزلزل خود ادامه می‌دهند (از اینجا تا حدودی). با این حال، پس از اینکه بساریون تا حدی ملاقات خود را تکرار کرد، به اصطلاح، زمانی که البته در جلسه خصوصی یونانی‌ان، در روز پنج شنبه، پنطی‌کاست (28 مه 1439)، دوباره همه هموطنان خود را تشویق کرد و در مورد پدران شرقی، به ویژه سیریل و اپیفانیوس، که می گویند روح I القدس از طرف پدر و یا از روح است، بحث کرد. پسر، یا اینکه توسط او ریخته شد، یا فرستاده شد ()؛ آنها دستان شکست خورده خود را تسلیم کردند و در حالی که دیگر مایل به رفتن نبودند، بلکه مشتاق آماده شدن برای چیزهایی بودند که هنوز به اتحادیه می خواستند، خود را نشان دادند ().١

42. اگر بپرسید که چرا این بهترین میوه بلافاصله پس از اولین سخنرانی بیان شده رخ نداده است، به نظر من دلیل آن را باید در فقدان تحلیل صریح متون پدران پدران جستجو کرد، که نیکائنوس در پایان سخنرانی فقط به طور کلی در مورد آن صحبت کرد (9). به دو دلیل این اتفاق افتاد، همانطور که خود او می‌گوید: مبادا طولانی‌ترین سخنرانی پربارتر شود.

اما، ظاهراً، همانطور که نتایج ثابت کرد، او در واقع این را به دست نیاورده بود. زیرا بلافاصله پس از آن که بساریون مجلس را تکرار کرد و یونانی‌ان کتاب پدران غربی را توسط دورو خوانده بودند.

(2) رجوع کنید به Acta gr., p. 408. از اعمال رسولان کاملاً مشخص نیست که آیا او این سخنان را به صورت شفاهی برای علما گفته است یا اینکه آنها را فقط از طریق نامه به شورای یونانی‌ان فرستاده است. او در مورد خطبه اول چنین می گوید: یعنی طبق کلمات نسخه وجود دارد: • نشان دهنده خطبه ای است که توسط من سروده شده و به این مجمع مقدس ما hóyos ôndoi، ارائه شده است؛ که در واقع فرض نمی کنیم که خطبه بیان شده باشد، بلکه فقط به صورت مکتوب ارائه شده است. قبلاً نوشته شده است و من در حال ارائه به این انجمن هستم نیز تأیید شده است ("árep ngórepov auvtels, võv dyzeuol,w tñ napovon GUvóôŲ" منتشر شده به طور کامل توسط PETIT-SIDÉRIDÈS-JUGE, Oeuvres complètes de Gennade .2,8. 306-325-345 325;

که رجوع کنید به همان، ص. (مقدمه) I.; و در G. HoFMANN, S. I., Die Konzilsarbeit in Florenz, II. OrChrPer 6 (1938) 383-384.

جورجیوس اسکولاریوس، متکلم بیزانسی، حدوداً در قسطنطنیه به دنیا آمد. سال 1405 او که متعلق به غیر مذهبی ها بود، امپراتور جان هشتم پالئولوگ را به شورای فلورانس همراهی کرد.

در پایان شورا، او به صورت مکتوب، به شورای خصوصی یونانی‌ها آن سخنرانی‌های مشهور را تحویل داد، که بوسیله آن هموطنان خود را تشویق می‌کرد تا اتحادیه را در آغوش بگیرند، و که پس از قوانین شورا درج شد، شکست‌ناپذیر از دکترین کاتولیک دفاع می‌کرد. با این حال، از سال 1444، به دلایلی که هنوز به خوبی تعریف نشده بود، نظر خود را تغییر داد و شروع به اقدام علیه کلیسای کاتولیک کرد. او سه بار (1454-1456؛ 1463؛ 1464-1465) تحت نام گنادیوس دوم به مقام ایلخانی قسطنطنیه دست یافت. سرانجام در صومعه سنت جان باپتیست در نزدیکی سرس آخرین روز زندگی خود را پس از سال 1472 تعطیل کرد.

() باید به یاد داشته باشید که مراسم سخنرانی بساریون در روزهای 13 و 14 آوریل، در طول هفته در لباس سفیدها، یک ماه قبل با دینوس برگزار شد.

(3) رجوع کنید به Acta gr., p. 427

(") شاید بتوان دلایل دیگر این تغییر یونانی را به عنوان مثال، توصیه های چندین نفر دیگر (اوگنیوس چهارم، محقق، ایزیدور کیوویا، خود امپراتور) نسبت داد.

(3) البته در فصل. 9. ببینید آیا شما متن 68-69 هستید و نه. 37 مقدمه.

دیجیتالی شده توسط گوگل

یک سفر به اتحادیه

39. پس آنچه باقی می ماند این است که اتحاد کلیساها باید صورت گیرد. که جلسه مهم ترین افراد برای آن کار می کند

دلایل

اولاً (شماره 74) که نه تنها جان خود، بلکه با تمام ملت که باید دشمن مشترک شاهزاده ترکان را شکست دهد، مشورت شود تا مبادا تسلیم شود. در واقع، مشکل بحران بسیاری از انبوه ملی ما (شماره 75) است، که آنها نیز از دست دادن کالاهای موقتی رنج می برند، حتی اگر اینها دست کم گرفته شوند - و چه بسیار جدی است، "تا حدی با میل، تا حدی به زور در خطر انحراف از ایمان، ترک خدا، و رضایت — به خطاهای نافرمان."

و از همه بیشتر، زیرا این اتحاد ما با لاتین ها هیچ استدلالی بر ضد وجدان ندارد (شماره 76). زیرا آنها در مسائل جزمی همان خرد معلمان شرقی ما را دارند، در واقع آنها همیشه از تعصب کاتولیک و پدران غربی خودشان و همچنین شرقیان ما استفاده کرده اند. زیرا اگر لاتینی ها را مطیع خطاهای اعتقادی می دانستم، هرگز به شما توصیه نمی کردم که با ترس درگیر شده باشید. اما باید بترسیم که «مبادا نابودی بدن را همراه با نابودی روح انتخاب کنیم».

40. بنابراین، از آنجا که دلیل قانع کننده ای برای جدا شدن ما از آنها وجود ندارد (شماره 77)، نیکینس با قاطعیت می گوید: من از شما خواهش می کنم و التماس می کنم که شما هم مانند من خرد داشته باشید (شماره 78). و به خدا گواهی می دهم — که همیشه آنچه را که به نظرم راست و عادلانه می آمد می گفتم «بدون شوق و نیرنگ»، «نه از مشورت کوتاهی می کردم»، «و نه سکوت می کردم، از ترس هراسان».

بنابراین، یک چیز کم است، که می توانید نظر کاملاً آزادانه بدهید (شماره 79). اما اگر غیر از این بود، می‌توان امیدوار بود، «نظر بدتری حاکم خواهد شد»، بارها و بارها شهادت می‌دهم که هرگز › — همانطور که چنین فکری نداشته‌ام، و من نیز چنین نیستم، «علاوه بر همه عقل، از لاتین‌ها جدا شده‌ام؛ زیرا خودم را متقاعد نمی‌کنم که درست و درست نیست که آنها را درباره ایمان بدانم، و مانند معلمان مقدس شرقی و غربی، آنها را باور نکنم.

خود بساریون با این سخنان بسیار جدی خطبه گسترده خود را بسته است و شایسته به نظر می رسد که تحلیل همان خطبه را نیز با آنها به پایان برسانیم.

III. - ثمره «دعای جزمی»، لحظه الهیات، منابع

ثمره «نماز»

41. می توان گفت که قدرت منحصر به فرد این عالی ترین بنای تحقیقات الهیات در این واقعیت نهفته است که تقریباً به تمام پدران یونانی شورا انگیزه قاطعی داد تا اتحادیه را تقویت کنند، اگر نه کمتر، اما حداقل مهم ترین آن، که سرانجام یک روز هم به دلیل اقتدار سخنران و هم به دلیل قدرت خطبه، پذیرفته می شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل

یا باید گفت، به سادگی تعیین کننده است. زیرا حتی اگر درست باشد که یونانیان پس از سخنان بساریون می‌دانستند که جورج اسکولاریوس هنوز «سه سخنرانی پند آمیز» در مورد همان هدف اتحادیه نوشته است (1)، کم‌تر بدیهی است که حتی خود یونانیان در دوره بعدی، تا هفته پنطی‌کاست، در پایان ماه مه، همچنان پافشاری می‌کردند و به تزلزل این‌جا و آنجا ادامه می‌دادند. با این حال، پس از اینکه بساریون تا حدی ملاقات خود را تکرار کرد، به اصطلاح، زمانی که البته در جلسه خصوصی یونانیان، در روز پنج شنبه، پنطی‌کاست (28 مه 1439)، دوباره همه هموطنان خود را تشویق کرد و در مورد پدران شرقی، به ویژه سیریل و اپی‌فانیوس، که می گویند روح القدس از طرف پدر و یا از روح است، بحث کرد. پسر، یا اینکه توسط او ریخته شد، یا فرستاده شد ()؛ آنها دستان شکست خورده خود را تسلیم کردند و در حالی که دیگر مایل به رفتن نبودند، بلکه مشتاق آماده شدن برای چیزهایی بودند که هنوز به اتحادیه می خواستند، خود را نشان دادند ().

42. اگر بپرسید که چرا همین میوه عالی بلافاصله پس از اولین سخنرانی بیان شده اتفاق نیفتاد، به نظر من دلیل آن را باید در فقدان تحلیل صریح متون پدران لاتین جستجو کرد، که نیکائنوس در پایان سخنرانی فقط به طور کلی درباره آن صحبت کرد (). در واقع، به دو دلیل این اتفاق افتاد، همانطور که خود او می‌گوید: مبادا یک سخنرانی بسیار طولانی ثمربخش‌تر شود، و از این رو این واقعیت که این شهادت‌های پدران لاتین مدت‌ها قبل از دست شرقی‌ها بوده است.

اما، ظاهراً، همانطور که نتایج ثابت کرد، او در واقع این را به دست نیاورده بود. زیرا بلافاصله پس از آن که بساریون مجلس را تکرار کرد و یونانیان کتاب پدران غربی را توسط دورو خوانده بودند.

() رجوع کنید به Acta gr., p. 408. از A ctis کاملاً مشخص نیست که آیا SCHOI، ARIOS این سخنان را به صورت شفاهی گفته است، یا اینکه آیا او آنها را فقط از طریق نامه به شورای یونانیان فرستاده است. او درباره اولین خطبه چنین می گوید: ‹ . . . ὁ πρὸς τὴν

Xat' huāş isgàv ráonrqy qúvoðov aysðıaobeis uou xal rsupbels óyos ônloi "، یعنی طبق کلمات نسخه ای که در آنجا قرار داده شده است: نشان دهنده خطبه ای است که توسط من سروده شده و به این مجمع مقدس ما ایراد شده است؛ که در واقع کمتر در مورد این کتابت تردید وجود دارد، بلکه گمان می بریم که در مورد آن نوشته شده است. دو جزوه دیگر، زمانی که SCHOL، ARIOS به وضوح به این شکل می‌گوید: «دو جزوه‌ای که قبلاً نوشتم، اکنون به این مجمع ارائه می‌دهم árep ngótegov auvbels, võv tyzepl w ti napovan oUvdôp» همچنین شاهد انتشار کامل آن توسط PETIT-SIDÈSIDÈSID. Gennade Scholarios, I. Paris 1928, 325-306 ص؛

که رجوع کنید به همان، ص. (مقدمه) I؛ و در G. Hofmann, S. I., Die Konzilsarbeil in Florenz, II.

OrChyPer 6 (1938) 383-384.

جورجیوس اسکولاریوس، متکلم بیزانسی، حدوداً در قسطنطنیه به دنیا آمد. سال 1405

او که متعلق به غیر مذهبی ها بود، امپراتور جان هشتم پالئولوگ را به شورای فلورانس همراهی کرد.

در پایان شورا، او به طور مخفیانه به شورای خصوصی یونانی ها آن سخنرانی های معروف را تحویل داد، که در آن به هموطنان خود توصیه می کرد که اتحادیه را در آغوش بگیرند، و که پس از اعمال شورا درج شد، شکست ناپذیری از دکترین کاتولیک دفاع می کرد. با این حال، از سال 1444، به دلایلی که هنوز به خوبی تعریف نشده بود، نظر خود را تغییر داد و شروع به اقدام علیه کلیسای کاتولیک کرد. او سه بار (1454-1456؛ 1463؛ 1464-1465) تحت نام گنادیوس دوم به مقام ایلخانی قسطنطنیه دست یافت. سرانجام در صومعه سنت جان باپتیست در نزدیکی سرس آخرین روز زندگی خود را پس از سال 1472 تعطیل کرد.

() در جنگل باید به یاد بیاورید که مراسم سخنرانی بساریون در 13 و 14 آوریل، در طول هفته در سفیدپوستان، یک ماه و نیم پیش برگزار شد.

(3) رجوع کنید به Acta g., p. 427

(") شاید بتوان دلایل دیگری را برای این تغییر یونانی نسبت داد، به عنوان مثال، توصیه های چند نفر دیگر (اوگنیوس چهارم، محقق، ایزیدور کیوویا، خود امپراتور).

(5) هیچ چیز در فصل 9. ببینید آیا شما متن 68-69 هستید و آیا، 37 از مقدمه.

دیجیتالی شده توسط گوگل

با شنیدن آنچه توسط تئوس از میتیلین در آن روز پنجم پنطیکاست () انجام شده بود، بسیار دریافتند که همه این چیزها با نظرات سیریل و اپیفانیوس مطابقت دارد، همانطور که بساریون در آن زمان و یک ماه و نیم قبل از آن گفته بود، و تقریباً به اتفاق آرا خود را آماده کردند تا در مورد دریافت آن مقامات ("") حکم کنند.

این اتفاقات همانطور که گفتیم در 28 مه رخ داد و راهنما نظر مشترک تقریباً همه یونانیان بود. اما پس از چند روز، در 30 مه، حکم دومی توسط متکلمان برجسته آنها صادر شد که اکنون کاملاً مطابق با مفهوم کاتولیک است که به وسیله آن کل وظیفه اتحادیه با موفقیت با عقیده مربوط به حرکت روح القدس تطبیق داده شد ().

43. و در اینجا مطمئناً، تا آنجا که به همه یونانیان مربوط می شود، ثمره خطاب نیقیه تا حد زیادی بود، حتی اگر، همانطور که گفتیم، دلایل دیگری نیز برای به دست آوردن آن می توان آورد. اما میوه تا یک ماه و نیم بعد به نظر رسید. اما بساریون بدون شک جاده ای را که از ابتدا هموار شده بود، بازسازی کرده بود تا ذهن مخالفان او در همان ابتدا که او ابتدا موعظه می کرد، به تدریج تغییر کند و به سرانجام مطلوب برسد.

زیرا در میان ده پیشوای برگزیده یونانیها، که در روز بعد از سخنرانی جزمی (15 آوریل) فرض شد، بهطوریکه به جای بحثهای عمومی شورا، در جلسات خصوصی با 50 پزشک یونانی شرکت کنند ()، واقعیت جدیدی اتفاق افتاد که آکتا آن را به عنوان چیزی منحصر به فرد ثبت کرد. «آنها [یونانیان] می نویسند که سینود آنها اگرچه کوچک بود، اما به دو قسمت تقسیم شد، که هرگز نه در حق رأی و نه در جلسات قبل از آن اتفاق نیفتاده بود؛ اما انجام می شود. اما این تفکیک مشاوره های مختلف را نباید به سخنان بساریون نسبت داد که این قدر شدید است؟ (9).

(') قرائت آنها توسط ایزیدور کیوویینسیس در آخرین جلسه عمومی در فلورانس در 24 مارس پیشنهاد شده بود، و شاید او نوشته های لاتینی را که خودش درخواست کرده بود، نزد خود نگه داشت (ر.ک: Acta lat., p. 222)، همانطور که در بالا دیدیم. اما با توجه به آنچه Acta Graeca در این مکان ارائه می کند، ما تمایل داریم که باور کنیم که حداقل همه یونانیان قادر به ارزیابی یا حتی دانستن شهادت پدران لاتین تا کنون نبوده اند. وقتی آنها را خواندند، می گویند اعمال، همه متقاعد شدند و یک صدا فریاد زدند: ما هرگز مقدسین غربی را ندیده ایم، هرگز آنها را نخوانده ایم. اما اکنون آنها را می دانیم و می خوانیم و دریافت می کنیم. Fr. اکتا گر، ص 426-427.

() این جمله اول توسط امپراتور شرح داده شد و در واقع او فقط به استقبال پدران غربی می پردازد، همانطور که از اعمال gr. 427 ظاهر می شود، ص.

(ب) این جمله دیگر، طبق دستور اعمال رسولان، توسط جورجیوس اسکولاریوس، پدرسالار یوسفوس، یونیس امپراتور، ایزیدوروس از کیوویینسیس، بساریونوس از نیکائوس، دوروتئوس اسطوره ای، دوروتئوس اسطوره ای، 2،4 و بیشتر، بیان شد. به طور خلاصه، فقط در کلمات جمله، در G. Hofmann, S. I., Preliminary formulas for the definition of the Florentine Council on Procession of the Holy Spirit 13 [1937] 33-37). علاوه بر این، نام همه کسانی که نذر خود را به جملات قبلی اضافه کردند در اعمال رسولان آمده است (ص 436). و همچنین چهار مشاور سرکش ذکر شده اند: ANTONIUS OF HERACIENSIS، MARCUS OF EPHESINUS، DOSRHEUS OF MONEMBASIENSIS، و SOPHRONIUS OF ANCHIALENSIS. که سرانجام در مقطعی فرمان جزمی اتحادیه شورای فلورانس را امضا کرد، به استثنای یک مارکوس، که هرگز تا آنجا پیش نرفت که اتحادیه فلورانس را به خاطر آنچه انجام داده و نوشته بود سرزنش کند.

() تا آنجا که می توان حدس زد، کدام یک از دو طرف انتخاب شدند، در G. HoFMANN, S. I., Die Konzilsarbe il in Florenz, II OrChrPer 6 (1938) 385 ببینید. همه یونانیان متروپلیتانی بودند که توسط امپراتور منصوب شده بودند (ر.ک. A cta gr., p. 411).

(9) رجوع کنید به Acta gr., p. 411، که در آن، به معنای آشکار، این تقسیم باید به مجمع کوچکی از ده نماینده ارجاع شود. اما ر.ک. همچنین Acta gr., pag. 401، که در آن یک سینود کوچک، حتی به دو بخش، شامل تمام یونانیان بود. به همین دلیل است که من قضاوت این واقعیت را فقط به صورت فرضی مطرح کردم.

دیجیتالی شده توسط گوگل

بی‌تردید در میان این نمایندگان به همراه بساریون ما، ایسیدور روتنوس، متدیوس از آکدائمون، و دوروتئوس از میتیلن، که همگی از طرفداران اتحاد جزمی، به معنایی که نیکائوس توضیح داد، بودند، تا آنجا که حتی جرأت می‌کردند بدون امپراتوری ناخواسته را تهدید کنند. اما ممکن است بسیاری دیگر را برشماریم که اگر نگوییم کمتر، حداقل از ابتدا به تدریج با بساریون موافق بودند، البته همه آنها، که در اعمال قانون آمده است که در روزهای پنطیکاست به عقیده کاتولیک ها رأی داده اند () و در پایان شورا، امضای خود را بر فرمان جزمی اتحادیه امضا کردند. من می گویم، پدرسالاران رودس، نیکومدیا، دیسترن، گانن، درامن، ملینکس، و همچنین آن پروتوسینسلوس، که جایگاه ایلخانی اسکندریه، گریگوری ملقب به ماما را بر عهده داشت، که بر صندلی قسطنطنیه، یکی از ایلخانان پس از شورای کاتولیک، حکومت می کرد.

لحظه الهیات آن

44. با این وجود، حتی اگر قرار نباشد آنها را رد کرد، به نظر می‌رسد که فقط بر برتری بیرونی جزم خطاب نشان می‌دهند، بدون اینکه اجازه دهند شایستگی الهیات این سند عمیق‌تر نفوذ کند.
اما دلایل زیر نشان می دهد که بسیار عالی است.

وضع امور

و اول از همه ما نباید در مورد منش شگفت انگیز کل خطبه سکوت کنیم. در واقع دغدغه اصلی بساریون اثبات جزمیت به معنای کاتولیک بود که در شهادت اس اس.
این پیش فرض پدران شرقی است، که در فرمول یونانی «از پدر به وسیله پسر» آنچنان که در لاتین دیگری نشان داده شده است، آشکار نیست. بنابراین، پس از آنکه گوینده بدون مشکل به سؤال قبلی اشاره کرد، یعنی اینکه نشان داده شود که همه پدران با هم هماهنگ هستند، و مکان های تاریک آنها باید برای کسانی که بر اساس نیازهای تحقیق علمی شفاف هستند، درک شود. برای

() حتی از او [امپراطور] خواستند که اتحاد را منعقد کند، و از جمله اینها را برای او به کار بردند: اگر اعلیحضرت از اتحاد امتناع ورزند، ما متحد می شویم (Acta gr., p. 425). به غیر از این چهار نفر و METROPHANIS CYZICI، که G. HoFMANN، S. I. نیز در میان آنها ذکر شده است (Die Konzilsarbeit in Florenz, II. OrChyPer 6 [1938] 385)، هیچ جا نتوانستم نام سایرینی را که نمایندگی یونانیان را تشکیل می دادند بیابم. اما مسلم به نظر می رسد که در بین ده پدر منصوب، مارکوس یوجنیکوس شماره خواهد شد.

با این حال، متروفان، همانطور که از اعمال gr., p. 436، تا پایان شورا موضوع اتحاد را بر عهده نگرفت.
همین را باید در مورد دوروتئوس تراپزونی و دوزیتئوس مونمباسیانسه گفت.

() رجوع کنید به Acta gr., p. 436

() به جای پدرسالار ژوزفوس، در ایمان و صلح روم، در اواخر شورای متوفی (10 ژوئن 1439)، متروفان دوم موفق شد، که برای اتحادیه ای که قبلاً انجام شده بود، با انرژی عمل کرد، به ویژه در معرفی کلانشهرها و اسقفانی که از طرف او به تصمیم روحانی پایبند بودند. از اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم، اندکی پیش از مرگ او (اول اوت 1443). بنابراین، به سند MANSI 35, 55-59، که در ماه آوریل داده شده است، و تفسیر آن در A. BANDURI, Imperium Orientale sive A ntiquitates Constanlinopolitanae, II مراجعه کنید. ونیز 1729، ص. 690. اخیراً این سند (با نسخه جدید) توسط G. HOFMANN, S. I., CFDS III/3, Rome 1953, pp. 68-72 منتشر شده است. اما جانشین METROPHANIS بود، اما پس از برکناری ایلخانی (1451)، به رم بازنشسته شد و در سال 1459 زندگی خود را در آنجا (ژوئیه GREGORIUS MAMMAS (17 1445 گذراند. 205-201 (1956) Revue des Eludes byzantines, 14.

دیجیتالی شده توسط گوگل

به‌طوری‌که بگوییم، بنیاد موضوعی که باید قبل از نیکی‌ایی نشان داده شود، این بود: یعنی ذره «از طریق» «از طریق پسر» که توسط پدران استفاده می‌اشد، از نظر فلسفی قادر به بیان ماهیت واقعی علت یا اصل است.

و با اینها، در حقیقت، بخش اول خطبه تکمیل می شود، که شنوندگان را به شیوه ای منظم و در برخی موارد، گویی با مراحل آماده می کند، به گونه ای که شهادت های پدران یونانی، که فوراً مطرح می شود، توسط خود آگاهانه تفسیر می شود.

بخش دوم نیز با هنر کمتر متقاعدکننده ای اجرا نمی شود، در واقع بسیار طولانی است، اما به قدری واضح تنظیم شده است که انبوهی از شهادت ها تصادفی جمع آوری نشده اند، اما به نظر می رسد که به راحتی پیدا شده است، زیرا پرداختن به تقریباً هر یک همیشه حاوی چیز جدیدی است، و تقسیم چنین شهادت ها به دو نوع بسیار مؤثر توصیه می شود، به ترتیبی که از طریق آن ها آمده است: روح به پسر - این که در میان شرقیان عمومیت دارد و از بقیه کم نیست، که فرمولهای لاتینها موافق است، در حالی که آنها آشکارا می گویند که او از پدر و از پسر است، یا فرستاده شده است، یا می درخشد.

اما پس از آن سخنور فقط نام پدران غربی تأیید را ذکر می کند، زیرا او قبلاً هدف خود را به اندازه کافی تنها از پدران یونانی نشان می دهد. اما مایه تاسف است که اگر کاری که طبق قواعد هنر انجام می شود به درستی و به حق ثابت شود، به نظر می رسد که مدعی نقص خاصی از نفوذ روانی است یا در خردمندترین انسان که به همین دلیل، پذیرش فوری میوه همه هموطنان، همانطور که کمی بالاتر اشاره کردم، شاید به دست نیاورد. گفته می شود که به شدت آسیب دیده است.

انتخاب مکان های میهن پرستان

45. سپس، در مورد متون پدری، انتخاب دقیق آنها بسیار قابل تحسین است. قبل از هر چیز، بساریون برای برخورد با کسانی که فرمول «توسط پسر» را به تصویر می‌کشد، بیش از همه از آنها استفاده می‌کند، که ,— بدون شک موضوعی که به او پیشنهاد می‌شود، تقویت می‌شود. یعنی چهار تصدیق از آنها پدید می آید: 1) دلالت بر حرف اضافه به علت حقیقی; 2) که پسر این علت است. 3) ما در مورد وجود ابدی روح در آن مکان ها صحبت می کنیم، اما در مورد مأموریت موقت یا سرازیر شدن کریسمس ها و هدایا نیست. 4) و این نیز در صورتی صحیح است که دیگر از کلمه ادامه یا بودن استفاده نمی شود، اما معمولاً از کلمات دیگری استفاده می شود، مانند «تجلی» یا «درخشیدن» و مانند آن در شهادت پدران.

توضیحات فوتیان رد می شود

از این مطالبی که در بالا در تحلیل هر یک از آنها بیان شد، قطعاً همه این موارد آشکارتر است. اما در عین حال ذکر این نکته مفید است که چگونه بساریون ما که در آن دانش الهیاتی غالب بود، در توضیح چنین عباراتی، نه تنها بر کل زمینه شهادت داد.

(4) البته، از آنجا که شهادت پدران اول در واقع پس از مداخله دوم بساریون ارائه شد (ر.ک. Acta gr., pp. 426-427).

دیجیتالی شده توسط گوگل

او به مردم توجه داشت، تا بتواند آشکارا از هر طرف قدرت ذاتی آنها را بیرون بیاورد ()، اما این کار را نیز انجام داد، به طوری که با بیان صحیح آنها، عقاید کلاسیک، به اصطلاح، جدایی طلبان را که برای سرنگونی جزم کاتولیک طراحی شده بود، به کلی از بین برد. بنابراین، نظریه جورجیوس مشاباریس بارها و بارها توسط بساریون، و در واقع تقریباً همیشه صریحاً، نظریه جورجیوس مشاباری، رد میشود، که حرف اضافه را با استفاده از معنای verá با مثنی یا oóy (همزمان با) () میدهد، که کاملاً با متون ناخودآگاه ارائه شده توسط آنها در تعارض است. زیر آنها توضیح دیگری که کمتر رایج است نیز رد شده است، که با حفظ ذره، تنها معنای ابزاری به آن اختصاص می دهد، همانطور که تئودور موزالون می پسندد، گویی روح القدس از کانالی از طرف پدر از طریق پسر عبور می کند (). و از این روست که بساریون، جدای از این که وقتی با امر الهی سروکار دارد، مفهوم علت ابزاری را از آغاز از هر نقصی پاک کرده است ()، سپس کاملاً بر توضیح هجوم مثبت و فعال پسر متمرکز می شود، که به هیچ وجه به عنوان کانالی که چیزی از آن عبور نمی کند، در سیر روح القدس عمل می کند. که در حقیقت آنقدر مولد هجوم است که از این پس رابطه متقابلی بین روح و پسر نفس می کشد و گفته می شود که روح پسر خود همان روح — پدر است به دلیل وجودی که از او بدون مناقشه دریافت شده است (9).

دو نظریه جورج قبرس

46. اما در مورد نظریات جورج سیپریوس چه باید گفت؟ این نظر او بدون شک مردود است، زیرا او از یک سو مانند موزالون، فرمول «از طرف پدر بوسیله پسر» را حفظ میکند، اما از سوی دیگر اظهار میدارد که چنین نامیده میشود، به طوری که باید صریحاً به رابطه با پسر که در کلمه «پدر» آمده است اشاره کرد، تا کسی فکر نکند که روح القدس چنین است (). بساریون ما این عقیده را به صراحت در شهادتهایی که در وهله اول توسط سنت آتاناسیوس و ص. ریحان ().

اما در رساله بساریوس ممکن است بگوییم که نظر بعدی دیگری که همان سیپیوس که قبلاً پدرسالار شده بود نیز رد شد و آن «نظریه تراوش ابدی» است.

() Cf., ex. گرم 28-31 این نسخه، از دو متن برگرفته از کتاب پنجم علیه یونومیوس; و بیشتر از همه دیگر قدیس گریگوری نیسا، تا چه حد، 33-36 و 37 قرار داده شد; که در صورت تمایل میتوانید با شمارههای 20-21 این مقدمه نیز مشورت کنید. 23-25.

(9) بنابراین، پیشین gr.، در شماره های 28، 30، 37، 50-51 متن، - در مورد نظریه جورجی مسخباری، ر.ک. M. TUGIE، II، صص 355-356.

(3) Theodorus MUZALON، یک لوگوتت که زمانی کاتولیک بود، در سال 1285 در سینود بلاکرنا به شدت با یوانس بکس به رقابت پرداخت. همه چیز در اوست که نیمه فعال تثلیث را از پسر بگیرد.
خود بکوس این نظریه را به خوبی دریافت می کند، همانطور که اغلب در جاهای دیگر انجام می دهد، به ویژه در Oration II در مورد رسوب خود، در ابتدا، تحت رهبری میشائیل پالئولوگوس، به Theodorus MUZALON .همان، ص 357-358 ،M. JUGIE رجوع کنید به .(MG 141, 981) 9 این ترتیب به اتحادیه کلیساها پیوست، به طوری که او حتی یک رساله کلامی برای دفاع از "Filioque" نوشت، که به محض به دست گرفتن آندرونیکس دوم (1282) آن را نابود کرد. او در سال 1295 درگذشت.

() رجوع کنید به مخصوصاً فصل پنجم متن، تا 23، جایی که بساریون می کوشد نقص ذاتی مفهوم ابزار را از عمل پسر در حرکت روح القدس حذف کند.

(5) پس به متن شماره 31 و 40-41 نگاه کنید که در آن سؤال عمدتاً در مورد این رابطه متقابل بین پسر و روح القدس است.

() به چیزی که قبلاً به آن اشاره کردیم، به nu توجه کنید. 19 از این مقدمه.

() اینها را برای فصل های 27-28 متن، در این نسخه دارید.

دیجیتالی شده توسط گوگل

معمولا می شنوید؟ زیرا طبق آن نوعی فعالیت در سیر روح در واقع باید به پسر نسبت داده (čxpávoewç điôiov) شود، اما نه اینکه همزمان با فعالیت پدر وجود داشته باشد.

که ایمان کاتولیک پیشنهاد میکند که باور کنیم که برای هر دو یکسان است، اما این وجود را آشکار — میکند، که قبلاً بهتنهایی از پدر کاملاً ساکن شده است. و نه تنها به طور موقت در آفرینش، همانطور که ، نظر عمومی جدا شدگان است، بلکه به طور ابدی نیز در صفوف بسیار هیپوستاتیک سوم شخص تثلیث ظاهر می شود. نظریه ای که البته درک آن بسیار دشوار است که به نظر می رسد از تضاد درونی عناصر آن رنج می برد ("").

اما در عوض، فکر میکنم، شما شک خواهید کرد که آیا هرگز توسط او هدایت شده است. اما دلیل شبهه این است که اغلب، تقریباً در تمام استدلال های او که از متن شهادات پدری استخراج می شود، حتی اگر صریحاً بگوید که کلماتی که اولیای الهی به کار می برند، مانند «پیشرفتن»، «بودن»، «فرستادن» و امثال آن در سرود و کلمه « مجلس» به درستی در موکب های الهی قابل درک نیست، مگر اینکه اشاره به وجود خدا باشد. با این حال، به نظر ، میرسد که این دو همیشه فقط در تضاد هستند: وجود ابدی روح که از طرف پدر توسط پسر به خود داده شده است، و تجلی موقت روح. اما به هیچ وجه تجلی ابدی دیگری از همان روح نیست.

مانند — 47. و در واقع، این توضیح مبهم جرج سیپریوس توسط شاهزاده نیکیایی به طور کامل توسط هر فرد دیگری که تفکر کاتولیک داشت رد شد. با این حال، اگر اشتباه نکنم، او آشکارا او را لمس نکرد، شاید به این دلیل که او به گونهای بود که حتی خود آنها هم نمیتوانستند به وضوح درک کنند. زیرا به نظر می رسد که این مشاجره شامل کلمات می شود، اگر بگوییم از این نقطه واقعاً پذیرفته شده است که روح] القدس از طریق پسر وجود دارد، اما از این نقطه همان وجود از طریق پسر کاملاً انکار می شود (). اما سیپریوس اس اس با تکیه بر اینها او را تحسین کرد. متن پدران، جایی که گفته شد روح القدس از جوهر پدر و پسر است. اما او همچنین انکار کرد که در آنها به هر نحوی اشاره کردم که همان روح از هیپوستاز پسر سرچشمه گرفته است (). که قطعا درک آن دشوارتر است.

اگر چنین باشد، قطعاً بساریون کمترین سرزنش نخواهد شد، اگر صراحتاً مورد توجه او قرار نگیرد، لااقل حتی در آن زمان که آن متن معروف دمشقی را توضیح می دهد، جایی که گفته می شود: «پدر کلام را — می آورد و از طریق کلمه آشکار می شود (Šxpavtopxo) روح تولید می کند» (9).

() نظریه «نفوذ ابدی» توسط جورجیو قبرس در آثارش که فقط به زبان یونانی در MG 142 منتشر شده است: «Tóuoç nlorews» (233-246); « *Ouoñoyia (247-252 250 مخصوصاً D-251 B --); من تو را خریدم؛» (270-251) آنودویا» čxnOQEógewŞ Too ' Ayiov IIveúuaroş (269-300). آنها می توانند با I. A. M. DE RUBEIS, Dissertalio I historico-dogmatica de George Cyprius, در MG 142, 47-142, عمدتاً cc. &-9; F. CAYRE، هنر.

در DTC VI 1231-1235؛ M. JUGIE, II, ص 358-366.

() Cf., ex. 35-34 گرم، خیر متن 32 (بزرگترین اعتراف کننده)، اما به ویژه (NYSSENUS)، 40 (NAZIANZENUS)، 44-46 (DAMASCENUS).

() قبرس گفت که تأیید روح القدس vnágzew (هستی) از پسر و nagkw šyeLy (وجود داشتن) از پسر یکسان نیست، که به نظر می رسد یک لوگوماکی باز باشد. رجوع کنید به G. CYPRIUS, Ilegl tis čxnopeÚGEwŞ ToŬ 'Aylov Ilyeóuaros = MG 142, 275 CD.

() سرانجام این موضع مارکوس یوجنیکوس در مناظره های شورا علیه جان د مونتنرو بود (ctr. A cta gr., pp. 261, 266-267, 272-273). اما اینکه آیا او مایل به تایید نظر گرجستان قبرس از Ibidene است، یا در واقع اینکه آیا او آن را به طور کامل می داند، می تواند مورد بحث قرار گیرد.

(6) رجوع کنید به آیا، متن 44-46

دیجیتالی شده توسط گوگل

اگرچه او بدون شک می‌دانست که چنین متنی بیش از همه بر ضد جان بکوس که از قسطنطنیه برکنار شده بود در مجمع عمومی بلاخرناس در سال 1285 تحریف شده و به شدت تحریف شده است.

از

"از پدر تا پسر"

48. و این چیزها را باید در مورد شهادتهایی که بساریون، اس.اس. پدران شرقی که از فرمول «از پدر تا پسر» استفاده کردند. اما اکنون باید به دیگران بپردازیم، که در میان شرقیان نیز به طور مشخص تأیید کرده اند که روح القدس «از پدر و از پسر است».

این شهادت ها توسط ایشان در فصل هفتم این خطبه به نحو عالی توضیح داده شده است.

اما اگر کسی بپرسد علت چیست، چرا بساریون، که چنین محصولی از این شهادت ها را جمع آوری کرد ()، فقط دو پدر آورد، من می گویم سیریل اسکندریه، و اپیفانیوس. باید پاسخ داد که او از یک سو می خواست یونانیان را به طور دقیق تر در مورد جدی ترین نقطه انبوه محلات پاتریستی ترغیب کند - به طوری که او با فرمول خود لاتین ها سر و کار داشت که فکر می کردند باید آن را رد کنند و از طرف دیگر صراحتاً توسط مقدسین شرقی نیز استفاده شده بود، و همان تنها کسانی که از طرف دیگر شکایت کردند. بنابراین، او را نه ریحان، نه آتاناسیوس، و نه گریگوری نیسا را دعوت نکرد، که شهادت‌هایشان در زمانی که بیشترین تأثیر را داشت، اما «تحمل تهمت شد، هر چند از آن‌ها نبود، یا از آن‌ها صادر نشده بود» (). البته این سیر عملی در متکلم ما، در عین توصیه شدید به علاقه عمیق به حقیقت جویی، زیرکی و تدبیر او را نیز علنی می کند. مبادا، برای مثال، اگر باسیلیووس بار دیگر در متن معروف علیه یونومیوس مطرح می‌شد، اگر رضایت هموطنان خود را اخاذی نمی‌کرد، ترجیح می‌داد حلقه‌ای برای اختلافات بی‌فایده جدید فراهم کند، همانطور که در شورا اتفاق افتاد ().

() معلوم است که ژرژیوم قبرس برای اینکه از سخنان دمشق نوعی جرقه نور پنهان به نظریه خود بیاورد، آن کلمه ¿xpavropxo5 را فهمید که ظاهراً باید با تخصیص IIveúuatos - از پسر مرتبط باشد، به طوری که این پسر بود که آن را می سازد.èx. اما دمشقی چه طرز فکری داشت، هم از نظر دستوری دعا و هم عمدتاً به این دلیل که بلافاصله بعد از چند لحظه ادعا می شود که روح القدس آنجاست، جایز نیست که نادیده گرفته شود. teórroç ôUvauw to5 Ilarpó; 9، یعنی قدرت آشکار الوهیت پنهان پدر. بنابراین، واضح است که حتی بالاتر از روح القدس، اما نه پسر، توسط معلم مقدس با نام èxçavroprxoŭ تعیین شده است.

Fr. همچنین در مورد اینها M. DE RUBEIS, Dissertatio I = MG 142, 114.

(3) به متن مراجعه کنید، چه 55-61.

(3) البته، چهارده دلیل از سنت سیریل آورده شده است، اما برخی از آنها فقط در نسخه لاتین و در کد. B پس از آن اضافه شد، و پنج از سنت Epiphanius. همه چیز خیلی واضح است.

(4) رجوع کنید به متن مادر 55.

() BASILIUS, Contra Eun0mius, III, 1 = MG 29, 653 B-656 A) در هر حال، یک قطعه به اشتباه منتشر شده است؛ که سپس توسط خود ویراستاران موریایی در پیشگفتار لحن آثار سوم دکتر مقدس (MG 32, 32, Flänt 33) تصحیح شده است. (رجوع کنید به 32 از این مقدمه، به نقل از بالا. از او، کنسول ها می توانند خلاصه ای از کل موضوع را منتشر کنند، De processione Sancti، صفحات 150-154، و Nilus Cabasilas et teologia Sancti Thomae، pp.

دیجیتالی شده توسط گوگل

متون سنت باسیل در برابر یونومیوم

سوال انتقادی

اما علاوه بر این، در آن زمان، زمانی که او در شورا مشغول به کار بود، اشتباه بود که بساریون، قبل از پذیرش متن، به طور ایمن این سؤال اولیه ارتیک را حل کند: البته در آن توافق، متن خود باسیلیوس باید مطابق با قدیمی ترین و اثبات شده ترین نسخه های خطی خوانده شود ("").

49. اکنون قسمتی که در مورد آن بحث شد به گونه ای است که در خود دکتر کاپادوکیه، با شدیدترین قدرت استدلال و با نهایت وضوح، هم به نظمی می پردازد که در تثلیث بدون دلیل دیگری جز منشأ اشخاص حفظ شده است، و هم با بیان دلیل این دستور، صراحتاً ادعا می کند که او از طرف هولو دوم بوده است و روح او از اوست. از او دریافت می کند و به ما اعلام می کند و کاملاً به همین دلیل بستگی دارد. » باسیلیوس، که همانطور که خود بساریون در زمان بعدی نوشت، «به تنهایی از نظر هدفی که نشان داده می شود، مقدم بر همه چیزهای دیگر است»، او عمداً آن را حذف کرد (9). —

() من خودم مدتها پیش به صورت گرافیکی در برابر چشمانم (Em. CANDAI, Nilus Cabasilas, pp. 132-133, note 3) تفاوت بین متن فاسد و متن مشروع را به تصویر کشیده ام، اما در اینجا نیز به رونویسی کل متن به لاتین کمک خواهد کرد که به شرح زیر است: WHY IS IT] و نظم، طبیعت و اینکه باید سوم باشد؟ شأن و منزلت چند ثانی که از یک پسر است، او تجارت می کند NECESSIRYNITHIIT INFIGESSIRY افزودن. جدا شده شاید] گفتار تقوا، [اما، هنگامی که باید از او جدا شود، و از او دریافت می کند و به ما اعلام می کند، و کاملاً به آن علت بستگی دارد: اما طبیعت توسط یک سوم استفاده می شود، ما هیچ یک از کتاب مقدس قرآن کریم، نورسنگ، آموزش داده نشده ایم. آنچه قبلا گفته شد. چون پسر در مرتبه دوم از جانب پدر است، زیرا از اوست، در واقع از جهت کرامت، زیرا او منشأ و علت اوست، و در حقیقت که او پدرش است، به خدا و پدر اضافه شد. نه فطرت ثانوی، زیرا خدایان در هر دو یکی هستند: بنابراین پیامبر و روح القدس، هر چند از نظر ترتیب و کرامت از پسر دوم هستند، [افزودن. جدا شد تا در نهایت این را نیز اعطا کنیم] با این حال، از قانون پیروی نمی کند گوی که یک بیگانه از طبیعت است.

به طور خاص از این متن از سنت باسیلیوس، با چنین وزنی، در نامه ی مبهوت کننده خود به یوژن چهارم BESSARION یاد می کند، او می خواهد نسخه لاتین کتاب های اتحادیه پاپی فلورانس علیه یونومیوس را که به تحریک جورجیو TRAPEZUNTIO به تحریک او تکمیل شده است، به او تقدیم کند. شما متن را در L. MOHLER, III, Pp. 450-452.

(9) BESSARION, De processione Spiritus Sancti, ad Aexium Lascarin Philanthroppinus = MG 161, 324 D (نسخه لاتینی که توسط خود BESSARION تهیه شده است، همان، C 408): [من حذف کردم] نه به این دلیل که من هم در آن شک داشتم، اصلاً نمی خواستم از آن استفاده کنم، بلکه نمی خواستم از آن استفاده کنم.

این رساله عالی که در آثار باقی‌مانده برای ما بسیار مفید خواهد بود، اگرچه مدتها پیش سروده شده است، سپس به پل دوم (1464-1471) تقدیم شد. به این پاپ اعظم بساریون در ابتدا نامه ای از انتصاب در نسخه ای که به او ارائه شد فرستاد. که در واقع او مراقبت کرد تا در کاتالوگ خود A. M. ZANETTI، لاتین و ایتالیایی D. Marcus Bibliotheca codices manuscriplorum, II منتشر کند. Venice 1741, PP. 76-77

از خانواده لاسکارین ها، یکی از مشهورترین امپراتوری بیزانس، که خود نیز ALEXIUS LASCARIS PHILANTHROPINUS بیش از یک بار در نیکیه به مقام امپراتوری دست یافت، بود. با این حال، از قرن پانزدهم، خاندان لاسکارین ها به ویژه در مطالعه موضوعات ادبی و در ستایش همه فرهنگ ها شکوفا شد. الکسیوس که از نزدیک با بساریوس نیز در ارتباط بود، یکی از اولین آنها در آن زمان است. (بیشتر در H. VAST, Le cardinal Bessarion, pp. 140-141).

دیجیتالی شده توسط گوگل

به — با این حال، او همیشه او را در ذهن داشت، به طوری که "پس از شورای مشهور الکسیوس لاسکارین گفت - و بازگشت ما به شهر قسطنطنیه." او شروع به جستجو در تمام کتابخانه های آن مکان های مقدس کرد، هم برای این کتاب سنت باسیل و هم برای لطف دیگران. و ثمره‌ی مجدانه‌ترین تحقیق برای او بسیار مطلوب است، زیرا «هر مجلد تازه‌ای را که می‌گوید بیابید - که بعد از این نزاع نوشته شده است () همه موارد فوق را مشمول حکم بیابید؛ هر چه که قبل از وقوع این جنگ کهن‌تر و نوشته‌شده‌تر باشد، اینها نزد مقام مذکور سالم و دست‌نخورده باقی می‌مانند، که کمتر از آن‌هایی که دچار فساد شده‌اند نیست».

نیکائوس همچنین ما را از کیفیت نمونه های کار سنت ریحان که در برابر دست منازعین در شورا قرار گرفته بود در شماره شش () آگاه می کند. من می گویم از چه کسانی. — او به نوشتن ادامه می دهد
همانطور که من اکنون ادعا کردم، پنج نفر این اختیار را داشتند. اما یک چیز، که مطمئناً نزد پدرسالار بود، او فاقد این اختیار بود، به قول مفسد، در بعضی قسمتها کم شد، در بعضی دیگر زیاد بود.

او هر که باشد — —

ذهن و دست می خواستند» ().

علاوه بر این، او به ما می‌گوید که دو جلد دیگر را در صومعه مسیح ناجی Pant-epopte ()، یکی از کهن‌ترین آثار غشایی، دیگری از پنبه، سیصد سال پیش، که در آن شهادت قدیس باسیل برای اولین بار به شیوه‌ای که کاتولیک‌ها می‌خواندند، وجود داشت، یافت. اما بعداً در این مکان چنان خراب شد که "یک احمق جسور، حتی یک دست جسورتر، حقیقت را ؛ با شمشیر آهنین از روی غشاء پاک کرد"، البته بدشانسی، "با فضای خالی باقی مانده و نیمه های هجاها هنوز وجود دارد، و آنها جسارت بی حد و حصر او را متهم می کنند، جسارت بی حد و حصر و جسارتی را در یک حجم نشان می دهند. جوهر، او تمام قسمت را پوشانده است، که گفته می شود (روح از او (پسر)) و کاملاً) به او وابسته است، گویی از یک علت" ().

(()) پس از انشقاق البته چهار قرن پیش و بیشتر از آن تکمیل شد.

() BESSARION، همان، 325 ق.م (لاتین، 409 C).

() که از میان آنها چهار مورد قدیمی ترین در غشاها هستند. سه نفر از آنها در واقع اسقف اعظم میتیلین، چهارمین نفر از لاتین ها بودند. اما دو تا روی پاپیروس (کاغذ) که یکی برای آرامترین امپراتور، دیگری برای بزرگوارترین ایلخانی بود که از صومعه زانتوپولی با خود برده بود (BESSARION، همان، 325 AB؛ لاتین، 409 B). صومعه Xanthopoli در قدیم تر، شاید با نامی دیگر، تنها در اواخر امپراتوری بیزانس شناخته شده است. رجوع کنید به R. JANIN, La géographie ecclb-siastique ۱ de l'empire byzantin, I (tom. III), Les Églises et les Monastères. 393 .پاریس 1953، ص.

() BESSARION, De processione Spiritus Sancti, MG 161, 325 B (لاتین، 409 ق.م). از اینجا به وضوح مشخص می شود که چقدر از حقیقت دور است چیزهایی که افسیوس، که تز جدایی را می ساخت، در شورا در مورد قدمت رمزی که او آورده بود، و همچنین آنچه در مورد فساد نسخه های خطی دیگر، که به نفع ایمان کاتولیک بود، گفت. رجوع کنید به آکلا گر، ص 296، 300-305.

() صومعه مسیح پانتپوپتوس (ناظر) توسط آنا دالاسنا، مادر الکسیوس اول کومننوس، قبل از سال 1080 تأسیس شد. R. JANIN, Les Eglises et les Monastères, pp. 527-529.

() BESSARION، 325، همان، D-328 AB (409، به لاتین، D-410 AB). در آخرین این رمزها، نیکائوس مشاهده کرد که «هنگامی که به دست آن مرد حکیم دیمیتریوس سیدون افتاد، اقتدار مذکور اعاده شد؛ او در حقیقت آن را با دست خود در حاشیه آن کتاب نوشت و جسارت مفسد را با وقار ملامت کرد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

تفسیر کلامی متن

50. حال، کسی که به این ترتیب مشتاق حل مسئله انتقادی نسخه‌ها بود، پس از آن، در رساله‌ای دیگر، تبیین کلامی این قطعه را به شکلی استثنایی تثبیت کرد. اما اگر در آن زمان به راحتی می توانست به یونانیان دیگر نشان دهد که خواندن متن باسیلیان، که خود او بدون هیچ شکی ارائه کرده بود، مشروع است، به همان شیوه قبلاً همان را در سخنان جزمی خود نهادینه می کرد.

اما حالا او آن گذر از این پله‌ها را استدلال می‌کرد.

1) یونومیوس با جسارت بیشتری استنباط کرد که پزشکان گفته اند روح القدس سومین مرتبه و منزلت است (')، که طبیعت خود سوم است.

2) اکنون باسیلیوس واقعاً این واقعیت را تأیید کرد که او از نظر نظم و منزلت نفر سوم بود، زیرا او از جمله کسانی بود که از این امر حمایت می کردند، مثلاً خود او در نامه خود به کانون ها چنین کرده بود (). اما دومی که ثالثی از آن هست، طبیعتاً از هر طرف انکار شد; از این رو، او بسیار متحیر بود که یونومیوس باید پدران را از طرف خود ادعا کند، اما همیشه به نام خود ساکت بود، زیرا هیچ کس نمی توانست چنین نتیجه گیری یونومی را به ذهنش برساند یا آن را به دیگران پیشنهاد کند.

3) از اینجا کاملاً روشن می شود که چرا باسیلیوس هرگز نمی توانست از آن ذره مشکوک استفاده کند ("شاید او سخن تقوا را ایراد می کند")، زیرا او همیشه، چه در این قسمت و چه در رساله به قوانین، به وضوح آموخته بود که روح در ترتیب و منزلت سوم است، همانطور که در واقع دستور سنت است.

بنابراین، آن کلمه «شاید» مضاف و یواشکی است.

4) این الحاق با تعبیر متواضعانه دیگری نیز ضروری است ("تا ما نیز این را عطا کنیم") که بعد از کلمات متن قرار داده شده است که چنین می آید: "پس یقیناً روح نیز اگرچه از نظر رتبه و منزلت پس از پسر دوم است." در واقع، اگر پسر از نظر رتبه و منزلت پس از پدر، همانطور که در بالا گفته شد، و سومی روح القدس باشد، لزوماً منطقاً چنین استنباط می شود که این که سوم است، از پسر دوم است، که به نوبه خود پس از پدر، بر اساس ترتیب فرمول تعمید صریحاً در انجیل آمده است. بنابراین، این عبارت محدود کننده نیز باید به طور کامل از متن ریحان حذف شود، زیرا روح القدس با امتیاز خاصی نیست، بلکه در واقع به ترتیب و البته در منزلت، پس از پسر قرار دارد.

5) زیرا او به پسر خویشاوند است و از او دوم است، همچنان که پسر به پدر خویشاوند است و از او نیز دوم است (). اما پسر پس از پدر تنها دوم است، زیرا در واقع از او سرچشمه می‌گیرد، اما در منزلت چون پدر منشأ و علت اوست، همانطور که یونانیان نمی‌توانند انکار کنند. بنابراین روح القدس در مرتبه و منزلت بعد از پسر و سومین در تثلیث است، فقط به این دلیل که او نیز از پسر است. بنابراین متن ریحان را نمی‌توان به‌عنوان مخدوش دانست ،

(1) بنابراین خود بساریون کلمات St. Basil, II áŞeL xal đEu uure را به لاتین ترجمه کرد.

(9)] .(فقط ترتیب را در اینجا بیان کنید) .ad Canonicas، 4 = MG 32، 396 B ،52 ریحان، رساله

(0) The greater of this syllogism - which for BESSARION is impregnable - is further strengthened by the testimony of St. ATHANASIUS, brought to the end by him, which sounds like this: "As the Son has the order and nature of the Father, so the Spirit also has the same order and nature of the Son (ATHANASIUS, Epistle 1 to Serapion = MG 26, 580 AB کل استدلال BESSARIONIS را در اثر او De processione Spiritus Sancti = MG 161, 336A-337A (لاتین, B-414B 413) ببینید.

دیجیتالی شده توسط گوگل

آن بند، که یونانیان جدا شده آن را پنهان کاری می دانند: «وقتی [روح] باید از او [پسر] باشد، و از او دریافت می کند و به ما اعلام می کند، و کاملاً به آن علت بستگی دارد» ().

51. و این در واقع از معلم بزرگ کاپادوکیه. اما در مورد بال های دو پدر، آتاناسیوس و نیسن، که آنها نیز از فرمول «از پدر و پسر» استفاده کردند، اما بسیاریون نیز در هنگام خطاب به یونانیان، عمدا آنها را حذف کرد، اکنون چند چیز اضافه خواهد شد.

متن سنت آتاناسیوس

آگهی در مورد آتاناسیوس که غالباً به این موضوع فکر می کردم، هیچ قطعه دیگری از معلم مقدس برای من ظاهر نشد که نیکائوس بتواند به آن اشاره کند، به جز متن نماد، به اصطلاح آتاناسیان، که معمولاً به آن " Quicunque" می گویند. با این حال، سوء ظن جای خود را به یقین داد، زیرا در میان شهادت های متعدد آتاناسیوس که در کتیبه های جان بکی، به اصطلاح، منبع بساریون گردآوری شده است، تنها دو مورد یافت می شد که می توانستند به این پرونده بپایند. آن دو، یعنی آن‌هایی که در کتیبه اول قرار گرفته‌اند: یکی در واقع برگرفته از رساله در مورد تجسم، دیگری در واقع از نماد ایمان (9). I

اکنون، از آنجا که هیچ کس در اصالت اثر اول تردید ندارد، واضح است که بساریون به نماد آتاناسیان فکر می کند، جایی که چنین اعتراف آشکار کاتولیک در مورد حرکت روح القدس "از طرف پدر و ایلیوس" وجود دارد، اما پدر بودن این سند قبلاً و سپس توسط بسیاری از آتاناسیوس انکار شده بود (9). بعلاوه، اگر اشتباه نکنم، بهتر است این شواهد را به حال خود رها کنیم، زیرا حتی خود بساریون پس از آن، در عهدنامه خود با الکسیوس اول، آسکارین، سخنی در مورد او نگفته است.

متون سنت گرگوری نیسن

52. اما اکنون، برای رسیدن به متن قدیس گریگوری نیسا، که بساریون ما عمداً منجر به آن شد که در خطبه خود پنهان بماند، تردیدی وجود ندارد که این قطعه باید در خطبه یکشنبه استفاده شود، جایی که معلم مقدس صراحتاً چنین می گوید: "روح القدس از طرف پدر است و گفته می شود از Him است." از چه مکان معروف، مانند سنتز، این چیزها برای گفتن در دسترس است.

سوال انتقادی

و در وهله اول جای تعجب نیست که آیا بساریون فرهیخته فکر می‌کرد که متن نیسن، هر چند عالی باشد، باید حذف شود، مبادا حلقه‌ای برای اختلاف باز شود، و سرانجام، در نقطه‌ای از سوی برخی دریافت شود، نه بدون ابهام. زیرا او به خوبی می دانست که ذره «čx» در آن عبارت «xai ex toŬ Yioð» در همه کدها وجود ندارد، یا به این دلیل که در نسخه اصلی چنین است.

(1) I BESSARION، 329 همان، B-333 D (411 به لاتین، B-413 B).

() رجوع کنید به IOANNES BECCUS، Epigraphae de processione Spiritus Sancti، I = MG 141، 617 ق.

(9) تاریخچه و کتابشناسی مختصری از این سند را در B. ALTANER, Patrologie, Freiburg im Breisgau 1950*, pp. 235-236 خواهید یافت.

(4) به رونویسی کل متن کمک می کند:

دیجیتالی شده توسط گوگل

شاید خوانده شود، یا به این دلیل که بعداً در بعضی ها درست یا نادرست از بین رفته است. نه، در واقع، بدون شک پنهان نبود که پدرسالار جان بِکوس حکم تکفیر را علیه مرجع کلیسای قسطنطنیه، اسکاماتیسمنوس، که جرأت کرده بود آن قسمت را با چاقوی جراحی از کهن‌ترین کدکس (') پاک کند، آورده بود. به این دلایل در مورد او سکوت کرد:

اما پس از آن، هنگامی که اتحاد قبلاً ایجاد شده بود، او به طرز تحسین برانگیزی در مورد همین موضوع در رساله ای به الکسیوس لاسکارین نوشت که ما اغلب او را ستایش کرده ایم، همانطور که به زودی توضیح داده خواهد شد.

اما علاوه بر این، باید اضافه کنیم که این قطعه، که توسط بساریون به عنوان «مربوط به موعظه در مورد پدر ما» () نقل شده است، در هیچ کجای آن پنج سخنرانی درباره پدر ما که عموماً از نیسن منتشر شده است، دیده نمی شود. اما به ویژه برای خطبه سوم مناسب است، که در آن، در پایان، الوهیت روح القدس و هم جوهی بودن او با پدر و پسر مورد بحث قرار می گیرد. از این رو اتفاق افتاد که قبلاً در دوران باستان ، در قرن دوازدهم ، حتی در بین IL ، آتین ها ، قطعه مشابهی از تانگوم نیسن توسط هیو اتریانوس و در واقع از موعظه او در سخنرانی یکشنبه ().

تفسیر کلامی متن

53. پس از بیان آنها، باید دید بساریون ما چگونه تفسیر الهیاتی این متن را برقرار می کند.

او بیش از هر چیز با اطمینان ادعا می‌کند که با قرائت فرضی «xal ex too Yio »، واضح‌ترین استدلال در اینجا برای عقاید کاتولیک وجود دارد (9)، همانطور که بکوس مدت‌ها پیش نشان داده بود ().

IMarpòs néyera، xai ex toŭ Yioŭ elvau npoduagrvpeitat). "اگر کسی بگوید روح مسیح را ندارد، این مال او نیست" (رومیان 8:9). روحی که از جانب خداست، روح خدا نیز هست. اما پسر، وقتی از جانب خداست، در حال حاضر پسر روح (Yiòs IIveóparos) نیست یا خوانده می‌شود، و این پیامد تکراری I تبدیل نمی‌شود. گریگوری نیسا، قطعه نماز یکشنبه = MG 46، 1109 ق.م.

کل مسئله این قطعه معروف را M. LE QUIEN (که آن قطعه را منتشر کرد) در Dissertatlion I Damascenica, 47 (MG 94, 240-242) به بهترین وجه توضیح داده است. A. MAI (Nova Patrum Bibliotheca, IV, Rome 1847) که در Prolegomena در صفحات 40-44 نسخه های خطی را اصلاح کرد که از آن ها نیز نسخه ای جدید و انتقادی از قطعات تهیه کرد (صص 52-53). او فکر می کند که ذره èx باید حفظ شود.

(") به سند MG 141، 281-290 مراجعه کنید، جایی که این عمل توصیف و محکوم شده است.

() BESSARION, De processione Spiritus Sancti = MG 161, 384 D-385 A (437 لاتین, B). آغاز موعظه توسط خود او تنظیم شده است، هنگامی که موسی قوم اسرائیل را رهبری کرد - او به کل کتاب پیدایش اشاره نمی کند، بلکه فقط به خطبه دوم دعای خداوند اشاره می کند، همانطور که در مجموعه های جدیدتر ارائه شده است.

() شما به MG 44, 11 20-1193 ایمان دارید. که دعای 1 به طور کلی توصیه ای است برای ریختن دعا به درگاه خداوند، در حالی که چهار مورد دیگر کل نماز یکشنبه را به صورت جزئی توضیح می دهند.

(4) HUGO ETERIANUS, De heresibus Graecor un, II, 3 = MI, 202, 281 CD. اما مایلم توجه داشته باشید که کلمات اصلی متن - روح القدس گفته می شود از طرف پدر است و گفته می شود از پسر - در آنجا وجود ندارد. با این حال، باید بدانید که هوگو نه کل قطعه، بلکه تنها دو قسمت از آن را رونویسی کرد و برخی از آن را حذف کرد. زیرا بعد از اولین قطعی که او آورد می گوید: و بعد از اندکی که لاجرم آن کلمات حاضر بوده است. زیرا ادامه می‌دهد: "اگر کسی، او می‌گوید، روح مسیح را ندارد، از او نیست."

() BESSARION, De processione Spiritus Sancti = MG 161, 385 A (437 لاتین, B).

9) پدرسالار جان بکوس در اثر خود De processione Spiritus Sancti, I, 4 = MG 141, 161 CD به اختصار این متن را مورد بحث قرار داد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

سپس، با جسارت خاصی - که من اصلاً در جان بکوس آن را نمی یابم - به طرز درخشانی نشان می دهد که حتی اگر آن ذره «گاو» که مبدأ را نشان می دهد حذف شود، چیزی از استدلال قوی کسر نخواهد شد. زیرا در عین حال که روح القدس به وضوح از پسر است، کاملاً ضروری است که از خود پسر نیز اعطا شود. زیرا در این قسمت نیسنوس - بساریون بحث می کند که چگونه پسر و روح متمایز می شوند. و در مورد پسر در واقع تصدیق می کند که از طرف پدر است، "و دارایی او بیشتر از این پیش نمی رود." اما تعلیم می دهد که از روح و از پدر است و پسر در همان زمان است. "و این معلم مقدس فکر می کند که این برای تشخیص اینکه روح را پسر می گویند کافی است، اما پسر را پسر روح [القدس] نمی نامند."

"بنابراین، او عاقلانه نتیجه می گیرد که روح، روح پسر است و از پسر سرچشمه می گیرد." ٬

بنابراین روح او از او سرچشمه می گیرد. و گفته می شود که پسر توسط روح و پدر لمس می شود.

بنابراین، از پسر نیز سرچشمه می گیرد، همان گونه که از پدر می آید» ().

من فکر می کنم باید اعتراف کرد که بساریون کامل ترین مناقشه را در این مورد ایجاد و حل کرد. که در واقع اگر از ابتدا گفته بود، حتی با توجه به مسئله انتقادی، بدون تردید تکمیل می شد، زیرا به همین ترتیب استدلال برای خودش معتبر بود، که ذره «x» کمتر با متن کل گفتار در شهادت نیسن سازگار است و بنابراین، بهتر است از متن حذف شود. در حقیقت، این موضع منتقدان همیشه برای من محتمل‌تر به نظر می‌رسید که به شهادت آ. مای و م. جوگی نیز با کهن‌ترین کدهای خطی تقویت می‌شود (9).

و سیستم موجود است. گریگوری نیسن به نقل از سنت پولس (رومیان 8:9) برای تأیید این ادعا، "گفته می شود که روح هم از پدر و هم از پسر است (ro5 Yioo).

"اگر کسی روح مسیح را ندارد، از او نیست"; و بلافاصله در همان زمان: با این حال، روح پسر (Yiöş toð ‹

» یا گفته می شود یا گفته می شود، نیست، در حالی که از یک استنباط متقابل، او ترجیح می داد (Ilveóuaros

Yids èx ToŬ Iveóuatos» را بنویسد، اگر در آن عضو بالایی گفته بود «xal ex ToŬ Yioðirauduar» swavau.

با این حال، اشاره به این امر کافی است.

54. پس می بینید که بساریون ما چقدر عمیق و آگاهانه قدرت شهادتهای پدرانه را در خطبه خود بیان کرده است، و برخی از آنها را نیز، به دلیل ذکر شده در بالا، سپس در رساله خود به اعظم الکسیوس با صراحت بیشتری باز کرد.

(") نسخه لاتین BESSARION از این عبارت آخر شاید کمتر موفق باشد: اما معنی کاملاً از متن یونانی واضح است: ó Buápopog ths nòoóôou roórOŞ, ônhovóre Tò čxnOQEVETDau، یعنی چون روح بر اساس نسلی مانند پسر پیش نمی رود، بلکه با الهام است.

() BESSARION، همان، 385 ق.م (لاتین، 437 سی دی).

(3) A. MAI, New Library of the Fathers, IV, p. 52، "x" حداقل 9 کد واتیکان را می‌شمارد. به خودی خود که هفت تای آنها بدون ذره هستند. (اما همانطور که گفتیم ذره «ix» را حفظ می کند). M. JUGIE, II, p. 351، تبصره 1، دو کد ذکر شده است: وات. گر 2066، حدود یک قرن 7 کشیده شده، و VAT. گر 448، قرن 11;

در اینجا نیز آخرین پد هنوز قدیمی تر است، ج. 9-10، به گفته R. DEVREESSE, Codices Vaticani Graeci, II. روم 1937، ص 197-199 که شرح او 】 موجود است.

(4) D. PETAVIUS قبلاً به این نتیجه رسیده بود، De theologicis dogmatibus, I. On the Trinity, VII, 3, $12-13. 1700 آنتورپ، ص 370-371.

دیجیتالی شده توسط گوگل

در فرمول های "پدر از طریق پسر"

و معادل "از پدر و پسر".

اما شاید اکنون کسی بپرسد که آیا فرمولهای تثلیثی لاتین ها و یونانیان در رابطه با حرکت روح القدس را می توان از نظر بساریوس معتبر دانست؟ زیرا خود بساریون به نظر می‌رسد راضی بوده است، اگر در مورد عقیده‌ای که به او مربوط می‌شود، همان نیروی شواهدی را برای گرده‌افشانی نشان دهد.

در واقع، من می‌توانم بگویم که این سؤال را می‌توان از طریق قانون مطرح کرد، زمانی که خود نیکائوس، در سخنان خود بر اساس شهادت‌های پدران شرقی، که از فرمول «از پدر و از پسر» استفاده می‌کردند، شروع به عمل کرد، این کلمات را نوشت: «نباید از اختیارات کسانی استفاده کنیم که در بیشتر جاها ثابت می‌کنند که آن (حرف اضافه) در همه‌چیز یا تقریباً از همه چیز معادل است، اما این‌ها تقریباً از همه چیز معادل هستند، بلکه تقریباً از همه آنها معادل است. معلمان" (1).

اولاً نمی توان انکار کرد که بساریون ما به هیچ وجه نمی توانست آن فرمول ها را از طریق پسر و از پدر و پسر برای پدر پنهان کند، به طوری که دروغ می گویند، متفاوت هستند، که همچنین توسط دو جزئی از طریق و از معنی متفاوت بیان می شود، همانطور که او در آن فصل در مقدمه قسمت دوم خطبه به خوبی نشان می دهد. با این وجود، تا آنجا که خود نیسنی در این موضوع شکست می خورد، شاید پذیرفته شود. زیرا ذهن او به شدت تحت فشار بود تا به یونانیان نشان دهد که عقاید کاتولیک را می توان دقیقاً به همان شیوه با تصدیقات پدران اثبات کرد، که فرمول «از طریق پسر» را که در شرق رایج بود، مانند کسانی که در میان لاتین ها می گفتند « از پسر نیز» رایج شد. از این رو بیان او شاید کمتر دقیق باشد، که در آن او اظهار داشت که حرف اضافه با حرف اضافه معادل سابق در الهیات است. — ex —

بدون شک باید توضیحی در این باره داده شود. اما ما بدون موفقیت در آنجا به دنبال آن خواهیم بود.

از این رو راه حل بسیار درست اما ناقص او نیز به آن سه متن دمشق و ماکسیموس می دهد که اغلب بر خلاف آموزه پسر استناد می شود (). و با این حال به نظر می‌رسید که او مدت‌ها پیش به راه‌حل واقعی اشاره کرده بود، هنگامی که با بحث در مورد ارزش همان حروف اضافه، در پایان چنین گفت: "جای تعجب نیست که از کلمات و اسامی ضعیف و ناقص در الهی استفاده کنیم، زیرا غیر از این نمی توانیم انجام دهیم." همانا ما سعی می کنیم با اسماء و نیاتی که برای ما مرسوم است، چیزهای الهی را تجلی دهیم» ().

55. بنابراین، شاید بهتر باشد بگوییم که بساریون کل این سؤال را در مورد برابری فرمول ها از طریق پسر و از پسر دوباره بعداً - در نوشته هایش به من، آسکارین - در زمانی که قبلاً کنترل کامل امور الهیاتی را به دست آورده بود، مورد بحث قرار داد. اما بینش عمیق تر او در این نکات خلاصه می شود ().

() برای اینکه آیا 55 به متن BESSARION مراجعه کنید.

() متن آن را در فصل 5 تا 20-23 دارید.

(3) برای اینکه آیا، 47-49 به متن بساریون مراجعه کنید. نه، به نظر می رسد دمشق برخلاف بساریون باشد، زیرا او منکر این است که از پسر است، اما به روح القدس اجازه می دهد که از طریق پسر حرکت کند. بنابراین، به گفته وی، از و طریق آنها را نمی توان در علم کلام یکسان دانست.

(4) رجوع کنید به پیامک به راهبه. 24

(3) برای آنچه در ادامه می‌آید، توجه به آنچه BESSARION در اثر De processione Spiritus Sancti = MG 161, 396 D-400 A (لاتین، 442 D-444 A) نوشته است، کمک می‌کند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

1) از آنجا که کمالات الهی نامتناهی است و هیچ لفظی برای بیان آنها کافی نیست، لازم است برخی از آنها با یک کلمه یا نام و برخی دیگر با برخی دیگر مشخص شود. و در واقع همیشه به شیوه ای ناقص، زیرا این نام هایی است که توسط ما اختراع شده است. و از اینجا نتیجه میگیرد که اگر بخواهیم به یکی از این اسماء به یک امر الهی اشاره کنیم، باید کمبود این اسم را با نام دیگری تکمیل کنیم.

2) در واقع، «در حرکت روح از طرف پدر و پسر که باید اعلام شود، دو چیز لزوماً لازم است: یکی اینکه پدر و پسر به طور مساوی از روح القدس دمیده باشند...؛ دوم اینکه پسر، مانند سایر چیزها، همچنین در تنفس، با پدر رابطه و نظم داشته باشد. زیرا هر دوی اینها در حقیقت، قدرت و قدرت اصلی در پدر است. در واقع هویت و سو

اولین سفارش

3) پس از آن جا که درک کافی این دو چیز با یک کلمه یا اسم اشتباه است، لازم است آنها را به نام های مختلف تعیین کنیم. به طوری که هر نام فقط یکی از آن دو چیز را بیان می کند و آن هم ناقص.

4) اما حروف اضافه از و از طریق از این دست است. در واقع مساوات دلالت بر این دارد که مثلاً «زمانی که وزنی از دو گرفته شود، اما ترتیب یکی به دیگری چنین نیست.
برعکس، نظم با افراط مشخص می شود، اما به هیچ وجه برابری نیست. «زیرا صاحب قدرت و اقتدار اصغر همیشه کسی است که حرف اضافه درباره او محمول می شود» ().
5) بنابراین اتفاق افتاد که SS. پدران و معلمان کلیسا، هنگامی که به برابری پدر و پسر موجود در صفوف روح القدس که بیشتر در غرب انجام می شود، توجه بیشتری کردند، پیشوند «از پدر و از پسر» را ترجیح دادند. و به هر حال، دیگران از «از پدر بوسیله پسر» استفاده کردهاند، زمانی که میخواستند نظمی را که در میان آنها وجود دارد بیان کنند، همانطور که عموماً در بین شرقیها اتفاق میافتد که دمشق و ماکسیموس در میان آنها شمرده میشوند.

56. در واقع، نتیجه ای که در زیر همه اینها نهفته است، که به صراحت بیان نشده است، این است:
هیچ یک از این دو فرمول نمی تواند به اندازه کافی کل چیزی را بیان کند که جزم کاتولیک حرکت روح القدس به آن اعتقاد دارد. برای هر یک از آنها نیز باید با هوش دیگری تامین شود.

بنابراین، پدران و معلمان غربی و شرقی خلاف این را نمی گویند; اما حقیقت یکسانی را، هر چند با استدلالی ناقص، دیگران به گونه ای دیگر مطرح می کنند. اما هیچ چیز تعجب آور نیست اگر خود متکلمان - شرقی، من می گویم، و غربی، که همیشه به اعتقاد پدران خود به گونه ای دیگر به ایمان تثلیثی اعتراف می کنند، بهتر است به عقاید کاتولیک تحت فرمول معمول خود نگاه کنند (). با این حال، آنچه آنها می دانند در فرمول خود کم است، در نهایت مجبور می شوند معنای فرمول دیگری را پر کنند ().

) بفهمید که آیا این مربوط به امور انسانی است. زیرا بساریون در این مکان به نمونههای انسانی اشاره میکند، همانطور که از اولین عضو تأیید او در ft.]

() این در جمله ای که در 30 مه 1439 توسط پدرسالار گراکرون، جوزف دوم، که قبلاً کاتولیک بود، به طور کامل مشخص است. در واقع، او با اعتراف به معادل بودن هر دو فرمول، می گوید که ما - با حذف صدای پسر، می گوییم که روح القدس از پدر از طریق پسر به طور ابدی و اساسی سرچشمه می گیرد.
رجوع کنید به Acta gr., p. 432

() بنابراین خود پدرسالار ژوزفوس فوراً اضافه کرد: «... گویی از یک اصل و علت؛ با موضع پیش در اینجا دلالت بر علت در حرکت روح القدس دارد. Acta gr., همان.

دیجیتالی شده توسط گوگل

با این وجود، این نتیجه گیری از نقص هر دو فرمول، که باید با معنای دیگری تکمیل شود - که همانطور که اشاره کردم، به صراحت در خطاب بساریون بیان نشده است، به وضوح در مقدمه تعریف فرمان فلورانس برای یونانیان درج شد: درک کسانی که به همه آن با عبارات مختلف نگاه می کنند. در واقع یونانیان اظهار داشتند که آنچه را که روح القدس از پدر سرچشمه می گیرد، با این ذهن بیان نمی کنند تا پسر را طرد کنند. اما از آنجا که به نظر آنها، همانطور که می گویند (""), لاتین ها ادعا می کنند که روح القدس از پدر و پسر سرچشمه می گیرد، همانطور که از دو اصل و دو نفس ("") سرچشمه می گیرد، بنابراین از گفتن اینکه روح القدس از پدر و پسر سرچشمه می گیرد خودداری کردند. با این حال، لاتین ها تأیید کردند که به این معنا نمی گویند روح القدس از پدر و پسر سرچشمه می گیرد، تا پدر را از منشأ و اصل کل الوهیت، یعنی پسر و روح القدس محروم کنند، یا اینکه آنچه روح القدس از پسر صادر می شود، پسر از پدر ندارد. چه آنها فرض کنند که دو اصل وجود دارد یا دو نفس، اما ادعا می کنند که تنها یک اصل و تنها دم روح القدس وجود دارد، همانطور که قبلاً گفته اند. و از همه اینها یک حس حقیقت استخراج می شود. لذا به نام تثلیث مقدس... تعریف می کنیم...» (9).

اما در مورد اینها کافی است.

در منابع بساریون

57. اما اکنون برای رسیدن به آخرین نکته از مقدمه این فصل، چند نکته در مورد منابع خطبه بیان شده توسط بساریون باقی مانده است.

آثار جان بچی

اولین منبع، اگر اشتباه نکنم، این خطاب را باید آثار پدرسالار جان بچی دانست. با این حال، ممکن است به اصطلاح، استدلال نهایی این موضوع را نتوان مطرح کرد.
زیرا باید اعتراف کرد که بساریون ما هیچ جا جز آن بکوم در خطبه خود نیست

() اعتراض واقعی بود، همانطور که به زودی گفته می شود، اما فاقد اساس بود. به JOHN DE TORQUEMADA گوش دهید:
همانطور که آنها کمک می کنند این اضافه شد، زیرا برای جاتین ها سخت بود که این را باور کنند. از آنجایی که هم از طریق کتب و رساله‌های پزشکان کلیسای غرب و هم از طریق مناظره‌های متعددی که با یونانیان انجام می‌شود و هم از طریق اعلامیه‌های کلیسایی، در کل جهان مسیحیت بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است، که لاتینیان همیشه معتقد بودند و موعظه می‌کردند که روح‌القدس از پدر و پسر سرچشمه می‌گیرد، نه انگار از دو اصل و دو نفس و یک نفس، بلکه از یک نفس. دستگاه مربوط به فرمان اتحادیه یونانیان ویرایش. En, CANDAL CFDS II/1, p. 30

() بدون شک این همواره اتهام اصلی جدایی طلبان علیه ایتالیان از زمان و نمونه فوتیوس بوده است. همانطور که از اعمال رسولان کاملاً مشخص است، مارکوس اوژنیکوس افسینوسی مکرراً در شورا به آشوب می پرداخت. شهادت این مطلب نیز در روایت حوادث شورا که رساله نیقیه ما به الکسیوس لاسکارین درج کرده است، قابل اعتمادترین است (De processione Spiritus Sancti = 161, 389 B-392 C; Latin, 439 B-440 D).

(3) گاو نر اتحادیه یونان. رجوع کنید به نامه های پاپی در مورد شورای فلورانس (سند. 176) ed, G. Hofmann CFDS I/2, pp. 70-71.

دیجیتالی شده توسط گوگل

برای تایید ,— تا کنون حداقل شناخته شده است — () -، ما هیچ مدرکی نداریم که او قبلاً، قبل از اینکه به ایتالیا بیاید، دائماً کتاب های بچی را ورق می زد. بلکه برعکس گفته می شود; زیرا نمی‌توانست این اتفاق بیفتد که چون خود جان بکوس روزانه و شبانه با جان بکوس با مطالعه مجدانه رفتار می‌کرد، هنوز به صحت عقاید کاتولیک به شورا نیامده بود، مگر اینکه در همان ابتدا، خود این جزم را به چالش کشیده بود. اما، اگر او ابتدا حقیقت را خوانده بود، همانطور که در آثار بچی به عاقلانه ترین دفاع از آن دفاع می شود، به هیچ وجه به جستجوی تنبل حقیقت پایان نمی داد، تا با قوت ذهن و عقلش آنچه را که عادلانه بود، بپذیرد، همانطور که برای ما روشن است که خود او در پرسشی متفاوت در مورد گرگور انجام داد.

و بنابراین، این سؤال بالاخره در یک زمان به اینجا باز می‌گردد تا بدانیم که آیا آثار جان بچی در خود شورا مورد مشورت قرار گرفته است یا خیر. اکنون که پاسخ مثبت داده می شود، آن را بسیار محتمل می دانم. زیرا غیرقابل باور است که آثار جان بچی، اولین حامی اتحادیه، در میان مجلداتی که خود یونانیان از قسطنطنیه با خود آورده بودند، گنجانده نشده است. مگر اینکه شما بگویید که همه آن یونانیان چنان در معرض تعصبات علیه آموزه غیر فوطیان بودند که از کتابهای بکو که مخالف فوتیوس بود غفلت کردند. با این حال، به هیچ وجه محتمل نیست.

در واقع، جدای از دلایل ذاتی که باید به‌زودی توضیح داده شود، من متقاعد شده‌ام که بساریون در شورا، کار بچی را که تحت عنوان «در جریان روح‌القدس» است، مطالعه کرده است. به همین دلیل خاص، زیرا در آنجا به بهترین وجه در مورد آن متن معروف سنت ریحان، در کتابهای علیه یونومیوس () بحث شده است. اما این متن، همانطور که قبلاً در بالا گفتیم، در ماه مارس به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت و نیقیه ما عمداً در سخنرانی ماه آوریل خود سکوت کرد، "نه به این دلیل که من در مورد آن شک دارم.

() برعکس، او به صراحت از او در رساله خود به الکسیوس ال اسکارین نام برده است. رجوع کنید به MG 161, 328 B-329 B (لاتین, 410 B-411 A).

جان یازدهم بکوس، پدرسالار قسطنطنیه (1275-1282)، ابتدا با امپراتور میکائیل پالئولوگوس که به اتحاد با لاتین ها تمایل داشت، مخالفت کرد. اما، به دلیل آن موضوع، با مطالعه مجدانه SS به زندان رانده شدند. او خود را وقف کار پدرش کرد، به ویژه توسعه NICEAETA MARONEA و NICEPHOR BLEM-MYDAE. او که سرانجام به حقیقت کاتولیک دست یافت، با نوشته ها و اعمال خود تا زمان مرگش به شدت از آن دفاع کرد.

پس از اینکه اتحاد کلیساهای لیون منعقد شد (6 ژوئیه 1274) و در قسطنطنیه اعلام شد (16 ژانویه 1275)، او که توسط امپراتور (26 مه) به عنوان پاتریارک قسطنطنیه منصوب شد، در 2 ژوئن تقدیس خود را دریافت کرد.

اما پس از مرگ پالئولوگوس (11 دسامبر 1282) و بلافاصله پس از شکسته شدن اتحاد با لیون، توسط آندرونیکوس دوم، پسر و جانشین میکائیل، بکوس به زندان محکوم شد. او که از حیثیت پدرسالارانه‌اش محروم شد، دید که این صندلی به جورج سی‌وپریوس داده شده بود، که خود او در نوشته‌هایی علیه او جنگیده بود. با این حال، او که از چندین مجازات در زندان رنج می برد، همچنان آثار بسیار عالی را تألیف کرد و با نوشتن وصیت نامه ای اصیل (MG 141، 1020-1028)، سرانجام در اواخر اسفند 1296 به شهادت رسید.

(3) رجوع کنید به Em CANDAL، S. I.، نامه منتشر نشده Andyea Rhodiensis به بساریون. (بر ذات و عمل الهی). OrChrPer 4 (1938) 346-348; در جایی که همان سخنان بساریون نقل شده است، آنچه مظهر در مورد پالمیسم احساس می کرد.

() بساریون نتوانست آثار BECCI را در میان لاتین ها بیابد، زیرا آنها در غرب شناخته شده نبودند، مگر در زمان بسیار بعدی، زمانی که برخی از آنها توسط Petrus ARCUDIU (0puscula aurea theologica, 1629)، Leo ALILATIUS (یونان ارتدکس، 1652-1659) و سپس کارت نوشته شد. آنها جوزف هرگنروتر (1857) را منتشر کردند.

() BECCUs, On the Process of the Holy Holy, cc. I-II (نشان داده شده است که متن بازیلیوس علیه یونومیوس مخدوش نشده است) = MG 141, 157 B-185 B. ، — III، 1

گوگل دیجیتالی شده توسط

داشتم، سپس به سراغ I,ascarin - رفت، اما چون در میان دیگران تردید داشت» ()؛ اما بعد پیشنهاد می‌کند که خود بساریونتی مورد استفاده بکوس قرار گرفته است، زیرا در آن زمان به صراحت از بکوس نقل شده است، وقتی نیکائئوس قصد دارد آن متن قدیس باسیل را در رساله‌اش در مورد مسئله اسکاری توضیح دهد.

I الهیات او

58. اما موضوع، همانطور که گفتم، باید با نشانه های ذاتی حل شود.

و در واقع، اول از همه، الهیات پدرسالار جان بچی، همانطور که در آثار او آشکار شد () کاملاً مبتنی بر دانش SS بود. پدران شرقی را باید عمیق تر مورد توجه قرار داد و آموزه آنها را با آموزه های لاتین مقایسه کرد. از این مقایسه، به نظر می رسد به طور کلی نکات زیر به دست می آید:

1) به گفته پدران یونانی، روح القدس از پدر از طریق پسر سرچشمه می گیرد. بنابراین پسر وسط تثلیث است، به طوری که سیر روح القدس لزوماً شامل وساطت پسر نیز می شود.

از این رو نظم طبیعی در تثلیث پدید می آید: پس از پدر پسر، پس از پسر روح القدس.

با این حال، بدون هیچ اولویت زمانی ().

2) این وساطت پسر و این نظم طبیعی در تثلیث به بهترین وجه در فرمول پدران یونانی - "از پدر از طریق پسر" () نشان داده شده است.

3) بنابراین فرمول لاتین xat oixovouíay از پدر و پسر قابل تحمل است، زیرا آنها به درستی درک می کنند (). بنابراین، این فرمول غربی باید به درستی درک شود، همانطور که به سادگی پیوست شده است. اما هوش صحیح او در این است که او دو اصل روح القدس را ایجاد نمی کند، بلکه فقط یک اصل را ایجاد می کند. البته این وحدت شاهزاده در تثلیث در رابطه با صفوف روح القدس همواره مورد حمایت بکوس قرار می گرفت، به عنوان محور آموزه تثلیثی او. به طوری که خود به اصطلاح ارتدکس در جلسه یکشنبه سه گانه تحقیر شد

(") رجوع کنید به BESSARION, De processione Spirilus Sancti = MG 161, 324 D (لاتین، C 408).

(3) به نظر می رسد نوعی حمایت از همه اینها، که در حدس و گمان ها آورده ایم، همان چیزی است که در SYROPULUS می خوانیم (VIII, 16, p. 241; and IX, 4, p. 255). در واقع، کتاب مشخصی از IOANNIS BECCI در میان مناظرات یونانی منتشر شد.
]

(3) تقریباً تمام آثار منتشر شده از IOANNIS BECCI قبلاً در MG 141 هستند که در یکی از نسخه‌های جزئی قبلی Petri ARCUDIT، Ioannis ALLĻATII و Josephi HERGENRÖTHER (همان، 16-157) گردآوری شده‌اند. چهار مورد اصلی وجود دارد: 1) در مورد اتحاد و صلح کلیساها جایی که نویسنده نشان می دهد که پدران یونانی تعالیم جزم کاتولیک را آموزش می دادند، او مخالفانی را که آنها را متفاوت تفسیر می کنند، رد می کند، و به ویژه، فوتیان اصلی را رد می کند: خود فوتیوس، نیکولاس متونوس و تئوفیوس، اکتوم بی، گاروم. 2) کتیبه‌ها یا کتیبه‌ها (همان، 613-724)، که در سیزده فصل، فرازهای پدران یونانی را جمع‌آوری می‌کند که در آن‌ها عمدتاً تعالیم کاتولیک در مورد حرکت روح‌القدس نشان داده شده است. 3) در راهپیمایی روح القدس (همان، 157-276)، جایی که برخی از شهادت های پدران توضیح داده می شود که غالباً توسط فوتیان به معنای بدی برخورد می شود، یا خود آنها در مورد اصالت آن تردید داشتند. 4) رد کتاب فوتیوس در مورد روح میستاگوژی مقدس (همان، 728-864)، که در آن، با این حال، او از تمام ظرافت های فوتیوس بکوس می گذرد، اما - همانطور که ویراستار می گوید - "به سرعت با قلم، تا آنجا که توانست در زمان مناسب، آن سفسطه های شهروندان خود را نیز قطع کرد" (

4). Cfr., v. gr., on the Union of the Churches, no. 21-23 و 55 = MG 141, 61-68; 128-129.

(6) همان، شماره. 20-21 = MG 141, 60-84.

(0) همان، آی، 8-19; 26-28 = MG 141, 24-60; 73-85. کتیبه ها، 1-2; VII-VIII = همان، 613-637;
686-692.

دیجیتالی شده توسط گوگل

علیه کسانی که تأیید می کنند پسر علت (atro) یا هم اصل (ovvalrov) با پدر روح القدس است (). زیرا او علت را اصل اولیه می دانست; و یک اصل، یک اصل مستقل از اصل اولیه.

4) بکوس به شهادت های بسیاری از پدران یونانی برای عقاید کاتولیک استناد می کند، اما به طور خاص به چهار مورد می پردازد: الف) سنت باسیل، کنترا یونومیوس، III ،1 (); ب) از سنت گرگوری نیسا، قطعه ای در نماز یکشنبه (); ج) از خود نیسن، به ابابیوم، که سه خدا وجود ندارد (); سرانجام، د) از سنت جان داماسکنو، د فیده اورتودوکسا، (9) I، 12 bis.

اکنون، در واقع، در بساریون ما، بیش از هر چیز، این تمایل به آشکارا نشان دادن نیمه پسر، تأثیر فعال واقعی که شخص سوم در صفوف را اعمال می کند، مشاهده می شود.
به حدی که این نیمه از قبل حتی در عناوین خود فصل ها نیز دیده می شود. سپس، از نقطه سوم، نظریه خود را در مورد نقص هر دو فرمول تثلیثی، که در واقع، همانطور که گفتیم، قبلاً در خطبه خود به آن اشاره کرده بود، اکنون در رساله خود با L,ascarin توسعه داده است. با این تفاوت که حتی در این مورد نیز از بکوم پیشی می گیرد، او از این امر حمایت می کند که فرمول «از طرف پدر و از پسر» مشروع است، و این که صرفاً با اقتصاد قابل تحمل نیست، زیرا به نظر می رسد از آن وحدت اصل - اما نه نظم - به شدت نشان داده شده است. ثالثاً، سرانجام، از میان آن چهار متن پدری که برای بکو مهم‌ترین آنها بود، خود دو متن آخر را با قدرت فراوان به اثبات رساند، در حالی که دو متن دیگر را با وجود اینکه به دلایلی که در خطبه به یونانیان ارائه شده بود، مورد بحث قرار نداد، اما آنها را بهترین برای اعتقاد به ایمان می‌دانست، بلکه در حالی که او سخنرانی را آماده می‌کرد، به تنهایی می‌توانست کل آنها را حل کند.

مفاخر آن

59. اما به طور خاص، با توجه به اسناد پدری، آیا می توان تأیید کرد که بساریون ما به کتیبه های جان بکی نگاه کرده است؟ برای پاسخ به این سوال، باید به خاطر داشت که بساریون اولین نسخه خود از «عذرخواهی برای بکو علیه پالاماس» را زمانی که کاردینال توسکولان بود طراحی کرد. بنابراین بین سالهای 1449-1468. در واقع، خود او در مقدمه () می‌گوید که کار پالاماس را می‌شناخت، که به وسیله آن به کتیبه‌های بکی حمله شد، در حالی که او فقط عنوان فرمانداران نیکیه را یدک می‌کشید. بنابراین، قبل از 18 دسامبر 1439، زمانی که کاردینال دوازده حواری توسط یوجین چهارم خلق شدند. اما زمانی که او برای اولین بار از کار بچی مطلع شد، هیچ نشانه ای .SS از این سند وجود ندارد، مگر اینکه اشتباه کنم که با آن می توان موضوع را با دقت بیشتری مشخص کرد (؟). احتمالاً از آن گفته خواهد شد

(') در 110-113 ;GEORGIUM PACHYMER, De Andronicus, I, cc. 10، 35 = MG 144، 37-40.

(3) BECCUS, On the Process of the روح القدس, I-II = MG 141, 157-185. Epigraphae، I = 613 ،همان.

() در صفوف روح القدس، I، 4 = همان، 164-161 Epigraphae، I = همان، 613.

(4) در صفوف روح القدس، VII = همان، 224-213 (و در جاهای دیگر در گذر).

(3) جورجیوس پاچیمرس، دی آندرونیکس، اول، ج. MG 144, 102-115; II 25، سی سی 12-1 = همان، 155-121.

(0) رجوع کنید به MG 161، 288 ق.م.

() به خود BESSARION گوش دهید: پس از BeCKUM فوق ... برخی از یونانیان به نام GREGORIUS، ملقب به PALAMAS. بر خلاف حقیقت کاتولیک در مورد این مقاله و دشمنی آشکار که می‌خواست تمام تلاش‌های BECCI فوق‌الذکر را تضعیف کند، با استدلال‌ها و مقدمه‌های خود مخالفت کرد. اما وقتی این کار هر دو به دست من رسید، بساریونیس، اس. آر. ای. کاردینال، اسقف توسکولانا، اسقف اعظم آن زمان نیکیه. من نه رنجیدم و نه تحمل کردم که تهمت رایج معلمان باید متحمل شود، و این عاقل ترین مرد باید توسط برخی به عنوان پدرسالار BECCU به عنوان یک دروغ محکوم و طاقت فرسا تصور شود. پس می بینید که در اینها فقط از یک کتاب صحبت می کنند، یعنی کتاب پالاماس، که به نوبه خود از یک کتاب صحبت می کند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

از آنچه در ادامه می آید، کتاب اپی‌گراف ها قبلاً توسط بساریون در شورا خوانده شده بود. زیرا، در حقیقت، تعجب آور خواهد بود که هر دوی بکوس و بساریون، که به طور مستقل می نویسند، به چنین شباهتی در آثار خود دست یافته باشند. زیرا نه تنها همه آن شهادتهایی که در کلام بیان شده است، بدون هیچ استثنایی، با بکوس وجود دارد، بلکه به نظر می رسد که دامنه وسیع تری که آن شهادت های چندگانه برای آن جمع آوری شده است، در هر دو متکلم یکسان است.

زیرا بکوس کتیبه‌های خود را به گونه‌ای تنظیم کرده است که با قرار دادن هر چه بیشتر از نوشته‌های پدران شرقی، جایی که گفته می‌شود روح‌القدس از پسر و از طریق پسر است (Epigr. 1)، بسیاری دیگر اضافه شده‌اند که نشان می‌دهد پسر مستقیماً از پدر است، به عنوان چیزی که مربوط به خودش است (Epigr) (Epigr). () و مانند ایجاد نظم در تثلیث (Epigr. IV). همچنین باید اضافه کنید که اساس گفتن اینکه روح القدس از پدر از طریق پسر یا از پدر و پسر است، در کلمات خود اناجیل یافت می شود، همانطور که سیریل اسکندریه برای بسیاری ثابت می کند (Epigr. 5). به همین دلیل است که فرمول «از پدر حاصل می‌شود» و سایر مواردی که از روح به پسر اشاره می‌کنند، ارزش حرکت یکسانی دارند، مانند «روح حقیقت» یا «کسی که از او می‌گیرد» (مصاحبه 6). در واقع، «خروج از پدر» ارزش یکسانی دارند، و اشکال مختلف «ریخت»، «پیش‌رفت»، «تأثیر»، «فرستاده» و بقیه، که دقیقاً «در آن قسمت‌هایی گفته می‌شود که گفته می‌شود روح از جانب پدر می‌آید» (اپیگر. 7).

و بنابراین، از آنجا که این فرمولها در مورد پسر نیز در رابطه با روح گفته می شود، اشتباه است که آنها را به عنوان هدیه ای جدا از طبیعت الهی درک کنیم. اما این همان تراوش، حرکت شخصی روح القدس است (Epigr. 8). در واقع، گفته می شود که خود روح از ذات پدر و پسر سرچشمه می گیرد و نفس هر دو است (Epigr. 9). بنابراین، سیریل اسکندریه، هنگامی که ادعا می کند که روح القدس از پسر سرچشمه می گیرد، بیرون می ریزد و وجود دارد، دوباره صادق است (Epigr. X). بنابراین، توضیح آنها باید رد شود، زیرا به موجب آن گفته شد که همه این چیزها نشان دهنده هم ماهیت بودن پسر و روح است.

یوانیس BECCI را رد کرده بود. از این رو هوشمندی عبارت فوق محو می شود: این کار هر دو است. اما در مورد زمانی که خودش کتاب BECCI Seorsum را می دانست، شما چیزی ندارید. این اثر BESSARIONIS در MG 161, 244-288 منتشر شده است. نسخه لاتین بساریون، همان، 287-310.

(") بر اساس الهیات جان بکی، روح القدس به واسطه پدر، مستقیماً از پسر سرچشمه می گیرد.

نه به این دلیل که دو عمل پدر و پسر وجود دارد، بلکه به این دلیل که یک عمل واحد، که از پدر سرچشمه می گیرد و از پسر می گذرد، که همه چیز را از پدر دریافت می کند، نیز به نیروی نفس کشیدن در روح ختم می شود. و این در واقع اگر افرادی که نفس می — کشند در نظر گرفته شود؛ اما اگر خود عمل نفس کشیدن - یعنی نیروی تنفسی - در نظر گرفته شود، روح القدس همانقدر از پدر خارج می شود که از پسر، زیرا پدر و پسر از این جهت که نفس می کشند، متمایز نمی شوند. با این حال، این نفس واحد به شیوه ای متفاوت از پدر، به عنوان یک اصل بدون آغاز، و از پسر، به عنوان یک اصل با یک اصل، پیش بینی می شود. بنابراین، با بهترین حق از SS. برای پدران او را Pater dezuxós، یا «ò airuov dpxuxóv، یا rpúrn airia، یا tò xvglos airov می نامند. (رجوع کنید به متن IOANNIS BECCI امضا شده در بالا، در یادداشت های 4 و 5، صفحه 60). همه این چیزها که ارتباط نزدیکی با تعالیم توماس قدیس دارند (من فرستاده شده، منطقه 12، q. 1، a. 3، و ad lum)، از طرف مقابل، همانطور که می بینید، بر خلاف اصل سوم و ششم فوتیوس است که اعلام می کند که پدر به دلیل شخص، نه به دلیل طبیعت، تولید می کند، و بنابراین روح از نسل فوراً و طرفداران فامیل است. پسر؛ در مورد آن می توانید با M. JUGIE, I, pp. 196 و 201 مشورت کنید

توجه کنید، لطفاً، چقدر همه این چیزها با شهادت اس اس فاصله دارد. پدران BECCU ها را از مفهوم فیض پالمیتی به وجود می آورند که در قرن بعد قرار بود سر جسورانه خود را در خود کلیسای بیزانس بالا ببرد. زیرا فیض الهی موهبتی از بالاست که از خود ذات الهی جدا شده است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

آنها می گویند، هنگامی که برعکس، مفهوم واقعی هم جوهری به درستی مورد توجه قرار گیرد، «زمانی که چیز دیگری چنان به هم پیوسته باشد که به طور طبیعی و ماهوی از طریق خود یا از خود وجود داشته باشد» (Epigr. 11). همچنین نمی توان گفت که روح القدس از ذات پسر است، اما از هیپوستاس او نیست (1)، گویی آن که از جوهر پسر می گوید، «به پسر، یعنی ذات او در هیپوستاس او اشاره نمی کند» (اپیگر. 12). در نهایت، نمی توان یک بار دیگر ادعا که همه آن بندهایی که از ریزش روح از طریق پسر صحبت می کنند، باید از عطای‌ای او درک شوند، زیرا همان کرد عبارات در مورد پسر در رابطه با حرکت او از طرف پدر گفته می شود. گویا خود پسر اساساً و در هیپوستازی خود نبود، اما - چون هیچ کس پدر را ادعا نکرد، اعتقاد بر این بود که عطای‌ای خود پسر از طرف پدر است (Epigr. XIII).

60. حال اگر از این کتیبه‌های جان بکوس به سخنان بساریوس چشم بگردانیم، ترتیب بسیار مشابهی از کل موضوع و مسائل مشابه را خواهیم یافت که تقریباً به همان ترتیب به آنها پرداخته شده است. اکنون روشن است که من در مورد بخش دیگر خطبه صحبت می کنم، جایی که اثبات جزم از طریق شهادت پدران ایجاد می شود.

زیرا اولاً از پدران نام برده می‌شود که فرمول «از پدر به‌واسطه پسر» را توضیح داده‌اند - که همگی برگرفته از توصیه‌های بچی است. سپس کسانی که «از طرف پدر و از پسر»، به هر طریقی، حرکت روح القدس را اعلام کردند، به ویژه همان سیریل اسکندریه، که، همانطور که دیدیم، در کتیبه های بچی نیز جایگاه برجسته ای به دست آورد. زیرا و پدران باسیلیوس، آتاناسیوس و گریگوری نیسا که صریح‌ترین فرمول «از پسر» را به کار می‌بردند و از سر ناچاری سکوت می‌کردند، اتفاق می‌افتد که در اپی‌گراف‌ها نیز یافت می‌شوند. فکر کردی همه این اتفاقات تصادفی بوده؟ اما علاوه بر این، استدلال پیشوایان نیقیه را که من همیشه به هر یک از شهادتهای پدری پیوست می‌کنم، اضافه کنید تا در نهایت به آن بازگردم، تا نشان داده شود که در حرکت روح‌القدس می‌انجی، پسر واقعاً بخش‌های علت را اعمال می‌کند، و به همین دلیل، آن جانشین‌ها یا حتی تبیین‌های دیگری که توسط گزاره‌ی مقدم بر آن نوشته شده است، نادیده گرفته شده است. دگم کاتولیک، باید رد شود. نه، هنگامی که بساریون به متون مقدسین برخورد می کند که کلمه «بودن» یا «پیشرفتن» را نیاورده اند، بلکه متون دیگری مانند «فرستادن» یا «سودآوری» یا «پیشرفت» را در نظر می گیرند، سپس سعی می کند به بسیاری نشان دهد، همانطور که اپیگرافیست ها می کنند، که در همه این عبارات یک معنی و یکسان وجود دارد و نمی توان آنها را نه به معنای روح شخص، بلکه به معنای عطای روح او ترسیم کرد.

بنابراین به نظر می رسد که وابستگی بساریون به کتیبه های بچی کاملاً واضح است. همه اینها در مورد بساریون ما چیز جدیدی را به ارمغان می‌آورد، که دیگر انباشته‌ای از شواهد بی‌مورد ارائه نمی‌کند - مانند کتیبه‌ها، بلکه شواهد بسیار غنی و متقاعدکننده‌ای است - بلکه بررسی کامل موضوع، طبق روش الهیاتی، با توجه به بخش‌های مختلف آن، متمایز از نظم، به درستی نمایش داده شده است.

بعلاوه، این که بساریون از نوشته های جان بکی علیه جورج سیپریوس استفاده کرده است، تا آنجا که من متوجه شدم، هیچ مدرک قطعی وجود ندارد. در واقع، اغلب اوقات نیکائنوس در تهیه براهین خود اظهار می دارد که همان چیز معتبر است، وجود داشتن، ادامه یافتن، ظهور، متجلی شدن، و سایر کلمات مشابه. اما در مورد هجوم ابدی اسپیریوس از طریق پسر، که نظریه سیپیوس بود، توسط بکوس بیشتر

() این گونه بود که مارکوس یوجنیکوس عمدتاً علیه جان دمونتنرو در شورای فلورانس استدلال کرد، همانطور که از اعمال کاملاً مشخص است. رجوع کنید به اکتا گر، ص 275 و 278 و غیره; Acta lat., pp. 146 ff.

دیجیتالی شده توسط گوگل

به نظر می رسد حتی یک کلمه با او سازگار نیست. اما، همانطور که قبلاً در بالا اشاره ،() - Ðiscussa et reicetta کردم ()، شاید آنها فکر می کردند که ایجاد اختلاف در مورد موضوعی مبهم و بدون پایه و اساس، اضافی است. در نهایت اضافه می کنم که این سکوت نظریه ی ابدال افوزیون، یک بار دیگر نشان می دهد که کتیبه های یکی را باید منبع اصلی خطبه جزمی دانست، زیرا احتمالاً در حدود سال 1280 سروده شده اند - خود آنها نمی توانند به آن نظریه جدید که هنوز در قبرس متولد نشده بود نگاه کنند.

منابع دیگر

در 61، منابع دیگر بسیاریون بدون شک می‌توانستند خطاب او را به درستی با حقیقت جزمی‌ها مطابقت دهند.

زیرا اولاً، آن دو باب دقیق بخش اول را به هیچ وجه نباید در سکوت گذشت، فصل چهارم، که می گویم، مهم ترین آن ها در آغاز مطرح می شود، و فصل پنجم، که بر اساس اصول فلسفه ارسطویی، محکم ترین پایه را برای استدلال کلامی برای بخش دوم فراهم می کند.

پس نباید گفت که در بدنه خطبه چیزهای زیادی یافت می شود که در آن نتیجه جزمی کاتولیک از شهادت های پدران گرفته می شود - که بدون توسل به آموزه های مکتبی غرب نمی توان به طور کامل آن را درک کرد. اینها، از جمله، آنهایی هستند که در مورد نامهای نسبی تثلیث دروغ می گویند ()، و آنهایی هستند که در مورد شیوه های مختلف صفوف، "که لاتین ها آنها را منشأ می نامند" توضیح داده شده است، یا می گویند که " در الوهیت چیزی جز ذات و روابط وجود ندارد"، و اشخاص الهی ابتدا و اساساً با روابط متمایز می شوند، "از طریق آنها نیز روابطی برقرار می شوند که به همان اندازه که در هستی وجود دارد، ایجاد می شود". با حالت شکل" (9); همه اینها در واقع مکتب و توماس الهی کاملاً حکیمانه هستند و هیچ کس با دانش متوسط در الهیات تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت. همه مواردی که در مورد تنفس فعال و غیرفعال و همچنان در مورد روح القدس با توجه به اصل تنفس (9) مانند الهیات غربی، به این موارد اضافه می شود.

() BECCUS, In iomum Cyprii et novas eiusdem hereses MG 141, 864-925.

(3) رجوع کنید به آیا، 46-47 از این مقدمه، در ص. 11، 7-49

(9) از اینجا معلوم می شود که بسیاریون ما که بیشتر توجه خود را به فلسفه افلاطونی در نزد معلم معروف آن زمان، جمیستوس پلتو، معطوف کرد، نه تنها از تعالیم ارسطو بی اطلاع بوده، بلکه همان طور که مقالات کلامی او نشان می دهد، بخش های اولیه را نیز به آن داده است. آنچه خود بسیاریون در مورد ارسطو که ما او را راهنما و شاهزاده همه آموزه ها داریم احساس می کند، نامه او به میکائیل رسول را در 688-692 ،MG 161 آشکار می کند. اما مطمئناً بساریون مردی التقاطی بود. برای خود او که اثری سنگین در دفاع از افلاطون نوشت (در تهمت افلاطون، کتاب چهارم. اد.

L. MOHLER, II)، برای ارسطو در سؤالات De substantia او می خواست با استاد PLETHON بجنگد (رجوع کنید به L,. MOHLER, III, pp. 148-150)، نکمون کرد و نسخه لاتین Metaphysices Staciritea را تکمیل کرد و کتاب (De natura et arte (ed.MOHI,.ER, Lpp,bi را تألیف کرد. 88-147)، در جایی که با وجود اینکه برای پلاتون است، چیزهایی را نیز وارد کرده است که نشان می دهد ارسطو بسیار آگاه بوده است. اما شما بهترین اطلاعات را در مورد همه اینها در خود L. MOHLER, I, pp. 335 ff.

(4) به متن BESSARION برای شماره مراجعه کنید. 31.

(5) همه چیز در متن شماره 42

() ببینید آیا متن زیر، 43.

دیجیتالی شده توسط گوگل

نه، بساریون ما نیز می‌داند (") لاتین‌ها در آن زمان درباره متون دمشقی و ماکسیموس که به نظر مخالفان آنها بودند، می‌داند؛ و این را باید به نحوی خاص متذکر شد، زیرا این متون به درستی توسط او در کتاب خطاب توضیح داده شده است - قبل از اینکه خود او به یونانی‌ها خطاب کند، هیچ بحثی در شورا مطرح نشد. جوهر همان پدر و پسر است" هر آنچه از پدر است، پسر نیز باید باشد، "به غیر از این که پدری وجود ندارد." به نظر می رسد که تحت این فرمول کلمات سنت توماس طنین انداز است: "پدر و پسر، تا آنجا که به وحدت ذات مربوط می شود، تفاوتی ندارند مگر در این که این پدر است، و").

بنابراین، همه اینها از منابع دیگری غیر از لاتین ها و به اصطلاح از ذهنیت است، و نیکائوس نمی توانست از منابع لاتین استخراج کند.

62. اما اگر بیشتر پرسیده شود که به طور خاص آنها را از کجا آورده است، پاسخ دشوارتر خواهد بود. قبل از هر چیز باید به این واقعیت منحصر بفرد که در بالا توضیح داده شد توجه کرد: اینکه بساریون ما برای مدت طولانی در بحث های جلسات عمومی سکوت کرد و ظاهراً تقریباً هیچ فعالیتی نداشت. اما او به هیچ وجه غیر فعال نبود. زیرا او با کمک یک مترجم () هر جزئیات را با قضاوتی آرام شنید و حفظ کرد، سپس با مطالعه خصوصی آن را سنجید، و در نهایت آن را ساخت، که به نظر می‌رسید بیشتر به این موضوع کمک می‌کند، همانطور که خودش تلویحاً اعتراف می‌کند، چه زمانی به خودش.

(1) آیا متنی به شماره 47 دارید؟

(9) هیچ چیز در اعمال رسولان lat. اگر اشتباه نکنم در متون دمشقی و ماکسیموس یافت می شود. و به گفته Acta gr ترتیب کارها بدین صورت است: 1) فراریا وقتی در مورد اضافه شدن به نماد بحث شد، متن نامه قدیس ماکسیموس به مارینوس - و در واقع توسط آندریا کریسوبرگا نادرست خوانده شد (Acta gr., p. 132) اما به آن اشاره نشده است. 2) پس از هفتمین جلسه فلورانس در 17 مارس 1439، یونانی ها راضی ترک کردند، زیرا "تا آنجا که به اعتراف ایمان مربوط می شود، به اندازه کافی بود." زیرا «وقتی بیرون آمدند از مجلس گفتند و ما شادی بزرگی دیدیم که لاتینی ها یک علت پسر و روح یعنی پدر را می دانند و دو علت را نمی گویند (Actag., p. 390)؛ 3) در روز نوزدهم جلسه ای از متروپل ها در خانه قدیس برگزار شد. از آنها بخواهید که آن را باز کنند (همان، ص 392-393) در روز 21، به درخواست ایاتیان، هشتمین جلسه جشن گرفته می‌شود، که در آن نه مارکوس یوگنیکوس و نه آنتونیوس هراکلینسیس حضور داشتند، و جان دو مونتنر آخرین پایان نامه خود را در مورد آن نداشت. ماکسیموس (A cta gr., pp. 396-398; Acta lat., pp. 196-208; 209-222) پیشنهاد شده است که نامه قدیس ماکسیموس در جلسه خصوصی نمایندگان ده نفر از مردم لاتین و به همین ترتیب در تاریخ 17 آوریل برگزار شود. ص 411-412)، اما، همانطور که می بینید، این چیزها قبلاً پس از سخنرانی بساریون اتفاق افتاده است.

(3) S. THOMAS AQUINAS, Summa contra Gentiles, IV, 24.

() این منصب توسط نیکولاس ساگوندینوس، یونانی با ملیت، اهل اوبویه در آن زمان، تحت رهبری ونیزی اداره می شد، که آندریاس صلیب مقدس با بهترین حق نوشت: .. بار بر او تحمیل شد که پدران یونانی آن را به زبان یونانی توضیح داده و با وزن کامل یونانیان به کلمات لاتین آورده اند. فوراً بدون انحراف عقل و عقیده به هیچ وجه؛ که به عقیده همه در ترجمه دشوارترین آن بود. و در عین حال، زبان لاتینی که توسط ما توضیح داده شده است، به راحتی به یونانی ارجاع داده شده است (Acta lat., p. 39). مداحی همان در اعمال یونانیان نیز هست - در کنار برخی از نسخه های خطی فقط آن موجود است (نک : Acta gr., p. 66 - and Introd.

ص xIx -): [تفسیر در شورا انجام شد] rapà roõ iueTépov éQuyéus, xvpoŭ NcoñdoU Toõ Zexovvõívou, dvdpòs náv dpi rov xai džuodóyov, xai ăxpws uvao Aury tip iEnaxnuévo, xahā; ôÈ Aíav xai rp iuerépav .

دیجیتالی شده توسط گوگل

از این رو او در خطبه گفت: «و من مقامات و شهادتهای آنها [پدران لاتین] را به شما می‌بستم تا شما را متقاعد کنم و همخوانی آنها با شرقیان را ثابت کنم، اگر نبود که همه شما آنها را در زمان تولید لاتینی‌ها نمی‌شناختید و می‌شناختید و شنیده بودید.» او بدون تردید سعی می کرد در گفتگوهای خصوصی بر شیوه تبیین پدران، خود متکلمان غربی، تسلط یابد و در عین حال به تدریج به استفاده از زبان لاتین نیز دست یافت ().

اما در نهایت، هر توضیحی که می‌توان به حقایق داد، بی‌تردید آشکار است که بساریون ما، زمانی که خطاب را می‌گفت، مدت‌ها پیش مقایسه‌ای دقیق از پدران لاتین با شرقی‌ها را برای استفاده خودشان ایجاد کرده بود. اما اگر سرانجام از انجام این کار علنی صرف نظر کرد، در حالی که آن را بیان می کرد، بسیار جای تأسف است، اما تنها دلیل آن این بود که سخنرانی بسیار طولانی، همانطور که او در آنجا اعتراف می کند، نباید طولانی تر شود. با این حال، همانطور که من فکر می کنم، این مانع از آن نمی شود که بساریون نیکائوس را به عنوان عالی ترین بنای الهیات در خطبه خود به آیندگان واگذار کرد ().

با وجود این، این موارد در مورد لحظه الهیات خطابه جزمی اعلام شده است.

IV. - حساب نسخه حاضر

63. پس از اتمام بخش آخر این مقدمه، هنوز چیزهایی وجود دارد که باید به ما اضافه کنیم: اول، البته در مورد ویرایش های قبلی. و از کدهای نسخه خطی؛ در نهایت، ثالثاً در مورد نحوه تهیه نسخه حاضر.

1. در نسخه های قبلی

واضح است که سخنان جزمی در مورد اتحادیه در تمام مجامع بزرگ شوراها یا گشت ها مطرح می شد. که تنها مرور موارد زیر کافی است:

الف) مجموعه واتیکان. « Töv áyiov olxovuevxõv Suvóðuv ti; Kaboxijs 'ExxAnaia;

شوراهای عمومی کلیسای کاتولیک را که توسط پاپ پل پنجم ماکسیموس منتشر شد، پاره کرد.

() برای اینکه آیا، 68 به متن بساریون مراجعه کنید.

(8) در فقدان اسناد در این مورد، اگر درست باشد که فرضیه خاصی را توضیح دهیم، شاید بتوان گفت که چندین چیز در سخنان بساریون 9، مخصوص کولاستیکوس غربی، از هموطنش آندریا کریسوبرگا، که مدتها بود به مذهب کاتولیک پذیرفته بود و یک خانواده دومنیکن که زبان لاتین را آموخته بود، یافت می شود، تا زمانی که توانسته بود زبان لاتین را از او بخواند. با خواندن مستقیم

(3) شخصیت بساریون به گونه ای بود که او بیش از پیش تمایل داشت که از مسائل الهیات شناخت کامل داشته باشد. بنابراین، سابق gr.، قبلاً در سخنان جزمی (شماره 42) او خود اشاره کرد که افراد تثلیث بیشتر توسط روابط تشکیل شده اند. اما، پس از آن، او در آنچه به الکسیوس لاسکارین نوشت، به طور کامل و صریح تر، با دانش و عرضه ی فراوان تر الهیات مکتبی، به این مسئله پرداخت. زیرا در آنجا، برای اینکه حقیقت عقاید کاتولیک را از ریشه آشکار کند، عمیق‌تر بررسی کرد که شخص پدر چه چیزی را تشکیل می‌دهد، آیا او زاده شده است، یا آغاز، یا پدری او به تنهایی، یا نفس کشیدن او به تنهایی، یا به طور خلاصه هر دو در یک زمان. به طوری که پس از بحث در مورد همه این موارد با قضاوت یکسان، به این نتیجه واقعی منتهی شود: اینکه پدری شخص پدری را تشکیل می دهد، و این شکل غیرقابل ارتباط او است، و این نفس کشیدن از شخص از قبل تثبیت شده او پیروی می کند.

BESSARION, De rocessione Spirilus Sancti = MG 161, 360 D-364 B; 1 425 به لاتین، C-427 B.

دیجیتالی شده توسط گوگل

جلد چهارم رم. از تایپوگرافی مجلس حواری بزرگوار. 1612 (). گفتار جزمی (به یونانی و لاتین) ص 515-550. اعلام برخی، ص 550-551.

ب) دو «شورای عمومی و استانی یونانی و لاتینی، به تعداد یافتن». به همین ترتیب، رسالات حکمی و رومی Pontificum vitae. تمام تلاش و انرژی SS ،R. D. Severini Bini. دکترای الهیات، کانون کلیسای متروپولیتن کلونیا، پرزبیتر سی. از دستنوشته‌ها و سایر کدکس‌های اصلاح‌شده که اکنون برای دومین بار و با همان ترکیب‌بندی بازبینی شده‌اند، با مفیدترین یادداشت‌ها به تصویر کشیده شده‌اند، به روشی تاریخی مرتب شده‌اند و در چهار جلد توزیع شده‌اند، Coloniae Agrippinae. در 1618. جلد چهارم. گفتار جزمی (به یونانی و لاتین) ص 557-581. اعلام برخی ص 581-582 ().

ج) REGIA، "مجموعه سلطنتی تمام شوراهای عمومی و استانی." Peri-siis 1644. جلد 32. گفتار جزمی () یونانی و لاتین) 465-400 .col. اعلام برخی از سرهنگ. 465-467 (9).

د) LABBE-CosSART "Sacrosancta Concilia ad Regiam exact edition، که اکنون در قسمت چهارم *L* با مطالعه افزایش یافته فیلیپ لابی و گابریل کوسارت، انجمن عیسی پرسبیترها"، پاریس، پاریس منتشر شده است. جلد سیزدهم در 1672. گفتار جزمی (به یونانی و لاتین) 456-391 .col. اعلام برخی از سرهنگ. 455-456 ().

ه) هاردوین. "اعمال شوراها و رساله ها و قوانین اساسی پاپ های عالی"، پاریسی‌س. جلد نهم در سال 1714. *I* گفتار جزمی (یونانی و لاتین) 372-319 .col.
اعلام برخی از سرهنگ. 373-374 ().

و) کلتی. «شورای ساکروسانکتا به نسخه‌ی دقیق سلطنتی، که یک بار در یک ربع، با مطالعه‌ی فزاینده‌ی فیلیپ اول، ابات و گابریل کوسارتیوس، از انجمن پروتستان عیسی منتشر شد.

() رجوع کنید به H. QUENTIN، 0. S. B.، Jean-Dominique Mansi et les grandes Collections Conciliaives. پاریس 1900، صفحات 25-27 مزیت اصلی این مجموعه شامل افزودن متون یونانی منتشر نشده، به ویژه از کتابخانه واتیکان است. و بزرگترین [نقص، در تصحیح نسخه های لاتین باستان به بهانه شکل کلاسیک ظریف تر است.

(9 چاپ دوم 1618 را که در دست داشتم ضمیمه می کنم. اولین چاپ در سال 1606 - همچنین در کلونیا - و چاپ سوم در پاریس در 1636. رجوع کنید به H. QUENTIN، همان، pp. 21-24. اعتبار اصلی این مجموعه به خاطر یادداشت هایی است که همیشه ویراستار شورای یادداشت ها یا یادداشت های شورای ضمیمه شده است. بلارمینوکسوس در یادداشت مربوط به سخنرانی بساریون (جلد چهارم، ص 730) چنین می‌گوید: «در عین حال، در حالی که این چیزها در هر دو طرف اتفاق می‌افتاد [نمایشگاه یونانی‌ها به پاپ و پاسخ او)، و شورا قبلاً تشکیل شده بود، بساریون آن سخنرانی را در مورد زمان برگزاری آن اعلام کرد.

شگفت انگیز! اما او Acta، از جمله Oration را رونویسی می کند. او بدون شک فریب نسخه آکل یونانی را خورده است که احتمالاً برای [اولین نسخه از آن استفاده کرده است، همانطور که به زودی گفته خواهد شد. بینوس ادامه می دهد: با این [سخنرانی] مطلق، یولیانوس در پاسخ برای پاپ اعظم، گفت: تقصیر یونانیان، رعایت نکردن قوانین و توافقات کنوانسیون ها، چند بحث بوده است. . از آنچه در قسمت اول این مقدمه گفته شد، می دانید که همه اینها در یک سکانس تکرار واقعی نمی گنجد.

(3) رجوع کنید به H. QUENTIN، همان، ص. 28

() همان، ص 29-32.

(3) همان، ص 39-54. جلد اول مجموعه این عنوان را به خود اختصاص داده است: «مجموعه سلطنتی شوراها، به P. Philippi Labbei و P. Gabriel Cossartius، از انجمن عیسی، کارهایی که با اضافات قابل توجه، و با چندین اضافات، به ویژه از کدهای خطی، با نمایه های جدید و بسیار غنی، توسط HARDOUINSetter، توسط همان HARDOUINSetter از P.John، انجام شده است.» دوازده جلد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

اما اکنون، با افزوده‌های استفان بالوزیوس و جان هاردونی، و همچنین با سوابق متعددی که از همه جا به دست آمده، و همچنین شناخته شده و مشاهده شده، با پایه محکم‌تری به‌ویژه از دوره‌های شوراها، بسیار غنی‌تر و درست‌تر، تحت مراقبت نیکولاس کولتی، کشیش دانشجوی کلیسای ونیس، ارائه می‌شود. ونیز جلد 18

در 1732. گفتار جزمی (یونانی و لاتین) 399-466 col. اعلام برخی از سرهنگ. 465-468 ().

ز) من ماندم. "مجموعه جدید و گسترده ترین مجالس مقدس." فلورانس (در آن زمان پاریس-جیپسیا).
جلد XXXI A (پاریس). در 1906. گفتار جزمی (یونانی و لاتین) سره. 893-966. اعلام برخی از سرهنگ. 965-968 ().

ح) عالی است. "دوره کامل گشت." سریال یونانی بعد. به طور دقیق J.-P.
خیلی زیاد. پاریس در پاریس. توم نوزدهم. در 1866. گفتار جزمی (به یونانی و لاتین) 543-612 .col. اعلام برخی از سرهنگ. 611-614 (9).

64. اکنون به طور کلی متذکر می‌شویم که در همه این مجموعه‌ها ارائه سخنان جزمی با توجه به نوع عذرخواهی که قبلاً در نسخه یا نسخه‌های قبل از هر یک از آنها وجود داشته است، مشترک است. همچنین برای همه معمول است که هیچ نشانه ای از کد نسخه خطی که متن از آن به دست آمده است اضافه نمی کنند. او همچنین می افزاید که اشتباهات نسخه های قبلی به طور کلی توسط ویرایش های بعدی تصحیح نمی شد، بلکه برعکس، اغلب بر آن افزوده می شد. به طوری که، v.gr.، آن نسخه ی آناستاتیک منسی - در آخرین جایگاه در میان مجموعه های مجالس بررسی شده توسط ما، مملو از اشتباهات چاپی، بلکه در خواندن است، همانطور که در ادامه گفته خواهد شد و توسط دستگاه انتقادی نسخه حاضر نشان داده خواهد شد.

همچنین در همه این مجموعه ها مشترک است که آنها ظاهراً متن قوانین یونان را از اولین ویرایش شورای فلورانس در سال 1577 گرفته اند. اما اگر نسخه اول Bini در سال 1606 را بپذیرید، نسخه لاتین آن را منتشر خواهم کرد - توجه داشته باشید که این نسخه ای است که جان متائوس کاریوفیلوس توضیح داده است ().

(4) رجوع کنید به H. QUENTIN، همان، ص 54-56.

(3) H. QUENTIN، همان، ص 179-180. (بنگرید به ارزش این مجموعه، ص 181-186). این جلد XXXI A، "le plus mince de tous et le plus rare ausi" ساخته 1798 چیزی نیست جز یک بازتولید آناستاتیک از نسخه ای که در ونیز توسط آنتونیو زاتا در سال ساخته شده است.

(0) این نسخه Mignian، که معمولاً قبل از دست نگهداری می شود، از همه نسخه های دیگر ناقص تر است.

(4) اولین نسخه BINII، در سال 1606 - که فقط قوانین شورای فلورانس را به لاتین ترجمه کرده بود.

توسط BARTHOLOMAEO ABRAMI, Cretan, (رجوع کنید به I. GILL, S. I., The printed Editions of the Practica of the Council of Florence. OrChrPr 13 (1947] 486) -، اما نسخه هنوز به نظر می رسد که CARYOPHYLILI من نمی توانستم آن را در دست داشته باشم؛ این نسخه از شورا ساخته نشده بود. در آن زمان در رم تهیه می شد (CARYOPHYI 1612-1608 به کتابخانه واتیکان ضمیمه شده بود، در جلد IV (1612) از شوراهای واتیکان، صفحه 7 (عدم شماره)، در فهرست آمده است:

جان متائوس کاریوفیلی، ایالات متحده، اسقف ایکونیوم (نگاه کنید به EUBEL، IV، ص 208)، در حدود در Candia متولد شد. در سال 1565، اما او در سال 1633 در رم درگذشت، و در معبد رومی سنت آتاناسیوس کالج یونانی، جایی که تحصیلات خود را در جوانی به پایان رسانده بود، به خاک سپرده شد. او دفتر کتابداری را در کتابخانه واتیکان انجام داد، که فعال ترین و پرکارترین مجادله گر بود. آراسته ترین حروف یونانی و لاتین.

دیجیتالی شده توسط گوگل

به طور خلاصه، در این مجموعه ها مشترک است که، تا آنجا که به سخنان جزمی مربوط می شود، همه آنها، همانطور که منصفانه بود، از نسخه خود بساریوس که «آن را از یونانی لاتین ساخته است» استفاده می کنند، همانطور که درست است در عنوان نسخه حاضر خوانده شود.

65. پس اکنون، ما باید در مورد نسخه های خاص سخنان جزمی بحث کنیم.
حال، به ترتیب زمانی، تا جایی که ما توانستیم پیدا کنیم و در دست داریم، این موارد زیر است.

الف) چاپ لاتین سال 1526. این کتاب یک کتیبه است که روی برگ 158Y نوشته شده است: "
Impressum Rome apud Antonium Bladus de Asula." «در سال بیست و ششم هجری قمری در 23 ماه می ().

«آنچه در این جلد آمده است»:

"کنوانسیون هشتم Acta Generalis تحت رهبری Eugenio Quarto Ferrarei Inceptê: Florentiê uero peractê، به تازگی از یونانی به لاتین ترجمه شده، با تفسیر Bartholomew Abramno Cretensi، Prêsule Ariensi". فول III-CXIIIY،

«کتاب سوم ریحان کبیر علیه یونومیوس بر روح القدس، ترجمه جورج تراپزونتیوس کرت». فول 114-117

«نشانی بساریون کاردینال، سپس اسقف اعظم نیقیه، خطاب به یونانی‌ها، که با همان بساریون به عنوان مفسر نوشته خواهد شد. فول 117-135
(اضافه شد fol. 135v. 136v «اعلام بساریون از همان چیزهایی که در گفتار جزمی مذکور موجود است که نزد یونانیان به خوبی شناخته شده و برای لاتینیان ناشناخته است»).

رساله آیوسدن در مورد موفقیت خود سینود و در راهپیمایی روح القدس به سوی الکسیوس، توسط همان مفسر، »
Fol. 137-68Y

ب) نسخه یونانی 1577. «H áyia xai oixovpevxi) Šy Dlopevríg yevouéy Sivoðos.
(در پایان کتاب) '(1577) "Ereu ris eyovias, apo " "Púun duà Dpavxiaxov Zavérov. Ervzóty ây.
فقط متن یونانی قوانین یونانی شورا در جای مناسب خود و در واقع بدون عناوین ده فصل مختلف نگهداری و درج شده است، Oratio dogmatica Bessarion، ص 178-203.
کتابی بسیار نادر، همانطور که لگراند (9) اشاره کرده است، و نسخه‌ای که تمام مجموعه‌های شوراها آکتای یونانی شورای فلورانس را از آن گرفته‌اند.

ج) ""H áyla xal oixovuevx) t Õiwgevrią Eóvodos. Sancta generalis Florentina Synodus". [رم]
. چاپ شده توسط [1629] .Stephanus Paulinus. این اثر در دو جلد مجزا منتشر شد که جلد اول در واقع حاوی Acta Concili (یونانی و لاتین) است، دومی درست (همچنین به یونانی و لاتین)

() نسخه های Dogmatic Oration، که قبل از سال 1500 است، ساخته نشده است. رجوع کنید به اثر بزرگ Gesamtkatalog der Wiegendrucke, IV, Leipzig 1930, pp. 60-63, جایی که در اعداد 4183-4186 فقط نوشته های بساریون برای برانگیختن شاهزادگان ایتالیا به جنگ با ترک ها و کتاب ها به تهمت زننده افلاطون اختصاص داده شده است.

() کتاب بسیار کمیاب. رجوع کنید به ILEGRAND, Bibliographie hellénique (XVe-XVIe siècles), III است. پاریس 1903، ص 305-306، ذیل شماره 280. D. BARTHOLOMEUS ABRAMI شما در C. EUBEL, III, p. 117

(3) E. Legrand, همان، II, 156 پاریس 1885، ص 24-25، تحت این که آیا

دیجیتالی شده توسط گوگل

سخنان جزمی بساریون با تفسیری لاتین از همان، ص 187-271، که ،Oratione quattuuri Georgii Scholari
اعلامیه برخی، صفحات 271-273، در نهایت دو پاسخ به کتاب مارکوس اوژنیوس، Josephus of Methoneroyncus
به آن اضافه شده است. نسخه و Josephus of Methoneroynsis's Great Hitoneroynsis و Gregoryhosell
نسخه لاتین این نوع اعمال و سخنان یونانی، که - همانطور که از این یادداشت ها نیز برمی آید - "Edó9n ʍ
به جان ماتیوس کاریوفیلوس نسبت داده شده است (9) Hurter و () Zaviras ،() Allatio توسط () "avovóuos،
که "نسخه نسخه رم 156 را اصلاح کرد".
و هر شکی، اگر وجود داشته باشد - کاملاً هویت متن این نسخه ناشناس را با متن نسخه شوراهای واتیکان که در
بالا بررسی شد، از بین می برد، جایی که به وضوح ادعا می شود که کاریوفیلوس نویسنده آن بوده است ("").

د) سرانجام، نسخه جدیدتر دیگری نیز ناشناس است، یعنی نسخه ای که عموماً NICKES نامیده می شود،
"H áyía xai olxovuev) iv Dlwpevrla Dóvoðos, ðuà Movagoð BeveðL-rívoU" [Joannes.Sanselmus Nickes, .
ب.]. 'Ey *Púun 1864. جلد اول (فقط به زبان یونانی، توزیع شده در دو جلد با ویژگی های مشابه با نسخه
قبلی). خطابه جزمی نیز در جلد دوم و بدون عناوین ده فصل ص 420-461. "شورای مقدس فلورانس کلیسای
جهانی، منتشر شده توسط راهب بندیکتین" [نیکس]. رم 1865. جلد دوم (تولید مجدد نسخه لاتین نسخه
قبلی Caryophylus، در برخی جاها به طور کلی با موفقیت تصحیح نشده است، همچنین در یک جلد دوگانه).
گفتار جزمی ص 358-398 جلد دیگر که اعلامیه برخی ص 398-400 به آن اضافه شده است.

66. اکنون که ممکن است به این سؤال در مورد نسخه های سخنان جزمی پایان دهیم، شاید مناسب باشد
که به شیوه ای گرافیکی مقایسه ای بین نسخه های مختلف یونانی Acles شورای فلورانس، و نیز تفاسیری
که در بالا توضیح داده شد، ایجاد کنیم. ما موضوع را در سه ستون به گونه ای تنظیم می کنیم که در اول متن
اعمال یونانی، در دوم تفسیر Drimaeva A Brahmin، در سوم Caryophyllus همراه با نسخه جدیدتر Nickes. ما
مکانی را انتخاب کرده ایم که سخنرانی بساریون در آن معرفی می شود.

(") . LEGRAND، همانجا (XVIIe siècle), I. Paris 1894, 187 زیر شماره 265-266، صفحات.

(") Cír. Meyádn "Elavueh 'EyxvxÅonaibeia, XIII. 920-921 ص ،1930 آتن.

(3) L. AĻLATIUs, Urban Bees, Rome 1633, p. 163.

() Zaßloas., Néa 'Ehàs ì "Euvxòv Otarpov. 355 ص ،1872 آتن.

(9) H. HURTER, Literary Nomenclature of Catholic Theology, II. Oeniponte 1906, col. 1323, 2 تبصره.

(9) HURTER، در رم در سال 1526 ABRAMS نمی دانم چرا، سال 1521 را تعیین می کند. اما خطا آشکار است، هنگامی که او در آنجا به نسخه،
همانطور که دیدیم، اشاره می کند. که خطا سپس به نویسندگان دیگر سرایت کرد.

(؟) پس از مرگ CARYOPHYILLI (1633) به نظر می رسد ویرایش دوم شورای Actorun ساخته شده است، یعنی چیزی که توسط J.-Chr.
در رم در سال John Matthaeus CARYOPHIL, O (sic) نقل شده است که توسط مترجم BRUNET (Manuel du Libraire, I. Paris 1860, col. 1609)
1638 توسط همان کتابدار Stephanum Paulini در دو جلد نیز به یونانی و لاتین تهیه شده است. هیچ نشانه‌ای از این نسخه در BRUNET
ظاهر نمی‌شود، که در آن شکی در مورد مکان، نویسنده یا زمان انتشار وجود داشته باشد. این نسخه از سال 1638 با لذت بردن از شخصیت‌های
مشابه، در فهرست کتاب‌های کتاب رویایی فهرست شده است. تام I. مهمانی برتر، پاریس 1739.

اما من نتوانستم نسخه واقعی را ببینم.

دیجیتالی شده توسط گوگل

نسخه کاریوفیلوس، من و نیکس ()

وقتی او این چیزها را گفت، هیچ کس مخالفت نکرد [NICKES 0m. این دو کلمه]، هیچ کس مخالفت نکرد، اما قیصر گفت: این چیزی نیست که ما در مورد آن سؤال می کنیم. اما ما می خواهیم به پاپ پاسخ دهیم، از چهار موردی که پیشنهاد شده است، که [NICKES: quidna] را انتخاب می کنیم. سپس پروتوسینسلوس بزرگ و اعتراف کننده لرد گریگوری، که به عنوان جانشین [NICKS: که او نیز نایب السلطنه بود) کرسی اسکندریه عمل می کرد، پاسخ داد.

و به این چیزها چه پاسخی می توانیم بدهیم؟ زیرا می گویند که این نوشته ها [NICKES: این نوشته ها) دروغ است، اما آن] در واقع] زناکار: و در واقع ما .NICKES om این چیزها را نادیده می گیریم، اما آنها را دریافت نمی کنیم [نیکس: و نه آن ها]، به نوعی برای کسانی که می خواهند دلیلی ندارد. پس چه چیزی باقی می ماند؟ به نظرات پاسخ دهید؟ اما این برای ما بی ارزش است.

به راستی که امپراتور به همه چیز دستور داد (NICKES: به درخواست همه) که دوباره نزد پاپ بروند.

تفسیر ابراهیم(ع)

که پیشوایان، در حالی که هیچ کس با امپراتور مخالفت نکرده بود، پاسخ دادند که این چیزی نیست که از آن شکایت می شود، بلکه آنچه او به آن چهار سؤال حضرت عالی پاسخ می دهد، است که ما باید با جدیت بررسی کنیم. به کسی که گریگوری به این ترتیب پاسخ داد، ما به آرام ترین امپراتور پوننتیک چه می توانیم بگوییم؟ زیرا به نظر ما شایسته نیست که بگوییم این دروغ است، آن نادرست است، و ما از این غافل هستیم، که کاملاً آلوده شده ایم.

سپس امپراطور به درخواست همه یونانیان همان پیامها را به پاپ اعظم فرستاد که باید به او پاسخ دهند، که یونانیان ببینند که آن چهار سؤال فقط به یکی بستگی دارد، یا فقط به یکی نگاه کنند، یعنی به بحث و گفتگو ادامه دهند، زیرا برای اینکه ابهامات باید روشن شود، و در نهایت باید یک مطلب توضیح داده شود. مورد نیاز است، که بدون مناقشه نمیتوانست به خوبی انجام شود، که یونانیان به طرز عجیبی از آن عقب رانده شدند. زیرا چیزی از آن وجود ندارد

مصوبات شورا ("")

Taura aætoŬ elnótos ovdei; dyrei-nEV, oædels dvrepbéykuro dl'"ó Baot- levs, o% č ri To TO võv, pn i, tò Cyzovpevo, dlà Bovióueba boüvas ànodoylav r náng Te ix Tūr **ζητημάτων τὸ ἕν. Τότε ὁ μέγας** nQwToGÓyyeños xal vevpatLXÒŞ XÚQUS ***1*** Toyópos, ó xal tooTngnr)s nágzov Toð dÀe avõpeiaş, dzexpívato.

Kal rl ouváueda dnoloyeiobau ngòs ra ra; tàg pev yàp Aéyev rõv voapüv öre eloi yevðels, tàg ôè öre vóbau, xal Tà uev byey ăyv0oTa huiv, tà ôè öTe oð orégyouev, ČRoyóv nos šori, tí ru delneraL AoLr y, àroñoyeiotau pevoñ; xal tooro obddy npÉrEL huiv.

᾿Αλλ᾿ ὅμως ἁπάντων τὸν βασιλέα RaQaxadeadvrwv, öpuaey lva ånélbu-**σι πάλιν οἱ προῤῥηθέντες εἰς τὸν** nánNEN, xal őrws noLhowTy drolo-yíav toaýrny. Hpeiş öoa picaş xareláßouev, öte elai &v, xai rà réooapa xEqpddeva ngds & paérovO, **τὸ διαλέγεσθαι· τὸ γὰρ ἀμφιβαλλό-**pevov xploewş ôeiraL, xal ai naparrá-đELŞ xploews elaiv, xal al paprvplau **τῶν γραφῶν ἐν κρίσει μαρτυροῦσιν·**

() من متن اعمال رسولان را بر اساس نسخه رومی سال 1577 ارائه می کنم که بدون شک کاریوفیلوس در هنگام تهیه کتاب خود به آن اشاره می کرد. رجوع کنید به I. GILL, S. I., The Printed Edition of the Practica of the Council of Florence. OrChrPer 13 (1947) 488. وجود دارد ص 177 و 203; املا و علائم نگارشی سند حفظ می شود.

(3) این تعبیر به راستی آزادتر است که بسیاری از چیزها را حذف می کند یا با نقل غیرمستقیم چیزها عقد می کند.

خود بارتولومئوس آبرامی در مقدمه نامه کتابش به بندیکتوس د آکولتیس، اسقف اعظم راونا (فول. IIv) چنین می گوید: زیرا یونانی ها بازی ها و افتخارات فردی را می نویسند.

آنها شاهدان را در نامه ها رها کردند و احمقانه ترین آنها را در اعمال شورای الهی وارد کردند. بنابراین با حذف اینها و برخی از بحثها و مجادلات خصوصی خود یونانیان که همانطور که گفته شد اصلاً به موضوع مربوط نمی شود، فقط صادقانه و تقریباً کلمه به کلمه ... بحثها و مجادلات عمومی آنها را با لاتینها ... از یونانی به گفتار لاتین به پایان رساندم.

متن برگرفته از نسخه رومی 1526 است. XCIXY، املا و علائم نگارشی آن حفظ شده است.

(3) از آنجایی که دو نسخه تقریباً یکسان هستند، آنها در یک انباشته شده اند، اما در داخل پرانتز، با نام NICKE، تغییراتی از این، تقریباً بدون نام، ذکر شده است.

متن از نسخه رومی 1629 CARYOPHYLLI، قسمت 1، ص 572-576 گرفته شده است. که املا و علائم نگارشی آن نیز حفظ شده است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

کسانی که قبلاً از آنها صحبت کردیم. و این چیزها را برای او بیاورند [Nickes: per. تحمل کردن].

ما، هر چیزی که دستور دادید گزارش شود، یکی [NICKES : cognonunus]، و چهار سر برای نگاه کردن به یک چیز، یعنی بحث، هستیم. زیرا چیزی که در آن شبهه وجود دارد، نیاز به حکم دارد، و دلیل از آن حکم است; و شهادتهای کتب مقدّس در داوری بیان می شود. بلکه همچنین (NICKES:

همچنین] قسم خوردن گفته می شود، زیرا حقایق به وسیله آن داوری می شوند (NICKES: نگاه کردن به قضاوت حقایق). حال این چهار قابل تقلیل به یکی هستند، یعنی بحث کردن و قضاوت کردن. حالا جواب دهن را بده نخواهیم قضاوت کنیم و مورد قضاوت قرار بگیریم. زیرا ما از این قضاوت سودی نخواهیم برد: زیرا ما نماد مقدس را از هفت سینود مقدس و جهانی داریم و نه اضافه می کنیم و نه کم می کنیم. اما ما به آنچه توسط پدرانمان که قبل از ما [نیکس: بودند] ایجاد شده راضی هستیم. ما هر چیزی را که اضافه شده است دریافت خواهیم کرد (NICKS:

که اضافه شده است، ما خودمان نباید آن را دریافت کنیم)، و نه شما [NICKES om. که] برای بیرون راندن از نماد، چه نیازی به مجادله و مناظره و برهان و سوگند و شهادت است؟ اما جناب شما با خود می اندیشد. و اگر راه دیگری برای آشتی باشد، می آییم: بدون شراب، با آرامش به کشور خود خواهیم رفت.

آنها امیدوارند به راهی برسند: زیرا خودشان به اقتدار اجدادشان، به نمادی که پدران مقدس و هفت سینود کلیسای جهانی فرستاده اند، تن می دهند، و هرگز چیزی به هیچ دلیلی اضافه نمی کنند: 1 در برابر بسیاری از مقامات مقدس، لاتین ها به وضوح نشان داده اند که این افزوده درست است، و نمی توان انجام داد که باید از نماد حذف شود، حتی اگر یونانیان بیشتر مایل باشند. پس شایسته است که مجادله، مقامات اولیای الهی، بحث و در نهایت سوگند را کنار بگذارند، پدر مبارک، هر دو طرف در عقیده خود روشی برای اتحاد دائمی بیاندیشند، مگر اینکه موضوع کمتر آلوده شود، یونانیان از مجمع خارج خواهند شد. که به پاپ اعظم گفته شد، او پاسخ داد که هیچ کاردینالی را به جلسه یونانی ها نمی فرستد تا در مقابل امپراتور به آنها پاسخ دهند. در این میان، بساریون صریح ترین دعا را برای صلح در دیدار یونانیان کرد و خود نامه ها را خواند که در پایان این کتاب توانستم برای مترجم ترتیب دهم که چگونه توسط همین بساریون پس از چند سال به زبان لاتین ارائه شده است. این جشن توسط پدرسالار در حضور امپراتور در جلسه برگزار شد، جایی که جولیان، آن کاردینال فصیح ترین، سخنرانی کرد.

dlià xai öpxos, tò ÔaxpívEy dlṇdij Abyerau. Aounòv čneuðh) Tà téoaupa eis &v nepxieiovra, Tò ðuadéyeatau xal xpiveobau, iueiç droloyoúueta AoLTòv, urôólws xpívew xai xoíveobau ***οὐ γὰρ κερδανοῦμέν τι ἀπὸ ταύτης τῆς*** xpicewş. enei hueiş Ezouev tò äyov oÚuBoov dnò ry iyiwy xai oixoU- uEvxÖv énrà Gwóôwv, xal oöte ngooribepEv, očTe dpaupouuev dald ***ἀρκούμεθα ἐπὶ τῇ διαγνώσει τῶν πατέρων ἡμῶν τῶν πρὸ ἡμῶν· ὑμεῖς δὲ καὶ ὅσον προσεθήκατε ἐν τῷ ἱερῷ*** ouußólp, tôeíķare áyíovs léyovtaş TO To, Xai čyete dnapasádeUTOV xui Aoroy o te jpeis uérhouev séEaota anhös tò npooTeté, pÛaét vuel, ànò roŬ oUußólov, iva ri ui pùovexiau, xai ai dualéfeis, xai ai napaoráoeis, ; xai oi öoxoL, xai ai paprvpia; ud (oxeyá tw j o) uaxapiótns, xai ġày čoru tis äioç ToónOG évúaews, évotyaóueba, ei 8 oð inehevoóuebu ueTà pullas els Tà töia. Taüra roð Baoukéws elzóvros, xai r v dnoxpuoLagiwv ta ra dxnxoó- Twv, xai T náną EinóvTwv dnayyeiduı ; xarà rỳy aöpıov, véa xhyv) ***τοῦ θωμᾶ, ἐλύθη ἡ σύνοδος.***

'Anelbóyrwv Tow eiç zòv náNaV, xai Taita eizóvrwv uæTo, oæx àaE- xpit, aÞTois, dà rois xapôrya- Alovs, elney, anooTEllã eis tÝy àva- Toxiji natogy aÚ BaoLléws uélwov eireiv návra.

Tpeiç o iuéguu napjatov npiy ***ἐλθεῖν τοὺς καρδηνάλεις· τῇ τετάρτῃ γὰρ ἦλθον. μέσον δὲ τῶν ἡμερῶν τούτων τῇ δευτέρᾳ δηλαδὴ καὶ τῇ*** Tòry, ouvóoov iuerégas yevouévms, Aóyov t$éðwxe péaov juūv vuxaia; xýQLs BeGcapiwv, negi évú EwS, èv xepañaiors ôéxa dyenuévov, čzeu dë oirwS.

(کل سخنان جزمی درج شده است.

سپس مجلات به شرح زیر ادامه می دهند:

دیجیتالی شده توسط گوگل

Merà ToŬTOY TÒy hóyov xai ì gYo-hipıos xógıs yeóeyos, npodipegev iuiv rpei; hóyovs ovußovisvTIKOUG nEQl Tis évúaews, ouußovisÚwN xai rapabağýivoy iuās évoðiva, oos Buà tò ujxoç čvraõta ou riteuev xal ***γράφονται ἐν τῷ τέλει τῆς βίβλου.***

T teraprņ oov rñs éßoouáðos ro5 ***θωμᾶ, ὡς εἴρηται, συνήχθημεν ἐν τῷ*** očxy roõ rurpuápxov, đotevoŬvToS a toõ, ä a xai r Bacidsi, xui ôn HAbov oi xapôņyáesç, ù xauepápuos xagöryális ToŬ áylou xahuevros, ó lovduavòs rîs ăyiaş oaßivns, xui ù prguávos, xai dezenlONOTOL oeiáyôtOL oei áyôtOL Tevűv, ňefaro oðv ó rñ; đyias caßirns Abyov orws.

هنگامی که این چیزها توسط امپراتور گفته شد و توسط افراد داخلی شنیده شد، گفتند; که پاپ روز بعد، یعنی یکشنبه در آلبیس استعفا خواهد داد:

و سینود برکنار شد.

و به این ترتیب نزد پاپ حرکت کردند و این مطالب را به او گزارش دادند.

اما در حقیقت او هیچ جوابی نداد. او می‌گوید، اما کاردینال‌ها به اتحادیه شرقی فرستاده خواهند شد تا همه چیز را به امپراتور حاضر بگویند. بنابراین سه روز گذشت تا کاردینال ها آمدند.

زیرا در روز چهارم که آنها آمدند، در این فاصله میانی، یعنی روزهای دوم و سوم، زمانی که سینود ما جشن گرفته شد [برگزار شد]، لرد نیکائنوس :NICKES پراسول، بساریوس دو ونیو، در وسط یک سخنرانی را ارائه داد که به ده فصل تقسیم شده بود. که ممکن است (شما را پیدا کنید) در دوم :NICKES ببینید

من میگیرم

پس از این سخنرانی، محقق، آقای جورج، سه سخنرانی برای نجات قلب ما ارائه کرد و روح ما را تشویق کرد [و ما را متحرک می کند .NICKES's om تا پیروزی را در آغوش بگیریم. که در اینجا به جهت طولانی اضافه نمی کنیم، بلکه در جلد دوم نوشته شده اند. و به این ترتیب در روز چهارشنبه پس از هشتم عید پاک، همانطور که گفته شد، در خانه پدرسالار، هنگامی که خود بیمار بود، همراه با امپراتور ملاقات کردیم. بنابراین آنها آمدند و [(NICKES):

کاردینال ها نیز آمدند، چمبرلین کاردینال اس. کلمنت، جولیان سنت سابینا و فیرمانوس. نه [نیک ها: و] اسقف اعظم، و اسقف تا ده [نیک: حدود ده]، همراه با هیرومون ها و فیلسوفانی که با اتوبوس سوار می شوند. بنابراین سنت سابین، کاردینال، متعهد شده است که چنین بگوید.

x

دیجیتالی شده توسط گوگل

2. روی کدهای خطی

67. شکی نیست که نسخه های خطی زیادی از این خطبه وجود دارد، اگر توجه شود که به طور کلی به طور جداگانه رونویسی نشده است، بلکه در خود قوانین یونانی شورا آمده است که سنت خطی فراوان تری دارند ().

در اینجا لیستی از مواردی است که ما در مورد آنها اطلاعات داریم، یعنی: 33 کد برای متن یونانی، 8 کد برای لاتین، که 5 کد نیز حاوی "اعلامیه" هستند.

الف. متن یونانی "قراطیون"

Escorial (EL Escorial)، Biblioth. صومعه سلطنتی سنت لارنس

1. کد. گر 25 (R. II. 5)، نمودار، sec. 16، فول 151v-174.

2. کد. گر 362 (X, II. 5)، نمودار، cent. 16، فول 229-200 ولت

Biblioth. Medici-Laurentiana فلورانس،

3. کد. گر تبدیل supr 3، نمودار، قرن 15، فول. 236v-271 ().

4. کد. گر 14 (جمع 10)، نمودار، قرن 15، فیل. 4-23

اورشلیم، کتاب مقدس. پدرسالارانه

5. کد. گر 145، نمودار، قرن 16 ().

ماتریتی، کتابنامه. ملی

6. کد. گر 4727 (انت. N-137)، فول. 165-189.

7. کد. گر 4801 (انت. O-86)، نمودار، قرن 16، فولدر. 237v-272.

8. کد. gT 4865، نمودار، قرن شانزدهم، فول، 201-231.

میلان، کتاب مقدس. آمبروزیانا

9. کد. گر 252 (د. 77 پیش.)، نمودار، قرن 15، فیل. 149r-171 ().

10. کد. گر 928 (د. 118 پیش.)، نمودار، قرن 17، فیل. 55v-95

Staatsbibliothek مونیخ،

11. کد. گر 22، نمودار، قرن 16، فولدر. 173-198.

12. کد. گر 27، نمودار، قرن 15|16، پیش. 1-26.

(") برای فهرستی از نسخه های خطی که در آنها آکتای یونانی شورای فلورانس به طور کامل یا جزئی وجود دارد، به I. GILL، S. I. مقدمه. صفحات 1-12، CFDS V/1. مراجعه کنید Quae sunt Actorum Graecorun Concilii Florentini

() Codex نوشته شده توسط IOANNE PI,USLADENO (IoSEPHO METHONENSI، که در مورد آن رجوع کنید به Em. CANDAL, S. I., La Apologia » del Plusiade no a favor del Concilio de Florencia. OrChr Per 21 [1955] 36 ff.)، که گواهی آن در فول یافت می شود. 108: ""Iuávov Iliovouðyot iepćwç apzovroş Tüv xxânauay xai xriuaxai nóvos .

) بنابراین از کاتالوگ ارائه شده توسط A. PAPADOPOULO KERAMEU (leposoluuutc) BBhuoýen, IV. پترزبورگ 1899، ص. 126)، اما به نظر می رسد که او پس از آن از قسطنطنیه به متوکیوم قبر مقدس منتقل شده است. مطمئناً اکنون در اورشلیم یافت نمی شود.

() در قسمت داخلی جلد این کد نوشته شده است: Acta Concilii Florentini. کد تقریباً همان زمانی است که آنها در آن نوشته شده اند. در ونیز توسط اسقف اعظم فیلادلفیا [گابریل سوروس] خریداری شد. 1603.

دیجیتالی شده توسط گوگل

مسکو، کتاب مقدس. اس اس سینود (Biblioth. Musei Hist. State).

13. کد. گر 35, نمودار., قرن 16 ().

14. کد. گر 338، نمودار، قرن 16 ().

15. کد. گر 394، نمودار، قرن 16، فبل. 85-103 ().

شورش، Biblioth. وجود

16. کد. گر 134 (0. 4. 12)، نمودار، سنت. 16، فول 108-124.

PARISIIS (LUTETIE PARISORUM)، کتاب مقدس. ملی

17. کد. گر 422، نمودار، قرن 15، ص. 138-119v ().

18. کد. گر 423، نمودار، قرن 15، ص. 147-167 (9).

19. کد. گر 1270، نمودار، قرن 15، ص. 53-76.

رم، Biblioth. واتیکان حواری

20. کد. ریش gI. 421، نمودار، قرن 16، ص. 250v-291.

21. کد. Otto Gr. 30، نمودار، قرن 16، فولدر. 208-240 ولت (9.

22. کد. Otto Gr. 78، نمودار، قرن 16، فبل. 124v-149r, 23. کد. Otto Gr. 144،
نمودار، قرن 17، فبل. &-76v.

24. کد. مالیات بر ارزش افزوده گر 1428، نمودار، قرن 16، فبل. 5-30 ولت ().

25. کد. مالیات بر ارزش افزوده گر 1819، نمودار، سنت. 16، فول 162-194. .

آگوستوس تائورین، کتاب مقدس. ملی

26. کد. Pas] Taurus Gr. B. V. 23. گر 186]، نمودار، قرن 15 (0).

() در این کد قوانین یونانی شورای فلورانس، مانند نسخه رومی 1577 ذکر شده در بالا، در صفحه. 69 - یافت می شوند، همانطور که توسط Chr. فرید DE MATTHAEI (Accurata Codicum graecorum manuscriplorum Bibliothecarumn Mosquensium — Sanctissimae Synodi notitia et vecensio, I. Lipsiae 1805, p. 48). پس در آن سخنان جزمی بساریوس یافت می شود.

() از کاتالوگ ارشماندریت VIADIMIR, Catal. کتاب مقدس. Synodal (به روسی) مسکو 1894، ص. 498 کد از کتابخانه خارج می شود. röv 'IBepüv کوه آتوس.

(0) یکی از معدود کدهایی که خطاب بساریون را ارائه می کند از قوانین شورا جدا شده است. رجوع کنید به Chr. فرید دی متئوس، op. cit., p. 251.

() کدکس از کتابخانه Medici-Laurentian، جایی که با شماره 2514 امضا شده بود و قبلاً در Biblioth بود، به دست می آید. JOHNNIS LASCARIS، که نام او در خلاصه Ao - 20 از شماره 8 و شماره سرمایه گذاری شماره Ao - بر روی برگ شل درج شده در کد ارائه شده است.

() کدی که توسط جان پلوسیادنو نوشته شده است، و در نتیجه به قرن پانزدهم تعلق دارد، حتی اگر در کاتالوگ او H.0MoNT (Inveniaire sommaire des manuscripts grecs de la Bibliothèque Nationale, II. Paris 1886, p. 45) ثانیه. او 16 را اختصاص خواهد داد

() از کدهای جان آنجلوس دوسیس د آلتامپس.

() کدکس در ابتدا کتیبه دارد: از کتابهای کارت خریداری شده است. (1514-1585) Sirleti William SIRLETO، کالابار، کاردینال شماس سنت لارنس در پانیسپرنا توسط پیوس چهارم (12 مارس 1565) ایجاد کرد، پس از چند ماه به دستور کاردینال کشیشان (26 اکتبر) منتقل شد. قدیس پیوس پنجم (18 مارس 1572) مردی با دانش و تقوای برجسته را به عنوان کتابدار S. R. E. انتخاب کرد.

در پایان جلد، فول کنید. 302v، گفته می شود: ó ußaußevns ó tx uoveußaciaş xal raúrry Tip BIBAov ;Téloç àuhy. «Euuavovýlo 8Eéyoaps». نیز توسط او به روش های مختلف نوشته شده است amanuensis نام خانوادگی این.

(9) این کدکس که در آتش سوزی سال 1904 بخش قابل توجهی از آن مصرف شد، به ویژه اولین و آخرین برگ ها و تمام حاشیه بالایی برگ های باقی مانده، برای خواندن و استفاده کمتر مناسب شده است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

ونیز، کتاب مقدس. سنت مارک

27. کد. گر 679 (انت. ز 527)، نمودار، قرن 15، ص. 17-44 ولت (1).

28. کد. گر 778 (انت. ز 533)، نمودار، قرن 15، ص. 212-237. اساس نسخه حاضر که به زودی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

29. کد. گر 830 (انت ز 589)، نمودار، قرن 15، ص. 5-28 ().

WINDOWS, National Bibliothek

30. کد. شما Gr. 257، نمودار، قرن 16، فبل. 155-188 ().

31. کد. تاریخچه گر 14، نمودار، قرن 16، فولدر. 161v-184~ ().

32. کد. تاریخچه گر 17، نمودار، قرن 16، فولدر. (9) 127v-147.

WoLFENBÜTTELI, Staatsbibliothek

33. کد. گود. gt. 18، نمودار، قرن 16، فولدر. 189-216 ولت ().

ب. متن لاتین "دعا"

فلورانس، Biblioth. Medici-Laurentiana 1. کد. لات 2
(Plut. 54), fol. 1-40

میلان، کتاب مقدس. آمبروزیانا

2. کد. لات R. 4 sup., fol. 12-53.

(") رمز خودنویس BESSARION، اگرچه نه به طور کامل، در مورد سخنان جزمی، همانطور که بعداً گفته خواهد شد.

در MOHLER, I, p. 392 تبصره 5 و ص. 400، به عنوان Bessarions Handexemplar توصیف شده است. تفاوتها با خودکار اصلی در زیر مورد بحث قرار میگیرد.

(9) از کدهای جان باپتیست رکاناتی که بسیار زیبا نوشته شده است. عناوین فصول در متن درج شده است، اما از فصل. 8 با دست دیگری در حاشیه قرار می گیرند (BESARIONIS؟). به نظر می رسد که کاملاً از خودنویس اصلی گرفته شده است.

(3) این امضا توسط MoHL,ER (I, 218, note 2 داده شده است، اما در کاتالوگ ها یافت نمی شود. شاید این اشتباه با کد دیگری باشد؟

(4) در فول. 18v از این کد در پایین نوشته شده است: در fol. 254r: uavovhA ó yoryogórovAos otvENa ui ošons ayolñs kyoaya róðe teiov Bßllov ôò oi roÜzo dvayvwoHóMEVOL Xiru toûro rõ vot bévres uepárw pe ŭŭyop'oov alçv, xp. (22 اوت 1506). در مورد MANUEL GREGOROPULOS رجوع کنید به این کتاب LEGRAND, Bibliographie hellénigue aus XVe et XVIe siècles, II است. Paris 1885, pp. 262-263 and 275 ff.

(5) کدکس نوشته ای روی fol دارد. 1 نام مالک: BéBaoç a rn inápgeu dôgeviov ToŬ Ex uovEußa- oiaç ». اما آرسنیوس دو بار آن کرسی را اشغال کرد، یعنی در سالهای 1514-1516 و 1527 تا زمان مرگش در 1535. درباره آرسنیوس (= ARISTOBULUS APOSTOLIUS) É. IEGRAND, ibid., I. Paris 1885, pp. 124-165 (مقدمه)

(o) Codex حاصل از ایتالیا، Cf. HEINEMANN (VON) O., Die Handschriften der Herzogl. کتاب مقدس. زو ولفنبوتل. Wolfenbuttel 1913, vol. هشتم، Die Güdischen Handscriflen. (Die griechischen Handschriften bearbeitet Franz KOELLER). تحت شماره 18 (ژن، 4205)، ص 18-19

دیجیتالی شده توسط گوگل

رم، Biblioth. واتیکان حواری

3. کد. اتو لات. 1754، نمودار، سنت. 16/17، فبل. 283-322 ("").

4. کد. مالیات بر ارزش افزوده لات 4037، نمودار، قرن 16، ص. 1-18 ().

ونیز، کتاب مقدس. سنت مارک

5. کد. لات 1519 (ant. Z. 134)، نمودار، قرن XV, fol, 7v-37v ().

6. کد. لات 1693 (ant. Z. 133)، (4) membr., sec., 15, fol. 12-50.

7. کد. لات 1694 (ant. Z. 135)، membr., sec. 15، فول 18-60 ولت (9).

8. کد. لات 1901 (ant. Z. 136)، نمودار، قرن 15، فول. 1-52. اساس نسخه حاضر که به زودی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

ج. متن لاتین "اعلامیه"

رم، Biblioth. واتیکان حواری

*1. کد. اتو لات. 1754، نمودار، سنت. 17، فول 322-324 ().

*2. کد. مالیات بر ارزش افزوده لات 4037، نمودار، قرن 15، ص. 18--19. اساس نسخه حاضر که به زودی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

() از کدهای جان آنجلوس دوسیس د آلتامپس.

() این کدکس با تردید توسط MOHLER (I, 218, Note 2) به عنوان خودنویس BESSARIONIS قرار گرفته است، شاید به این دلیل که در fol. 111v امضای نامه ای از BESSARIONE به رهبر صومعه Bessarion وجود دارد. خطاب به سویرینوس از ناپل، به این ترتیب: در خداوند وداع کنید و برای نجات مردم مسیحی و برای خودم دعا کنید. رم 5 آگوست 1470. کارت b(essarion) Nicenus در دست خودش. آپوگرافی بهترین است، اما ممکن است خودکار نباشد. بیشترین قدمت این کدکس حداقل به سال 1493 نمی رسد، زیرا در قسمت دوم آن که با همان دست اول نوشته شده است، هر چند سریعتر، اثری به تفکر در جهان ها، کارتی وجود دارد. سزار بورجیا که در آن سال ایجاد شد. اما به نظر می رسد مربوط به قرن شانزدهم است. یک شماره گذاری مداوم برگ ها در دو جلد جداگانه نگهداری می شود. در دوم، آثار مختلفی گردآوری شده است که هیچ شباهتی با BEsSA-RIONE ندارند. اما جلد اول شامل بیشتر نوشته های بساریون است.

در پایان سخنان جزمی (تول. 18r) آمده است: پایان جزمی دعای نیقیه، که با کار با روح القدس، زیرا او به درستی و کاتولیک بودن آن را احساس می کند، سپس یونانیان را به لاتین ها دلیل محکمی برای اتحاد داد.

(9) این کدکس به BESSARION تعلق داشت چنانکه او در آغاز جلد به زبان لاتین و یونانی خطی مناسب گفته است. صحافی با چرم. هیچ یادداشت حاشیه ای یا اصلاحات BESARION ندارد.

() یک کدکس عالی، کارت نشان. BESSARIONIS به زیبایی با رنگ طلایی روی فویل نقاشی شده است. فلاش 2 و 74 و سایر مینیاتورهای ساخته شده از رنگ های مختلف و طلایی. یک دزدی انسانی بسیار دقیق. او حاشیه نویسی BESSA-RIONIS را ندارد. اضافه کرد. 2 یک رساله به شماره جلد پاپ اعظم پل fol در زبان لاتین و یونانی، در دست خود، فهرستی از چیزها را به BESSARION دوم، تحت این عنوان وجود دارد: Bessarion Ep. سابین کارت. Nicene Patr. Constant/pni در جزوات مربوط به حرکت روح القدس به سوی پل دوم پونت. حداکثر پرومیوم این پیشگفتار در کاتال منتشر شده است. زانتی (دوم، ص 76-77)، جایی که چنین ارائه شده است: «چاپ نشده، که در آن چیزهایی نیز وجود دارد که در مورد شورای فلورانس نباید نادیده گرفته شود.

(5) حتی این طومار که به زیبایی با نوشته های انسان گرایانه حکاکی شده و با مینیاتورهای طلاکاری شده تزئین شده است به پل دوم تقدیم شده است. همانطور که خود او در ابتدای جلد به زبان لاتین و یونانی می نویسد BESSARIONIS بود. با این حال، هیچ حاشیه نویسی ندارد.

() پس از سخنان پایانی، او را پذیرفتند و احیا کردند، به طور کامل به عنوان وات اضافه می کند. لات 4037 -; بگذارید این برای توضیح کسانی که گویی برای یونانی ها شناخته شده اند، اما برای لاتین ها ناشناخته هستند، به این توضیح نیاز دارند کافی باشد. پایان

دیجیتالی شده توسط گوگل

VENETIIs، Biblioth. سنت مارک

*3. کد. لات 1519 (ant. Z. 134), fol. 6-7 ().

*4. کد. لات 1693 (ant. Z. l33), fol. 10-11 ().

*5. کد. لات 1694 (ant. Z. l35), fol. 15•-18 ().

68. حالا این یک امتیاز بزرگ است که از این چند کد، بعضی از آنها به دست خود بساریون نوشته شده است. بنابراین، با توجه به نسخه خطاب جزمی، تنها دستنوشته‌های خودنویس، آنچنان که واضح است، در اختیار ماست.

به همین دلیل قبل از هر چیز باید در مورد آن دو کد یونانی چیزهایی گفته شود، و اول از همه به متن یونانی می پردازیم که به عنوان خودکار توسط Vogel-Gardthausen و Mohler از Bibliotheca S. Marci Veneta فهرست شده است. او اولین است

کد Mark Gr. 679 [= Z. CCCCCXXVII]

این یک کدکس متفرقه کاغذی به ابعاد 225×145 میلی‌متر است که با چرم قهوه‌ای پوشیده شده و با نشان سنت مارک ونیز تزیین شده است که با 246 برگ، عموماً شامل معروف‌ترین آثار الهیات بساریون است، یعنی:

1. در راهپیمایی روح القدس علیه پالاماس برای بکو [= MG 161, 243-310].

2. سخنان جزمی، یا مربوط به اتحادیه. روی برگ های 17r-44v وجود دارد،

3. به سخنان پلتون در ارسطو، De substantia [= Mohler, III, 149-150].

4. در برابر فصول ماکسیموس پلانودیس در راهپیمایی روح القدس [= MG 161, 309-318].

5. در برابر مارک افسوس در مورد صفوف روح القدس [= MG 161, 137-244].

6. در مورد مراسم عشای ربانی [= Mohler, III, 2-69; MG 161, 493-526: تنها نسخه همان].

7. نامه فهرستی به یونانیان در مورد استقبال از اتحادیه [= MG 161, 449-480).

8. در قول یوحنا: پس می خواهم او باقی بماند [= مولر، III، 71-87; MG 161، 623-640: تنها نسخه بساریون].

9. De natura et arle در برابر جورج (یونانی و لاتین) ترابیزونی [= Mohler, III, 92-147].

10. شش کتیبه که آغاز آن چنین است ():

گفتار جزمی، اما با عنوان اصلاح شده، بدین ترتیب: () در این کد اعلامیه قبل از + اعلامیه موارد خاصی که برای آگاهی از سخنرانی آینده ضروری است قرار می گیرد. اکنون کل Declaration به سوم شخص تقلیل یافته است تا چیزی جدید به نظر برسد. شروع می شود: "اول از همه باید توجه داشت."

دقیقاً به همان روشی که در کد قبلی وجود دارد استفاده می شود (Declaration).

() حتی در اینجا «اعلامیه» مقدم بر سخنرانی جزمی است و به صورت سوم شخص نوشته شده است.

() رجوع کنید به M. VOGEl-V. گاردتاوزن، Die griechischen Schreiber das Mittelalters und der Renaissance.

لایپزیگ 1909، صص 59-60. مولر، من، ص. 392، تبصره 5 و ص. 400 (برای کد 679 = Z. 527)، و pp. 51 ff. (پرو کد 778 = Z. 533). با این حال، مایلید در مورد این نویسنده توجه داشته باشید که بعداً (نگاه کنید به III 416)، تا حدودی مشکوک به نظر می رسد. با این حال، او خود دلیلی برای شک خود ارائه نکرد، که با بررسی دقیق کد، نمی توان به طور جدی آن را حفظ کرد.

(6) Cir. A. M. ZANETTI, Graeca Divi Marci Bibliotheca codicum manuscriptorum, I. Venice 1740, p. 285.

() از نسخه MOHLER (III, 478-484) می دانیم که همه آنها خطاب به میکائیل رسول بوده اند.

باید به یادداشت هایی که در آنجا روی هر حرف قرار داده شده توجه شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل

C. Kal aTòs ovx dlóyoç tooo rov Bolwras [همانجا، 480-481].

د Ööro rplrn duayéyovev huépa [همان، 481-483].

ه. El py čAo Tu uãroy [همان، 483-484].

. "EBefáuy & đovvalov [همان، 484).

الف MáoTa uey aætóy ge loety [= مولن، III، 478-479].

ب «Hxe elç uãç xai a ënavin [= همان، 479-480].

69. اما اکنون مواردی را که در مورد این دست نوشته قابل ذکر است ارائه خواهم کرد. در واقع، در زمان‌های مختلف، حتی اخیراً، آن را برای چند روز متوالی در Bibliotheca Marciana در ونیز به دقت بررسی کردم. و با توجه به موضوع قبلاً به این نتیجه رسیدم.

7) کدکس در یک بازه زمانی جمع آوری نشد، بلکه چندین نوشته جداگانه که توسط خود او گردآوری شده بود، توسط بساریون بسیار دیر، دست کم پس از سال 1463، پس از اینکه وی از پیوس دوم (1458-1464) شأن ایلخانی قسطنطنیه را پذیرفت، در یک جلد آورد. زیرا در آن، و نه در آخرین مکان، رساله ی منسوب به که تاریخ ویتربی، 27 مه 1463 (') را دارد، گنجانده شده است. از اینجا معلوم می شود که نمی توان — یونانیان، تنها از روی رمز زمان نگارش هر یک از آثار او را تعیین کرد.1

2) همه آثار جمع آوری شده در اینجا به ترتیب زمانی دقیق مرتب نشده اند. برعکس، همان‌طور که خود بساریون در دست‌نویس خودکار دیگری انجام داده بود و سپس آن را بررسی می‌کرد. به همین دلیل، برای مثال، سخنان جزمی مقام دوم را در این کدکس به خود اختصاص داده است، که با توجه به آنچه در کل مقدمه آمده است، باید مقدم بر عذرخواهی کتبی بکوس علیه پالاماس، که در اینجا قرار داده شده است، باشد.

3) در مورد خطبه جزمی (فول 17-44-)، توجه به این نکته بسیار مهم است که کاملاً خودکار نیست، اما از برگ 40 تا انتها، دست کاملاً متفاوت، کاغذ متفاوت، جوهر کاملاً متفاوت ارائه می شود (). و با این حال به نظر می رسد که خود بساریون آن را در جلد درج کرده است، زیرا به نظر می رسد عنوان او نیز در "ایلواف" ترجمه شده توسط خود او به یونانی و لاتین قرار گرفته است، که در ابتدای جلد در سمت عقب یک برگ بدون شماره ظاهر می شود ().

4) با این وجود، همچنان که فکر می‌کنم، برای آیندگان مبهم باقی می‌ماند و خواهد ماند که چرا بساریون کل سخنرانی را با دست خود رونویسی نکرد و مهمتر از همه، چرا می‌خواست آن را دو بار در مجموعه آثارش قرار دهد: البته در این کدکس، و در دیگری که به زودی مورد بحث قرار خواهد گرفت، آن کتاب. که تصمیم گرفتم به عنوان مبنایی برای انتشار ایجاد کنم. اما فرضیه‌هایی که می‌توان مطرح کرد، همانطور که فکر می‌کنم متقابل هستند. راه حل را شاید بتوان در اولین برگ از رباعیات رمز درج شده یافت، که در آن خطبه آمده است، جایی که بدون شک، حداقل پیشانی برای نشان دادن وجود داشت.

(") در مورد این بخشنامه BESSARION رجوع کنید به H. VAST, Le Cardinal Bessarion, pp. 261-263

() از نظر cl. پروفسور الپیدیوس میونی - که این را در ونیز به من پیشنهاد کرد و من با کمال میل از او تشکر می کنم، همان مردی است که کدکس مارسی را در آخرین برگه های آمانوئنسیس نوشت. 605 [2. 25] او طراحی کرد و در آن دو اثر ارسطو را برای BESSARION کپی کرد تا نسخه لاتینی تهیه کند:

در مورد شنیدن طبیعی، یعنی و کتابهای متافیزیک. به نظر می رسد دست هر دو رمز یکی است: دقیق و خوشنویسی در کد 605، اما با قلم دوان در ادامه خودنویس BESSARION. و چه کسی؟ گفته می شود که دست یوآنیس پلوسیادنی است: با این حال، من هنوز مطمئن نشده ام.

() زیرا در آنجا پس از ویرایش یونانی چنین گفته می شود «Iivxos : Tózoç yß. xriua Braoaglvos xapôyváåsws oaßlvon/ اما پس از نمایه که به زبان لاتین بیان شده است، به این ترتیب: مکان 52. کتاب .« ToŬ xal vxalaç. xal noinua ôè zoõ aæTo همان کاردینال بساریون. و در آغاز اندیسها: بساریوس، کاردینال نیکیه، اسقف سابینا ب. این نتیجه گیری را تأیید می کند که آیا 1:کد پس از an فشرده است. 1463

دیجیتالی شده توسط گوگل

به نظر می رسد که حصار خاصی در آن تعبیه شده است. اما متأسفانه این برگ با قیچی بریده شد، به طوری که اکنون فقط کوچکترین قسمت آن باقی مانده است. که برای نگه داشتن نخی که با آن می توان برگ مربوط به کواترنیون را دوخته کرد، لازم است.

70. و این مطالب واقعاً به طور کلی در مورد ناهنجاری های این قانون گفته شده است. حال، اگر مقایسه‌ای را که من خودم در ونیز انجام دادم، بین دو امضای سخنرانی جزمی انجام دهیم، فکر می‌کنم باید به همین ترتیب نتیجه بگیریم.

1) متن این کدکس 679 که اکنون و در دستگاه انتقادی آن را B - می نامیم، متن دومی را متن کدکس 778 می نامند که ویرایش ما از آن ساخته شده است که برای راحتی کار اکنون حرف A را تعیین می کنیم. دلیل اصلی این است که در کد B تقریباً تمام اشتباهات کد A تصحیح شده است. برعکس، نباید تصور کرد که کد A خوانش صوتی کد B را تغییر داده است - اگر واقعاً از آن خراب شده باشد. مگر اینکه بتوان گفت، حداقل تا کنون، هیچ جا به نظر نمی رسد، مگر اینکه اشتباه کنم، که هر دو خودکار از کدکس سوم دیگری آمده اند.1

2) کد B، در صورتی که وابسته به الف باشد، در مورد خطاب جزمی، باید قبل از بساریون، در حاشیه کد A نوشته می شد و بر تفکیک فصول مختلف و افزودن عناوین به آنها دلالت می کرد و در فصل دوم نیز پنج čnuyepńuara را در حاشیه برشمرد. که بعدها انجام داد. زیرا Nibhil دارای کد B این اضافات و تقسیمات است.

3) هر دو کد به طور کلی متن یکسانی را ارائه می دهند، اگر استثناهایی وجود داشته باشد، که اکنون به آنها اشاره می کنم.

4) در واقع اولاً در کد B کم نیست که نمی توان گفت که به نظر من عمداً با هدف تصحیح متن کد A انجام شده است.

5) بعلاوه، «انواع» دیگری عمدتاً در فصول اول نهفته است، که به علاوه کوچک هستند و صرفاً به دلایل سبکی معرفی شده‌اند و به هیچ وجه روایت وقایع یا معنای کلامی را تغییر نمی‌دهند.

6) از سوی دیگر، تفاوت بزرگ در این است که در کدکس B به زبان یونانی چیزهایی یافت می‌شود که بساریون می‌خواست در حین ساختن آن، پس از شورا، به نسخه لاتین اضافه کند. حالا یک مشکل جدید به وجود می آید. چه چیزی به چه کسی بستگی دارد؟ اضافات نسخه لاتین به زبان یونانی I و بازنگری جدید کد دستور جزمی B تبدیل شد - یا برعکس، اضافاتی که ابتدا به یونانی انجام شد، خود به نسخه لاتین منتقل شدند؟ البته دومی بدیهی‌تر تلقی می‌شود و سپس گفته می‌شود که آن تصحیح جدید از متن یونانی در حدود سال‌های قبل از ۱۴۴۳-۱۴۴۵ ترسیم شده بود، که نسخه لاتین آن باید ترسیم شده باشد.

با این حال، او این را با قطعیت به دست نمی آورد. زیرا همیشه یک شک نه کوچک وجود دارد، زیرا در این مورد نیز غیرعادی تلقی می شود که هر آنچه در نسخه اضافه شده است در متن یونانی کدکس B نیز وجود ندارد. برای چیزهایی که در نسخه ما از متن لاتین، به نظر می رسد اضافه شده است - با حروف مورب در اعداد 5 (یک قطعه بزرگ کوچک)، 30، 46، 50، 51، 57 (تا حدودی)، 69، 71 بیان شده است. بنابراین نسخه لاتین واضح تر است، و به نظر نمی رسد که بصریون به صورت خودکار اضافه شده باشد.

7) با توجه به این اضافات، به ویژه مواردی که از همه مهمتر هستند، به دلیل افزایش تعداد شاهدان سنت سیریل و به دلیل افزایش استدلال در مورد ماجرای تئودورت، لازم است که ترتیب متن کد B به هیچ وجه مانند کد A نباشد، همانطور که

دیجیتالی شده توسط گوگل

در نسخه لاتین نسخه ما ممکن است توجه داشته باشیم، اما درست است که ببینیم مواردی که در کد B تنظیم شده اند در چه توافقی قرار دارند.

71. با توجه به این موارد، باید به نتایج کلی برسیم.

7) با توجه به آنچه گفته شد، کاملاً روشن است که از یک سو می توان از کد B در نسخه فعلی غفلت کرد، زیرا حتی اگر به طور کامل خودکار نباشد - از طرف دیگر نمی توان از همان معادله — نبودن اساسی استفاده کرد. زیرا، جدا از این که به نظر می‌رسد از ناهنجاری‌های زیادی رنج می‌برد، می‌توان گفت که بیانگر سخنان جزمی بساریوس است، مانند آنچه که او در فلورانس گفته است، تا آنجا که درک می‌شود، کمتر از کدکس A است. در واقع، اگر مجموعه جلسات شورا که آدرس بساریون در آن آمده است، باز شود، معلوم می‌شود که همان‌طور که در کد A آمده است، در آنجا آمده است: البته بدون آن اضافاتی که بعداً انجام شد و به استثنای برخی، چنانکه گفتیم، در کد B یافت می‌شود.

2) بنابراین کد B فقط برای پشتیبانی از نسخه استفاده می شود، همانطور که از دستگاه مشخص خواهد شد. زیرا برخی از متون یونانی با کمک کد B تصحیح می شوند. لازم نیست، مگر اینکه اشتباه کنم، اضافات کد B باید به متن یونانی نسخه ما اضافه شود، زیرا به متن یونانی نسخه های قبلی اضافه نشده است، زیرا در شورا اعلام نشده است. با این حال، به نظرم رسید که آنها را در آپارات لیست کنم، و آنها را به ضمیمه اضافه کنم، که فضای زیادی نیاز دارد. بعلاوه، این اضافات زمانی که در نسخه لاتین مربوطه، به صورت ایتالیک بیان شده باشند، به بهترین وجه توسط همه تشخیص داده خواهد شد.

3) با این حال، هیچ مزیت کوچکی در مقایسه این دو رمز وجود ندارد، زیرا من فکر می‌کنم از آن نقطه شناخت «انواع»ها، که گفته می‌شود حتی ضروری هم نیستند، تقریباً قطعی است - علاوه بر آن اضافات، آنها در کد B، در اولین نسخه یونانی سخنوری که در بالا در شماره ذکر شد، قرار دارند. 65 گفتیم که به طور کلی گذشت. من گمان می‌کنم که این کار از رونویسی‌های بازیگران شورا با سخنرانی بساریون - که جان پلاسیادنوس ساخته شده است، به عنوان v. Gr. در کد. پاریس گر. 423 ظاهر می شود. که قطعا با احتمال خاصی رد نمی شود. زیرا از منبعی دیگر مسلم است که خود پلئیدیان به دستور بساریون حداقل کدکس Marcianus gr را نوشته اند. 364 - طبق شماره گذاری زانتی در حدود سال 1469 اگزراس («»)، که در آن نوشته های خاصی از هرودوت، توسیدید و گزنفون رونویسی شده است. اما کدهای دیگری نیز وجود دارد، اگرچه نام و نامی را به عنوان کد قبلی ارائه نمی دهند - بدون شک توسط خود پلاسیادنوس نوشته شده اند، همانطور که به نظر می رسد احتمالاً کد. من می گویم-L، اورنتیانا حفظ شده است.

اما این در واقع در مورد این خودنویس بساریوس کافی است.

72. اکنون کدکس بسیار قدیمی‌تری وجود دارد که تماماً به دست خود بساریون کشیده شده است () که با توجه به نوشته‌های موجود در آن، می‌توان گفت که اولین بخش از کدکس است که اکنون بررسی شده است و من از آن به عنوان اساس نسخه حاضر استفاده کرده ام.

() رجوع کنید به Vogel-Gardthausen, op. cit., p. 186

دیجیتالی شده توسط گوگل

،gt. 778 [= Z. CCCCCXXXIII کد علامت

شرحی که من ارائه می کنم ("").

این یک تکه کاغذ متفرقه است که از ربع های دوره های مختلف ساخته شده است، اما عموماً اندازه کلی آن 220×140 میلی متر است، متشکل از 271 برگ، پوشیده از چرم قهوه ای و همچنین با ساقه Veneto S. Marki تزئین شده است.

در کتابخانه بساریون ابتدا مقام «55» و سپس «70» را به خود اختصاص داد، همانطور که خودش دستش را در قسمت پایین لیف لی، به زبان لاتین و یونانی، طبق عادتش می‌کرد: «چند کار کارت n)b essarion). (زیر) «اتاق توسکانی 55 [خط 55 و بالای آن 70 نوشته شده است]». rónO; ve'. Euyypáuuará rwa. Braoagiovos xagôņvádeo; roð Tõv ToÚaKÂO ». [و هنوز در زیر] "55 [del.), 70". لازم به ذکر است که این حاشیه، همانطور که از جوهر متفاوت و از عنوان کاردینالیتی موجود در اینجا مشخص است، پس از 23 آوریل 1449، زمانی که وی عنوان جدیدی از این دست دریافت کرد، اضافه شد.

این کد زمانی که هنوز اس اس بود توسط او نوشته شده بود. 12 کاردینال رسولان، همانطور که خود در مقدمه کل کتاب، در فول. من ترسیم کردم؛ بنابراین، قبل از 5 مارس 1449، زمانی که او این عنوان را به Sabinense تغییر داد.

73. بساریون مایل بود در این مجلد، «برای یاد خود و نه به نفع دیگران»، هر اثری را که تا آن زمان سروده بود، حتی آنهایی که در جوانی روشن بود، برای تمرین حفظ کند. با این حال، او متعهد می شود که تمام این سند را صادقانه کپی کند. مؤلف در او سه مرحله را ذکر می کند، زمانی که از آثار مختلف برخی از آنها در زمانی که هنوز هیچ درجه ای از شأن کلیسایی نداشت، کار می کردند، مرحله دیگر زمانی که اسقف اعظم بود، و سرانجام مرحله دیگر زمانی که قبلاً به مقام کاردینال رسیده بود. خودت بخون

بساریون:

« Ilpókoyos zoð ŠAov Bußlov Bnorapiov r r v f dzoorólov xagônvalip ouwTeteyuévov ().

Tör čvraoa čxxeuévov Aóyor، oi uèv čru véy õru xai ă u nòúro; huuévo rjs regl Tò ovyyoá-pev yuuvasiaş txôébovrau uýre Tvd nw Batuov icpwoÚns ŠyovTi, návv e Ty ijAuxiav irako šru pou ģivti, t npwoÚns yevouévo, võv S'els xapðnálov rijs áyias "Pouaixiī; čxxånoias TeloĞvTu, Točvopa Braoaplon, tò yévoç ex Tpaze,oŭvTos, & KovorawrvoUrÓÀEL Navretuét čpetīs del toð xpóvov npoßaivovroç šy T tis xpelaş éxá rore nagLorauévQ، dş xaLgos ¿dlôov، éryopeútnoay ol uév، čv lepeõrauço'8 yevou vov- Taios repl tis to đyéódeos npò r p Ô nóTyv Ô nóTyv xagðyévov åțloua Two ă ou lóyov slolv slolv, is ; Toóro aitovs به Bßiio nòò ónóuvnov hpőv ašt v trépov òqéñeuav èEedéueba.

(4) رجوع کنید به A, M. ZANETTI, op. cit., pp. 287-288, and MOHI, ER I 51-55.

() اینها بدون شک در زمانی نوشته شده اند که بساریون عنوان کاردینال دوازده حواری را به خود اختصاص داد، یعنی از زمان خلقت او (18 دسامبر 1439) تا 5 مارس 1449، زمانی که او اسقف اسقفی S. Sabina را دریافت کرد. او همچنین بعدها القاب دیگری داشت: توسکولانی (23 آوریل 1449) و دوباره از S. Sabina (14 اکتبر 1468).

دیجیتالی شده توسط گوگل

74. اکنون فهرستی از همه چیزهایی را که نویسنده در این فهرست تاریخی جمع آوری کرده و به آیندگان وصیت کرده است ضمیمه کرده ام که به شرح زیر است:

فول 2r-2. - IIiva T v nepezouévov åv ráórn Bißio.

1) فول 3r-12v، - سخنرانی Panegyric در مبارک بساریون (').
شرکت « Kai nã pey tois xarà beov Beßwxóa .

2) فول 12r-15v، مونودیا در مرگ مانوئل پالئولوگوس،
شرکت « Ei Sé notTE Ôei xai Ooviga . (Ed. MG 161, 515-620 (ت 1215). imp.] توسط ساخته شده لاتین نسخه فقط ؛ Nicolaus Perotto).

3) فول 15v-23v، - گفتار عروضی به imp. ، Trapezuntine Alexium IV Comnenus. شرکت "Koá-uore Baoheŭ, el pey nQoaijxov."

4) فول 23v-25r، - التماس مثل سابق - اسقف اعظم سوفیا. شرکت Toõ rij; agzepu- oÚvns . na

5) فول 25v-39r، سه مونودیا روی تئودورا کامننوس. شرکت 1) 0 ris dráxrov roŬ xQóvov »;
2) Toi vvi nábovs "3 :) Elra xowòv uev toü yé-
voug.

6) فول 39r-41v. - کانون در مورد شهید پانتلیمون. شرکت " Too teoŭ epánwv dlyois."

7) فول 42v-43،. - یک حرف اپیگراف (نام حذف شده است).
شرکت 2) xarà rorapoù; خدا بیو (Fd.
مولر، 18 416-4 III).

8) فول 44r-46v. - نامه خطی (به Eundem). شرکت Elra rôv cov uev yuāç ». (Ed. Mohler, III 418-422).

9) فول 47r-48r، - نامه ای به جورجیوم امیروتزس.
شرکت «Eotxauey èyió te xai o t. (Ed. Mohler, III 422-424)'

10) فول 48 v. - Iambi به آرامگاه Cleopa Palaeologina.
شرکت « Kal dúuaou ().

11) فول 48 ولت 49r. - ایامبی به مقبره تئودورا آگوستوس.
شرکت "" Hy ăy tIG elrou s. (Ed. MG 161, 621).

12) Fol., 49v, - Ilambi in peplum تصاویر Manuel و Helena Palaeologina را به نمایش می گذارد. شرکت "Nó-eua Tuöv".

13) فول 50r-51. - رساله به تئودور پورفیروژنیتوس. شرکت « 'A'iuās uèy öanep Tuç %. (اد. مولر، 426-425 III).

14) فول 51r-51v، نامه به همین شرکت.
"Ore Tò u y UMvà en TÉlevs. (Ed. Mohler, III 427).

15) فول 51v-52r. - رساله به پل سوفیا. شرکت « Töy ueyiarwv šareprubvo . (Ed. Mohler, III 428-429).

16) فول 52r-53r، - نامه به دمتریوس پپاگومنوس. شرکت AvTj TE T narpiou ». (Ed. Mohler, III 429-430).

17) فول 53-:53 ولت. - رساله به نیسیفور چیلا. "Inc. "E & tEanaröv yuāç". (Ed. Mohler, III 430-431).

18) فول 53v-55r، - نامه به هیرومونک دیونیسیوس. شرکت Kal pirw To T paxapírn . (اد. مولر، 433-431 III).

19) فول 55r-56r. - نامه به جان یوجین شرکت + Hueis uey ، ióueta o. (Ed. Mohler, III 433-435).

20) فول 56r-57v، - رساله به هیرومونها متی و ایزیدور. Inc. & Ei nov nod uty Úuiv névbos . (Ed. Mohler, III 435-437).

21) فول 59r-106r. تانگوای تشویقی-آموزشی سرینو از شخص جان لاسکاریس لئونتاریوس به پسرش دیمتریون، مشتمل بر 25 فصل.

(") زانتی، بدون هیچ دلیلی، در کاتالوگ خود، صفحه 288، می گوید که این سخنرانی مهیج خطاب به بساریون مبارک ناشناس است. اما MOHLER، هنگامی که نوشته های دوران جوانی بساریون را در کد مرور می کند، حتی به آن اشاره نمی کند. Mark 778 (رجوع کنید به I, 52). نسخه لاتین همان، ترجمه شده توسط Nicolao PEROTTO، در کد.

علامت لات. 1693 [Z. 133]، پیش. 227-241. I. VALENTINELLI درباره این اثر میگوید (Bibliotheca Manuscripta ad S. Marci Venetiarum, II, Venice 1869, p. 134): "راهبای لنگر انداخته در مصر از Sancto Bessarion، این کتاب کاملاً با سیلوژ تاریخی Menaei Graecorum et. 299-303).

() فریب اطلاعات داده شده توسط MOHLER (I, 52, Note 7) را نخورید که طبق آن این فیلمنامه در MG 161, 621 منتشر شده است. زیرا در آنجا به این آیامبیک ها پرداخته نمی شود، بلکه از آنهایی که به مقبره تئودورا آگوستوس پیروی کردند پرداخته می شود. به گفته MoHI,ER (I, 53) تصنیف شاعرانه در کلئوپاس در همان سال مرگ او در سال 1433 ساخته شد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

در اینها سؤالی در(") aætóç». 2) «0 Bioç uiv . 3) A poy elneiv
مورد جاودانگی روح و در مورد معاد بدن وجود دارد).

27) فول 208r-211 v، - سخنرانی در مجمع فرارا در مورد
نشست اتحادیه برگزار شد. Inc. Töv ueydlor ngay-uávwy،)
ویرایش در تمام نسخه های شورای فلورانس ذکر شده در بالا و
MG 161, 531-542. - Ed.
انتقاد I. Gill, CFDS V/1 pp. 37-46).

28) فول 212r-237، - سخنان جزمی یا در اتحادیه. شرکت Tiy uev T v
čxxiyoov Too tsoŭ.

29) فول 238r-267v. خطاب به الکسیوس لاسکارین، .
نیکوکار، در رابطه با سینود فلورانس و راهپیمای روح القدس.
شرکت ušy oæ Tà ivbpánva uóvoy، dld» s. (Ed. MG 161 20،
321-406).

30) فول 268r-27 1v، - رساله به کنستانتین پالئولوگ (،
). شرکت « Tplry raúty čru rérlov GOL D.
(Ed. Mohler, III 439-449).

شرکت « Téxvoy Yûöv, Tévov ègáauuov . نامه بساریون به جان
لاسکرین قبل از آن است (فول 58 v-59r). شرکت
‹ • Broaapiov, el xal uh xat' dĘlav ». (Ed. Mohler, III 437-439).

22) فول 107v-129r، - به شورای سنت قسطنطنیه که
گویی از شخص اسقف اعظم دوسیتئوس تراپزونت. شرکت
'Ezgv pêy ñuās Blov .

23) فول 131v-165v، ستایش کشور Trapezuntium.
شرکت "Anápyeabau pèv'".

24) فول 166r- 167r، رساله به تئودور غزه. شرکت "A pey
neQi rijs dxpialaş". (اد.
مولر، III 485-487).

25) فول 167v-182r، - هونیلیا در آن (جامعه 14، 22): "خوشا به حال
مردی که در حکمت ساکن است." شرکت
◖ H bôa xalla ToŬ TVEÚuatoç .

26) فول. 183r-206v، – Sermones consolatorii three ad imp. جان
هشتم پالئولوگون به دلیل مرگ همسر ماریا کامننا. شرکت Eyò u v (1
o oè

75. در برگهای این رمز که در آن خطبه جزمی وجود دارد، تقریباً همیشه چند تصحیح یا اضافات در حاشیه برای جبران حذف و گاه حتی در میان سطرها قرار داده شده است، چنانکه در چینش نسخه حاضر مشاهده خواهد شد.

البته، به نظر می رسد که این رویه، همانطور که فکر می کنم، نشان می دهد که بساریون اغلب این کدکس را در دست داشت، گویی او مهمترین آنهاست. این تصدیق نیز از آن نقطه قوت بیشتری می یابد، زیرا در هر دو نسخه خطی خودنویس او نیست، بلکه فقط در این کدکس A - Marc وجود دارد. گر 778 - او می خواست عناوین تمام ده فصل خطبه را اضافه کند و آنها را در حاشیه بنویسد. اما در متن، با استفاده از علامتی به طور کلی با نقاط بزرگتر (:) و در واقع از ابتدا، به دلیل اینکه همیشه فضای کمی برای جداسازی باقی می ماند، انتهای فصل قبل از قبل مشخص شده بود.

اما زمانی که این عناوین اضافه شدند، شاید تعیین آن دشوارتر باشد، اما فکر می کنم خیلی دیرتر اتفاق افتاد. نشانه ای از این واقعیت را احتمالاً در این واقعیت می توان یافت که در آپوگرافیک های یوانیس پلاسیادنی () - که نه قبل از سال 1463 ترسیم شده است - عناوین فصول به طور نامنظم در حاشیه ها، حتی پایین تر، چیده شده اند، اما با خود متن در هم آمیخته نشده اند. بنابراین به نظر می رسد که آنها در زمان بعدی اضافه شده اند، یعنی زمانی که بساریون آنها را کاهش داد. اما، همانطور که می بینید، در تمام این موارد ما فقط می توانیم حدس و گمان بسازیم.

() اندکی پس از تشکیل شورای فلورانس. برای اینکه همسر امپراتور، ماریا کومننا، در سال 1440 درگذشت. رجوع کنید به MOHLER, I, 53 با یادداشت 7.

() این نامه باید بین سالهای 1443-1446 نوشته شده باشد، همانطور که MOHLER به بهترین وجه نتیجه می گیرد، III, 439-440، در بیانیه های همان نسخه. به این ترتیب همه چیز بسیار منسجم است. زیرا این کتابی است که در آخرین مکان توسط بساریون نوشته شده است و در میان آثار او قرار گرفته است، که از دوره لقب کاردینالیت دوازده حواری او فراتر نمی رود.

(3) آثار گردآوری شده او در MG 159 یافت می شود. درباره آنها و درباره نویسنده، اما به ویژه در مورد عذرخواهی مکتوب او از پنج فصل فرمان شورای فلورانس، ر.ک. M. CANDAL, S. I., La u Apologia del Plusiadeno a favor del Concilio de Florence. OrChrPer 21 (1955) 36 ff. امضای این نویسنده - کد. پاریس گر 423 - ما توانستیم با کمک یک بازتولید میکروفیلمیک آن را به طور دقیق با خودکارهای بساریون مقایسه کنیم.

دیجیتالی شده توسط گوگل

76. بنابراین، اکنون، با وجود مهم ترین خودنویس خطاب جزمی، اگر امضای B دیگری را بپذیرید، تهیه بقیه کدها غیرضروری به نظر می رسد. — Com-

مطمئناً بررسی این که نسخه های قبلی از کدام کدها به دست آمده اند کمک خواهد کرد.

با این حال، من قضاوت می کنم که این بسیار نامشخص و فقط فرضی است، زیرا در هیچ یک از آنها حتی یک هشدار مبهم در مورد کدهای استفاده شده وجود نداشت. با این حال، در این اندک اطلاعات، یک چیز را می توان به طور قطع ثابت کرد: همه آن نسخه ها از هیچ کدکس امضای مارک بساریوس. گر 778 (الف) و مارک. گر 679 (B) - مستقیماً ساخته شود. زیرا در غیر این صورت جرأت نمی‌کردند چیزی را که به نظر می‌رسد مشخصه‌شان است، حذف کنند. بنابراین، یا آن اضافات را به چندین شهادت قدیس سیریل اضافه می‌کردند که کد B سرشار از آن است، یا عناوین ده فصل را از کد A می‌گرفتند. اما احتمالاً می‌توان گفت که نسخه‌های پیشین را باید از اولین یونانی فهمید، نه از بالا به شماره. 65 ما تا مانسی‌انا بررسی کرده‌ایم، زیرا همه آن‌ها همان هستند که توسط یکی از اولین آپوگرافی‌کاها گزارش شده‌اند، که در آن متن خودکار A به طور کامل آورده شده است، اما با برخی «تغییرها» تصحیح شده یا به هر نحوی از کد B تغییر کرده است. اگر چنین است، به خوبی توضیح داده می شود که چرا قرائت های خاصی از کد B در این نسخه ها یافت می شود و در عین حال اضافات غیرضروری تعداد بیشتری از شهادت های قدیس سیریل و تفسیر طولانی تر تئودور به طور کامل از آنها حذف شده است. زیرا در این قرارداد متن آپگراف های بساریون از پلاسیادنی در برابر او ظاهر می شود.

با این حال، هنوز توضیح داده نمی‌شود که چرا عناوینی که بساریون در خودنویس A قرار داده است در نسخه‌هایی که تا کنون برگزار شده است، وجود ندارد، زیرا چنین عناوینی نیز به حاشیه‌های آن رونویسی‌های پلاسیادن اضافه شده‌اند.

77. بنابراین، در نسخه‌های خطاب جزمی، که قبل از این نسخه حاضر است، «انواع»ها به طور کلی، اگر اشتباهات معدودی از آنها نباشد، پذیرفته می‌شود، در گذر زمان، گفته می‌شود که از برخی آپگراف‌های اولیه، فوراً ظهور کرده‌اند، و از کد B واسطه شده‌اند.

اما برای اینکه بهتر باشد همه این موارد را در ذهن داشته باشم، فکر کردم بهتر است مقایسه ای با متن یونانی بساریون، مانند آنچه در Codex Marciano Greeko 778 ارائه شده است، انجام شود، نه تنها با متن خودکار دیگری Marc. گر 679 (ب)، اما با متن نسخه در مانسی نیز موجود است، که با توجه به جدیدتر بودن، نشان‌دهنده دیگران است و به علاوه، می‌توان آن را راحت‌تر در دسترس داشت. بنابراین، تمام قرائت‌های متفاوت او، مگر در مواردی که در مورد اشتباهات صرفاً املایی یا لغزش تایپی آشکار وجود داشته باشد، همراه با نوع B نیز در دستگاه جای خواهد داشت. در عین حال پیشنهاد می‌شود که مصلحت یا بهتر است بگوییم ضرورت ویرایش جدید کاملاً مطابق با متن اصلی پیشنهاد شود.

78. و این چیزها واقعاً در مورد نسخه های خطی متن یونانی گفته شده است. اکنون در مورد نسخه خطی لاتین چیزی برای گفتن باقی مانده است. همانطور که در ابتدا گفتیم، اینها تا آنجا که می دانیم در هشت کد حفظ شده است که یکی از آنها. — که هو-

دیجیتالی شده توسط گوگل

کد. علامت لات. 1901 [= Z. 136]،

خودنویس مهمترین قسمت در نظر گرفته می شود (). در بیشتر موارد، من می گویم؛ یعنی با توجه به حفظ واقعی خود کدکس، و احتمالاً از آنچه بلافاصله گفته می شود، همچنین با توجه به ساخت اولیه کل کدکس.

زیرا هشت برگ اول، همانطور که اکنون وجود دارد، به خاطر خطاط بسیار ماهری است که با نگارش بسیار دقیق اومانیستی، شروع به رونویسی این نسخه لاتین از folio 1: up to folio & inclusive کرد، در حالی که بساریون ما با عنوان Cardinal Tusculani () متمایز شد، همانطور که از عنوان چسبانده شده به اثر مشخص است. متفاوت، —

با این حال، نمی‌دانید چرا کار amanuensis پس از تکمیل برگه و v متوقف شد و از برگه 9r یک مقاله خود کاردینال بساریون بقیه نسخه را تا آخر ادامه داد (فول 52:)، و همچنان پس از رساله De Councilio Florentino و حرکت روح‌القدس به Alexius Lascarin:3-9. او می خواست نسخه لاتین عذرخواهی استوا برای بکو علیه پالاماس را اضافه کند. بلکه خود بساریون تصمیم گرفت که هشت برگ اول را که توسط یک manuensis نوشته شده بود بگذراند و علاوه بر عنوان کوتاه‌تر اثر که در حاشیه بالا قرار گرفته بود، در حاشیه هر برگ یادداشت‌هایی از اصلاحات متعدد ارائه کرد.

،

79. اینکه چنین باشد، و نه این که برعکس اتفاق افتاده باشد، چنانکه او گمان می‌کند، که کل کدکس در اصل توسط بساریون سروده شده است، که برگ‌های اولیه‌اش را، چه گم شده یا آسیب دیده، با amanuensis عرضه کرده است، این دو دلیل متقاعد خواهند شد.

اولین مورد، انتقال از fol است. 8 تا فول. 9r که کاملاً طبیعی بود که خطوط هم‌شماری با خطوط قبلی نباید هیچ چیز خشونت‌آمیزی را در مقابل خود حمل کنند، چه از نظر انقباض، به طوری که تمام آنچه که قبل از برگ 9 باقی مانده بود بتواند وارد شود، یا از طریق گسترش، به طوری که خود برگ به طور کامل نوشته شود. این روایت به اندازه کافی نشان می دهد که بساریون آنچه را که دست دیگری شروع به نوشتن کرده بود با دست خود ادامه داد. —

اما به نظر می رسد دلیل دیگری نیز همین حقیقت را نشان می دهد. برای یک حادثه ناگوار، به نظر می رسد که این پد برای مدت طولانی تری در آب غوطه ور شده است، به طوری که لکه ها همچنان در میان همه برگ ها حفظ می شوند، که خواندن یکسان را کمتر و کمتر می کند، اما اولین برگ، مستقیم و چرخانده شده، نه تنها با لکه ها تغییر شکل می دهد، بلکه در قسمت زیادی از کار می افتد. اکنون، در واقع، این برگ اول نه از بساریون، بلکه مربوط به Amanuensis است، با تصحیحاتی، اما قبل از این که مورد به دست بساریون در حاشیه اعمال شده باشد، بنابراین خواندن برخی از بخش‌ها دشوارتر است، یا حتی فقط در نصف وجود دارد.

(") کدکس کاغذی، 121 برگ، با ابعاد 222 در 150 میلی متر، تخته ضخیم تر (تا حدی برهنه) و با چرم پوشیده شده است. رجوع کنید به A. M. ZANETTI, Lalina et italica D. Marci Bibliotheca codicum manu- scriptorum, II, Venice 17791, V.LI, V.INEL, p. صص 134-135.

() یعنی در حالی که اسقف خود در توسکولانا بود، یعنی از 23 آوریل. 1449 تا 14 اکتبر 1468

اما معلوم است که این کدکس زمانی نوشته شده است که بساریون، پاتریارک قسطنطنیه، هنوز انصراف نداده بود (1463)، زیرا در غیر این صورت او از ضمیمه شأن این آمانوئنسیس، که اولین برگها به او گذاشته شده بود، صرفنظر می کرد. احتمال بیشتری وجود دارد که این کد پیش از هئیت بساریون در بولونیا در 1450-1455 نوشته شده باشد.

همینطور بودن

دیجیتالی شده توسط گوگل

80. اکنون این نسخه حاضر اولین کدکس را نشان می دهد که بهتر است به خواننده هشدار داده شود.

و ابتدا در مورد خود نسخه؛ که در واقع، همانطور که واست قبلاً اشاره کرده بود ()، به نظر می‌رسد قبل از سال 1447 انجام شده است. این به بهترین وجه مفهوم کلی خطاب را که به یونانی ترتیب و تلفظ می‌شود، می‌رساند، اما مطمئناً اصلاً تحت اللفظی نیست. زیرا اغلب نه تنها ترتیب چیزها، بلکه ویژگی ساخت عبارات نیز به شدت تغییر می کند (). اغلب چیزهای بیشتری اضافه می شود که در متن اصلی یونانی وجود ندارد. که مهمترین آنها مواردی است که به مسئله تئودورت (شماره 57) و چندین شهادت سنت سیریل (شماره 58 و 62) می پردازد. از سوی دیگر، چیزهای کم اهمیت و کم اهمیت دیگری نیز وجود دارد که حذف شده است.

علاوه بر این، باید توجه داشت که متن اصلی یونانی و نسخه لاتین به یک ترتیب پیش نمی روند. بنابراین، در این نسخه، برای اینکه همه چیز در دو ستون با یکدیگر مطابقت داشته باشد، باید ترتیب نسخه تسلیم شده و با متن یونانی تطبیق داده شود. همچنین نباید ترسید که از این امر سردرگمی به وجود آید، زیرا شاخ و برگ کدکس لاتین همیشه جلوی چشم است، به طوری که معلوم می شود هر چیز از کجا گرفته شده است. و بنابراین همه چیز از ابتدا به درستی پیش می رود تا برگه 39r نسخه لاتین، جایی که پس از عبارت «هویت ذات» (شماره 59، صفحه 56 نسخه حاضر)، باید به برگه 43:، به عبارت «اما آنهایی که سیریل هستند»، تا برگه 44، جایی که گفته می شود: «و می خواهم صفحه 1، 5» (1، 5، صفحه 1، 5 و 1، 5 دیده شود) منتقل شود. سپس آنها همیشه در کنار متن اصلی یونانی جایگزین می شوند - آنچه از برگ 39r باقی مانده است، — جایی که وقفه ایجاد شده است. پس از عبارت «تا روشن‌تر شود» (شماره 62، صفحه 58)، همه چیز بدون تغییر پیش می‌رود تا برگ 43، جایی که عبارت «آیا روح معیشت او است؟» وجود دارد. (شماره 67، صفحه 63)، پس از آن، همه آن کلماتی که از برگه 44 باقی مانده است: از عبارت «چند نفری، تا می توانستم» (شماره 68، صفحه 64) را t دنبال کنید و بقیه تا پایان کل کار. اما من فکر می کنم این چیزها در خوانش خود خطابه راحت تر مشاهده می شود و گویی به صورت گرافیکی مشخص می شود، قابل درک خواهد بود.

در نهایت، ثالثاً، دانستن اینکه حتی در این کد نیز سؤال از عناوین فصول مختلف پیش می‌آید، کمک می‌کند. در واقع، اول از همه، نه ده فصل، همانطور که در متن یونانی، بلکه نه تا

(") رجوع کنید به H. VAST، Le Cardinal Bessarion، ص 150 (اما شما همچنین باید ببینید چه چیزی در آن زمان در مورد زمانی که اولین آثار الهیات BESSARION توسط ips0 گردآوری شد، قبل از آن وجود دارد).

() یکی از نمونه‌های این چیز که می‌توان به عنوان چیزی مشخص ذکر کرد این است که (شماره 28، صفحه 26، سطرهای 18-20 نسخه حاضر)، که در آن گفتار، که در متن یونانی به طور طبیعی ارائه شده است، به اصطلاح - eizev dy tò viόv » (همچنین nvEÜua ،موضوع)؛ بنابراین، برعکس، در نسخه لاتین آمده است: اما اگر رودخانه «روح القدس» (البته روح القدس) نامیده می شد tangquam هیچکس شک نمی کرد که رودخانه نیز (در اینجا موضوع ملموس دعا پسر است) علت «(یعنی روح القدس)» خود را داشته است. همانطور که می بینید، معنی یکسان است، اما شکل دستوری کاملا تغییر کرده است.

(3) علاوه بر این، در اعداد (این نسخه) 2، 5، 8، 30، 38، 42، 46، 48، 49، 50، 51، 53، 57، 58، 60، 61، 62، 64، 67، 65، 16، اضافاتی وجود دارد. آنها نشان می دهند که او اصطلاحات جدید الهیات لاتین را نیز به خوبی آموخته است، به طوری که وقتی «اصل» را اضافه می کند که پس از آن تأیید می کند که پسر علت روح القدس است، و در عین حال قصد ویژه او را نشان می دهند که لاتین ها، که او نسخه هایی از آثار خود را برای آنها ساخته است، باید ذهن او را که به زبان یونانی بیان شده است، کاملاً درک کنند. علاوه بر این، باید بدانید که این اضافات، معنای کلامی دعای جزمی را تغییر نمی دهد;

زیرا تعداد شهادت های قدیس سیریل فقط افزایش یافته است تا بتوانم از اصلی ترین آنها صحبت کنم و سؤال تئودور فقط توضیح کامل تری می شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل

آنها به همین ترتیب هستند، به این ترتیب که فصل هفتم لاتین شامل هفتمین و هشتمین فصل یونانی زیر آن است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که خود عناوین در دو زمان مختلف اضافه شده‌اند. اول، در واقع، برای نشان دادن سرهای برهنه در حاشیه، به این ترتیب: فصل. 1، فصل 2، و غیره. اما سپس - در حاشیه پایین یا بالا، بیان عناوین اضافه شد، که همیشه یک نشانه است، قبلاً در قسمت قبلی قرار داده شده است. 1، فصل 2، و غیره، دوباره مقدم است. اما تعریف دوره اضافه شدن چنین عناوینی شاید اشتباه باشد.

اکنون واضح است که همه این موارد، که ما تا به حال خواسته‌ایم در مورد این رمز هشدار دهیم، و اگر موارد دیگری در خور توجه باشد، باید در نسخه خطی، در دستگاه انتقادی شرح داده شوند.

البته مارک — از آن کدها، حتی آنهایی که متعلق به کتابخانه بساریون، لات. 1519 (ant. Z. 134)، چیزی برای گفتن باقی نمی ماند، چه زمانی — ،همگی امضاهای متأخر هستند (ant. Z. 135) و 1694 (ant. Z. 133) 1693 همانطور که القاب منسوب به بساریون نشان می دهد، یعنی کاردینال سنت سابینا و پاتریارک قسطنطنیه، و علاوه بر این، به نظر می رسد که تنها با او به پولس اختصاص داده شده است. پاپ (1464-1471).

بدون شک، به همین دلیل، حتی هر یادداشت حاشیه ای که خود بساریون اضافه کرده، کاملاً کم است.

81. اما علاوه بر این، آنچه از همه مهمتر است، باید مراقب بود که هیچ کدی از این نوع برای انتشار ارائه نشود. از آنجایی که آنها متن نسخه لاتین را ارائه کرده اند که توسط بساریون ساخته شده است، آنچنان با تصحیحات انسانی و تنبیه سبک تغییر یافته است، که به نظر می رسد دیگر در مورد «انواع» نیست، بلکه در مورد نوع جدیدی از سخنوری از همان موضوع است. که اما از بساریون نیست. زیرا نه یک بند از لاتین بساریون به صحیح ترین شیوه، بلکه به شیوه ای ساده مجازات شد. همانطور که دو مکان زیر که برای اولین بار در مطالعه برگها رخ می دهد به وضوح نشان می دهد.

یک ویرایش ناشناس	نسخه بساریون
علاوه بر این، مدت زیادی طول خواهد کشید که برشماریم که چگونه همه معلمان مقدس، اول از همه، از طریق تمام نوشته‌های مقدس، این را به عنوان بزرگ‌ترین از همه می‌دانند: اینکه چیزهایی که به نظر متفاوت یا متضاد به نظر می‌رسند، با یکدیگر توافق دارند و نشان می‌دهند که آشکارا یکسان هستند.	او واقعاً طولانی خواهد بود که چه کسی را برشماریم [f. r] کاملاً همه معلمان در کل کتاب مقدس این را به خود پیشنهاد می کنند: تضادهای ظاهری را در آن آشتی دهند.
در واقع، در چند کلمه، به همان اندازه که در من بود، بدون حذف چیزی که بتوان گفت، فکر می کنم به آنچه از ابتدا قول داده بودم، عمل کردم. زیرا به نظر می رسد که در بالا به اندازه کافی نشان داده ام، بدون استفاده از شهادت معلمان غربی، و تنها با استفاده از اقتدار شرقی ها، که پسر علت و اصل روح القدس است.	،در واقع، من فکر می کنم آنچه را که قول داده بودم [f. 441 با تعداد کمی، تا آنجا که توانستم، انجام دادم، و بسیاری را کنار گذاشتم. زیرا من به اندازه کافی ثابت کرده ام، بدون استفاده از هیچ یک از پزشکان غربی، یعنی خود پدران ما، و پزشکان شرقی، احساس می کردند که پسر نیز علت یا اصل روح است.

82. اکنون فقط صحبت از "اعلامیه" باقی مانده است، زمانی که بساریون در بزرگداشت لاتین ها اضافه کرد. در حالی که به چند مورد اشاره شده است.

ما اول از همه متنی را که او به ما منتقل کرده است می دهیم

دیجیتالی شده توسط گوگل

کد مالیات بر ارزش افزوده لات 4037

همانطور که قبلاً در بالا گفتیم، به نظر می رسد که او تا قرن حدود 15 ساله است، یا بهتر است بگوییم که در حال حاضر حدود 16 سال دارد. اکنون این کدکس انتخاب شده است و سه نسخه قدیمی‌تر که در کتابخانه بساریون در ونیز نگهداری می‌شود و همین الان به آن‌ها اشاره کردیم، باقی می‌ماند، زیرا جدا از این که هیچ‌کدام از آنها خودکار نیستند، از یک ناهنجاری بزرگ رنج می‌برند، به این معنا که بسیار از سبک نگارش اصیل نویسنده فاصله می‌گیرند.

دو نسخه از این اعلامیه تاکنون به دست ما رسیده است. کد دوم که یک کد مستقیم و ساده است، یعنی لات 4037 و اتوب. لات 1754 - که در آن خود بساریون همیشه به صورت اول شخص صحبت می کند. اما به نظر .Vat می رسد دیگری که توسط کدهای ونیزی ارائه می شود نه توسط خود بساریون، همانطور که در بالا از نسخه لاتین گفتیم، بلکه توسط شخص ناشناسی ساخته شده است، که آنچه را بساریون باید به آن توجه کند، به قول خودش نقل می کند. علاوه بر این، خود او به این ترتیب با قواعد بلاغت، به اصطلاح، مطابقت داشت، تا عمدا آن سادگی طلایی نوشتن بساریوس به لاتین را پنهان کند.

ولی برای اینکه مصداق آنها در برابر دیدگان بیان شود کافی است ابتدای هر دو را که چنین می گویند رونوشت کنیم:

یک ویرایش ناشناس دیگر

قبل از هر چیز، باید توجه داشت که معلمان مقدس کلیسای شرق حتی در الهیات از نام علت و علت استفاده می کنند. در واقع نه این که این اصطلاحات دلالت بر نوعی محدودیت و وابستگی دارد، بلکه تا آنجا که دلالت بر تولید و نشات آن چیزی است که از ابتدا بوده است.

به همین دلیل نویسنده، زمانی که یونانیان را مورد خطاب قرار می داد، به کرات از این نام ها استفاده می کرد.

علاوه بر این، چون نویسنده به برخی از ایرادات یونانیان پاسخ بسیار کوتاهی می دهد، نه با اولین ایرادات صریح آنها، بلکه گویی سؤالی بی سر و صدا مطرح می کند زیرا یونانیان را که بیشتر برای آنها شناخته شده بودند، مورد خطاب قرار می دهد - باید دانست که وقتی معلمان می گویند روح القدس از پدر به وسیله پسر سرچشمه می گیرد، یا روح القدس از طریق پسر سرچشمه می گیرد، و یا از یک اصل مشابه است که این کلمه آشکار است. علیه یونانیان؛ با این چهار اصل سعی کردند از حقیقت بگریزند و از عقیده خود دفاع کنند.

نسخه اول (BESARIONIS)

اولاً باید توجه داشت که معلمان مقدس شرقی نیز از نام علت و علت به طور گسترده در الهی استفاده می کنند؛ در واقع نه آن‌گونه که دلالت بر محدودیت و وابستگی دارد، بلکه دلالت بر تولید و نشأت از آغاز، آنچه از آغاز است دارد. و از این رو من نیز هنگام صحبت با یونانیان با این نام ها استفاده می کردم.

علاوه بر این، چون به برخی از مخالفت‌های یونانیان پاسخ کوتاهی می‌دهم، اما در ابتدا مخالفت خود را اعلام نکرده‌ام، اما به سؤالی بی‌صدا پاسخ می‌دهم، زیرا با یونانی‌ها که با آنها آشنا بودند صحبت می‌کردم، باید دانست که وقتی معلمان می‌گویند که روح‌القدس از پدر از طریق پسر سرچشمه می‌گیرد یا روح القدس از طریق پسر سرچشمه می‌گیرد، و روح نیز از همین جریان بیرون می‌آید، در برابر آنها -؛ با این چهار طفره رفتن سعی می کنند از این حقیقت فرار کنند.

اما اکنون، همانطور که من قضاوت می کنم، تعیین اینکه کدام یک از این دو قرائت متن اصیل بساریون را نشان می دهد، دشوار نیست. بنابراین، برای این نسخه از ما، در ترجیح چاپ اول تردیدی نداریم، زیرا مشخص است که در تمام نسخه های قبلی قبلاً انجام شده است. اما کد مالیات بر ارزش افزوده. لات 4037 قبل از اتوب. لات 1754 تصمیم گرفتیم یکی را انتخاب کنیم که توصیه می شود قدمت بیشتری داشته باشد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

3. در نحوه انتشار ما

83. پس از توضیح آنها، در اینجا به چند قاعده که نسخه حاضر بر اساس آنها ساخته شده است، اضافه می کنم. اما اینها مواردی است که در ادامه می آید.

الف. در مورد متن یونانی: ،

1) رمز خودنویس Marcianus 778 رونویسی شده است که قرائت آن همیشه قبل از هر جناحی محفوظ می ماند، مشروط بر اینکه آشکار باشد که گاهی اوقات اصلاحی انجام نشود.

2) اگر تصحیحی ارائه شود، همیشه - طبق هنجارهای موجود در مجموعه ما "CON-CIILII FLORENTINI" که تا کنون حفظ شده است - با گنجاندن تصحیح کل یک کلمه خاص یا فقط هجاها، همانطور که در هر مورد لازم است، در داخل پرانتز [ ] انجام می شود. اما در همان زمان در دستگاه بحرانی خواندن کد ارائه می شود تا اصلاح شود.

3) با این حال، اگر چیزی باید تکمیل شود، یا لزوماً به دلیل حواس پرتی آشکار، یا اگر وضوح بیشتر متن نشان می دهد که آن اضافه شود، کلمات تکمیل شده یا اضافه شده در یک پرانتز () ارائه می شوند و دلیل انجام آن در دستگاه نشان داده می شود.

4) آنچه در حواشی خودنویس یافت می شود در متن آمده است. ولی از دستگاه معلوم می شود که عناوین است یا تصحیح اضافی; در مورد دوم، قرائت تصحیح شده، اگر پس از اصلاح همچنان قابل خواندن باشد، در خود دستگاه نیز ذخیره می شود.

5) از آنجا که گاه بین تصحیح متن یونانی و نسخه لاتین آن تفاوت وجود دارد، هرگز آنطور که باید، متن یونانی با نسخه تطبیق داده نمی شود، هر چند از نظر معنایی واضح تر یا کامل تر باشد. خیلی ساده، همانطور که به نظر می رسد، به خواننده توصیه می شود که آماده باشد.

6) متن بساریون، برای وضوح، با اعداد متوالی متمایز شده است. و خواندن آن را با علامت گذاری که به آن املای مدرن می گویند آسان کرده ایم. به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم تمام انقباضات را که علاوه بر این، بسیار اندک هستند، به نفع خوانندگان حل کنیم.

7) با توجه به دلایلی که قبلاً ذکر شد، علاوه بر انواع کد B، قرائت‌های گوناگون نسخه‌های قبلی، مانند نسخه‌های قبلی که توسط مانسی ارائه شد، در دستگاه موجود است، مشروط بر اینکه موضوع صرفاً اشتباهات املایی یا حتی اشتباهات چاپی آشکار نباشد.

8) در نهایت باید بدانید که آنچه در دستگاه یا در سلسله یادداشت‌های مربوط به متن یونانی قرار می‌گرفت، با یک عدد خطی نشان داده می‌شد تا خواندن متن یونانی که مهمترین آن در نسخه است، با یادآوری مکرر یادداشت‌ها قطع نشود. خود متن یونانی، به دلایل عملی چاپ، ستون بیرونی همه صفحات را اشغال می کند، به طوری که می توان تعداد ترتیب تقسیم متن و شمارش سطرها و ابتدای برگه های کدکس و نیز صفحات نسخه مانسی را به راحتی در حاشیه بزرگتر نشان داد.

همچنین متوجه خواهید شد که گاهی اوقات یک فضای سفید در ستون یونانی باقی می ماند. و شما این را به نقصی در متن کدکس یونانی 778 نسبت نمی دهید، زیرا به طور کامل در نسخه گنجانده شده است، اما فکر می کنید به دلیل اضافات نسخه لاتین است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

84. ب. در مورد متن لاتین:

1) حتی در اینجا نسخه فعلی متن خودکار بساریون را ارائه می دهد، که همانطور که مشخص است، همیشه قبل از هر خواندن دیگری در تمام نسخه های قبلی حفظ شده است.

2) برای اصلاحاتی که گاهی ضروری است و برای اصلاحاتی که به نظر می‌رسد تکمیل یا اضافه شده‌اند، همان هنجارهایی اعمال می‌شود که برای متن یونانی داده شده است. بنابراین، اصلاحات براکت های مربع]، اما اضافات براکت های تک زاویه ( )، گنجانده شده است، خواننده همیشه در تجهیزات متن هشدار داده می شود.

3) اما برخی در ترجمه وجود دارد که در متن اصلی یونانی خوانده نمی شود؛ که در واقع همه با حروف مورب نوشته شده اند (به شکل شکسته) به این منظور که حتی در اولین چشمان نابینا شناخته شوند.

4) به دلایل کاربردی چاپ، نسخه متنی در ستون های داخلی صفحات senper قرار می گیرد. و در آن، در صورت لزوم، حروفی مانند نمایان در بالای خطوط قرار داده شده است، که با آنها خواننده به نشانه های کوچک دستگاه ارجاع داده می شود. به همین ترتیب، اگر اعداد، مانند نماها، در متن گنجانده شوند، خواننده را به یادداشت های واقعی که بارها و بارها در انتهای صفحات رخ می دهد، ارجاع می دهند.

5) شیوه خاص نوشتن، همانطور که در خودنویس یافت می شود، در نسخه حفظ شده است، و همیشه انقباضات کلماتی را که در متن لاتین فراوانتر هستند حل می کند. اما باید بدانید که رسم بساریون این بود که هرگز حرف «م» را دوبرابر نمی کرد، بلکه قبل از آن «ن» می نوشت تا با هم خورشید باشیم و غیره داشته باشیم، اما از سوی دیگر معتقدم که او «م» یا «ن» را قبل از حروف «ب» و «پ» قرار داده است. اما در مورد حروف «mm» و «mb» و «mp» در هشت برگ اول که همانطور که گفتیم با دست بساریوس ترسیم نشده اند، نظام املای رایج حفظ شده است.

6) علاوه بر این، تقسیم بندی پاراگراف ها با کمک اعداد حاشیه ای با متن یونانی تطبیق داده شده است، و همچنین تمام علائم نگارشی توسط خودم معرفی شده است.

7) سرانجام متوجه شده اید که من صریحاً بیان کردم که در موارد خاص تصحیحات یا اضافاتی که در خودنویس وجود دارد، همان طور که در دستگاه ذکر شده است، به دست خود نویسنده انجام شده است، مبادا شبهه ای وجود داشته باشد که توسط دیگران معرفی شده است.

پس از اخطار همه این موارد، جایز است که متن دوگانه خطاب جزمی، یونانی، من می گویم، و لاتین را ایجاد کنیم.

رم، 8 دسامبر 1957

در جشن لقاح مطهر مریم مقدس.

امانوئل، کندال، اس. آی.

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

[illegible] regimen [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] et fidei [illegible] [illegible]
uita pro [illegible]
fuerunt pro [illegible] mortui sunt. [illegible]
[illegible] [illegible] apostoli [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] apud nos [illegible]
reliquerunt nobis [illegible] et doctrinas [illegible]
Que ut pro regulis fidei habere debemus
a nobis eque [illegible] atque [illegible] [illegible]
uenerari et credere. [illegible]
officium [illegible] et quod a filiis [illegible]
debet prioris omnibus [illegible] [illegible]
prebere. omnibus [illegible] proprium animum
[illegible] et [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible]
et eandem nobis fidem [illegible]
confirmabit cum ipsi [illegible] idem [illegible]
dicunt: tanquam uno et eodem spiritu [illegible]
Quod hoc modo [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

Ex [illegible] dicto [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
procedit [illegible] [illegible] filio. Ex [illegible]
filio [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
Quid [illegible] dicemus [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible]. Neque [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] filio. [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] ita ut [illegible] ex patre
[illegible] filio. alios ex patre et filio dixit
[illegible] [illegible].
[illegible] sed [illegible] ne iam accusare
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] et [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
Multa habeo [illegible] in [illegible] [illegible]
[illegible] exempla. Pater [illegible] [illegible]
maior me est. Et [illegible] ego et pater
unum sumus. Hacatque [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] quod contra
eos [illegible]

دیجیتالی شده توسط گوگل

بافت

دیجیتالی شده توسط گوگل

کد برای این نسخه

کد Mark Gr. 778 (Z. CCCCCXXXIII]، خودنویس (برای متن اصلی یونانی).
کد Mark Gr. 679 (Z. CCCCCXXVII]، اولین خودنویس (فرعی).
کد مارک lat. 1901 (Z. 36، خودنویس (برای متن نسخه لاتین).
کد مالیات بر ارزش افزوده لات 4037 (برای اعلامیه ضمیمه خطاب جزمی).

علائم استفاده شده

در متن

() = برای نشان دادن حذفیات.
]= برای انجام اصلاحات (خواندن نسخه خطی در دستگاه ارائه شده است).]
|| = آغاز برگهای نسخه خطی یونانی را نشان می دهد. =
* = نشان دهنده آغاز ستون ها در نسخه MANSI 31 A است.

به دلایل تایپی، ابتدای برگ های متن لاتین در حاشیه قرار نمی گیرد.
اما خود متن در داخل پرانتز درج شده است.
به همین ترتیب، حروف کوچک مانند نشانگر (b c) قرار می گیرند و خواننده به دستگاه متن لاتین بازگردانده می شود.
حتی با اعداد (1 *) به علائم همان، اگر آنها خوب هستند.

در دستگاه

ب - خواندن کد. شرکت تابعه Mark Gr. 679.
M = خواندن نسخه MANSI.
]= کلمات متن را در صورت نیاز جمع آوری می کند.
| = نشان می دهد که علامت مورد نظر متعلق به همان خط است.

و آخرین (یا آخرین) دوره طولانی (یا prima) اولین کلمه (v. gr.: Too aitoŬ-bvóaews) بین کلمات مختلف Lineola
تری را که نت به آن اشاره دارد را مشخص می کند.

رایج ترین اختصارات عبارتند از: add. (افزودن، اضافه شدن، و غیره)، corr. (تصحیح، تصحیح و...)
دل (حذف، حذف و غیره)، در حاشیه. (در حاشیه)، مادر. (دست نویسنده)، خانم. (نسخه خطی و غیره)، سوپرا
این. (بالای خط)، suppl. (عرضه کردن، عرضه کردن)، ransp.
(تبدیل می کند).

دیجیتالی شده توسط گوگل

صفوف روح القدس 4 (NIS (BESSARIO، کاردینال توسکولان،

(ORA)

TIO) در مجمع عمومی فلورانس بین (GRE-COS DU) MTAXAT، پس
از بسیاری از مناقشات عمومی- <CASQUE) زیستگاه ها، با <یک
پدرسالار) و امپراتور یونانی ها رای دادند: AORUNDE-
SEOEKSINUMRE (PETREN)TUR; که در DOGMA (SIVE) در مورد
اتحادیه نوشته شده است که خود او از یونان لاتین ساخته است.

اسباب بازی AYTOY

<BHELAPILNO2 TOY NIKAIAE)

AOIMATICOE <AOIOE)

اچ

] IIEPI ENLEELy

پیش درآمد

1، هیچ صلح (مقدس) و وفاق (دیام) از کلیساهای خدا وجود ندارد، بهترین مردانی که (نه بزرگترین) آنها را تحقیر می کنند و به شادترین مکان (تا تیس) می رسانند. زیرا به خاطر او است که نجات دهنده (دعای ما) به پدر تعمیم داده می شود، که وقتی به شاگردان و کسانی که به نام او خوانده می شوند موعظه کرد: "ای پدر، آنها یکی باشند، همانطور که ما یکی هستیم." به وسیله این محبت الهی که نشانه حواریون مسیح است در ما جاری می شود و دشمنی و اختلاف مردم به ویژه مسیح را از ما دور می کند. 1°] آنها باید با روح بسیار بیگانه باشند. تمسخرها و توهینهای که دائماً تحت تأثیر دشمنان صلیب مسیح ؛ هستیم که ما را مسخره میکنند، ما را تحقیر میکنند و ما را کوچک میکنند (همانطور که در واقع مسیحیان نامیده میشوند و همان

IMlgookuov.

Ti pty tõv Šxxiņouõy toõ Deo6 legà» elgývp 1. Te xal óuóvouay o x côre» oæðelG, öoTLs &y oð Too ravtó; Te Tuuhoato xal ueydiy ešiauovlav i-gato. 'Ap' hs te cwrhpos e yh ngos ròu Ðeoy xal narépa * Aýyera. télos « rolyaov aitoÚç », nepi tôv patyr@r a to léyoros xal r vóuaru airoð xexÀYJuévov, « lva dow &, xaos xai ueis eoquev &v , xai dxoañoñoçuaç frus huãs đyayošca iyyurárw 15 parrhoeu teoð, xal zò onueiov huiv éravhaeu Tis Toő XQu roő patnrelas. 'Aporhosrau dè åp' j- pöv te rap' aifAov čyopa, đaypa čvavruóra- Tov dvbponouç xoL Tuavols, xal raŭrá ye noòg Mjlovç xal xar aljlov dothoerau đè2 tov tôv. oravpoð xa8 huõv tyeupóuevos vxTn uós e xal xlevaauo; xal xazáyelws,
ἐπεγγελώντων ἡμῖν, ὡς δὴ χριστιανοῖς μὲν οὖσι καὶ

1 Msi 31A
896

• De- Sancti] tiuus افزودن. در حاشیه مانا برتر
ب به دلیل کمبود جدی ms. در برگ اول، Yecto و برعکس، کلماتی
suppl. wnci-nis interchusa که به شیوه قاطر خوانده می شوند،
از ms. مالیات بر ارزش افزوده لات 4037. که تا فول دنبال می شود.
9r CAI, LIGRAPHICS توسط دست AMANUNS نوشته شده است.
ج Grecorum vota - a Latinis] اضافه کنید. در حاشیه مادر
4 مقدمه] به حاشیه. مادر ،
pr تقریباً نابود شده است). گسترده] در حاشیه. مادر هدایت شده است یا
(؟)' گسترش یافته است. f و کوچک انجام می دهند] در marg.
مادر. در متن و برای هیچ.

1-5 To5 attoő - tvóasws] در حاشیه. ms بالای مادر
6 rpooluLov] در حاشیه. امااس. مادر **10 ἀφ' ἧς ἤ τε σωτήριος]**
xal dp° hs te toô Zorñpos M. 14-15 vò zoñua - dyd- TIS] litteris
a By signatuy in ms. 16-15 ترتیب کلمات جابجا شده Ts -xat)
om. B. 17 do-thaere M.

11-14 ر.ک. جان شانزدهم، 11، 21-22 (در انجیل Rhengov arovc).

دیجیتالی شده توسط گوگل

deyouévos، xai vòv aitòy čnuyoapouévous Ôeanórry، eir dljrawy obroş dreayowiautvouç rois öóyua- aw، ös &ybpous te xai nodeuuwrárovs dljioı; iysi ba. Auaraira utv oov xai čru roúrov nola rÀeiova phoēuv ev dravreC Ty eipryvmy, tiy ôè Tôv xQ ruavov GUupovlav nepi rÅeiooU rOLOÚ- eta Tò i őTOVTOyws Kaióv، xal tíau rpórouç npoßrßactein، čvraõba on negi ôuápopa ayitóueta xai duapógws negi roúrov vo05pEY.

(داشتن ارباب و در عین حال آنچنان در میان (ما) تفرقه و اختلاف در عقاید اعتقادی که برخی دیگران را به جای دشمن و دشمن می شمارند. بنابراین، به این دلایل و دلایل دیگر، در واقع همه ما صلح را دوست داریم و می خواهیم، و) وفاق و اتحاد مسیح (ما) از همه بالاتر است. کاری که باید انجام شود، در اینجا ما نظرات متفاوتی داریم و در نظرات مختلف بین خود متفاوت هستیم.

Περὶ τούτου δὲ δὴ καὶ νῦν σκεπτέον καὶ .öévauer، xai dì héyouev obrwç من برای آنها مهم نیستم.

از این رو ما فکر کردیم که این موضوع باید در حضور ما مورد بررسی قرار گیرد و با قدرت های مبتکر خود در مورد آن بحث کنیم.

KEOAAAION IIPQTON

فصل اول

Ὅτι πρὸ μὴν οἰκουμενικῆς συνόδου δικαίως διϊστάμεθα τῶν Λατίνων· ταύτης δὲ συγκροτηθείσης τὰ νῦν μέρος, ἡμῖν ἔγκλημα ἔσται διαιρεθεῖσιν αὐτῶν, ἄνευ τοῦ δυνηθῆναι ἐλέγξαι αὐτούς.

در مورد علل انشقاق، و اینکه، اگر قبل از شورای عمومی هر گونه بهانه ای برای ما در مورد تقسیم ما از لاتین وجود داشت، اکنون در شورای جهانی که قبلاً جشن گرفته شده بود، ما آن را جشن گرفتیم، مگر اینکه شواهدی مبنی بر انحراف آنها از حقیقت ببینیم.

.2 «Hy 6te ý toő teoi ă nulos véupn, ăpopos dxxa aia, ebbveiro dxuá ovaa xai xadäss čyovoa, ivixa tò uev rhoiv xai replegyOY ، tjsločvaşy ne inoÚueba, tò ô8 reQLTr To ro xai xareyurruopévo, xai rà ***ἀπὸ τῶν οἰκείων λογισμῶν ἐν δευτέρῳ τῶν θείων*** hoyiwv rubéuevo, uóvous tožs yEygauuévous r OTel- xouEv, Toi; Čnò to veóuatoç yanovrES, xai eis fol. 212 & ir' airõv | cUvayóuevot, xal ula pev õvTES rOprn, royutv 8' évi zoóuevoL, xal tñs a ris u v a to umévres povñs, Tỳy a Ty ôè roðb.

2. زمانی بود که عروس پاک خدا، کلیسای مقدس، از بالاترین توافق، آرام ترین صلح و حقیقت بی آلایش برخوردار بود. [ف. 2] البته وقتی در مهمترین آموزه ، انجیلی سادگی و خلوص را تمرین می‌کردیم، تنها به گفتارهای مقدس بسنده می‌کردیم، ذاتی آن‌ها را می‌پذیرفتیم، اینها را قبول می‌کردیم، توسط اینها جمع می‌شدیم، همگی به عنوان یک گله زیر یک شبان عمل می‌کردیم، صدای یک نفر را می‌شنیدیم، و به چیزی فراتر از آن چیزی که به ما رسیده بود فکر نمی‌کردیم.

2 corr. در خود متن برای dreoyovouévav. 3 dlf-hovg M. 4 roÚTw nollo] transp. M. 7 T] om. م.
13-17 Kepálauov - Šlbyfau aitoÚs) اضافه کنید. مادر حاشیه
.rlelwvoç M. 21-24 Tò ôë - Tibéusvoc] om 21 راست و پایین تر
.ب

•loco-hosium) در marg. مادر. در متن برای
دشمنان و دشمنان. ب متفاوت عقاید] در حاشیه.
مادر. در متن نظرات مختلف به نظر می رسد.
ج و برای
استحکام) در حاشیه. مادر. در متن و تا آنجا که نبوغ ما کافی –
است. [Capitulum prinum - de-viare proverinus عنوان کامل
افزودن. مادر در ماگ
پایین بیاورید و دو کلمه اول را تکرار کنید. در سمت چپ؛ برخی موارد
همانطور که مشاهده می کنید در نسخه اضافه شده است. e و نه چیز
دیگری] در حاشیه. مادر. متن یا هیچ

دیجیتالی شده توسط گوگل

a tõ, o uóvov T niorw rv åv xapðiq, dlà xai r ouoñoyiav r bud oróuatos. Ap' oo dé Tu n 0TERUVEvónrau toiş yaloss xal r nov xrh- uari xai GUußóro rñ; ní teos oů peTà xouvñs whpov nooryéyparTan, otno Néyw el xai tow eionutvov Tôv ôoa xálan, ere xai uh sire xal elpnuévov, nótegov xa &v aiTò voõv Šápovoolõ, 'EĘ örou

δ' οὖν τοῦτ' ἐγεγόνει, εἰς πολλὰ μὲν τὸ ἓν τοῦ

Xooroő đ a duýpeTau, peo, Tà ô uéay xat dl- jv özdllovaa, uh quvtvreç ss éavtoiş uázov- Tau xal Avuaivovrau éavrois, tövõvávread; uãnloy ‹ ouvévTes uév - eiai yào ävôpe; dopol Te * xal yvóEL XEXOGĻnutvo, xal Msi 897 o hÉAyoev airods tò devv öoov èoriy -, vay- xalas đè xai elxótoş Tijs đlujdoy xai düoráuevou ye r rd Aarlvwv jueiç , uévovtes eri aitõv T n doyaloy xal xENDuEvov xal xabapos rapà nà ns dronepar- uévov ovvóðov, rò uhro xowi tyrybèv ihoutvov, undénw òwotyoxı. olxovpsvwoð xprnplov.

به ناچار و با بدعتهایی که از هر طرف موج می‌زد، کل کلیسا در یک مکان گرد هم آمدند و ابهامات را برطرف کردند و اعلامیه‌های لازم را دادند. اما پس از بدعت خاصی که شنیده‌ایم لاتین‌ها آن را حصار می‌خواندند، در منطقه غرب غالب شد، رئیس رومیان، پاپ اعظم، با تکیه بر اختیارات خود، و مجمع عمومی را دعوت نکرد، آن بخش را به نماد مشترک ایمان نسبت داد، نه با رضایت مشترک: در بسیاری از جاها، افسوس، یک چیز بد و تلخ! مقدس ترین بدن مسیح تقسیم شد و بدن او، یعنی مسیح.

مردان استیا علیه یکدیگر اسلحه گرفتند. اصلاً درک نمی کنند که آنها دشمن خود و علیه خود هستند [ف. 2] خود را مسلح کنند، در حالی که خود را از برادران خود جدا می کنند. یا حتی افراد باهوش

— از آنجایی که در میان ما افراد زیادی هستند که علم و حکمت را می آموزند و به هیچ وجه نمی توان از آنها اجتناب کرد، تا آنجا که علت این اختلاف وجود داشته است - اما من نمی دانم چگونه آنها از یکدیگر جدا شده و از یکدیگر بیگانه شده اند. و به خصوص ما از L,atini.

Aei yàg [ěv] ye toiş negi ni rews, n epuãs 3. u y oöons dváyens, nêć tvos xuvðvvebovTo;, xal jesuovo y T aipéaewv, uéver &r airô tôv

παραδοθέντων, ἃ μὲν ἀποκεκαλυμμένως, ἃ δὲ καὶ

quveRTUYtvos nepeóvtwy T v Delov öoyuáron,

καὶ οὐδὲν ὅ τι ὀρθοδοξίας οὐ περιεχόντων ἐν

Avdyxns ôè xuvndelons xai Tuvos' .شاورویس dva- ueloms aipéoewç ola nod xar dvtpúnov; etwte yiyvsrba, xai uévro xal yéyove, xai ngoatru yevjaeras duà r rj; đvopwrim: bavolaç dotéveuav, r čxxlnoiav čx ná ns t yavuäs xo u-| aeye ioav xprrhpuóv TE REOI T y fol. 213 Cyrovuévov xatlaau, xai xavóvn xowpbmy T telą yoaq xai vois npò ait v dubaonáios, o®s qpoáoaga čoyev

b iv iyioy ráşeu xai döaoxdlwry,

3. نیاکان ما گفتند که لازم است کسانی که در آن طوفانی بودند که این اختلاف در آن به وجود آمد، در مسائل اعتقادی، مادامی که ضرورتی مبرم وجود ندارد، از آنچه از طریق نامه های مقدس به ما رسیده است رضایت دهند. که در آن تمام حقیقت ایمان یا آشکارا * یا پنهان است و بدون هیچ مشکلی قابل کشف است. اما هر گاه ضرورتی پیش آید و بدعتی پیش آید، چون ضعف عقل انسان موجب سقوط تعدادی از انسان ها می شود، کلیسای خدا که در یک جا جمع شده است، باید در مورد مسائل مشکوک قضاوت کند و طبق دستورات شریعت الهی و پدران مقدس که قبلاً آنها را به عنوان معلمان احکام مقدس تأیید کرده است، به طور مشترک به این امر رضایت دهد.

8 xat' &regov] در حاشیه: tpónovs in us and M Ev ye 24-25 xai 28 oð ب neQezóvror) Uwelngpórw B. مادر در حاشیه

23] تصحیح از — aipéaeov] om. ب. . 32 دو برابر] اضافه کنید.

a explicita) corY. در حاشیه مادر همانطور که توضیح داده شد. ب به این ترتیب) corr. در حاشیه مادر برای این روش

دیجیتالی شده توسط گوگل

oroş årOpalverbau xor؟ rà doxovra xal riy nioTw treŠegyáļeaba، ouóħwnaş iorūras raiş aiptaeau rávrobev، xai róopw ris éxnolaş aiTdç dreavvovaraş. 'Ael uévrou voöro xowj nòár- tev, xal tà xoLvà xovãs bauteiv, xal oBÖénOTe xab' airoús tu nOoŬvTas Ęov xa naoà nãoy &Ę dváyxns và olxeia xpareiv.

برای افزایش ایمان مسیحی، با رفتن به ملاقات بدعت گذاران و دور کردن آنها از کلیسای خدا [. 31. با این وجود، اجداد ما در همه جا اظهار داشتند که این باید به طور مشترک انجام شود، و چیزهایی که مشترک هستند باید با رضایت مشترک از هم متمایز شوند.

4 Oiro yàg xal oi narépe; ýuov duerélovy rOLOŪVTES، orw al hueis aitovs upnaópeba. ***Οὕτως ἡ πρώτη τῶν οἰκουμενικῶν συνόδων τὸ*** Ġuoovsor dvexńpukev rarpos xad vioo، ouvwtovv-Tos toð ngáypatos xal Toő 'Apeiov tò đvóuovov anpwôoŭrroG. Obrws deutéoa ry roð veóuaros đeóryta ópodóyňoe, Maxeðovlov ubbtos aitò erà Tõv xru uárov. Owç éxásrn oóvoðos tà xa afri dnepíjvaro، énò ris Éxdorore rapoóans dáyns [xvovuévn]. Otre yáp، elorns xarà rdvron åvioions xai xoaroÚvTOV Töy Beruóv0y، čdeu nodypara čurouety Tai; toõ teoð čxxaņglaus, a toÓc tu veáTepov ngoefevploxovraç ore zug- ***θεισῶν τῶν αἱρέσεων, ἢ ἡσυχάζειν, ἢ αὐτῶν τινα*** dropalveabau čxaorov، etre xat per ödlyoy، nepi ***τῶν ὑπὸ πάντων ὀφειλόντων πιστεύεσθαι, ἀλλὰ***

4. (زیرا پدران ما چنین کردند، ما نیز از آنها تقلید خواهیم کرد). به این ترتیب اولین مجمع عمومی، هم جوهری بودن پدر و او را موعظه کرد (خود امر فوری و) آریوس که نمی دانم چه چرندیات و توهماتی در مورد نابرابری آنها بر زبان می آورد. بدین ترتیب روح دوم با شمارش خلقت مقدونیه به الوهیت خود اعتراف کرد. بدین ترتیب هر از چندگاهی هر یک از مجالس که بر لبه می گذاشتند، تا زمانی که لازم بود، آن را تلفظ می کردند. زیرا می گویند در آرامش و آرامش ایمان حاکم، طرح سؤالات جدید جایز نیست; و نه در ظهور بدعتها، یا سکوت کردن، یا فقط یا معدودی از آن چیزهایی را که همه باید به آن باور داشته باشند، درمان کنند. اما در واقع با رضایت مشترک این xouvñ u To To TOLETV، باید انجام شود، اما باید IOeiy Jt xareneLyov ns همزمان با ضرورت aváyxns انجام شود.

فوری

«A1' Gonep đváyxn، ouvedoiov xoUvoT xara-orévros، perà roilñs te Baoávov regi riy röy xuvmDévrov ÈĘéracy eloelbeiv، xai tò čx T ; nòoaðć- Eaobau oros el nòò toŮ xovoŭ xournolov, negl TevOŞ dóyparoş xvmtévros, uş dupyßále, rà Jlxaud Te nOLEi xai eixótos ay ånooraln tãop e ; T v xovôv noPra- ***μένων· αὐτὸς μὲν ἐπὶ τῶν κοινῶν καὶ κοινῇ παρα-*** f. 213 v dedouévov | | Šuuévov، xai ol; oðbenia åupıßoria

و چگونه هنگامي که شوراي عمومي تشکيل مي شود مي گويند که لازم است در همه چيز با بيشترين تدبير و تدبر بحث شود و چنانکه عقل تاکنون به دست آورده است همه و . 3] در آغوش گرفت. بنابراین، اگر قبل از قضاوت مشترک، در موردی شک کند که با سؤالی مطرح شده باشد و عدهای آن را معین کنند، یعنی اعلام کرده باشند، به حق و سزاوار از کسانی که بدون رضایت مشترک جرأت کردهاند، جدا میاشود. ۲ -برای مشورت در مورد مسائل مشترک. وقتی

2 éşeoydļeotau M. I oxóħaraç] corr. در MS و به وضوح در Marg. میز من 10 نمایشنده Tôvl. در MS 17 xoóuevou ms., corr. با M. 27 noljs te] rod- Ajs t ; M. 31 corr. dupıßáls از åupußáles، به عنوان videtuy، در marg. مادر و اضافه کنید،. همچنین ma.، rà ôxauá TE NOT، که om 35 .بود xal dupußola] om. ب.

"تشخیص" corr. در حاشیه مادر به جای فسخ شدن ،
* بله.. .] عرضه. از متن یونانی؛ و حتی پس از آن فوری است. ج به این طریق] کوری. در حاشیه مادر برای این روش حالت d] اضافه کنید. در حاشیه مادر • البته، اعلام شد] 1% حاشیه اضافه کنید. t مشورت] corr.
1n حاشیه مادر برای قضاوت کردن

دیجیتالی شده توسط گوگل

در واقع، خود او به چیزهای مشترک و معمولی رضایت دارد. اما چیزی بگویند که قبل از اینکه به طور کلی مطرح شود، در آن شک و تردیدی وجود ندارد.

5. به همین دلیل، بسیاری از ما نیز تأیید می‌کنیم که همسر لاتینی‌ها از آن‌ها به اشتباه متنفر نیستند. قبل از اینکه قضاوت کلیسای جهانی که اخیراً توسط آنها ارائه شده است، با آنها متحد شویم.
و آنها فکر می کنند که این در واقع یک اتهام دوگانه است. در وهله اول، در واقع، "این که آنها بدون اطلاع خود و به هیچ وجه با ما چیزی را وارد کلیسای عمومی کرده اند، سپس این که آنها متحمل انعقاد مجمع عمومی و مشابه آنها در قدیم نمی شوند. ما نیز با تعدادی از آیات قرآن به آنها اعتراض کردیم و آشکارا به آنها حمله کردیم. در حالی که همه سؤال ما این است که آیا این جز با ما درست است یا نه؟ افزود، ما قضاوت کرده‌ایم که آن‌ها این کار را درست انجام نداده‌اند، بدون اینکه مجمع کل کلیسا در مورد مسائل مربوط به مسیحیت باقی بماند، هیچ عقیده‌ای نباید در مجمع عمومی بحث شود، شاید دیده شود که ما هیچ آسیبی به آنها نرسانده‌ایم، و می‌توانستیم در برابر آن اتهامات با بهترین حقوق دفاع کنیم.

oæ% 8Féraos Aeirera, ixekvov dé Tu doyóvron, 8 rply
ἐ 8feraobijvau xouvõ; oæx ìAlyov åupußoiaç
ἐν ἑαυτῷ περιφέρει.

Aaraita toryapoőv xai nûeis * eixóTwG Tñs 5.
Aarívov dnéornuev xowovias, ì àveyóuevo rQòs & Msi 900
vwas aæTois oelbeiv, npiy inoneGE ĪV olxov-
pevej xpíce tó rap' aitôv eloaybéy xal oy
beTeloev aTeloev, npiy inoneGE ôiza Ti s xai
uõn airõy yróuns eloayayoñcuy els r xouri
čxniņaiay، rò ôë ufö' dveyouévous du Týoaabu
oÚvOðoN Xard ràs dozalaş ràs iònva. 'و uézou u
v ráoorn xoúuevou derélovw t yvóu1، xai Tà
nag' huãôv aštoiç iyxlhuara perà ravriş drýyra
dxalov، xai iuei;
IEo ná s. 'Erei oè toÚTOU uÈv žön xaré- هواپیماهای
yvooav, xai 6 nòoißállovro åflopa Bov Čne- úgayto,
ueTà t s l ns dè xai aitoi tanELvÚTEO;
sls olxovuevwov aUijatov xpurhpoy، nai r êx
TÔv hóyor panoouévo droňovthoeLy
oUvéBerro a toL e naVTò; tyxfuaros ro to Tò pépos
spãs a tovs dvorépovs irńpnoav, xal iuãş deī
t nòdyuaru npo- Geħbeiv uerà noàlijs Baodvov
xai peydins Tis č eßraOSll P ráov nòáyuara xa'
ñuoy airüy yt Tpapñ، xal nolaracuaotj xat' juõv
& xar aivôv črspépouev ngórepov dlxaa
ŠyxńuaTa. Eipnrau yáo - xai ôoxã ou ovôo- xety
čraow -, nep uhrw ovóðov auyxgoTe- Beions
xovñs čxe īvou Ty xaraðuá ovoay treçé- povro,
oro ovoTeváivá, xivovvov elvat، nūş ðy
ðayeproáuevoL tà ragóvra، àvćyxarou ivrsõbev
araliáEouuev ös ebxóg. «Hô، yàg a rol re Aóyov
ónéayov v Nyovol te xal doyuari ovdt، xal jpeī،
npòs Tà nap' airõv elpnuéva duà rõv òvarõv
anyrhoauev،

& اضافه کنید. در واقع مامان در ماگ
ممکن است مادر آیا من

در .corY آیا] b

11 od8' M. | ob% Airerai] om. 18 ب olxovpe- Vxov]
م. M&98lovral. 23 uinore] xaí nore اضافه کنید.
26 @oxei M. 31 dzalldfwuev M. 34 dnrtrauss M.

[1] .Acta Graeca = CFDS, vol به کنید رجوع) 1438 روز اول نو. جلسه ششم فراری، v. gr، کافی است به یاد بیاورید،
VI1 - ed. GLI, - . 138-156; Aca Latin = CFDS, vol. VI - ed. HOFMANN - p. 46-50) که در آن بحث طولانی BESSARIONIS
در مورد غیرقانونی بودن افزودن Filioque وجود دارد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

πρὸς ἃ μὲν καὶ παντελῶς σεσιγηκότες, πρὸς ἃ
dė obðty ö u xai čfov Aóyov roxpuváuevot.

خطاهایی از این نوع خالی می شوند و به طور خودکار وارد مجمع عمومی
بگذارید دور هم جمع شوند و تصدیق کنند که باید تمام [F. 4
کارهایی را که دلیل آنها را متقاعد کرده است انجام دهند.
و خودشان کاملاً از هر اتهامی مصون بودند، و ما
نباید از مطالعه و تفکر متوسط استفاده
کنیم تا بتوانیم در اعمالی که از آن ماست با
احتیاط و محتاط عمل کنیم.
مبادا تا قبل از این روز، ما توطئه کرده بودیم که به
لاتین ها اعتراض کنیم، این به ما بازگردد و ما شایسته آن
اتهامی باشیم که زمانی آنها را مجرم می دانستیم.
زیرا اگر، همانطور که خودمان عادت داشتیم بگوییم،
لاتینی‌ها هنوز از سوی شورای کلی اتحادیه حمایت
نکرده بودند تا آنها را متهم کنند، زیرا آنها به
قضاوت خود در مورد موضوعی بسیار جدی اعتقاد
داشتند. چرا ما نیز لازم نیست، وقتی آنچه از آن
شکایت کردیم، انجام شد، و همه دور هم جمع شدیم، وارد
یک مسابقه بزرگ شویم و در معرض خطر بزرگی قرار
بگیریم، تا بدون گناه از آنجا برویم؟ به همین
ترتیب، آنها نیز قبلاً از آنچه می‌گویند و احساس
می‌کنند، گزارش داده‌اند، و همچنین از هرکسی که از آنها
حساب خواسته‌اند رنج برده‌اند. 5] برای آوردن کسانی
که کلیسا به آنها ایمان دارد. و ما به راستی به
ملاقات برخی از کسانی رفتیم که گفتند، تا آنجا که
ممکن بود؛ اما ما برای راحت‌تر و مناسب‌ترین و
تأییدکننده‌ترین نظر آنها چیزی نگفته‌ایم، نه
اینکه شاید چیزی درخور داشته باشیم که بتوانیم
درباره آن صحبت کنیم.

6 'Erraöla đè oh, louóv, ueyáayc iuiv xpioews ôet xal oopīs uerayzeugloews, öş čvóv, xai oixovo- uias tñs iy dxaoGón xal xploeu te xai sitón.
214r O yàp | ázhöş ågxéaeL tò u Boóleobau pávau فول
sbd; rà npoosxovra، ošðd ToîTo وای نورا ییوف Téos Tis olxovpeveñs iyréov ovóôov dlà però dspyßeiaç NETTÉON &re èxeivou elgý- xady، &re ipeiş npoßadóueta xal érupeh;

6. بنابراین در اینجا به قضاوت درست و دقیق
ترین تفکر نیاز است. زیرا گفتن این که اتحادیه ای
وجود ندارد کافی نخواهد بود و نباید تصور کرد که
این پایان شورای عمومی است. اما باید به دقت در نظر
گرفت که کلماتی که ما مطرح کردیم از لاتین هاست.
و تفحص در کدام امور به حق و در کدام امور منحرف می
شوند؛ به ما بگویید چه چیزی

1-2 ngds & påy - dnoxpıvápevou) اضافه کنید. در حاشیه
npòç ô tà rAeiw xal xaprórepa xai & tà pálsora :اما‌س
τὴν αὐτῶν συνιοῦσαν δόξαν, πρὸς ταῦτα δὲ τὸ παρά-πταν εἴπομεν οὐδέν, οὔτε δὲ ἴσως εἰπεῖν ἔχομεν ὅ τι καὶ Öfuon Aóov B.

[تا بیشتر ملاقات خواهیم کرد b ما از MS در .a videtuy covY
می نویسد. در بیشتر موارد، بدون تغییر marg را به BEsSARION
جمله جمله، به عنوان اصل. اول در MS برخی، اما corr. به نظر می
رسد

دیجیتالی شده توسط گوگل

ἐξεταστέον ὅπῃ μὲν συμφωνοῦσιν ἡμῖν καὶ τῇ danelg، önn JÈ ToŬ sitéos nhavõvraL xai Tis daydeiaç dráyovrau xai rí uèv tovç dudaxréor، *τί δὲ παρ' αὐτῶν ἀκουστέον· καὶ τί μὲν ὠφεληθῆναι παρ' αὐτῶν, τί δὲ αὐτοὺς ὠφελῆσαι δέον· καὶ* örcos ngooAmpóueta ddelpovs ToooÚrovS Te xai *τοιούτους, ὧν τῷ χωρισμῷ σπαράσσεσθαι πάντας* ‹ elxós frote r 8dcev xapoáuevou óvov, *ἢ οὐ σὺν δίκῃ ζημιωθῶμεν αὐτούς, ἢ μετὰ καὶ τῆς ἡμῶν αὐτῶν βλάβης αὐτοὺς προσλαβώμεθα.*

Αὕτη γὰρ ἡμῖν μόνη βελτίστη πρὸς τὸ τέλος ὁδός, καὶ διὰ ταύτης ἡμᾶς οἶμαι πρός τι χρηστὸν draybijvau xai ăuepTTO"، fre toi؛ árlãs o to ròv oođevl aóyg léyovaL ðaorñyau Aarivoy ós oöðty iy s ošre heyóvrov očte ppovobvtar در pooyóv. etbiç toiş *σὺν οὐδεμιᾷ τῇ ἀπὸ τῶν λόγων πειθοῖ τὴν ἕνωσιν* čruGNEÚŠovoLy àlà oiy BEeráseu xai xoloeu xai T nò Töy áylov xai duôa xdhwr óôryią * xpw- Msi 901 pévovs ai tò téhoç iévau.

آنچه باید از آنها شنید و آخر اینکه چگونه می‌توانیم با برادرانمان که تفرقه‌شان مایه تأسف آن‌ها و ماست، متحد شویم، مبادا با پیروی از اراده‌ی آنها، یا با زیان خود، یا بدون ضرر از آنان جدا شویم. 5] بیایید با آنها متحد شویم.

زیرا من فکر نمی کنم کسانی که به سادگی و بدون دلیل می گویند که باید از لاتین ها دور شوند، دور از حقیقت تلقی شوند. و همچنین نباید تسلیم کسانی باشیم که «بدون دلیل قانع‌کننده می‌گویند که اتحادیه سنگین است. در واقع با مطالعه و تحقیق مجدانه حقیقت و با دقیق‌ترین قضاوت، باید از معلمان مقدس و نیز رهبران پیروی کنیم، و به این ترتیب، زیرا تنها اتحادیه امن است و باید از هر خطری دور باشد.»

Ošrw pe oðv tyò yvóuns Eyo xai ra ta v. Toórov qoovā "Oros 8' dv xai uà nolwv خزیده nQos to to به Télos npòs aiTo naybeinuev، ivrebey ioő، teòv rpooTnoáuevos uóvoy، el xai uéyaç ó făJ9Ao dy. Duoxtvouwóv 25 Te yáo tva và ragóvra Sytel, xai npòg rávras árhös Erouov noðÚeoDau xal yevaíov šoTw oðèv oðre Aezoīvau oðte npayoéTwo O, đoxoŬVTa xai napax- Ôuveóoavros.

«Apkopa ôė čyreitev inóbeslv tva xal đpry inotkuevos.

7. این نظر من در مورد چنین چیزهایی است; من، معروف ترین مرد، این را احساس می کنم. اما اینکه چگونه می‌توانیم به هر وسیله‌ای به هدفی که برای‌مان پیشنهاد شده است برسیم، هر از گاهی با توکل بر خدا خواهم گفت. اگرچه می‌دانم که باید یک مبارزه بزرگ و بدون بار سنگین را متحمل شوم. به درستی که شرط فعلی به گونه ای است که انسان را که به خاطر حق از روی میل به خطر می افتد، ضعیف می کند; و هیچ چیز بزرگی را نمی توان گفت یا انجام داد، مگر اینکه کسی که [ف. 6] بگذارید حقایق را ببینند، بگذارید با قلبی قوی صحبت کند و برای دفاع از حقیقت آماده تحمل فحش ها و خطرات باشد.

و از همین جا با اتکال به بهترین و بزرگ ترین یاری خداوند، آغاز را [می گیرم].

2-3 Toö evbéos dnayovrai] u B. 11-13 Arn yàp - uýte] Ošte oðy B. 16 npo yóvraş TELO- tévras] npoTEXTÉOV o te nEL TÉoy B. | yov] اول در ms., vn. 23 npòg aætd] om. M. 25 đ9os ms. و ب 26 rpòç náYTa M. 31-32 énóbeas...] ópyovutvov Tv teiov B.

[از این طریق b از چه کسی] اضافه کنید. و دل. در MS همچنین *c ms.* تصحیح در حاشیه مادر برای از این طریق مجموع

دیجیتالی شده توسط گوگل

KEOAAAION AEYTEPON

ʼΑπόδειξις διʼ ἐπιχειρημάτων πλειόνων τοῦ τοὺς ἁγίους, δυτικούς τε καὶ ἀνατολικούς, συμφωνεῖν ἀλλήλοις
vat dváyan

فصل 2 الف

اثبات، (از بسیاری از استدلال ها)، OUOD ضروری است، البته، پزشکان غربی و شرقی

شما موافقت خواهید کرد که باشید.

.8 "Eryelgna ngüror. 0 xópos juov 'lnooñs Xpioros énl r đwrhoov xovyua néurwn tovs fol.
214* patyrás, | | xai tà ouuBnaóueva aTOŽ; TQOaYopevav devá, xal óç čni Baoiei; Te Nai iyeuóvas áyoh- đovtaL apaotnaópevOL, « M) — pepephonte nol - rl etrnre tí dalhonre, tyò yàp huiv dáaw Aóyor te xai owplav, j oð ouvjoovđovrau ovret roy- ol đyrwelpevo šutv ", *διὰ τούτων δεικνὺς τῶν ῥημάτων, ὡς ἅπερ ἂν αὐτοὶ* paiey, airo5 huara čovtau xal toð Švnyoôvto§ aroi; Tveóparoç 6 &dlayoõ č n nãoav a rožs d- dáfey vijy dfdear treàbóv, öç elau xai rà a rôv éhuara, to5 TVEbuaros rjs đlrqTOi b a; poeyyouévov, dlfdeav xal Gwry. «Oru dè ra ra tà éhuara oôx els airobs uóvov Tous a Tónras ro 1óyov ðéBr, đAlà xai els rávraş tovs per' a robs tò gwrhQov dayyérpau no, đAlà xai els rávraş tovs per' a robs tò gwrhQov dayyérpau no. návreç e loacy, a tó Te ó gwr)Q š n, ""A éui" Aéya, zãou héyo » páuevos aird Te Tà npáyuara uaprvpei rávrov T v ueTà Ta ra Davpao; aðToiç kgyous te xai onuelous Msi 904 xad toi; tjs * ôoa Hallaç dpóvous vápact xai TIyal; deváos öş pavepdv elva, Aouróv, xai roUs áylov; rarépaş xai đoaoxÁlov; duà roð ravaylov Aadeiv nvebparos, xai éńuara pôty- yertau roð đwrpos, xarà Tupdvvar xat fyepóvoy xai r v T đâņdeiq payoutvav aipetxöv oUyypa- xalparmésvov. dafoeav.

8. اولین دلیل، خداوند ما عیسی مسیح، هنگامی که شاگردان خود را برای موعظه انجیل در میان امت‌ها می‌فرستاد، و چیزهای زیادی را که قرار بود برایشان اتفاق بیفتد، پیش‌گویی می‌کرد و از جمله اینکه آنها را به حضور پادشاهان و والیان به‌خاطر آرمان‌شان می‌آورند، «او گفت، فکر نکنید که چگونه یا چه خواهید گفت، زیرا در آن ساعت به شما داده می‌شود که در مورد شما چه کسی بگویید. آشکارا با این کلمات، هر چه آنها گفتند، دلالت می کند که کلمات متعلق به او هستند، و روح القدس که در آنها صحبت می کند، و او تأیید می کند که در جای دیگر خواهد آمد و تمام حقیقت را به آنها خواهد آموخت. که حتی سخنان آنها، به واسطه روح حقیقت که در آنها صحبت می کند، حقیقت و زندگی بود. اما کسی نیست که بتواند این کلمات را پنهان کند [ف. 6o] نه تنها برای اشاره به اولین شاگردان منجی، که به آنها داده شد که به او نگاه کنند، بلکه به کشیشان کلیساها و سایر معلمانی که بعد از رسولان انجیل را موعظه می کردند. زیرا خود منجی این را ثابت می‌کند که می‌گوید: «آنچه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم؛ و خود چیزها به وضوح نشان می‌دهند. در واقع، معلمان بعدی با همان اعمال و نشانه‌های تبلیغ کلام الهی مشهور شدند، و حقایق الهی کمتر از رسولان «با پیروی از نشانه‌ها» توسط آنها تأیید شد تا بر همه آشکار شود.

1-5 Kepdlauon 'Eriyelgnua ngôrov] در marg.
مادر 2 prius droðslEsç, corr. مادر 9 شرکت در
MS., قبل از ragaoTaóusvos. 16 enelbóv] اضافه کردن. بالای خط
27 ante óç اضافه کردن. peßauovpévoU xai tovtous oddèv jrroy toő hóyou ôud r n iaxolovtoóvTOY Onuelor B.

فصل - موافق بودن] افزودن. مادر در حاشیه
برتر و پایت. سمت راست فصل 2؛ پشتیبانی
با چندین استدلال از متن یونانی. b اولین آرگومان] در
؛ marg. مادر

18 جان. 6، 64. MC 23. سیزدهم، 37 15-17 ر.ک. یوحنا 16، 13 9-12 تن X. 19-20
25 ق. مک. 16، 20 (این نقل قول به وضوح در کلمات اضافه شده توسط BEssARIONE در نسخه وجود دارد).

دیجیتالی شده توسط گوگل

Oirw ôè Eyovras، xai ovppoveiv čavrois xai iglos dváyxn xai pndèi čvavrlo، oð puxpór، oð péya، o nòòs aiflovs، o Tnòç éavroyo'Avroús o c toNG dva.

Οὕτω γὰρ ⟨ἂν⟩ οὐκ ἀληθείας μᾶλλον ἢ πλάνης ἐν αὐτοῖς ἐλάλησε πνεῦμα· πλάνη γὰρ καὶ τοῖς πλα-νωμένοις οἰκεῖον, ὅτὲ μὲν τάδε, ὅτὲ δὲ αὖ λέγειν

· rà tvavria، öoneg، olua، xal eu rhuovos dvôgòc drååvé; Bori onusiov éavr xai roiç čAlos | فول من 215 اضافه uppoveiv "Ooo ov dvpóran copõv tò 10 ij: ooplaç ;کردم xal dandelas batoxeirau rveõua, to- ðôêrp xal oóupavor éavvo uãnlov elvau dváyxy.

که پدران مقدس و آموزگاران ایمان مسیحی نیز از طریق روح القدس صحبت کردند، و سخنان نجات دهنده ما سخنان خودشان بود، هنگامی که با ظالمان و شاهزادگان و دشمنان بدعتگذار حقیقت می جنگیدند، حقیقت آشکار را می نوشتند و موعظه می کردند.

از این رو باید گفت که آنها با یکدیگر موافقند; و عقل ما را وادار می کند که بپذیریم که چیزی از آنها گفته نشده است که با یکدیگر تناقض داشته باشد، حتی در کوچکترین مسائل. زیرا در غیر این صورت روح حقیقت به جای دروغ در آنها سخن نمی گفت. زیرا این ویژگی دروغگویی است، اکنون . 7] این را تصدیق کند، حالا آن که نشانه مرد بسیار عاقل است، دائماً با خود سازگار باشد و در هیچ امری با سایر خردمندان فرقی نداشته باشد. بنابراین، به همان اندازه که روح حکمت و حقیقت بر خردمندان مقدم است، به همان اندازه باید با خودش سازگار باشد.

Aevregov énugelona Oi peiy đal' el ts xai 9. śavvol; difaos çot öte todç rarépaş tvay-Tovuévovs roluhoeue phva, öpa, Roróv, a tĢ werà tôy nlorwv Taytiyau xai rôv ybpõv Too ‹ dravpoð ol; čeyov ivreõbev tà iubrepa eryeipeiv broaaleóecv vorhpa، texuńpov Ths To wnō y- paroç d bevelas، rhárrovoy švavropaveias tvaec r s frêts ypapñy0royn، ôoxoócaç: xat i nã; ðbá xaloç orarau, xai dyovi ovrau rávreç UNOPaVTOŬtas ty d2heuas ôetfa, vußalvoavaa éavrj tiy telav droðeLxvivreç ***διὰ πάντων γραφήν.***

9. برهان دوم. ولی اگر کسی گمان کند که پدران و معلمان ما مخالف یکدیگر سخن گفته اند، مسلماً حق دارد که در ردیف کفار و دشمنان صلیب قرار گیرد که عادت داشته اند ایمان ما را از این بابت متهم کنند و تناقضات و تناقضات حروف مقدس را در میان خود اختراع کنند، اما خود هیچ کس را غیر از اینها نمی دانند.

—

من با او موافقم که نوشته های مقدس همه جا هست

ادعای قوچ

.AMws te xai jueis Toog EEo tis 10" تولروف. jueréoas a nñs te xal čxxAyoias dià toóTov ourodl oVes xai dvarpérovres, Tods t s dó ns airõv yeuóvaş čv nÂeloros azouévovs fdos

10. علاوه بر این، هنگامی که ما از این طریق با غیریهودیان و کسانی که خارج از کلیسای ما هستند بحث می کنیم، نادانی آنها، یعنی فیلسوفان و مؤمنان را درک می کنیم. 7]

۱ 1 ězov ràç ms.، 5 که به نظر می رسد. همانطور که & M، در آن حس [bleni0r 13 deutepov erugelonpa اضافه می شود. *n* ;.dru t n M. 22 prius oUxoPtoYTeS, corr 16 مادر در حاشیه .dro- palvovres B 23 را اضافه کنید. M. xelvous پس از آن کلمه 25 Tolron in marg. مادر .اما‌اس

❛ ؟ اوانتو) در مارج. مادر کوانتوم استفاده می شود، اما اولین عضو جمله دست نخورده باقی می ماند. ب زوم

استدلال] در حاشیه. مادر e 3um] در حاشیه. مادر د به این ترتیب] کور. در حاشیه مادر برای این روش در حاشیه مادر یعنی فلاسفه (و قبل از آن کلمه دیگری نوشته بود که نمی تواند بخواند); البته متن فیلسوف.

دیجیتالی شده توسط گوگل

dropatvores, xal duà ro tov Ty aitôv čhéyyovre; äyvouav, nõŞ đv xai xat huôy a rôv To To ẟ defalueta tò devóy, xai tous iuerépovs narépas. inò Ta Tò nepreTei ovyyoghoausy nábos; el u) xai t xabórov ni TI» iuov toelovral a Tol dvaroépau derjgopev. 'AM' dnein ye roöto tis XQioroð ŠxxAnaiaş xai vôv raútns Toopiuov.

واعظان آنها، تا جایی که ممکن است تضادها را نشان می دهند. چگونه می‌توانیم این موضوع را حتی علیه خودمان بپذیریم و فکر کنیم که معلمان ما نیز مرتکب همان جرم هستند؟
مگر اینکه ما به میل خود ایمان خود را براندازیم! اما این از کلیسای مسیح و شاگردانش دور است!

11 Teraprov. Opõpev dè xai ràş olxovuevinà; áá- đaş dvvóôov; nE i ôv Éxáotn nòoxeuévan doyuá- Twv o x vD ozivns coplas neuboi », o Tezyo- Aoyiaus énuárwv, o qvaixoiş åóyous, oyaué, o àdlà uóvy orovhoavraç xprnply TobG Tarépas tois čv airais yvpvaiç Taiç rõv nòò a T y naréoov xai ôubaoxáhy öuda Nalaus xai Aóyou5, xai đav Tôv érdorore Gyrovuévwv doyuárOv, xai xat izvos fol. 215 dxoàovdńaavtaş rai; Tüv áyiov povats Gar oix oŽ8' 8 tu reoi ri s xabóñov ri rews iuõv čorau Ppoveiv, ei Tus tò árórnua to To rapaxoÀovboöv 6éfacro toi; rarpáow El yào oi r s nlorews yeuóveç o tà aità náres، dal' oi uev dljaous، oi ôè xai éavroiç pei T s áronia، Švavrla pasiv، j ôýè ni é; xelvar Wpurau Aóyous، « xEvÌv ăpa tò xýpvypa ipõr، xev) dè xai j nl rıs iuôv ». 'AAld rolīs ovrws doías Msi 905 Bvvoñjoau yov tà ToLaŭra nepl r y teopópwv čxelvwv avdpāv dváyxn yào a toùg ôud te rà elpnuéva xal toútwv črea nheiova â oux đváy- en wi xaraléyev -, ouupoveiv dnAńlors xai ;éa xai xarà undèv čvavria un déyew uròè Pooveiv.

11، 4um b، همچنین می‌بینیم که تمام مجالس جهانی و پدرانی که برای آنها در مورد جزم‌هایی که «نه از طریق اقناع خرد بشری» پیشنهاد شده‌اند، نه با ساختگی کلمات، نه با استدلال‌های طبیعی، نه به طور خلاصه توسط قیاس‌ها، بلکه در عین حال توسط اقتدار گرد آمده‌اند. و همان سخنان اساتید برتر و کسانی را که در آن زمان پیش از آنان بودند بر زبان آوردند، گویی که از قاعده حق پیروی کرده‌اند و با پیروی از تعالیم و مراحل پدران مقدس، هرگونه سؤالی را در این باره به پایان رسانده‌اند.

از این رو نمی دانم در مورد ما چه می توان گفت، اگر کسی اعتراف کند که این امر ناخوشایند را می توان به پدران نسبت داد. زیرا اگر ایمان ما [ف. و] رهبران همه یکسان نیستند، بلکه برخی در واقع نسبت به یکدیگر، و برخی دیگر حتی نسبت به خود، ای چیز پوچ!، اما بر اساس استدلال های خود با اعتقادات ما در تضاد هستند، "پس موعظه ما پوچ است، ایمان ما نیز پوچ است." اما حماقت بزرگی است که حتی چنین چیزهایی را درباره آن مردان سرشار از روح فکر کنیم. زیرا لازم است، هم به خاطر مطالب فوق، و هم چند چیز دیگر، موافق خودشان و همدیگر باشند، و اصلاً مخالفتی نداشته باشند، نگویند، عاقل نباشند.

12 ' Onoi dè reol roúrov xai ó paxápos ایموروف lodns ó dapaoXmvds &y nòò; 'ایوپوی

12. 5um1، مبارک یحیی شامی نیز در مورد آنها می گوید، و به اردن می نویسد:

4 únò avròy M. 8 TérapTov in marg. اما‌س. مادر
12 xenoautvous M. 15 prius ms. ouurepáotas et 21 tà aætd]
کور. ؛ Tavtà M; اضافه کنید بعد از کلمه návTEç
paoiy ms. 22 peŭ tüv deváy B. 26 yov) prius و دل.
ovv ms. 32 IMéprrov) در حاشیه. اما‌س. مادر

از ایمان] افزودن. مادر در انتهای خط b 4um] در حاشیه.
مادر به او) corr. در حاشیه مادر برای در آنها
، d قبل از ms تکرار می کند] دنبال خالی) .دنبال کردن تصحیح به
واضح تر در حاشیه مادر، و به همین ترتیب دوباره بلافاصله.
15mm] در حاشیه. مادر

10 7 کور. 2، 4 (متن از چند خانم دالوس گرفته شده است، نه آنطور که اکنون وجود دارد: از TEL-aóyos). 25-24 ر.ک. 1
به شما — COR. 15، 14

دیجیتالی شده توسط گوگل

اجازه دهید مقاماتی را که آنها تولید می کنند در نظر بگیریم، زیرا آنها پدرانه هستند و ما به هیچ وجه نباید با آنها مخالفت کنیم. اما این درست است که پدران و معلمان مقدس ما باید ثابت کنند که موافق هستند و نه اینکه بر مخالفان خود چیره شوند و چه رسد به اینکه به خودشان حمله کنند. از این به نظر می رسد [f. 8 درجه] که وقتی بدعت گذاران به پدران مقدس تهمت می زنند، گویی آنها همین را نمی گویند و برخی از آنها برای اثبات عقیده نادرست خود ترسیم می کردند، یوحنای تبارک نه کسانی را که ظاهراً به بدعت گذاران کمک می کنند انکار می کند و نه آنها را همانطور که می فهمد؛ اما در واقع او آنها را می پذیرد و سعی می کند آنها را هم برای خودش و هم برای یکدیگر مناسب نشان دهد. زیرا این وظیفه پزشک است، این وظیفه مسیحی است.

ἐπιστολῇ· « Ἀλλ' ἄγε δὴ καὶ ἃς προφέρουσι xońaes ruonEyáueta xai Tiy axoußrj Toórov BĘéraow nounoúpeba naTQLNa yào a vau — xai oiiauöç đvrepoñpEy đlà zo) ovupovovs wal uà àdlovvs čarovAv. éavroi; 5 adóyovs xal uayouévovs aroðeLxvbev to ; ὁ áyiovs narépaç xai bba xáÂovS" cóv tò rEpi zí TewS poóvnua évaiov xaù đrapállaxtov oefev pia Toò TVEÚLaro: dóvaul: te xai Enlaupç ». áyiovs 10 àlijlous xal was čAxóvror npðs tò éavrüv Boúnua, oőre napvoópevos paxápuoç 'Ioáŗns Tobg doxoVraş aitot dyopeivue

ὡς ἐκεῖνοι· ἀλλὰ προσιέμενος μὲν αὐτούς, πειρώ- pevoç 8' airobG xai éavrot; xal đifous ouußal- 15 vovTaş deifau ro ro yàp žoyoy čorl ôoaoxálov. TooTo XQoruavoð.

13. ماده هفتم مجمع عمومی از زبان قدیس تاراسیوس در اولین اقدام خود؛ او می‌گوید: «به هیچ وجه ما پدران مقدسه را مخالف نمی‌یابیم، اما وقتی همه در یک عقیده باشند، همان را موعظه می‌کنند و تعلیم می‌دهند، اما تناقضی در آنها نیست، کسانی که اقتصاد و نیت خود را نمی‌دانند، فکر می‌کنند که برعکس می‌گویند. ببینید پدران شورای هفتم نیز در این مورد چنین احساس می‌کنند و هر یک از معلمان هم نظر می‌دهند که خودشان هم همینطور هستند. آنها می گویند که روح یکسان در همه چیز صحبت کرده است که این درست نیست که فکر کنیم برای او موافق نیست.

H ôè éBôóun tôy oixovuevxõv gUvóôor ôud 13. Toð àyiov pnòi Tapasiov iv T roórn airh; rgá eu « Kar' oðéy Tov; rarépas ebpianouev 20 uapovovras, dll' os | Toð a toð vEÚLaros fol. 216r övves, rávres tò aitò xngÚTrovdU Xal ôödonov-*σιν ». Καὶ ἡ αὐτὴ διὰ τοῦ αὐτοῦ αὖθις ἐν τῇ* Iairil npáțe « IIavrazoð yà ol naréoeç đAljlous oóupwvoi eioy, BvavrlwoS dè oiðeula ior tv 25 aitoiç• da tvatoivTau aitoi; اوه برو olxovoulas xai rous oxoNODG aitôv uì BruoTáuevoL ». OBro xai oi riñs éß óuns Gvvóôov narépes TaiTd ne i roóTOR PyovoõaL, xai ovupávov; éavToi; xai đllf- Aous elvau roùs áylovç dbáaxovdL, xai airiav 30 azoðibóasu riy aiti T iepõ 'lwávn tò yàg a Tò TVEöua, mav, ev rãow čAáayaev, čAáayaev, oò tvvojoau yot Beperóv.

[. 9] واقعاً طولانی خواهد بود که برشماریم چگونه همه معلمان در همه مقدسین

Kai paxpòv uèv av eln xaraltyew črcos oi Bubáoxalou návres &v náon T teią agñ to to 35

از بی تفاوت] منظور شما متفاوت نیست. **b 1** نکن

gat] اضافه کردن. بین در. همانطور که به نظر می رسد، مادر ج عمل [ms.

اضافه کردن یا یک جلسه، اما با نقاط فرضی del.

13 ôeyóuevos] voôv B. 15 8 aëtods] om. م.

ms. 30 õubá xOVTL, Xal] aropauvóuEvot B اوری 24

1-9 دمشق، رساله. به اردن اردن، در سرود تریساگیوس، 7 = 23-20 تاراسیوس، در Comc. Nicaeno II (Ecum. VII), an. MG 95, 40 D.

787، در یک عمل I = Msi 12, 1038 C. 24-27 TA-

راسیوس، همان. = Msi 12, 1050 C.

دیجیتالی شده توسط گوگل

nporlbera, taş ôoxoÚTaş dapovia; öş olóv Te oUußußá ey is ra t v y to tó te xparñcau - Tò pá xELv avrij Švavria nul , xai nãoav dvarpanijyau ry nlorer. Zurepaiverau dè duà 5 rávTwv tous raréoas huôv، toùs rñs ni TewŞ juov iynuóvas، v vat; dubaonalías tqpwrio- onuev xal šööáynuev, åvayxalos Tairà hyew dAlqlous, xal oúupava ouy éarolS uóvov, al ***οὐδὲν ἧττον καὶ ἀλλήλοις · ὡς τοῦ τοῦτο μὴ συγχω-*** Qoővros, oBdev ðuapépovvo; rôy ànlorwv.

کتاب مقدس این را به خود پیشنهاد می کند: الف (پ> والدین در مورد تناقضات موجود در آن توافق کنند. به وضوح از مطالب فوق به این نتیجه رسیده است که شاهزادگان و معلمان ایمان ما هم به آموزه های آنها روشن شده و هم تربیت شده ایم - باید بگویند که نه تنها با خودشان یکسان و سازگار است، بلکه نسبت به یکدیگر نیز یکسان نیست) کل ایمان را براندازد.

.14 To rwv ot inoNEuévn، čyoue èv áyiovs xai doaaxdåovs، rovs &Ę 'Avarodijs tò tis ri tews dvarelaavraş pös, (Abaváoov), Baoileon, xai (robc) Teyópópov, Aóv te xai MáĘyuov، xai Tapáaoy، xai ty oLe Érapelav šyouev ôd xai rois ⅌ ἐ ånò dvauôv، tò rhs RAávns oßéoavras péyyos rî nap aicôv aiyn Tis dâçóuôv، Ilápon، (legúvvpov)، dápaoon، (Ienyópov)، Abovra، ò AeóvreOv Povynaáuevov، xal tò lepòv rôy

Msi 908 dylov Člov xopóv. Ilávraş ô& ðiðaaxálos xotvodG xai rarepas xai iyeuóvaş ris nú rewç nolld utv fol. 216* Exarépovs év r ðe | t Bl rabóvruç به زور رفتن; daydelaç, énde attjs dè bavóvras Çöras dè öucos o póvov nagà De@ R hon xai nap' ýuiv, ***δι᾽ ὧν ἡμῖν κατ[αλ]ελοίπασι συγγραμμάτων καὶ*** Sôayuáron، rep dyri xavóvov tijs nl rews xpareiy dpellovau rag' huôv، & lop is telas vpapīs Tópevá te xai n rcvóueva.

Ilouoiuev ðv oy tà elxóra xai baa ragà ralõus eiyvouóvo rarpáaw dpelaera، nãou p v

14. بنابراین، با این روسای در دعا، ما واقعاً معلمان مقدسی داریم، کسانی که نور اندیشه حق را از شرق برای ما روشن کرده اند.

آتاناسیوس، ریحان، گریگوری هر دو، (کریزوستوم)، سیریل، ماکسیموس، تاراسیوس و بقیه همگروهانشان. 9] - که با غرش خود همه بدعت گذاران و بقیه گروه کر اولیاء را ترساند. همه، معلمان معمولی، و پدران، و رهبران ایمان. که به راستی در این زندگی برای حقیقت رنج زیادی کشید و برای آن مرد. n

—,

با این حال، آنها نه تنها با خدا، که در کتاب زندگی ثبت شده است، بلکه با ما زندگی می کنند، از طریق اعمال و آموزه هایی که برای ما به جا گذاشته اند و باید آن ها را به گونه ای حفظ کنیم که گویی یک قانون ایمان است.

2-4 os tatò nlorw) سپس بعد از Ðijdoss B (و om. tò – ul). 3 éavri بین لین. مامان را اضافه کن | trorla qnul] évarrla» sivau M. 9 oç] xal B. 13°Afa- váoov] om. اماس. و ¢ô 16 قبل از نام اسباب بازی. tods; M به همین ترتیب xcal] 17-16 اضافه کنید. بین لین مادر Tò peyyos] ty — çlóya xal oxótos M. 19 'Ihápov] در وهله اول در M. قرار می گیرد، جایی که ذره to قبل از اسم وجود دارد. | Tepúvyuov, I'eróoov] om' .اماس. (اما بینید Bevrnaáuevovj Bevaáuevov M. | lepār 20 .(آیه لات) Tôv đlon áyiwr M. 26 xarelolraou ms. 28 xpa- teiobas M.I ti elą yoapi M. 30 rouwusv M.

4 تصحیح؛ آنها در ms پیشنهاد می کنند. از آغاز این فولت تا پایان نماز، همه چیز - متن، اضافات و تصحیحات حاشیه - با دست خود بساریون حکاکی شده است. b et) s4- بنابراین] عرضه. از حس به نظر می رسد MS در .pralin

4 میلی ثانیه پیش فرض، اما در حاشیه. تصحیح و در دعا اضافه کن تامین از متن یونانی f all] افزودن. در حاشیه & corr. در حاشیه به عنوان یک قاعده برای قوانین

دیجیتالی شده توسط گوگل

بنابراین ما وظیفه خود و آنچه را که فرزندان به طور رایگان نسبت به پدرانشان دارند انجام خواهیم داد: ما به همه آنها گوش های مادیان خواهیم داد، تسلیم تمام افکار آنها و پذیرفتن دانه های آنها. زیرا همگی ما را به یک هدف رهنمون خواهند شد و همان ایمان را برای ما موعظه و تأیید خواهند کرد، آنگاه که خودشان برای اولین بار همین را به یکدیگر می گویند، گویی با یک روح صحبت می کنند. که باید از این طریق مورد توجه قرار گیرد.

einebèç ntyovres oos, rãg ô8 tip ôlay ino-rpwnvões yvyoy, cal rà na čxelvov beyóuEvOL anépuara. Iloò; tò aôTò yàg iuāş đfov téÂos ***καὶ τὴν αὐτὴν ἡμῶν βεβαιώσουσι πίστιν, αὐτοὶ*** rgótegov đlfdous &y pôeyyópevoL xal Taitó, as & vl xa raito haljoavres TVEbLarı. Exeyo-peta dè öol.

[. 10] فصل 3 ه

اگرچه هیچ تناقضی در گفته‌های پزشکان وجود ندارد، اگر چنین چیزی حداقل از والدین (P) بود، برای ما ضروری است که سعی کنیم با آن موافقت کنیم، زیرا کاملاً ضروری است.

و این A(D) از طریق مثالها ساخته شده است.

KEOAAAION TPITON

Ὅτι εἰ καὶ τὰ μάλιστα οὐδεμία τοῖς τῶν ἁγίων λόγοις ἀντίφασις ἔνεστιν, εἰ καὶ κατὰ τὸ φαινόμενον ὅμως ἐδόκουν διαφωνεῖν, ἔδει σπουδάζειν αὐτοὺς συμβιβάζειν, ὡς ἀναγκαῖον ὂν τῇ πίστει. Καὶ ipyaala ix sapaßsTuár.

15. معلمان مقدس شرقی می گویند که روح القدس از پدر سرچشمه می گیرد و از پدر به واسطه پسر. این گونه افراد می گویند: «از پدر و پسر»، غرب همین طور پیش می رود; آنها همچنین اظهار داشتند که هیچ یک از شرقیان چه بگوییم؟ آیا این برعکس آن است؟ دورا! زیرا آنها نه مخالف هستند و نه متناقض، از پدر، و از پدر و پسر. و حتی اگر سخنی متناقض گفته شود، 4 به این صورت که برخی گفته اند «از پدر، نه از پسر» ، و برخی دیگر «از پدر و پسر»، من جرأت نمی کنم بگویم اولیاء خدا با یکدیگر مخالفت می کنند. اما با توجه به آنچه تاراسیوس در سینود هفتم گفته بود، زودتر خود را متهم می کنم که درک آنها را درک نمی کنم. ¹

"Ex to rarpóg" paow oi 8 'Avarolis 15.

čyor nal rartoes rò dyov exropeveatau veõua, xai « ix To nUroos ô vio ». «°Ex ro natoòs nat vioo »ol durwol páonovo tò aitò Èxropeóe- abau ‹ weTua. Tl ov Bootev; 'Evavclov tooro čxelvo; م) yévoTo. Oiôt yáp š re tò x napò; čxnopeÚeTbau v ix narQo; xal vioő oðr tvavtiov o te piy dvtupatxóv. "Orov ye xai đvruparLxŐ; ***τὸν λόγον προέφερον, ὡς τοὺς μὲν ἐκ πατρός,*** o x Ex Toð vo5, todg & ex rarpos xal ioð Àéyev Beropebertau, oi oros đy neprváury bappoóv-Twş vrupá xev tobs áylovç àllflouç àllflouç àllflouç adlà pãvèvè2) qvnévroş čneg ixeivoi pagy elgnuk~~vo~~ ***κατὰ τὸ ὑπὸ Ταρασίου ἐν τῇ ἑβδόμῃ*** oUvóõŲ, öru « čvavtoõvraL airois oi

تصحیح در حاشیه به جای ارائه b بعد از همه del. در واقع e فصل - با مثال) اضافه کنید. در حاشیه با کوچکترین حروف بالا و epet. در si-nistyo کلمه اول. d corr. از مطرح شدن توسط نویسنده • خواهد داشت] supp. لزوماً یا چیزی مشابه از حس; و به همین ترتیب بلافاصله کلمه را به خودش می گوید.

6 toîrO tè oxsyópeba úðl M. 8-13 Kepálauov
— ragaðeryárov] در marg. دو. استنباط مادر اضافه کردن.
کلمه اول نیز در marg. sinistyo 9 tauáloTa خانم.
-t nloreu prius tois capsoTégous Tav doaps از 13 پس
oréQun QumveñoL xenoaptvovG, sed linea drawna del.
14 'Avatoliñs] éoas M. 15 đyos raréoes M. 18 بعد
از V8ÜLa اضافه کنید. tò ö aito xal tvsç tôn šx rs éooas B.
19 šxelvp 24 نماینده واضح تر در حاشیه مادر droqprá-uev M.

¹ 28 ff. تاراسیوس، در Conc. Nicaeno II, در Action I = Msi 12, 1050 C.

دیجیتالی شده توسط گوگل

τὰς οἰκονομίας καὶ τοὺς σκόπους αὐτῶν μὴ ἐπι- ‹ oráuevou » –، éxeivoy ivavroloyiay Te xal dvrlpaov.	یعنی «در برابر کسانی که از اقتصاد و نیتشان بی خبرند بایستند» - که من به آنها تناقض یا تناقض نسبت می دهم.
16. «Ezo toúToU TOlà rapaôelyuara di' aitns 5 Tñs Đelas yoaçpis. «°0 narig pov Pr l - pelt — wv uo *μ* i rev». Kai rálw : "'Eyò xai ó raTip šouev". Tovvov tl; peíçov doxoboa dvrípaoıs; 'AN öpos dyripáoxovdt Tàandei oi fol. 217: åvripadw ro To Aéyorreç. "0 Erépavos I | « elôe 10 Tỳy ôóĘay toð deoð xa v v ovoyevī a toð رپ- ***στῶτα »· ἀλλ' ὁ Παῦλος αὐτὸν « ἐν δεξιᾷ φησι*** xExatuévau », où t daßiô, Too Doóvov « Ti; peyaiwaivns i iprdoiç ». Tò dt xatijabau xai Tò ***μὴ καθῆσθαι,*** — lora bau yào oæ xatj bai 15 Šoru , neQupavis šorv avripaos. Aovxāç 8 paxópos ròy 9eiov Erépavov elaáye ziy dófav roð Beoð xai narpos xat tov povoyevñ aitoo vi v ***ἰδόντα· ὁ δὲ μύστης τῶν ἀπορρήτων « Θεὸν οὔτε*** elbey oiðsl; oöte lbety ôuvý eTau nónOTe », Tagà 0 t s a roaiybeiaş ôeðiöayuévo;, gnoir. پس تو Öeīv xa u lôeiv T v Deóv, o x o8' ei tn pn Msi 909 åvripags dófeuev. * 0 ut r v e ayyeuorāv rplry öog ròv	16. من نمونه های زیادی از آن در خود کتاب مقدس دارم. پدرم می گوید: او از من بزرگتر است. و دوباره: "من و پدر یکی هستیم." چه تناقض بزرگتری را می توان در این (f. 10°) دید؟ با این حال، کسانی که این تناقض را تصور می کنند، با حقیقت منافات دارند. همانطور که لوقا در اعمال رسولان شهادت می دهد، استیفان، " وقتی پر از روح القدس شد، به آسمان نگاه کرد، جلال خدا و عیسی را دید که در دست راست خدا ایستاده است. " اما پولس، همراه با داوود، می گوید که او "در دست راست اعظم بر فراز بالا نشسته است". لوقا همچنین استیفان مبارک را اینگونه معرفی می کند که جلال خدا و پسر یگانه او را دیده است. اما سنت جان انجیلی معتقد است که «هیچکس خدا را ندیده است».
xópoy oravpõadbal prov. '0 ôé ye Bo « «Hy ô ö *ɪ* a čxtn, xal èaravpooav aitóv».	یکی از مبشرین می گوید که خداوند در ساعت سوم مصلوب شد. دیگری فریاد می زند: ساعت ششم بود و او را مصلوب کردند. اما سومی و نه سومی یک تناقض آشکار است.
25 H ôt èxrn òndovóre rpírn o x chory ôè tolrn Te xal · o rpirn návro; آیریپاوس	
Toy edy xai naréoa « airiav » vioo Te xal TEVéÓLaTos TQavö; đvaxngórrovol Te xai bôáo- KovTLY Návre; oi & 'Avarolīs narépes T Xat 30 ôubáo xalou åAlà uerà rôv ix rñs 'E néoas ó	خدا و پدر [f. 7 7] همه پدران و معلمان شرقی آشکارا موعظه می کنند و تعلیم می دهند که «علت» نفس و روح القدس است. اما

8 t dlysi M. 9 'O égavos] اضافه کنید. ináoyor ndhens rveójuaros dylou, drevloas ei; zor oopwóv B M. 10 xai tòy- nageTTÜra] xal 'Inooov érröra čx ôeĘu v ToÔ ov M. 11 dax G IHaiÃoç oæy T daßio M. 17 povo- YEYH ms. 20 aorò darbelaç ms. 29 äyou naréges M.

برای اولین بار اگر به چه کسی، و دل. بله s cuil

Ps. با کنایه از) 3 ,HEB. 1 11-13] 6-7 جان. X, 30. 9-11 ر.ک. ActT. VII, 55 5-6 جان. 14، 28 CIX, 1. 16-18 cfr. Acr. VII, 55. 18-19 cfr. IoAN. 1, 18 and 1 JOAN. IV, 12 (کلماتی از očre ôsiv övvýgeTas توسط theafr.2 Mc.V.2. 24 رجوع کنید به LC XXIII. 44 (نه به صراحت از مصلوب شدن، بلکه از رحمت، همانطور که در Mk. 15:33).

دیجیتالی شده توسط گوگل

uaxáQioç Kópcalos oodè ngoaierau toro τὸ čvoua. Tò đè ròv aitòv airla» déyew xai oix ariav، nãş Tis åv oluau ivtuparixöş Tvyyopńaee Aéyeaba.

سیریل مبارک، در هرمیا، همراه با پدران غربی، حتی این نام را "علت" در اشخاص الهی نمی پذیرد. اما برای گفتن همان 1 علت و عدم علت و یقیناً به یک چیز، کسی نیست که قبول نکند که در تناقض گفته شده است.

Kai rl čv Tus Šfapuouioauro öoa dvriparnös 17. eloñjotau dôxoivra، öuos e sßö; únò T v Ô a-OxÁloy vooôvtal, xal nòòg Eva xal ròv aiT v varrúacOvTau voov ; bone xal iuãs puovutvovs xai nepi roð ngoxeyuéov Syrhuatos, el oy-éBavev vavria te xai avruparwő; dvrxelpeva 10 Aéyev tov; Öbaoxdlovs, iuiv aiToi; žđeu uāllov npooárrew dyvolas airiav đapuviav èxelvos, xal repãctau ðallárrew didous a toús, xai *διὰ πάντων ὡς ἑνὸν συμβιβάζειν. Νῦν δὲ λέγουσι* uev oiðtv vavtioy، ouugpovoño dè ravtòs uāllov 1s đalýlouç. Kai ro to urńaouev xai nelpg eoph-couev, el xarà órov a toi; xai toiç a Tôv xenoóueta

ʽC 0 Jè rpóros olos، <åxobaare)' xal | | axoteite fol. 217 v *ὡς ἀληθής τε καὶ δίκαιος.*

17. و چه کسی می تواند به راحتی تعداد آنها را برشمرد که اگرچه به نظر می رسد متناقض هستند، اما معلمان آنها را با تقوا درک می کنند و آنها به یک معنا ارجاع می دهند؟ و از ما تقلید کنند، حتی اگر پیش آمده باشد که اساتید مقدّس در مورد سؤال مفروض، سخنان مخالف و متناقضی گفته باشند؛ ما بهتر است عیب جهل را به خود نسبت دهیم تا اینکه با آنها مخالف باشیم. و سعی کنیم آنها را با یکدیگر آشتی دهیم و تا جایی که می توانیم نشان دهیم که آنها در همه چیز موافق هستند. اکنون، در واقع، چیزی بر خلاف آن نمی ؛ گویند، بلکه آنچه را که برای خود و یکدیگر پسندیده است، می گویند. و ما این را با تجربه درک خواهیم کرد، اگر فقط از آنچه مدیون آنها و آموزش آنها هستیم استفاده کنیم.

حالت. [°11] اما چه نوع است، گوش کنید. و در نظر بگیرید که او چقدر درست و درست است.

KE®AAAION TETAPTON

ʽΟτι τοῖς σαφέσι τῶν ἀσαφῶν ἐξηγήσει χρηστέον, τουτέστι, τοῖς Δυτικοῖς τῶν ʼΑνατολικῶν.

فصل 4

که برای شعور آن پزشکان، که در تاریکی بوده اند، توسط آن پدرانی که آشکارا و واضح صحبت می کنند، (یعنی با غربیان قبل از شرق) استفاده خواهد شد.

Ilãoa ri rs Te eai åróbeuç čyeL pbv te 18. ارپوف

18. هر ایمان و دلیلی حقیقتاً چیز دیگری دارد که آن را نشان می دهد. اما او چیز دیگری دارد که به وسیله آن آنچه را که به خود پیشنهاد می کند ثابت می کند. همچنین نمی تواند همان چیزی باشد که آن را ثابت می کند و آنچه را که طرفدار آن است.

tó, alrla, č toiç belous npodá- OLG پست اضافه کنید. 2
M. 3 بعد از aralay ada . xal ta ra npòg tò aôtó B.
19 dxoúoare] عرضه شده. نسخه قبلی و M. 21-23 Kepá-auoy ' Avaroxõv] اضافه کنید. مادر در حاشیه

s [ما می توانیم corr. در حاشیه به جای قادر بودن bqui-
فصل - واضح تر صحبت می کنید. خط شروع [dem)
شود) اضافه کنید. در حاشیه در بالا و سمت چپ تکرار کنید.
فصل 4; تامین یعنی به شرقیان از متن یونانی.

1 1 CvRIILUS ALEXANDRINUS. Cf., v. gr., De SSma. در تثلیث، به هرمیا، شماره گیری کنید. II = MG 75،! 744C، - کل زمینه را ببینید: زیرا در آنجا مورد اعتراض قرار میگیرد که پسر از پدر xarà tò aiLOV Xal aiviaróv، گویی او ابتدا علت تولید را منتسب کرده است. اما سیریلوس ادعا می کند که پسر از آسمان متولد شده است و می گوید: Tò airow tolww cal alruaròv oæx oô' G0ev iuiv eróvreç te xai dvouá,ovtes (دشمنان)، oæ yáp nov nagd ye tis telaş čpoûat I. Itague CYRILO از اصطلاح airías در راهپیمایی های الهی خوشش نمی آید.

2

دیجیتالی شده توسط گوگل

ἑαυτό, ἢ αὐτό τι δι' ἑαυτοῦ δεικνύναι ἀδύνατον. 'Ἀλλ' ἐπειδὴ ἔκ τινων Guodoyovućvov Te xa Joxoóvrwv xovj bnl tu Syroópevov dvdyon lévau, Juà rõv gapãv tri Tà đoapň xai Syropeva npo- Balyey elxós, xai bà vôv dýdoy d uxvóvau v đoṇ. Kai roüto oros Bariy daroéç, os p ôeigtau Aóywv ή rÅeóvov.

Oixoêr xai ivravba, ngoxeuućvov uev jui öntör üy uaxaoiwv Töv E Eóas narépwv, nQOxeutvwv dè xai rõv čx Ti; E népas, õvros Jd dvayxalov – el uérouev Tòv zo Tuavf uau Jò đú, eLv , uußaivovr dllýdouç Öißau tà na ' àl- arfAwr el uy čww oaplons ayupußola louri, ovðė lóyov derfoet Aourów, a tóev ebpovo Tò Syrovpevoy el 8é Tuç Čv a tol; åropia éupaivera, xal tva ovveTTVYuÉvanş Aeyó- peva deirau rdelovos đvanróğews, r clonuévo xavóv XQnoréov ČAlos yà * đbivatov Byrvyeîv Msi 912 -davuli R dévraç xai ragà Tà uãdlov oaç, rà ýrrov napaßanlóvraş oapī, ðud tôv oapeoTéQav xai r n T v doap@v vo N dvyveiaa, xai otrws piayav áEg ov TIaauÉvovg, elç óuóporor doğolo- yiay toayau Deo5.

مورد ضرب و شتم قرار بگیر، زیرا واقعاً نمی توان خود را ثابت کرد، یا اینکه من به تنهایی چیزی هستم. ولی وقتی لازم است از امتیازات معین و همه معلومات به سؤالی بپردازیم، به وسیله آن چیزهای مشهود، باید به سراغ مجهولات و سؤالات برویم. و 4 که برای ما ناشناخته تر است باید توسط مشهورتر ثابت شود. اما این آنقدر درست و مورد قبول همه است که دیگر نیازی به حرف ندارد.

و از این رو، از نظر هدف، هنگامی که مقامات پزشکان شرقی به ما پیشنهاد می شوند، آنها نیز به ما پیشنهاد غرب می دهند، و لازم است، اگر مایل به مسیحیت هستیم، به ما ثابت شود که همه چیز برای همه موافق است. اگر گفته های ,— نگه داشتن آنها به همان اندازه برای ما روشن و آشکار باشد و هیچ شکی در آنها نباشد، [!. 12-] نیاز به بحث بیشتر، یافتن آنچه مورد شکایت است. ولی اگر در آنها شبهه وجود داشته باشد و بعضی از مطالبی که به این صراحت گفته نشده نیاز به توضیح بیشتر دارد، باید از قاعده مذکور استفاده کرد. زیرا در غیر این صورت نمی‌توان به هدف مورد نظر رسید، و با تضاد هر دو، و مقایسه روشن‌ترها با آن‌هایی که چندان درخشان نیستند، نمی‌توان از طریق روشن‌تر و همچنین درک مواردی که گفته شد مبهم‌تر هستند، تحقیق کرد. و به این ترتیب یک هارمونی مرکب از هر دو بخش، به تسبیح هماهنگ و همخوان خداوند نزدیک شود.

19. Eyò pèv ot pmu wai auporépovç Toès *διδασκάλους σαφῆ τὰ παρ' αὐτῶν εἰς τὴν ἐκκλη-* olav eloayaetv Kai bóvaur' ăv Ts, pmoau@; toiç zapà barépov ngoayópevoc, duà zôn nagd darépov uóvov, rairò ouTEpãvau ou_négaqua. Kai To To SelfoueY petà raôra, âv & ed; تینپیین، دو

19. و به نظر من پدران شرقی و غربی هر دو صریح و روشن صحبت کردند و حقیقت ایمان را به ما تحویل دادند.

و یکی به راحتی می توانست با اختیار طرف مقابل با استفاده از آنها، به وسیله آنها برای نتیجه گیری سؤال پیشنهادی. و این کمی بعد، کمی

1 1) M deLYöYaL ns. (همان کمی بعد).
9 énrov]l xehoean B. 11 uérlouey M. | و اماس. B xQuoTIvòy. 19 zap' đlṇda M. 19-20 xai nagà Gagi] xai tà oapéorepa ngos rà iron sag, napaßakov- Tac M. 27 ovvayayeiv M. 28 napd barépov] bis در ms. napabarégov; م اول چرت دوغوره .ueTara ra ms 30. قار، بعد ناپا تارپوچ

4 باید ثابت شود] تصحیح. در حاشیه برای اثبات b [در واقع ج با اینها MS در del. قبل از همچنین corr. در حاشیه برای او d eas) شاید در ns خوانده شود. آنها (به درک essel: پدران).

دیجیتالی شده توسط گوگل

اگر خدا اجازه دهد ما ثابت می کنیم. با این حال، باید پذیرفت که شرقی‌ها به صراحت یا به صراحت از حرکت روح‌القدس از رودخانه صحبت نمی‌کردند، مانند غربی‌ها.

پس چه باید کرد؟ البته هیچ چیز دیگری جز زمانی که f. 12 درجه] پدران غربی آشکارا این ایمان را تبلیغ می کردند، نباید تصور شود که شرقی ها همین را می گویند و نه با کسانی که در مورد ایمان چنین احساسی داشتند مبارزه کنند. زیرا روح هم در اینها و هم در آن ها همین را می گفت. و اینکه از طریق آنها همان چیزها را آشکارا از طریق آنها در ابهام تعلیم می داد که به دلیل آن علت را می دانست و شاید به دلیل احکام لازم در آن زمان.

اما باید حتی بدون مقایسه پدران غربی به ما ثابت شود که خود معلمان شرقی نیز مانند غربی ها در مورد حرکت روح القدس نتیجه می گیرند و آنها نیز همین احساس را خواهند داشت.

Boayéwv. Yroxelotw dè öuws u áv dapös rovs ' Avarol:xovs, pn oorws vanerrautvaç ***ὡς οἱ ἐκ τῶν Δυσμῶν, τῆς ἐκ τοῦ υἱοῦ τοῦ πνεύ-*** paroç xgößau exrópevOY.

| | T oðy noujoouev; Tt 8 lo ye i, tõv &E fol. 218 Eonégaş rarégwr orw capās dropacouévov ráotny rj ni rw, xl tovs 'AvaroÀxodç iynréov Taitò toôTo Aéyev Bfaváyxns xai u páyeobau ***τοῖς ὁμόφροσιν; Ὁ γὰρ ἐν ἐκείνοις, τοῦτο καὶ ἐν*** ŠAáiyae VEÜua• xal éneg roútoLs 10 گفتم؛ đvenrvyuévos, Taîra náros ty čxelvous ***συν-*** enTvypévoş &pdéy aro, o' fy obev čxeīvo arlav ***καὶ διὰ τὴν τότε ἴσως καὶ ἐκεῖσε προσήκουσαν*** oixovouíay

deuxtéov dè öjuws, xai čvev Tis Tnòòs ods 15 đuruxors áyíovs napaßorijs, xai xa ' a tois roðs &Ę Eas rarépas tairò ouprepaivovraç večirov naverovceOparos PQovo vraş őreQ Exeivou.

فصل 5 o

DUMTAXAT پیشنهاد می کند که این نتیجه را از گفته های پزشکان شرقی به طور مضاعف اثبات کند: ظاهراً از طریق مقدمه توسط » و توسط »

I

TEM. معنی

Πρόθεσις τοῦ δεικνῦναι τὸ πρόβλημα ἐκ τῶν Ἀνατολικῶν μόνων διχῶς, διά τε τῆς «διὰ» καὶ τῆς «ἐκ».

Kat sprov wa&6À0u Aóyos Kept is uá , &s- *vúvesç aůthy allav &ndo v psaeÚovGAV.

20. هیچ کس از حرف اضافه «از طریق» در هر چیزی که برای دلالت بر علت گرفته می شود غافل باشد و هرگز گفته نشود مگر اینکه zageupaívew alriav. "Aei yag xai eri návtwr و در همه کسانی که این از این به این است."

Tiy « ôá » ngóteow lauev pèv návTE; 20 دریچه هوا amuatvovoav irl rávruv ip' övneg rapalaupdvera, ***οὐδέποτε δὲ λεγομένην ἄνευ τοῦ μεσιτεύουσάν*** تلویزیون علتی می‌انی را القا کند. برای همیشه ***ἐφ' ὧν τόδε παρά τινος διά τινος εἶναι ἢ γίνεσθαι*** co(n)- éyeraL, Tò «di o » ás xoLvaNOËv oUvegyoêv 30 مثل «توسط» گفته می شود، که «دیروز» یا

آنها] تصحیح در نرگ برای آنها برای همان او صحبت : کرد] بنابراین در marg. تصحیح متن قبلی: برای کسی که در حلیس صحبت کرد، در اینها هم همینطور. ج پدران غربی] تصحیح. در حاشیه برای پدران غربی؛ و دل. در متن خود دیگری (خودشان به تنهایی).

در حاشیه برای کسانی که نتیجه می گیرند و .corr [به نتیجه گیری d بلافاصله برای کسانی که احساس می کنند همین احساس را دارند. از باب - به دلالت ن دیانت] اضافه کنید. در حاشیه پایین بیاورید و در سمت چپ تکرار کنید. فصل 5. t القاء میانه] corr. در حاشیه به جای واسطه

13 نقطه] om. م. 16 áylovs] اضافه کردن. natépaç M. ; XaT aToUc M. 19 کلمه txeivou قبل از 20-24 دل در MS. دیگر اضافه می [Kepálauov- pedTeÚovTav] مادر در حاشیه 24 ôsv vTeG ms.

دیجیتالی شده توسط گوگل

T róútuwç čvegyoivu napahapáverau· Goneg el tov téxrova ôud toð noiovos texraiveabau painuev, xal rov npíova auwegyeiv to réxTov ngdg Tò npi,ev vooöuev, xai a N oLY5Ú Tpóron elrovw doyavxős xai airò róitev، dlld ui dgyõs oúrw nagakaußáveabau. Kai r Yeyovévau ***διὰ τόπου δὲ ἢ διὰ χρόνου τόδε τι*** delbeiv ***ἢ*** Abyew, óuoiwç alriav (rvd) Tov TóTov xai zoóvov tôy ôentóvrwy yevouévun léyev éorív. "0 te yào rónoŞ xnjgeOŞ airwv, nãaa yàp xivnos eri peyédouç xai baorńuaroş xai ó xoó-voş đè he iotov ovußállerau r xvhget, Èv X 3ó-Msiay . xvńoewç 8' avED * oæx v Tu yévoro T y đuaruxāv te xai ai trov o 8 čvED O % y Tu yévoLTo, To to éavtoð a rov tôiçía léyev ôuà Too uéoou Tà čxpa đuvánreabat, ôñåov oç d' fol 218 airiov ro ubaov xarà rip s duavolaş | |

ἢ

به عنوان اولین عامل در cooperative یا munificent نظر گرفته می شود. همانطور که اگر بگوییم ماشینکار با اره کار می کند، می فهمیم که اره در برش با ماشینکار هم همکاری می کند و به گونه ای که برایش راحت است که خود ساز را برش دهد و بیهوده نگیرد.

بر حسب مکان نیز، یا ب با زمان، چیزی گفتن این که او بوده یا از دنیا رفته است، دیگر چیزی نگوییم، f. 131 مگر اینکه برای کسانی که از دنیا رفته اند یا ساخته شده اند، مکان و زمانی باشد. و مکان علت حرکت است، زیرا تمام حرکت در قدر و فاصله است; زمان نیز بیشترین کمک را به حرکت می کند، زیرا همه حرکت ها در زمان هستند، بدون حرکت واقعی هیچ چیز مادی و معقولی صورت نمی گیرد. اما بدون آن چیزی به همراه n نخواهد داشت، این دلیل خاص خود را دارد. در قیاس ها نیز، اگر بگوییم که افراط به وسط می پیوندد، معلوم است که از وسط اتفاق می افتد، گویی علتی، بر حسب حرکت یا گفتمان عقل.

.21 ***ʻΟ δὲ λόγος*** — e y xon xatóov nepi Toútov Ôalaßeiv iv rã u lóyous, ev ols héyerai Tus tvegyeiv be' trégov, i ngóðeas atrn ("duá") airiav dozóy, èv lkyerau nrégo; کوقیه; Èxelrns onpalve 'Erel ôè h Bvégeyeua uéon dori toŬ te noooros xai yvouévo, tÒ NTwTKÒv ***ἐκεῖνο, ᾧ ἡ « διά » συνάπτεται πρόθεσις, ἐνίοτε*** u y airia tis čvegyelaç šorl, xabócov noóeLaw duð Toð čvegyoŭrtoç xul Tóte alrla iori too rOEĪY T nOOÕYTU, ere siðxóv iorw atrov, etre ŭvÙvété xmtuxóv ((Eri óleňs yàp alríaç o x čorv čv xońoeu napahau. ***βάνεσθαι, ἀλλ' ἀντὶ ταύτης ἡ « ἐκ »· οὐ γὰρ διὰ***

21. دلیل این امر این است که ما با این حرف اضافه به طور کلی برخورد می کنیم -: در همه گفتارهایی که گفته می شود شخصی از طریق دیگری کار می کند، این حرف اضافه "از طریق" در 4 علت یا اصل آن عمل را مشخص می کند. اما از آنجا که فعل وسط فاعل و انجام شده است، گاه امر اتفاقی که این حرف اضافه به آن اضافه میشود، با توجه به اینکه از فاعل حاصل میشود، علت فعل است. و سپس علت فاعل است که عمل می کند، خواه علت نهایی باشد، خواه علت صوری، خواه مؤثر باشد یا انگیزه،

.به نظر می رسد از نسخه لاتین تکمیل شده است. و م [8 twd
14 Tôr Gwuarıxõv e xal alotyrôv] om. M; oð 8 ăvevj zwpls õe oð M. 16 čv Tois] prius čv Toia?، اما دل.
1% ms. 17-18 ως — του μεσου] οτι δια του μεσου ως
ö' aitlov M. 22 تامین بهتر کلمه ôd با توجه به mo- s. در م
موضوع ***m*** برگزار می شود.

6-14 در همه این BESSARION ARISTOTLE Yefrt (وید. مقدمه شماره 17).

یک ساز] کوری. در حاشیه برای این است، ابزاری. ب ، پست یا دل. کلمه زمان (زمان به زمان). c. او corr. در حاشیه برای d casuali] بنابراین در ms. و کمی بعد به طور تصادفی; خود
به زبان یونانی « rTódEL V, TWTIxóN .

دیجیتالی شده توسط گوگل

بده اما از اینها و اینها هدیه تشکیل شود. 13] می گوییم). بنابراین، وقتی می گوییم هنرمند برای منفعت کار می کند، منظور ما یک علت نهایی است. اما رسمی، وقتی می گوییم او با هنرش کار می کند. بلکه انگیزه است، اگر گفته شود از طریق اختیار دیگری کار می کند. و گاهی لفظ علت که حرف اضافه بر آن افزوده می شود، موجب فعل می شود، چنانکه به فعل ختم می شود، چنانکه می گوییم: صنعتگر با چکش کار می کند؛ زیرا به این معنا نیست که برای هنرمند برای انجام کاری که انجام می دهد، دلیل بهتری است، بلکه دلیلی است که هنر زحمتکش از ترکیب 4 هنر پیش می رود و او دقیقاً همین را از هنرمند دارد.

λίθων καὶ ξύλων ἀλλ' ἐκ τῶνδε καὶ τῶνδε τὴν oixiav ovyxe iabai papev). «Orav uè ody dua Tiy toð xépôovs črubvuiav vech Teyvlry ivegyeiv Aéyauer, reÂxov onuaávouey airuov sduxov oè voobLEv, örav ôà tiy čavroð rézvy põpev šveg- *γεῖν τὸν τεχνίτην· κινητικὸν δέ, εἰ λέγοιμεν διὰ* Tò toő Érépov noóorayua črepov tveQyeiv. اوشرو *μὲν οὖν τὸ πτωτικὸν ἐκεῖνο ὄνομα, ᾧ ἡ « διά » συνάπτεται πρόθεσις, ποτὲ μὲν αἰτία ἐστὶ τοῦ* noLeĪv T nOIOTVTI, atrov tis čvegyelaş inápyov, *καθόσον πρόεισιν ἀπὸ τοῦ ποιοῦντος· ποτὲ δὲ* airóv tore tij; tveQyeias, xabócov öpov EyeL tò norélsaua, donep őrav NéyauEv duà tñs apópaş čvegyeīv r v Teyviry tóte yàp o cnuatve tiy opépay atrior elau roõy *ἀλλ' ὅτι αἴτιόν ἐστι τῷ τεχνητῷ τοῦ προιέναι ἐκ* To5 Teyvirov.

22. با توجه به اینکه مقدّسین وقتی می گویند که روح القدس از پدر به وسیله پسر صادر می شود، برای خودشان چه معنایی دارند، بگذارید این گونه رفتار کنند.

البته در اینجا نیز خواهیم گفت که حرف اضافه «از طریق» دلالت بر علت خاصی دارد. اما از سه مورد اول هیچ کدام. زیرا دیگر دلیلی برای پدر وجود ندارد که روح القدس از او سرچشمه بگیرد، که این امر به طور کلی برای سه علت اول ممکن است، اما برعکس. همچنین پسر علت — رسمی، یا نهایی یا مؤثر روح القدس نیست. ;— انها هستند در صورتی که علت مؤثر به مخلوق ارجاع شود و با روح مطابقت نداشته باشد؛ اما خود تثلیث مبارک و خیر ؛ مخلوقاتش علت نهایی است، نه یک نفر [. 14] از دیگری؛ اما صوری، خود ذات الهی، که بر اساس آن پسر و روح القدس حرکت می کنند، که برای سه نفر یکسان است.

Toórwr ošros ByóvTwv, axENTÉON 6 u notÈ 22. Boblerau tois åylou « čx nurpòg dò vioő Tò TrvSõLa tò dyov txTOQeÚETDau » léyecv. IIávrog xarraôla alria» rwà rỳy « dá » onuaiveIv čpoðuey -} Tívos záp napelanrrau; — *ἀλλὰ τῶν μὲν πρότερον* ixtebeuuévov Touõy, ooôepiav. O re yàg ó vio; T rarpl airuos To poßálev, 8 xatóħov Tà po- sLonuéva toia arua duvaau, | | dal ăpa Tò fol. 219 r *ἀνάπαλιν· οὔτε δὲ ὁ υἱὸς αἰτία εἰδικὴ ἢ τελική* rw, stre xai noumruxí, to VeÚuaros Toð áyiov. Tó te ydg nomrx v alrov rpòç tà xriquara dvapéoera, xai o x áouó er eri too weóparos *τό τε τελικόν, αὐτή ἐστιν ὅλη ἡ μακαρία τριὰς καὶ* i ayabótns a tis, Tôv xTGuárov, oödevòş a tñc *τῶν λοιπῶν ἕτερον πρόσωπον· εἰδικόν τέ ἐστιν* aith Dla oioia, xut' jv ó viðs xai tò nveõuu ngodyovra, iruç šariv j airj Toiç tpoi.

به دلیل] تصحیح در حاشیه برای ب علت قلب
در حاشیه برای گاه به گاه ج چکش] کوری. در حاشیه
برای چکش (و دوباره بلافاصله). [d arte laborato- compositum
• .در حاشیه به جای اینکه توسط یک هنرمند ساخته شود .corr
به خود - بگو] corr. در maYg. برای اینکه او از مقدسین چه می
خواهد 1 پس از ادامه دل. برای گفتن یک کلمه
روح القدس] اضافه کنید. بین این t

26 ôë] yào M. 27 xai] om. M. toő KVEÚuaroc!
áylov M اضافه کردن به. 31-32 oðôevòs — *πρόσωπον] οὐχ ἓν*
Jè roógwnOv ČAlov M (طبق نسخه لاتین).

دیجیتالی شده توسط گوگل

23 Aelrerau در Toy hoLroY xai éragrov tpórov eni to5 rpoxeLutov rapadapßávev، xai to rov Bpócov elxóç. Ošros yáp, xatócov ue õpov EzeL tò aroréleaua, aiuor ináoyov tis evegyeias, ápuó e éni vo5 vwi yrovuévou xal uáia, ô vioð Aeyóvrwv ýuopeveauv rò-5eveov xatócov dè ds õoyavov rapalapßáveau, dreupalvovGav Eyeu riy ópoórnra Oö yàp ús Msi 916 o jgyávov, rórov, zoóvov, Tvos * r@v đriove roðõr TVeüua vò čyıov čxTopeóerbau raira yàg róQpw Tis kxelvov ravTeloñç Teleótntos xai tns đxpaş npòs tò rarépa iaóTIros évótyros. O yàp čily ôvvápee

23. پس بقیه آن است که ما بقیه و راه چهارم را در موضوع پیشنهادی در پیش بگیریم و تا جایی که می شود. زیرا در اینجا، تا آنجایی که به اثر ختم می شود، چون علت فعل است، با این سؤال مطابقت دارد، وقتی می گوییم روح از پدر از طریق پسر سرچشمه می گیرد؛ تا آنجا که به عنوان یک ساز درک می شود، معنای بسیار متفاوتی دارد. زیرا ما نمی گوییم که روح القدس از طریق پسر مانند وسیله ای، یا از طریق مکان، یا از طریق زمان، یا از طریق علت ناقصی حرکت می کند. همانا این یکی از کمالات پسرش و پسرش از پدر در برابری و وحدت فاصله دارد.

τῷ ἀριθμῷ παρὰ τὸν πατέρα προβάλλει τὸ πνεῦμα tò kywv ó viós, Lva dong devrépa ħ deyavw) روح او را بیرون می آورد، گویی یک ثانیه است. ***αἰτία παραλαμβάνοιτο, ἀλλὰ τῷ τὴν αὐτὴν καὶ*** ulav y narpi xai vi nòoßårruety elvau bóvauır، Šnians rap éxarépov léyerau rpoibvau. ارل خای ***ὁ πρίων, εἴπερ ἄνθρωπος ἦν, ὥσπερ καὶ ὁ τέκτων,*** xal ó airòg čvpwnos، üoreo ini rarpòs xai vion ó a Tòç deós، Erp ev đv xêxeīvos، GanEQ xai ó réxrwv xal t "duà ro nòloros"، o Tòç deós، o peus roeuiav. åréñevav.

زیرا هیچ قدرت دیگری جز پدر نیست.

یا به عنوان یک علت ابزاری در نظر گرفته شود. اما از آنجایی که قدرت تولید یکسان است و در پدر و پسر یکی است، گفته می شود که از هر دو به طور مساوی حاصل می شود. زیرا اگر اره انسان بود، همانطور که و پسر همان — خودش نجار است، و همان مردی که پدر خداست، قطعاً آنها را نیز می برید، همانطور که خودش نجار است. و اینکه آن را f نامیدند. 14-] از طریق اره، هیچ نقصی در اره متوجه نمی شود.

24 Bavuaoov dè ouôév, ei maiçtevégv čni roy beiwy povaiç te xai éńpao xrópeba, un ăAlawç ouváusvou. Tà yào 9eia ôà vŷov elwtórav utv ýuiv ǵvouárov xai vonuárov čxpaiveuw nEQáúpeða، äos yàg potyyeolal yošn epi čxelvur duńzvor ro fol. 219v Jè repi ry čxpovmow || Tôv ìvouáror ouußaivo čruzepeīv xai toi; ún'aitôv omuavouévoLs npáy- paow tpagpóšew، p) o Deur v n، noà yào đy oöro Tôy ópoloyovpévuN al dvayxalov dvarga- تکیه می Kai rà rávra yde bx narpos ô' vio5 کنند.

24. اگر از الفاظ و اسامي ضعيف و ناقص در الهي استفاده كنيم، تعجب آور نيست، در حالي كه غير از اين نمي توانيم بكنيم. زیرا ما سعی می کنیم چیزهای الهی را از طریق اسماء و نیاتی که واقعاً برای ما متداول است آشکار سازیم. زیرا در غیر این صورت برای ما که در حواس زندگی می کنیم ممکن نیست که از آنها صحبت کنیم.
اما آنچه که برای ادای کلمات اتفاق میافتد، یعنی اینکه بخواهیم حتی به چیزهای مدلول نسبت دهیم، باید مراقب باشیم که اشتباه نکنیم. زیرا بسیاری از حقایق ایمان به این ترتیب قطعا ناپدید می شوند. در واقع، جهان هستی

1 به] om. M. 5 pdlora M، جای که به نظر می رسد
[yrovubvov, xai 6 yLov نقطه گذاری در عبارت اشتباه است:
μάλιστα δι' υἱοῦ λεγόντων ἡμῶν. om. م.
10-11 uà too Öud Toü vioð. — Eyov] transp. M, tò Tvebua vò äyov 22 Tò « ôLd Too nolovos») اضافه کنید.
هیوووو، نه اوم. م. [M. 27 xai vonuárov لزوما،

b POS نکنید- قبل و خودش، اما دل. و
تنظیم] تصحیح در حاشیه زیرا غیر ممکن است

دیجیتالی شده توسط گوگل

من هستم و می گوییم از پدر به واسطه پسر آفریده شده است. با این حال، هیچ کس آنقدر جسارت ندارد که پسر را ابزاری بداند و علتی مشابه پدر نداشته باشد، زیرا او جهان را با همان قدرت و عمل پدرش آفریده است. بنابراین، به روشی مشابه، حتی فکر کردن به تولید روح از طریق پسر، که در واقع یک علت ابزاری به تنهایی است، کفر است.

اما علت، و این ناقص نیست، بلکه این ضروری است- درست است. در واقع، ناقص بودن این حرف [f. 15] اضافه «از طریق» باید به دور رانده شود. اما در مورد کمال و تقوا باید این را پذیرفت.

[2é] yopuev yevéabau. 'AN' oð öfrov roduhoeué vus deyavuy alrics, dar oozi ry a ty r narpi z vi v héyen, os u xai r a r čvegyelą te xai buváue quavánájora. کای *ἐπὶ τῆς δι' υἱοῦ τοίνυν τοῦ πνεύματος ἐκπορεύσεως* deyavei uè» airia žmojoau yoir BAáoqnuov alríav pévroL ye, xai Taórny oix dreiî, dvayxaiov. *Τὸ μὲν γὰρ ἀτελὲς τῆς «διά» ἀποδιοπομπητέον* ‹ ivrebley Boov dè eigeßeiaş xal TelsórnTos čnupéperau، to ro napalyaréo.

25. زیرا باسیلیوس مبارک در هشتم به آمفیلوخیوس می گوید: «خلق پدر از طریق پسر، نه به معنای خلقت ناقص پدر و نه عمل ضعیف پسر است، بلکه وحدت اراده آنها را آشکار می کند». از این رو این کلمه از طریق رودخانه از علت مؤثر نمی کاهد، بلکه ما را به علت اصلی ارجاع می دهد. واضح است که حرف اضافه «از طریق» به معنای علت است، «زیرا پسر عمل ضعیفی نشان نمی‌دهد» و علت با دستور « برای o yào rovoy toð vioo prot nagaðnloi 20» — در واقع، همیشه هنگامی که گفته می شود چیزی از طرف فلان نفر است، دستور در واقع به — علت نه

‹ Dnoi dè xai ó péyas Baolaeuoş âv r ybóų 25. *τῶν πρὸς 'Αμφιλόχιον·* « Tò ð ro vio n uovg-yev Tov narépa، ošre ireī toð rarpds Ty ònuuovgylay، očte črovov roð vioó zagaônhoi riy ivkpyeuav، dld rò jvwpévov To5 ndkuaroç 15 zaplornay öwrQoote i « ôd'o Tapxrwijs airíaç Šuoloyiav Eze, oæx Enl xarmyopią ToŬ TOIrexo5 altiov rapahayußáverau ». OBrw *μὲν οὖν ἡ «διά» περιφανῶς αἰτίαν σημαίνει* T. evtoyeLav، xai ailav tỳy uerà táfe مدیر می گوید il-Aoyiav šye . می باشد. گفته می شود که از آن *« τῆς γὰρ προκαταρκτικῆς — φησίν —*

εἶναί τι λέγοιτο, τάξις δηλοῦται πρὸς τὸ ἐξ οὗ τοῦ ‹ d (oö] ToŬ pev È oð, (oc) dpycoő voovuévov 25 *αἰτίου· τοῦ δὲ δι' οὗ, ὡς ὀργάνου ἢ συναιτίου,* čavroð npo rUVOOKLEvOv čYoVToç Tov d ' oð Aéyerau Tò Š o . Taśrry öé ye tiy rá v dvayxaiov ‹ xai &ri narpos haußéveobau xai vioð. Ilapà yàg vo narpòs tvra laßòv tà toõ naròòs ó vid; 30 چشم، xal uerà too narpo; xaì dua a t sóhidg oWENI- voeirau goaeyõs ó vióç xai vic Atyovres,

اما این دستور لازم است و همچنین بین پدر و پسر. [ف. 15] همانا پسر از پدر هر چه را که پدر است می گیرد و در اختیار دارد. و پس از آن پدر، و همزمان با او ناگهان و بلافاصله، رودخانه فهمیده می شود. برای چه زمانی

«یعنی حرف اضافه چقدر نقص دارد.
تکرار ب. در MS و دل. او ابتدا گفت.
اول از آن بعد از او قرار گرفت و آنجا دل.
د) در ms مشخص نیست. و به نظر می رسد دل.

1 lóyouev ms. 4 qUvonuovgyýaavra M، فقط "toy vióy. 8 duoduanoLTmréo M. 21 xal] d مربوط به M، در senSus یکسان است. 24 انتظار Aéynrau. 25 o' oj corr. از M ; در MS و حس ô' vio5. | استخوان] عرضه. از M و برابری عضو بعدی.

12-18 BASII, IUS, On the Holy Spirit, to Amphilochius, VIII, 21 = MG 32, 105 C.

دیجیتالی شده توسط گوگل

•r etig els | | tov o BoT» viðs àvayóueta tiñ bavolg، naréQa 220 فول
: xal natépa eiróvres، viov eüdiç čvwooöüev.
Taüra Jè xai i « duá » áhuora óvara، tñs npoxarapxTuijs alria، óuoñoylw، xarà rov ué-
Msi 917 yay Baclaeov، Eyovoa. Auà too vioð yào tò * TVEÐLa tyovreç čxnopeÚeobau, rov rarépa, &§ o to to Eye AaßBov vids, švvooñuey, xai öru npòs Erepov tàéroapeL

وقتی این را می گوییم، ناگهان به یاد پدری می افتیم که او پسرش است. و وقتی می گوییم پدر، بلافاصله پسر را درک می کنیم. اما این حرف اضافه «از طریق» می تواند «به شهادت ریحان مبارک ما را به علت اصلی بازگرداند».

26. To to xai ó X voóoropós pron، èEnyoópevos tò «Ilávra ot aæTo tyéveto». « El yàp čytavba Pnoiv - *δι' αὐτοῦ* — eiontau، o oide Zrepov *εἴονται. ἀλλ' ἵνα μὴ ἀνέννητον ὑποπτεύσῃ τις* T vióv ". "Lore xai xarà ro TOV T y Ôôágxaioy *ἡ « διά » ἐπὶ τὴν παρὰ τοῦ πατρὸς γέννησιν ἡμᾶς* rapaépnel, xat tò txeibev a T T to nuovg- yeiv tà vta ñ npoßRlev tò mvõua vò dyov Öóvauiv fuev xaù õúvatau uáhora návov on *μαίνειν τὴν τάξιν τὴν πρὸς ἀλλήλους πατρὸς καὶ* «dvayxaia؛ زندگی، من دعا می کنم napakaßáveaba. "dud" öúvarau rapa- Aaußavouén omiošv.

26. همین کریزوستوم (می گوید) نیز در توضیح انجیل می گوید: همه چیز توسط او ساخته شد.

شهادت ،Ouare ."گمان می رود که پسر متولد شده است این دکتر نیز، حرف اضافه "توسط" ما را به تولد از پدر برمی گرداند، و به طوری که ما از او قدرتی را که به او داده شده است درک کنیم، و همچنین روح را بیشتر به جهان تولید کنیم. از دیگران [ج 16] می تواند به معنای دستور او به پدر باشد، که در تثلیث بیش از همه لازم است، زیرا همان طور که سانمه در آنها برابری قدرت است، نه، خورشید نیز همان گونه است که خود «از طریق» می تواند به بهترین شکل دلالت کند.

᾿Αλλὰ ταῦτα μὲν οὕτως.

و در واقع به اندازه کافی از این.

25 KEOAAAION EKTON

فصل 6

Χρήσεις τῶν διδασκάλων, ἐν αἷς ἡ « διά » παραλαμβά- νεται, καὶ δεῖξις τοῦ αἰτίαν αὐτὴν μεσιτεύουσαν ivea58a nuatvssv.

مقامات پزشکان مقدس که از طریق این مقدمه استفاده می کنند. و اثبات این که قضیه (میانجیگری در اینجا) به معنی است.

27. Pytéov ôè ijon xai örov töv čavvūv Aóyov oi 30 èĘ " Eoaç narépEG, xal olrevEs, eni vis Toð Navayiov VeópaToç čxRODEÓTEOG Šxeńoavto vio *« διά »*.

27. حال باید گفت که از کدام پدران شرقی و در چه مکانهایی از صفوف روح القدس استفاده کرده اند.

1 prius dyayópeva در MS. 19 dvayxalav] xai obroç dyayxalwç M. 24 'Aà– orws] %0n در متن نوشته شده که آیا اینها باید با کلمات اول فصل ششم ترکیب شوند. 28-25 Kepálauov -- onpai-vev] اضافه کنید. مادر در حاشیه 29 جان) om. م.

4 به] تصحیح در حاشیه برای در b اجازه دهید در ms بگوییم.
ج شهادت - از دکتر] corr. در حاشیه برای دوم، این معلم نیز. د از آن] تصحیح. در maYg.
برای طرف دیگر از scilicel، حرف اضافه توسط . qui 1-
که برای آن ضروری ترین است marB. در necessarius] corr.،
ج فصل - یعنی) اضافه کنید. در حاشیه پایین بیاورید و در سمت چپ تکرار کنید. فصل 6; تامین وسط اینجا از متن یونانی است. *
ایپسا) یعنی با حرف اضافه.

10 یوحنا، 1، 3. 10-13 کریزوستوم، هوم. 5 در جان، 2 = MG 59, 56.

دیجیتالی شده توسط گوگل

سپس، ابتدا آتاناسیوس الهی در خطبه ای که بر آن نوشته شده است «تجدید همزمانی ملیتیوس و اوسبیوس»: «اکنون نمی‌توان روح را با جلال در میان تثلیث به شمار آورد، اگر از خدا به واسطه پسر — نشأت نمی‌گرفت، بلکه از جانب خدا به گونه‌ای آفریده می‌شد که می‌توانستند چنین باشد». اما آن طور که برخی می گویند نه از نوعی فیض غیر پایدار. و گفته می شود که من روح هستم که تثلیث را کامل می کند، از خدا به واسطه پسر است. واقعا بودن [f. 16 درجه] به وضوح به معنای وجود و بقای خود و مهمتر از همه نشأت گرفتن است. تأیید اینکه او از طریق پسر از خدا نشأت می گیرد، چیزی نیست که بگوییم، جز اینکه او از خدا از طریق پسر وجود دارد و وجود دارد.

Πρῶτον μὲν οὖν ὁ θεῖος 'Αθανάσιος ἐν τῷ Šnuypapouévo Aóyo « «EAeyzos ÚrOXploewç rõv repl Mea[éJruov xaù Eicéßov) « «Hy ôè dôóva- ***τον — φησίν — ἐν τῇ τῆς τριάδος δόξῃ τὸ πνεῦμα*** doká eavau, uh ngooðuxö; Ğv &x beoð Se vioŭ, dlid ‹ nonrwõç ėx 9eoð yeyovós, oş déyovaw ». 'Erarjou oðv đEov őu negl ijs to TVEóuaros ***ὑποστάσεως ὁ λόγος ἐνταῦθα τῷ διδασκάλῳ, τοῦ*** évds rijc tôuáôoç, o yagiquaróç rvoç đvvroTTárov, xatö; ăy TvEs || paev xai öte aitò ToôTo tò uuħnporwo Tis Tòiáôo; elvai pnow Bx Beoð de vioð. Tó te yàg eiva, rò énáoyev öndoi xabapos, xal rò ri nagfv Eyeiy, xal uáluora Tò eivau nQooNõS xai vò ùx Deoð ôu vioð npo0- deõs eivau aéyew te1o di5o, ***ὕπαρξιν ἔχειν αὐτὸ λέγειν ἐστίν. Εἰπὼν δὲ ἐκ*** فول 220 v

همانا گفتن از خدا از طریق نهر نه از پدر به پسر، بیهوده استدلال می کند که برخی می گویند پس او را از طریق پسر گفته است، زیرا پدر را نام نهاده است که نام نسبی است و لذا او را می طلبد. در حقیقت، اگر از پدر از طریق پسر گفته بود، این دلیل، هرچند کافی نبود. اما اکنون او نمی گوید: «از خدا به واسطه پسر».

teo5 d vioð, o x Šx narpòs ôi vioŭ, ånoxkeleL T P lóyov Toi; آتیوای، من؛ uà toiró pn u Si vioð, ŠreLdn To naToðs šuvýotr ǵvóuaros, dva- popxoð Te Övros xai návrwş vi v nauroŬvToG. Elye yào đv a ⁊ tn Aóyov noópadis, el xai unoÈ ***τότε, εἰ ἐκ πατρὸς δι' υἱοῦ ἔλεγε· νῦν δ' οὐ τοῦτό φησιν, ἀλλ' ἐκ θεοῦ δι' υἱοῦ.***

28. پس از آن، ریحان مبارکه، هنگامی که از «چرا به روح پسر پسر نمی گویند» شکایت می کرد: «می گوید نه به این دلیل که به واسطه پسر از جانب خدا نیست، بلکه به عنوان یک تثلیث نه در کثرت. بگذار عاقبت بیفتد، بچه ها از گل ها، همانطور که در مردان اتفاق می افتد، برای تبلیغ باورها. بنابراین، اولاً از خود سؤال، وقتی شکایت می کند که چرا روح را پسر پسر نمی خوانند، به وضوح به نظر می رسد که ریحان از این نظر راضی نبوده است: هیچ، -i

«Ereta ôè ó uéyaç BaotheLOs Bv évl rŕv xepa- 28. ***λαίων, οὗ ἡ ἐπιγραφή «Διὰ τί μὴ τὸ πνεῦμα υἱὸς τοῦ υἱοῦ», φησίν· «Ὅτι οὐ διὰ τὸ μὴ εἶναι ἐκ θεοῦ δι' υἱοῦ, ἀλλ' ἵνα ἡ τριὰς μὴ νομισθῇ*** zájbos čzrepoy, viobg k vör, ö; xai bv àvdgó- nOL5, Čysw inoRTevbeioa ». Ilpôrov pèv a TóbEv ar' aitoð ToŬ Srýuaró; Te xai ths àroplas, « duà zí uh vids too vioð Abyerau nvevua tò dyov », ***ἔστι πορίσασθαι, μὴ ταύτης εἶναι τῆς δόξης τὸν***

حاشیه کردن آتاناسیوس، ب کور. در حاشیه برای ،
ج در حاشیه ریحان سرچشمه می گرفت

3 ملروی ام اس. 4 [pnov supr. این خانم، مامان
21 a tni tva M به همین معنا، اما نه چندان تاکیدی.
25] همه M vl را قبل از ôud tò ms می دهند، اما l p را بالای خط اضافه کنید، و کل عنوان در حاشیه تکرار می شود. مادر
31 toŭ] om. م.

3-6 Ps.-ATHANASIUS، رد ریاکاری Meletius و Eusebius = MG 28, 88 C. 25-29 Ps.-BASILIUS, Book V علیه Eunomius = MG 29, 732 B. - همیشه در برابر چشمان خود قرار دارد. سپس BEs-SARION 733 ،در آنچه در ادامه می آید A).

دیجیتالی شده توسط گوگل

utyav Basineov. unðèv els tò elvau voð Tveúuaros Msi 920 ouußálleatau ròv * vióv. Oiot yàg àv rowrov *ἐκίνησε ζήτημα, ὥσπερ οὐδὲ διὰ τί μὴ τὸ πνεῦμα* raTÝo To vioð &thrnoey čy Tus. "Ereta dè xal 5 dr' arns Tñs To5 Šyrhuaroç lógews paiverau voultwn T u vi v airlay toő tvSÚuaros. xoi to to Trapaðndāy buà ris "duá". toð vioð. bóru o x

ἐξ αὐτοῦ οὐδὲ δι' αὐτοῦ ἐστιν, οὔτε μὴν αὐτὸν čzeu airiav – xatrou tíç ăl pāllov áopó ovoa خود علت *λύσις; —, τοῦτο μὲν οὐκ εἶπεν, ἀλλ' ἄλλην αἰτίαν* areôwxey · *« ἔστι μὲν γάρ — φησίν — ἐκ θεοῦ* &Iو. Kai roÜto oæx čTY åoyńgaotau. Ei Jè toor đvayxáte xal « viòv aitò To vioð elvau », fol. 221: xai Aéyerba, ÈhéyeTo Čv, nal, | xal tooto, el pý u črepov ărorov driyra, « tò rÂjbos ărEQov ry rpuáôa vopuotjyau ». D; to ye dronhuaros To Tov u) vaxolovbovros, čAbyero av, gn l, xal vid; roo vioð. "AA2" را دید. čabyero toő vioo, dvaupßóħwç xai alriav siev đy tov vióv.

Kai dà oð vioð ăpa sivau Aeyóuevov. xai ròv vicv Eyeu airiav. xai aitòç ô etvai pna. 8 pdâora Tôv Ônpárov tò iápyev ônloi xai r)v Bragžo vi, xalep. A9avá- Gov. Ošte on regi zapGuárwr tevöv vratá *φησιν, ἵνα ᾖ τὸ δι' αὐτοῦ προχεόμενον ἢ χορηγού-μ* pevor očre dù tiv đapopàr ô a toð elenrau. *δηλαδὴ τοῦ υἱοῦ, οὐ γὰρ ἐκ πατρός, ἀλλ' ἐκ θεοῦ* eloytau oðte j "dá" taitò rì "perd" bóvarau švtaba. Tiva yàp hóyov šyet. ðuà tò ex deoð uerà too vioð elvau tò TVBÜua tò čyuov. ÚrOTTEÚEw Twds bóvactau xai viov Toò vioð deiv òvouá ertau;

«Ore rolrv oödeula roóToN xarapuy) tūv róuüv els — ds slúbaoy čravreg ćawrovs dvapépeLv —,

شیرین، فلیوم اف. 17] به روح بودن کمک کنید. زیرا او چنین سؤالی را مطرح نمی کرد.
همانطور که هیچ کس شکایت نمی کند که چرا روح پدر پدر یا مولد پسر نیست. سپس، از همان حل سؤال، چنین بر می آید که پسر را علت روح می پنداشته است، و این با حرف اضافه «از طریق».

— مناسب ترین راه حل چه خواهد بود؟ در واقع، او این را نگفته، بلکه توضیح دیگری داده است: «زیرا چنین است - او گفت از خدا از طریق پسر. و این را نمی توان انکار کرد. اگر — این پسر پسرش را مجبور کند که باشد و گفته شود چه؟ گفته می‌شود - او این را نیز می‌گوید، اگر این ناسازگاری دنبال نمی‌شد، قرار بود تثلیث یک انبوه بی‌نهایت باشد. اما اگر از این ناشنوایی بیم نمی‌یافتند، حتی بیشتر آن را رودخانه می‌نامیدند. اما اگر او را پسر پسر می نامیدند، هیچ کس شک نمی کرد که پسر نیز علت خود را داشته است.

بنابراین، حتی زمانی که گفته می شود از طریق پسر است، پسر علت دارد; او همچنین می‌گوید « — بودن»، زیرا این کلمه بیش از همه به وجود و معاش دلالت می‌کند، و از خدا به‌واسطه پسر بودن، همانطور که آتاناسیوس مقدس گفت [ف. 17].
و بنابراین برای او نیست که آنها بیهوده زندگی نمی کنند
برای گفتن هدف، و نه به دلیل رابطه از طریق درباره او گفته شد (زیرا از پدر گفته نمی شود، بلکه از خدا گفته می شود) و همچنین حرف اضافه «از طریق» نمی تواند با حرف اضافه «با» یکی باشد. پس چه دلیلی دارد که برخی گمان می کنند که او پسر پسر است، زیرا او از جانب خدا و پسر است؟ از آن زمان به بعد هیچ یک از این سه پناهگاه که همه معمولاً به آنها مراجعه می کنند، به این معلمان مقدس نرسیدند

: undty naovóru M. 3 duarl اضافه کردن 1 قبل از کلمه
4 vioũ) first in ms., nvEÚLaros (مخفف);
coYY. بین این مادر 18-20 همیشه موضوع دعا را بفهمید rvsõLa Tò
äyo. شکل دیگری در نسخه.
& 20] قبل، همانطور که به نظر می رسد، در ms. اما یک قلب
وجود دارد 33 "Ore] 6t (اشتباه، واضح است) M.

از بودن] در حاشیه. ماده اما دل. به نظر می رسد
b quin - بنابراین در حاشیه. که رودخانه نیز علت [علت او - corr.
خاص خود را داشت. بنابراین به این ترتیب درک کنید: که رودخانه
علت خاص خود را دارد (یعنی روح القدس). یا اینکه رودخانه علت روح
القدس بود. ؟
فرم Aia در متن یونانی. ج نه برای - گفته می شود] عرضه. این
عبارت که معنای واضح تری را از متن یونانی نشان می دهد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

T napóT zapiy Aeireran, qaiverau xatagõs črravta ry « ôud » onuaveLv aitlav.

با شواهد باقی مانده و موافق نیست، واضح است که دلیل در اینجا دلالت بر این آماده سازی «perD.

Toito e šTu oapéorepov ôeixvvrau xal nò 29. régaş Too aiToo xohgews, Aéyovroç « Auaroiro, Tò u v ix deoð vò vetĻua elvau, roavõ; txovķev ὁ ἀπόστολος, λέγων· Τὸ πνεῦμα τὸ ἐκ τοῦ θεοῦ ;Kai tò đùà ToŬ vioð neyévau, đapè چااسسویف nerolnxEV، vioð nvebpa ùvopáoaş aitó، xabáreQ Deoð ». Aaroöro yáe، qmoty، vios Aéysrau، duóru négprve d' airoð. 'ARlà xai oi Avrxol ndvres rareQEs, banEQ Ex xovijs Uupovias, Buaroiró paow vioð Aéyeatau veñua xal elvau, bóru tE a to BxnOpeóeraL. Tairòv ã a roiş Auruxoiç Tò « ἐξ υἱοῦ ἐκπορεύεσθαι » δύναται, ᾧ φησιν ὁ uéyaç Baolheos « ôuà vo vio5 nePryévau ». 'Aaaà Tò Šx Toð vioð čxToQ8Úeabau aiviav eivau ondot | fol, 221 T v vi n, xai Tò de vioo reprévau čpa, oapõs airov Boólcrau tôy vi v déye.

29. همین مطلب را یکی دیگر از او ثابت کرد و گفت: «بنابراین، که روح واقعاً از جانب خداست، رسول آشکارا موعظه کرد و گفت: ما روحی را که از خداست دریافت کردهایم، و این که او به واسطه پسر ظاهر شد، به وضوح نشان میدهد که وقتی او را روح فرزند نامید، همانطور که از خدا نیز نامید. بنابراین، می گویند که روح هم وجود دارد و هم وجود دارد، زیرا آموزگاران غربی، وقتی می گویند که روح از پسر سرچشمه می گیرد، همان چیزی است که می گوید از طریق [f] که باید ظاهر شود، به این معناست که چیزی جز این نیست که او نیز آشکار است علت جریان روح القدس است.

El ôè tò ôc vioð repyvévau riy sich tòv ai tyròv 30. tOUTov xóouov Expavow xal pavégwcv a tO5 TIŞ önaoov BoÚAeotau Aéyet, oð xalis héysu. El yàg ÔLaroÜró šou toŬ vioð veŬua to vEBLa, oæx ἀϊδίως αὐτὸ οὐδὲ φύσει, ἀλλ' ἐπίκτητον ἔχει λαβὼν καὶ ἐν χρόνῳ, ἐξότου τῷ κόσμῳ αὐτὸ čveqpdvvgEv 8 nópgw náons pawiaş. Toi yàe dnoreléauaro; nQ0ETvoci tau rip airíay، dváyen '* airla ôè Toð Tò TVEGua elvau veõLa voð, tò Msi 921 d vioð Eqréra. El ooy diðios xal qógeu vò TVeðua vioð veðua, xai diðlwş ot vioõ né myev τὸ δὲ ἀϊδίως δι' αὐτοῦ πεφηνέναι, εἰ μὴ τὸ ἀϊδίως δι' αὐτοῦ ἐκπορεύεσθαι καὶ τὴν ὕπαρξιν ἔχειν

30. اما اگر کسی بگوید این که ما می گوییم به وسیله نهر متجلی می شود، نشان دهنده تجلی و رسالت زمانی او به این عالم معقول است، درست نمی گوید. زیرا اگر همان روح روح پسر باشد. او نه از ازل دارد و نه از طبیعت، بلکه از زمان و حادثه ای اتفاقی است: همان طور که می دانید از آن به جهان تجلی کرد. که حتی فکر کردن هم بی شرف است. زیرا معلول باید لزوماً علت را پیش فرض داشته باشد. به همین دلیل است که روح روح پسر است، زیرا روح از طریق پسر متجلی می شود. بنابراین، اگر نتیجه این باشد که روح، روح روح است؛

a from eternity-fortuito] corr. در حاشیه برای ابد، نه به طور طبیعی، بلکه تصادفی و موقتی.

5 تا] om. م.

4-9 Ps.-BASILIUS, Book V contya Eunomium = MG 29, 733 A (1 با نقل قول COR. II, 12).

دیجیتالی شده توسط گوگل

GiualveL, batua d ein. 'Ald xał tò « xabáre Deoő » t l yo npooxeluevov, péya rñ hperépg èEyhoeu uußáleraL « oðro yág — *φησίν* — vioð léyeTaL veñLa, xatárep teoð ». 'AAà roð Jeoð Aéyerau nveua, áş čxropEvóuEvOv &Æ aiTo5.

(4) همچنین، بسیار بیشتر [و] دلیل است، یعنی آنچه از طریق او آشکار شده است باید ازلی و طبیعی باشد. اما اینکه دائماً از طریق او تجلی یابد، به چه معناست جز اینکه دائماً از او سرچشمه می گیرد؟

Kal toð vio5 č a byerau veñua, به عنوان čxnODEVÓ-LEVV *δι' αὐτοῦ, εἴτουν δι' αὐτοῦ πεφηνός.*

«آنچه نیز اضافه شده است: «روش و سیره خدا [f. 18 بیان ما را تأیید می کند. "زیرا چنین می گوید - روح پسر همان روح خدا است." برای هر دو یکسان است

Erratba dh xai pdlora paverau undepiav Ezev zópav drtl ris "perá" perakaußáveabau Tip "diá". Tò yàg elvat, prot, TVebua vioi, anue tóv choru voð dd aitoð nepvévau. ال یوو تو *δι' αὐτοῦ πεφηνέναι τὸ μετ' αὐτοῦ πεφηνέναι* ثابت شده است čońpasve, ošöèy oè pāiior uerà roð vioð r معنی *πνεῦμα ἢ μετὰ τοῦ πνεύματος πέφηνεν ὁ υἱός,* čbet xal ro uerà ro TveÓAaToç Tòv vi v Teymnévau onue iov Erepov elvau, tò r u viov to rveÚLarog Atyeata. 'Alà roÜTo oo déyeraL. Oix čoa oiðė perà roð veiuaros ó vids népye daaà robro xal peñôos xal pláoqmuov, néqpmye yàe oòv t Tveópau xal å a r mveóparı, ôoðos a *οὐ πέφηνεν. Ἕτερον ἄρα περιφανῶς τὸ δι' αὐτοῦ*

و در اینجا، بالاتر از همه، به نظر می رسد که حرف اضافه «با» را نباید برای «با» گرفت. او می گوید: «زیرا روح فلی است، نشانه ای است که از طریق او آشکار شد». بنابراین، اگر مراد این بود که از طریق او همان چیز ظاهر شود و با او تجلی یابد، زیرا با جریان روح چیزی کمتر از جریان روح ظاهر نمی شد، لازم بود که فرزند روح نیز

-f مناسک گفته می شود، به عنوان نشانه ای که با روح .nepmyvau t oòn a T i per' aito | reqPmvévau 222 فول

باید روشن شود. اما این گفته نشده است. بنابراین، پسر با روح اعلام نشد. اما این هم دروغ است و هم بی ادبانه است. او در واقع با روح ظاهر شد، اما نه از طریق روح. به موجب آن اتفاق می افتد که یک چیز به او تجلی می یابد و یک چیز دیگر با او ظاهر می شود.

31 'Alá qnay o Aéyezau toŬ TVeÚuaros ó *υἱός, ἵνα μὴ πατὴρ αὐτοῦ δόξῃ τὸ πνεῦμα τὸ* 'Avapopxov yàp čvopa õy ó viós, daoðtôorau noò; naréoa "Qore el h toro brEvoEiro ărorOv,

31. اما او خواهد گفت [ف. 19] کسی: به همین دلیل است که دیگر روح نامیده نمی شود، مبادا پدرش روح القدس باشد. برای پسر، از آنجایی که نام نسبی است، مربوط به پدر است. چرا، بله

2 T jeTépg] در حاشیه ذکر شده است. Ye (reápe) jperépg (در متن، ظاهراً، T huégc). 4 xabá- nEp] اضافه کنید. 7 xal M. پست nepros اضافه کنید. M این بند: taT yàp dppórepa oIualvev ànoðéleixra, که اگرچه معنی را به خوبی کامل می کند و در نسخه لاتین اضافه می شود، اما برای حدس و گمان لازم نیست. 10 ôè B M. 8 on] oh man B. vloð] oi vioi perperam M. 15 öes M. 23 در حاشیه اماس. dyrlbeoIç.

دو بار sta- tim دائمی در حاشیه برای ابد (و corr (به عنوان ج بنابراین همچنین - ادامه ms. در b ilerum). اضافه کنید. حاشیه کردن d corr در maYg. به جای اینکه تجلی پیدا کند. e در ms دیده شود.

1-4 BESSARION همیشه بر شهادت Ps. - Basilius, قرار داده شده در بالا; و به همین ترتیب هنوز کمی بعد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

καὶ ὁ υἱὸς ἂν τοῦ πνεύματος ὠνομάζετο, διὰ τὸ σὺν τῷ πνεύματι καὶ ἅμα αὐτῷ προελθεῖν ἐκ RATQóŞ. - 'AM, Béru toI, xal to veñua dvapopxóy torw övoua, xai npòç ròv éoVTa Ta ároðlôorau šfaváyens, xai oð Aéyerau nveñLa, 8Ę čvTOŞuv. « Ou yào dvapoguà rà énoorarnd vóuara rižs Touáôos، o dei;
Yroorarexov dè roo rveóLaros" من کارگردانی
· övopa Tò TVEÐLa tyov léyeavaL, haneQ xai toõ narpos Tò raryé, xal viòs roo vio , xai vapopxòv & dváeg evlaxns,
οὐκ εἰσιν, ἄλλο δέ τι παρὰ τὰς ἀναφοράς τε καὶ τὴν oÕclav čy toi; telous oæx č rw. «QoneQ oðv Tòv vióy، duà vò àvapopuxov övopa elvau xai åro-ôldootau npòs raréoa، beôiauev vi Toő mveú-paroç léyev، tva) crveŁoota، راتوثه وووو TvEbLa، vapopeov čvoua
ὂν καὶ πάντως ἀποδιδόμενον πρὸς τὸν πνέοντα, èĘ ŠxeLvoU xai veirau، oð veñua héyeraL elva.

این نباید به عنوان نامناسب ترسید. بلکه ارواح نامیده می شود، زیرا با روح و همزمان با روح از پدر سرچشمه می گیرد. اما ای بهترین مرد! روح نیز اسم نسبی است و به کسی اطلاق میاشود که نفس میاکشد و روحش را او دمیده میاگویند. زیرا هیچ کس از نسبی بودن نام های شخصی تثلیث غافل نیست. اما نام شخصی روح که روح القدس نامیده می شود، هیچ کس مانند پدر و پسر او نجس نمی شود. و لزوماً نسبی، همانطور که اینها نیز هستند، زیرا نه ذات هستند و نه جشن دیگری در الهی فراتر از ذات و نسبتها وجود دارد. به همین ترتیب، وقتی اسم نسبی است و به پدر اشاره می کند، باید بترسید که آن را فرزند روح بنامیم، مبادا روح را پدر پنداشته است و — شود. همچنین چون روح اسم نسبی —, اقتضاً بر نفس دهنده دلالت می کند، از او نیز دمیده می شود که روح او است.

:

'lç dv ôè undeuia oiş hóyous toórOLS Xaralel- 32. TUOLTO npópaos xal paveln capérregov atrlay on-uaivovoa « ðuá », Má uos & deins napirw, &v ols éouryeóeu ri dijra poólerau r nòopirn Zazaplą 4 xovo? vyia xai zó &r' aitg Aayrádov xal ol Avyvot، Aéyon åv čxehvous bði « Tò yàe vebpa tò · äyov, daneg pbaeL xar o oiav ináyeu roð 9eoő xalTo xalðoay vio, orly، öç ex Toô narpòs oiouwôös، ô vioo * Msi 924 yembévro; ågpá ros، èxnogevóuevov». To víoő yáp، gyon، oðouwbög torv tò THsÔLa، o x šal-

32. در واقع هیچ کدام وجود ندارد. [1g] عذر را به هر کسی واگذار کنید و حرف اضافه «از طریق» واضحتر ظاهر شود و دلیل را نشان دهد، ماکسیموس قدیس در وسط بیاید، که با توضیح آنچه آن زکریا نبی می خواهد: «چراغهای طلایی و آنچه بالای آن است»، چنین می گوید: «زیرا روح القدس، همان گونه که ذاتاً مطابق ذات و ذات خود است، از ذات خود است. پسر، از پدر، مطابق ذات خود از طریق پسر، به طور غیرقابل توصیفی زاییده شده است، به گفته او، زیرا پسر اساساً روحانی است.

Aúosş. 9 Tò Vsüua .3 به همین ترتیب در حاشیه
tò äyiov htyETas M. 10 tò arhe] = tò ìvoua (خوب
فهمیده می شود) narhe: ó narhp M. 12] om. م.
16 بهتر است اضافه کنید. موضوع wsbua، همانطور که در نسخه
22 naglra آمده است] rapirw M.

یک پست نسبی دل. b برای اولین بار در حاشیه 1٪ آلوده می شود. coy c است] در ms. اجازه دهید آن را d suppl. این می تواند از شمعدان یونانی و لامپ هایی باشد که در نسخه وجود ندارد. اما به نظر می رسد که این کلمات BESSARION در لاتین اتفاق نیفتاده است، و بنابراین برای مدت طولانی خلاء باقی مانده است. در حاشیه. Maximus e secundum - ذات] corr. در حاشیه Dro اساسا.

25-29 اعترافگر بزرگ، سؤالاتی از تالاسیوس در مورد کتاب مقدس، سؤال. 63 (ر.ک. ZACH. IV, 2) MG 90, 672 C.

دیجیتالی شده توسط گوگل

xTnTov airò xai čfwtey، oiðÈ Xpovnõs ellngpóros، åal' ¿E diôlov xai xor' oioiay aiò x8xTIuévov، fol. 222 xatáreo al ó narie. کای | airia، ötu &x Toð rarpos ôu' a toð oæawÔĞ; čxToQEóeraL. Kat BAére öru roð airoð xai čvòs rgáyparos 8 re utyas Baoileos, ö Teóraros Mágyuos, alriay *ἀποδιδόντες τοῦ διὰ τί τὸ πνεῦμα λέγεται πνεῦμα* vioð, ri aiiti roðbóagu xai dupótepou buà yàp tò ô ašroð Ex Toð nargoc čxTOQEÚETDau, xal wsõua elvau airoð buarelvoYTaL. "0 oov MáĘyos *« δι' αὐτοῦ ἐκπορεύεσθαι » ἔφησε, τοῦτο ὁ θεῖος* Baolleos « d' airoð rEPévau » gnolv, elş toov tubels Tò reÞyévau ro čxropeúeoba. Ei dè rò ô' airoð ixnopeóeotau rò dd aircő ry ragtw Eyey önaoi, xai vò di aitoð repmyévau tò d a roo čxnopeúeatau xal riy irapğv irapğv čyôvxyp ; šy- Tafla onAoi، xal ooauõç čllos Aaußeverbau Sóvarau.

شما نه از بیرون یا از جای دیگر، و نه از کسی که آن را موقتاً دریافت میکنید، بلکه از ازل که اساساً آن را دارید، درست مانند پدر. دلیل این امر این است که اساساً از طریق او از پدر حاصل می شود. و توجه داشته باشید که وقتی ریحان و ماکسیموس مقدس هر دو از یک چیز گزارش می دهند، یعنی اینکه چرا روح می دهند. — را روح پسر می نامند، هر دو یک حساب می آید، — زیرا چون به واسطه او از پدر بیرون اظهار داشتند که او روح اوست و نامیده می شود. و آنچه ماکسیموس قدیس میگوید که از طریق او پیش برود، ریحان مبارک گفت که از طریق او آشکار میشود، به این معنا که او میتواند آشکار شود و (.20) ادامه دهد. اگر از طریق او پیش برود، یعنی به واسطه او بودن و وجود داشتن; پس به واسطه او نیز متجلی شدن به معنای بودن و وجود به واسطه اوست و حرف اضافه «از طریق» در اینجا دلالت بر علت واجب دارد و به هیچ وجه نمی توان آن را گرفت.

.33 *Οὐ μὴν ἀλλὰ καὶ ὁ Νύσσης Γρηγόριος πολλαχοῦ* pev xai allayoð oapéorara rooró prow, oæx tv ols póvov r araro xal هوایی òLanpivsabau héyeu *τὴν τριάδα ἀλλήλων, ἀλλὰ καὶ ἐν τῷ πρώτῳ τῶν* ngoç Eivóuov oapõs negl duaxpioeos rôr Deiov rQooárOV TÒv [Aóyov] roobuevos. «Tò rveðua prol -، — T rar i xarà tò ăxri tov Gvantóuevov، *πάλιν ἀπ' αὐτοῦ τῷ μὴ πατὴρ εἶναι, καθάπερ* ixetvos, dazwpl;erau (ri) d npds ròv viòv xarà T đxtorov owapei/ q] xai توسط T Tp alriav t s énápkeas dx toð teoő T vo čperavAu náNv T Buá ov، čv T pń te povo vlevJ@ç čx roð NUrQò; - ÚnooTiİvau xai čv t ô a too Too vioǓ neprvéva. IIály ôè rîs xrl eOS ðuà toi

33. اما گریگوری نیسنوسی نیز در جاهایی همین خطر را میگوید: او نه تنها ادعا میکند که تثلیث از علت و مسبب متمایز میشود، بلکه در اولین کتاب خود علیه یونومیوس نیز به تمایز اشخاص الهی پرداخته است. او می گوید: «روح که به پدر ملحق شده است، از آنجایی که هر دو مخلوق هستند، دوباره از او متمایز می شود که او پدر نیست، آن گونه که هست؛ بلکه به پسر، و از آنجایی که هر دو مخلوق نیستند، و از آنجا که هر یک از ابتدا معاش مخصوص به خود را دارد، متحد بودن، از او متمایز می شود، و تنها از او ساخته شده است و دارایی از خود او نیست. که از طریق خود پسر

10] M. 25 (به دلیل حواس پرتی؟) hóyovç (در چند دقیقه. مخفف). شاید منظورش این بوده که بگوید rovs óyovs.
28-29 Ti; Ôe-oUVapelas ms. و B; تصحیح از* عرضه NYSSENO 30. از ***τῇ δὲ—συναφείᾳ.*** NSSENO &vovuevoN;
B M به عنوان ms. 31 povoyevos] corr. povoyoş ms.

از بیرون یا جای دیگر] corr. در حاشیه برای ad-ventitus و خارج. b تنها مکان در ms. جایی که دو خطی ae نوشته شده است. c corr. in marg. bro vi- delicet d in ms. آنها ادعا کرده بودند. حاشیه کردن گریگوریوس نیسن (

20-23 گریگوری بزرگ، ر.ک. در Ablabium، Ouod سه خدا نیستند MG 45، 133 قبل از میلاد.
25 ff. گریگوری نیسا، علیه یونومیوس، I = MG 45، 336 CD.

دیجیتالی شده توسط گوگل

آشکار شود. و چون مخلوق از طریق پسر ovoyevovg úno Táons است، cis åv u xowóTyTd twa تولید می شود،
هیچ کس فکر نکند که روح با مخلوق اشتراک دارد،
زیرا گفته می شود که از طریق پسر تجلی می یابد،
با تغییر ناپذیری و عدم تحرک از مخلوق (روح) متمایز
می شود.

در اینجا زمانی که [ف. 20 درجه] هنگامی که معلم
مقدس به وضوح از اتحاد و تمایز الهی صحبت می
کند، روح القدس را به خود پیشنهاد می کند. با
مقایسه او با پدر و پسر، در مي يابد که این دو وجوه
مشترك و وحدت دارند که در واقع خاص و متمایز است. «
لذا میگوید که به پدر ملحق میشود که هر یک از
آنها غیر مخلوق است» - گویی میگوید: با چیزهای
مطلق و ذاتی که به اسم غیر مخلوق دلالت دارند. باز
از این جهت متمایز می شود که او پدر نیست، چنان
که هست، و با او مشترک است که «هر دو مخلوقند» و
همه چیز در آنها مشترک است، زیرا جوهر هر دو یکی
است - همچنین اینکه «هر یک خدایی و پدری از اصل
خود دارد». با این حال، او با این دو چیز از او متمایز می
شود: اول، این که او «نه از نظر نسل، مانند پسر»،
بلکه از طریق صفوف، یعنی از پدر است. انگار می
گفت:

با روشی متفاوت برای امرار معاش؛ ثانیاً، اینکه او "
توسط خود پسر تجلی یافت". 21] درست است، اگر
به این دلیل روح از پسر متمایز شود، زیرا با او ؛
تجلی می یابد; زیرا به این ترتیب متحد می شود،
متمایز نمی شود، و متحد می شود، تقسیم نمی شود.
همچنین معلم مقدس در اینجا از تقسیم کاریزماها
صحبت نمی کند; به جای تمایز اشخاص الهی.

πρὸς ταύτην ἔχειν νομισθῇ τὸ πνεῦμα, ἐκ τοῦ διὰ
ToŬ vioð nepévas, èy r đr ærro xal dvalo- oro
Baxplverau tò nVEo a dnò rñ; xrlcewç ».

Evravta nepl beias švúaeú; Te xai banploews
ó duðá xalos w v h yov TOLOÓMEVos, paowepl,
evau uy | tò vebua tò dyon napaßdhn 8 airò fol. 223+ roó;
Te t n natépa xai vi n, cóploNe Tuvà pty a toi;
xovà xai évovta, tvà đd bt] e xal ÖLanpívovra. « T
pty oo marpl pnoi xarà 10 rò čxruoTov
TUvanrópevov » — *τοῦτο δ᾽ ἔστι, τοῖς ἀπολελυμένοις καὶ οὐσιώδεσιν, ἃ διὰ τῆς*
axrlotov onualve pores —· *« τῷ μὴ πατὴρ*
elvau xadáneg čxe ivos, dr airoő náw Ôagapl-
Çerau ». T vi xowawvoðv, air y Te v v
aroevuévwy xai rñs xarà tò čxru rov TUVapelaç -
uia yào Tôv tôy oöaia , čru te xal T xov upõre El
ŠAov teoő- öuus
αὐτοῦ διακρίνεται πάλιν δυσὶ τούτοις, τῷ μή τε
povoyevos, áş vióç, dal éxnoQEVTÖS onaaðy
ὑποστῆναι — Tobro 8 chor, r duapópp ris
ὑπάρξεως τρόπῳ —, καὶ ἐν τῷ δι᾽ αὐτοῦ τοῦ
vioð nEÇmvévau. El ody čvra5ba vò « ôi aiToð »
toov bivarau T « perá », Babua dy eln, el r perà
roð vioð neqrpévau tò yeñua baxpivetau roð
vioð• Évotro yåp oã- đroy 925 xpivouTo, xai ouvdrroro
néov daugo iro. اوه
μὴν οὐδὲ περὶ χαρισμάτων ἐνταῦθα διανομῆς ὁ λόγος αὐτῷ, τῆς δὲ τῶν θείων ὑποστάσεων δια-
xpíoeas ؛

34. و هیچ کس، برای پاسخ به 4، تجلی ارواح در جهان
از طریق پسر را ندارد

Oire ôé Tus eineiv EyeL vijv el; 34.
toő vio5 pavépoav Toð TVEóuaroç ToT áyiov Đa

یک منبع، برای وضوح، از متن یونانی. ب با پدرش -
مقایسه) corr. در حاشیه برای مقایسه با پدر و پسر،
یعنی. corr.in marg.
(ظاهراً شراب خوب) یعنی. d برای پاسخ دادن] coYY در حاشیه. به
جای گفتن

3-4 xal dyallocbr] اضافه کنید. M xal
dnpocÔeet ris ér&- pobev dyabórnros با متن
NYsSENI; 7 قبل از (rapaßállun اما در نسخه وجود ندارد.
کلمه دیگری در ms. آن دل بود. و انجام نشد 9 8eá te ms.
24 usrá] usr airoŬ M. 26 dv] بین این. در MS
Ma., 29 a T] البته dušaanáAqp NvsSENO.

دیجیتالی شده توسط گوگل

tobrov too Aóyov önoõotau. Ilpöra pèv yp, ne i Baxpiseoç čvroç to5 lóyov tôv inooTá eon, rÕŞ ***ἂν τὴν χρονικὴν ταύτην φανέρωσιν ἀϊδίου τινὸς*** rpáyuaros ažruov tnoeiro; ðÕios yàg ljauv viös xai tò TvEĞLa Toi; npooorxoiç Banpi-voVTaL lbópuaou xai o oi[nou] npi inò roð vio5 pavepwbijvau T xríceL rò veñua, dnlýao oæ duexpívovto, To to yàoéoyer.

«Enera, T v ei; ry xriow Eoyuy ri; TQuáôos òvrwy XOvÖv, oi ôà roð vioð uāllov ô Eavroi čpampóon tò veõua tò čyov ddlà xai teòv aòv dlà xai teòv xal ipavépwae, xai oiy fol 223v jx ra T y naTépa, | |

Orws oh ay xal éavroð rò veõua tò čyov duaxptvoro, éavrò pavepõow, Eu te toð nurpóç xal viós, éavroő Te xai toŬ rarpòç duà raita.

«ANR o t éni tobrav elorrau to ró nore, o r er Toð vvi poxeuévov To rŲ T hóyy xaraelnerau xópa.

.35 "0 dë ro rov ŠAéyyeL Tòy lóyov čvra uaralav ***καταφυγήν, ὅτι τὸ πνεῦμα τῆς κτίσεως ὁ διδάσκα***-hoç danpivau povióuevos, ěrelrep tjotero, pādlov ***δ' ἔφθασεν ἀποδεδωκὼς κοινὸν αὐτῷ τε κἀκείνῃ τὸ*** ðà ro vioð Tò u v TePyévau, iy dè tnooTijyau, deðos pý uç toóro on r xov xai Taitótnra oŠsias bo ágeue, t drpénTy Te xalrór ToLoÚry đanplveu ra ta Alflwn tò utv dà roð vioõ, r uty ***ἀ*** noGTÝvaL, Tò dè rEPryéva, xov y xaÌ ra t v Ýynoápevos ÔLaxpív toóew Tò dè rEPryéva TpeTiy xai đñiowTy etva, tò 8 rpErTÓv Te xai avad-Aoiwrov. Kaltou ei tò ðuà roô vioð nEQyévau tò vEõua uh airiav Bòrjlov tòv vi y, üareg tò ðuà To5 vioð ÚnoOTiPau rp xrlaw ToÜTo yàp ai-aoiti đy <v duáxpos

2 xai nÖc M. 6 oHrw ms. 12 aætòj om. م.
18 تن M. 21 &te] doriy &r M. 28 pêy "] om. M، اما
کنتراست موجود است: tò uév.. duaxgloews Sé.
35 aiTò] T v vióv B; تامین ty از B و M

با این کلمات دلالت می کنند. زیرا در وهله اول، از آنجایی که تمایز اشخاص در اینجا مورد بحث قرار می گرفت، چگونه می توان این تجلی موقت را به عنوان علت ابدی امر تثبیت کرد؟ زیرا همیشه رودخانه و روح القدس با ویژگی های شخصی متمایز می شوند.

همچنین نمی توان گفت که قبل از اینکه روح در جهان ظاهر شود، آنها شخصاً از یکدیگر متمایز نبودند، زیرا این نیز پوچ ترین تفکر است. سپس، از آنجایی که کارهای موجود در مخلوق با تثلیث مشترک است، روح القدس نه از طریق پسر بلکه از طریق خود او تجلی یافت. در واقع روح نیز او را تجلیل و تجلی کرد و نه کمتر پدر، همان ف. 21) همچنین یک پسر.

بنابراین، به این دلیل، روح نیز از خود متمایز می شود، هنگامی که خود را نشان داد، همچنین از پدر; پسر نیز، هم از جانب خود و هم از پدر، به همین دلیل. اما در مورد اینها هرگز چنین چیزی گفته نشده است و در مورد موضوعی که به ما پیشنهاد شده است نیز شایسته نیست همین را بگوییم.

35. اما آنچه او آشکارا استدلال می کند که این دلایل پناهگاه های بیهوده است، این است که این معلم که می خواست روح القدس را از مخلوقات الهی تشخیص دهد، در حالی که قبلاً به روح نسبت داده بود که از طریق پسر تجلی یافته است، توسط پسر آفریده شده است. ترس از اینکه کسی، به دلیل این که روح و مخلوق از طریق پسر هستند، فکر کند که روح نیز با مخلوق یکی است. او این را از تغییر پذیر و تغییرناپذیر متمایز می کند، زیرا روح در واقع از طریق او ظاهر می شود، اما مخلوق از طریق پسر زنده می شود.

با فکر کردن به این co(n)one و یکسان در هر دو طرف، اما با یافتن راه دیگری برای تمایز، ممکن است ببینیم: که [f. 22] او به راستی تغییر ناپذیر باشد، اما او تغییر پذیر باشد. اما اگر گفته می شود روح از طریق نهر تجلی می یابد، منظور این نیست

از قلب در حاشیه ro جاودانه b communion] suppl. n مطابق شیوه نگارش بساریون. c در ms. تصحیح d که توسط رودخانه ایجاد شده باشد] قبل از اینکه کل عبارت قبل از عبارت قبل باشد، اما دل.

دیجیتالی شده توسط گوگل

پسر دلیل وجود روح خواهد بود، همانطور که گفته می شود جهان از طریق پسر است

εἰ καὶ ἀμφότερα διὰ τοῦ υἱοῦ, ἀλλ' ἡ μὲν κτίσις

زیرا این واقعیت آشکارا نشان دهنده پسر هوادار با توش، Tò Öć y' dh i ç است. دلیلی وجود ندارد که ارواح به راحتی خود را از مخلوقات متمایز کنند. زیرا می‌توان گفت که هر چند هر یک از طریق پسر است، اما مخلوق از او است که گویی مسبب است، اما روح به‌گونه‌ای نیست که گویی معلول است. اما اکنون نگفت که چون می‌دانست این درست نیست، حرف او نیست، بلکه روش دیگری برای تمایز یافت که به نظر او صادق است و به تنهایی می‌توان آن را یافت. بنابراین حرف اضافه «از طریق» وقتی می گویند که روح از طریق پسر تجلی می یابد، ۱ می تواند یکسان باشد، مانند زمانی که می گوییم مخلوق از طریق پسر ساخته شده است. اما مخلوق را علت می گوییم و پسر را باور می کنیم و این با حرف اضافه «به» دلالت می کند -; بنابراین از خود روح نیز دلالت می کند که پسر علت است.

τοῦτο μὲν οὐκ εἶπεν, ὃ γὰρ μὴ ᾔδει ἀληθὲς ὄν, οὐκ ἦν ἐκείνου εἰπεῖν· ἀλλ' ἄλλην εὗρε διάκρισιν, riy xal at ôófuoa đantī, wai póvy inápyo-*σαν. Ἡ « διά » ἄρα ἐπὶ τῆς δι' υἱοῦ τοῦ πνεύματος* Too iyiov BxpivoOS To r aitò dóvaraa, örep *ἐπὶ τῆς κτίσεως λεγομένης δι' αὐτοῦ ὑποστῆναι.* 'A" &ni tñ; xrl EMS altia héyerau xai auoTeverau 10 ô ó viðg slva, xai buà ris « ôuá " to to ualvetau. *Καὶ ἐπὶ τοῦ πνεύματος, ἄρα, αἰτίαν ἡ « διά »* naoi Tn t tòv vi w.

36. علاوه بر این، روشن است که چون بدعت گذاران به روح القدس کفر می گفتند که از طریق یک پسر بود، [ف. 22] با آنچه مبشر می گوید: «همه چیز به وسیله او ساخته شد»، شیطان و بی شرف حتی روح القدس را در میان همه چیز به حساب می آورد. بنابراین معلمان مقدس با مبارزه با آنها و به کار بردن این کلمات علیه بی تقوای آنها، در مورد روح القدس گفتند که او از طریق پسر حرکت می کند و او به واسطه پسر ظاهر می شود. اما بدعت گذاران با بیان اینکه روح القدس بوسیله پسر آفریده شد، به دو چیز رسیدند: اول اینکه روح را مخلوقی می پنداشتند. ثانیاً پسر علت او بود و این خود (حرف اضافه) دلالت بر «از طریق» دارد.

بنابراین، اگر هر دو نادرست بودند، هر دو معلم با o(p) مبارزه می کردند و چگونه آن را از مخلوقات بیرون می آورند، چرا، و هرگز آنها را نمی یابید که از این — اصطلاح برای روح استفاده کنند.

Kai yàp on xal člws pavepóv, úş voiç alpe- 36. Twoiç ol ðuðáoxalo noleLoires, &l vioŭ || &- 224 فول- yovau yeyEvīobau To Ve5La tò dyo, dà tò xaxā; dxoúeLy toð siyyeluoroŬ « Ilávra 8i aToð Čyévero » AÉyovToG, al tò v8jua duà *τοῦτο βλασφήμως ὡς ἓν οἰομένοις τῶν πάντων,* TaóTaç gīxav xat airôv Tàg pwvás, ôuà ro 20 vioð Šxropeveetau, ai od airoð nEPÉvaL xai Msi 928 elvau tò Tvevua elróvres. 'Aa' oi aipeTKol ouà Toð vio6 yeyevjotau rò dyor Aéyovtes veiua, bóo ra ra tvóovy aitó Te yào Brl9egay elyau dc E tôv xTLauárov, xal To vlov alriay a toootova, xal To vlov alriay a toootova, dà t s ngotéoews tjs " duá". Et ot åupórepa čeyov Blaom- po vres, xai pòs xárego đy oi udágrañot raperá avro, xal : Goreg šfalpovasy aitd TôN xai o x čoTy &re o yeyevjoðau" To To nOOv0 oöðè Aéžer toð " , els xriaua

آنها به خود خانم b فحاشی کردند. اول ᶜ
در MS در مورد استفاده از؛ اول از همه

17-18 جان. 3،1

1 rvsóparos] toð Tvevuaroç M. 9 یا بیش از حد ب.

دیجیتالی شده توسط گوگل

καταπτώσῃ τὸ πνεῦμα, εὕροις ἂν αὐτοὺς ἐπ' αὐ-
TOO TOTE ***χρησαμένους —, οὕτως οὐδ' ἂν ποτε***
Šzońoavro r « đá », el roiç pày alpeuxoī; ás alríay onpatvovoa agelaußáveTo, aiToiç ì o x 5 B86xe To r đandts slva. OSrw öà rávTON Tdanbès aotó Te & avro paivETaL obupovov ov, xai airlav čv ol; nap/ aàJaußáverau «ôud» naporõoa.

«ساخته شد»، گووی برای موجودی تخصیص یافته است، بنابراین هرگز از حرف اضافه «از طریق» استفاده نمی‌کردند، اگر وقتی بدعت‌گذاران فکر می‌کردند که دلالت بر علتی دارد، به نظرشان نه تنها نادرست، بلکه نادرست نیز می‌آمد. بنابراین، از طریق تمام حقیقت، خود با خود موافق است، و آشکارا دلیلی را «از طریق»، زمانی که از برخی گرفته شود، دلالت می کند.

37. Toöro & aætò xa. Bx toŕ npos 'ABAáßov Aóyov toð airoð ðbaoxálov oapős ôelxvra.

Kåxei yàp nepi ðaxpioews Tõv telo n ocúrov v hóyo nOObuEvos, uerd tò xatólo T airl xal alrar ðaxp ivau aità dljAon, xal TŻrv rveóparoç ôaxpiveL.

« *0 uèy yáp šote ***— φησί — προσεχῶς ἐκ τοῦ πρώτου », τοῦ πατρὸς δηλαδή, « τὸ δὲ διὰ τοῦ*** npodeos čx roő noútov », irou duà Too vioð.

1 Kal toorQ pn baxplveaba roð vioð Tò naváyov TvebLa، r ô' airo etvau، önaaon ro vioð o roG yáo šore nQoTEYÕG Bx roð npórov. 'Ex To rpórov ydg dupórega öra, oix &y dgxoóros daxplvorTo, el u) al báregov ečņ ðà toð Eréoov, fol. 224 v gno. T « buá » tal daxpicews ivrañba rapalngoiya, xal ترسیدم daaplaeos rijs & đibloU, Tis xaà Tò alruarov ônhaôn xai tò airoy ånel rgoaroðeðaxàç šqpðacs Tò alruarov ônhaôn xai tò airoy ånel rgoaroðeðaxàç šqpðacs Tò alruarov lfħwn tà deia npóawna đangiveoĐa. Tò yàp eripegóuevoN « ălqy nálu Öapopàv » &rl vioð xai mveóparoç čvoei ba، oæx č tus dvauaprrws txháßou، čly byon xar sõoç. Otrw yào åv arupáoeL به Ôidaraloy REQußáJouuev, ei npóregov T alrlw xa aruaro póvo daxpveobau elróvra tà npóawra Tis Tprádos, EreLTa-Vóu5u alovä. uev dnoôeðwxÉvau baxoloEOG، Nar'elööç bapépovTa toð nporépov. تای

37. [ف. 23 این را همان دکتر برای ابلابیوس ثابت کرده است. در واقع، هنگامی که او در آنجا به تمایز اشخاص الهی نیز می پرداخت، پس از تمایز کلی آنها از یکدیگر به واسطه علت و علت، سپس پسر را از روح نیز با حرف اضافه «از طریق» متمایز می کند. "Ile quidem است - پرس و جو بلافاصله از اول" - 6lius، یعنی از پدر "اما اینجا" روح می گوید: " از طریق او که بلافاصله از پدر است" یعنی از طریق پسر -; و او می گوید که از این طریق روح از پسر متمایز می شود، زیرا از طریق او است. گویا می‌گوید، چون هر دو از اولی هستند، به اندازه کافی متمایز نمی‌شوند مگر اینکه یکی از طریق دیگری باشد. این که آشکارا (حرف اضافه) «با» در اینجا دلالت بر تمایز دارد و تمایزی که از ازلی است و بر اساس علت دوم ایجاد می شود; زیرا پیش از این فرمود که اشخاص الهی تنها با عقل و عقل از یکدیگر متمایز می شوند. زیرا این بدان معناست:

"تفاوت دیگر" در مورد پسر. 23 درجه] و برای درک روح القدس، این درست نیست که کسی فکر کند که با توجه به نوع آن متفاوت است. زیرا اگر قبلاً فقط می‌گفت که اشخاص الهی بر اساس علت و علت متمایز می‌شوند و سپس شیوه دیگری از تمایز را که از نظر ظاهری متفاوت است، ارائه می‌کرد، با خود مخالفت می‌کرد. «بنابراین تفاوت دیگر» با گرفتن عدد دوم و به درستی با معلم مقدس و حرف اضافه «از طریق» با

11 xara nóan M. 5 پست elvau اضافه کنید. uãllov Ôé ye xal doeßé; B. 7 rapaußávsras ms. 27 ساله ب.

15 ff. GREGORIUS NYSSENUS، به Ablabium، که سه خدا وجود ندارد = MG 45، 733 ق.م. - این متن به جز چند استثنا به کلمه نقل نشده است. اما استدلال تنها از آنچه در آنجا گفته می شود نتیجه می گیرد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

xar dpup v čxðeyópevoL، tá e roð dôaoálov poovolnyuevy čy، nal pvepős y "dá" perà altlas bekalpeta، s Eyev lóyor، hoLTÓN، ***ἢ ἀντὶ τῆς « μετά » αὐτὴν λέγειν — ἢ « μετά »*** yàg oð duaxplve -، ry iy r xógup to5 rvEÓ- ***ματος δι' υἱοῦ ἔκφανσιν τῷ λόγῳ δηλοῦσθαι*** — a rn yàp oôx 8E islov.

اجازه دهید علت را درک کنیم؛ به گونه ای که هیچ کس با عقل باقی نمی ماند، یا آن را به جای «زمانی» بگیرد، زیرا «CUnm» را متمایز نمی کند، یا به معنای تجلی ارواح به جهان از طریق پسر است.

زیرا این از ابدیت نیست.

Ei tè į EEG Toð « rEPYYEVAL » axavdalt e 38. ***τινάς, μόνον τὸ ἐκπορεύεσθαι προσήκειν τῇ τοῦ*** VeóLaros érápkeu voul، ovras al r bnapxruj rooóô) aitoô، tò ôÈ rePTvtvau el; v peradotwr ***ἢ χρονικὴν μόνον πρόοδον, ἢ εἰς τὴν πρὸς τὴν*** xrloy pavépway EAxovTas öpa, loóv, c Toi xal r ; v vl v peraðôorbau héyew néyTEObaL ragà roŭ nargós, š too rarpds aitòy dxovovau ***πεφηνέναι· οὐ πλήρεις οἱ λόγοι τῶν διδασκάλων.*** Kópullos * yào ù paxáoos &y t nòòç Oiadle- Msi 929 Qavòv éni xorOv Aóyy « «Ayos yàg - nol — ***ὢν κατὰ φύσιν, καθάπερ ἀμέλει καὶ ὁ πατήρ,*** Bs èĘ airoo nEÇTòs vids uovoyevç... ». کال ***αὐτὸς περὶ τοῦ Χριστοῦ πάλιν· « Ἴδιόν ἐστι τὸ*** TVSĞua ToŬ vioŭ, ošte nOU póvov óyoç Borl ***πεφηνὼς ἐκ πατρός, ἀλλ' εἰ καὶ νοοῖτο καθ' ἡμᾶς*** Čvûpunos yeyováş ». "Ore tolw Švravta Tò " NEPVEvau" tò elvau xal vo inápyew ôndot, |I| fol. 225 ***πῶς ἐπὶ τοῦ πνεύματος τοῦ ἁγίου οὐ καταδεξόμεθα τὸ αὐτὸ τοῦτο σημαίνεσθαι;***

38. اما اگر این کلمه «مجلس» عده ای را آزرده کند، کلمه «پیشرفت» را فقط باید به ارواحی نسبت داد که گمان می کنند در حال حیات هستند، اما «مجلس» در واقع به صفوف زمانی و دادن کریسمس ها و ترسیم مظهر به دنیا اشاره دارد; همچنین این پسر آنها خواهد بود که به دنیا داده می شود، یا به طور موقت [ف. 24»] فرستاد تا بگویند وقتی می شنوند که او توسط پدر تجلی می یابد، که توسط همه پزشکان مقدس گفته می شود. سیریل مبارک در واقع به اسقف والریان: زیرا همانطور که پدر می گوید، همچنین کسی که از او تجلی می یابد، یگانه پسر، باید ذاتاً مقدس باشد...».

و باز هم همین: "روح القدس مخصوص پسر است، او می گوید، نه تنها تا آنجا که کلام از پدر نازل شده است، بلکه تا آنجا که فهمیده می شود که انسان مطابق ما آفریده شده است." و اگر در اینها، کلمه ای که باید متجلی شود، هم دلالت بر وجود ابدی دارد و هم به نسل جسم، چرا نباید بر همان روح القدس دلالت کند؟

"0 dd xal uà Bovloubvovs dvayxáoe défaobau 39. To To, 8u xal &ri to TVeóLuaros xal rñs bnagxt- xīs aitoð npoóðov rò aitò léyeraL To TO. سن ***δὲ ὁ μέγας Βασίλειος· « Τὸ πνεῦμα οὐδὲν ἔχον*** ori &rlxrnTov &y éavro ll diölwg rávra čyeL, ös

39. و آنچه حتی کسانی را که نمی‌خواهند تصدیق کنند که دلالت بر همین مطلب است مجبور می‌کند این است که در مورد روح و حرکت ابدی آن نیز همین مطلب گفته می‌شود، 4 هنگامی که ریحان مبارک در مورد روح القدس می‌گوید: او هیچ چیز تصادفی در خود ندارد، اما برای همیشه

ب حاشیه، سیریل او در ms. تصحیح
از کلمه (manifest شما کلمه دستوری manifest را می فهمید، همانطور که از یونانی واضح تر ظاهر می شود. n d ms.,
همانطور که به نظر می رسد گفته خواهد شد. e در maYg. ریحان

2 ppovolue M. 6 dptvnow M. -a toU] این عبارت در نسخه وجود ندارد. dwty ms. 19 ov] بالاتر از خط. در MS

10-11 xal t 11 psrd 23 vosito M.

18-20 سیریل، رساله. 50، به والرین ep. = MG 77, 272 B. 21-24 Cyril, Us, Dial. از اینکار. ملت یگانه زاده = MG 75, 1241 B; (ذک : De recta fide ad Theodosius, 37 = MG 76, 1189 A).
31 ff. Ps.-BASILIUS, Book V. on Eunomius = MG 29, 772 C.

دیجیتالی شده توسط گوگل

TEVEÜLa teoð xal &Ø aitoð nevóç ». Otw nã a npópaois åpaupeīrau Tôv yroóvwv n opáaeLç. Kai yàp ô xai ő gmauy ó rpoegnuÉvoç Nóaons Iom- yópuoc év t Toő ôpovópov air xai tavparovoyoð s Teyoplov ånoxalóyeL nepi roõ veóuaro; toð iylov, os « Övioð nÉÇe, öndadi Toi; dvbpózOLs», oöðev nQòs vòv lóyov čw; ðy tò ô vioð nePryÉvau onpaln ev xai åupórega, tó te o' vioð avtpó- rOLS yvaotīpa, tó te ô vioð Ty Brapkw čyev, dau dè ôuos tôl ôuos xav . haußavóueva Tónwr. 'Apmue yàe šy ye t vvi ***λέγειν, ὡς τὸ δι' υἱοῦ πεφηνέναι ἀνθρώποις ἐν χρόνῳ προϋποτίθησιν ἐξανάγκης τὸ δι' υἱοῦ τὴν*** dy de a ro® éreqýve TY ðiðov iaapßw elyev.

او همه چیز دارد، گویی روح خداست و از او تجلی یافته است. بنابراین هر مناسبتی حذف می شود [/. 24" برای تهمت زدن به کسانی که مایل هستند. در واقع، آنچه که گریگوری نیسن در مکاشفه گریگوری نئوقیساریین، که با معجزات می درخشید، در مورد روح می گوید که "از طریق پسر آشکار شد" و افزود: "یعنی برای مردم";
او هیچ کاری علیه ما انجام نمی دهد. زیرا این که او از طریق نهر تجلی یافت، در واقع به هر دو دلالت دارد: هم اینکه او را به طور موقت به مردم پسر می شناسند، و هم اینکه او را برای ابد از طریق پسر بیرون آورده است. اما هر دو حقیقت در جای خود پذیرفته می شوند. زیرا من drapğv čzen xal oix impresentia را حذف می کنم تا به او از tem- d aæroð بگوییم که از طریق رودخانه

برای اینکه خود را به صورت منفذی به مردم نشان دهد، پیش‌فرض می‌گیرد که لزوماً برای همیشه از رودخانه عبور به طور موقت از طریق او آشکار نمی شد، مگر می‌کند. و اینکه برای ابد از طریق او پیش می رفت.

40 AMà xai ó ty beoloyią uéyaş Toyópos، Syror duà í ph xai r TYEõua viðç xéxayra، xal et Tu adr čheireu els tò elvau vióv، o Aeirew gnot. «Oö yàp tdurijs ý beórys, Tò dè tij: xpávgeoç Tjs np s ðânåa oyéoews duápopov، buápogov airõP Xai riy xañ w nEROiNEv». T air xai pu xeńoeL tfp te r s čxpávgEOG léfiv xai tp toð NEPTYéva, tò evai te xal óráogew švrasba önaoðv, uagrvpov r ipéq Nógons xal Ere duáxpiav xad aocds dzoðıôoðs rp aætiy vi te xai TSÚuaTı, xai duà vôv aæTôv te xal loor rpórn aorà ôuawpivwn dAliílor.

.40 گرگوری ناز(i)anzenus دیگر، که در علم کلام به دلیل برتری خود به عنوان یک متکلم شناخته می شود، شکایت می کند که چرا روح را رودخانه نیز نمی گویند، و آیا چیزی برای رودخانه بودن ندارد، به او نمی گوید که هر چیزی را باید به زیر انداخت [f. 251، «زیرا الوهیت چیزی کم ندارد، بلکه تنوع تجلی یا نسبت به یکدیگر نیز اسامی مختلفی را به آنها نسبت می دهد». در این کلمات، ثابت می کند که کلمه "تجلی" به معنای یک صفوف ابدی است، همانطور که از کلمات گریگوری نیسا نیز بر می آید.

3 rgospnutvos I'emyópos] در marg. و در .املاس B، corr. از aôròg ooroç bsáoxalos، که خط کشیده شده del.; transp M Yoyópuoç ó Nógos. 5 nepl ToŬ dylov VSÚLatoç M. 8 onpalveL M. 9 yvoodivas] اضافه کنید. év zoóv M، و .trapw åtbov. 13 Tiy ðtöov Enapty M بلافاصله قبل از 17 ðuatl ms. 18 Aelre] Lelner M.

تصحیح؛ املاس. آنها شاید به دلیل عبارت grae-b ms هستند. من از به ma1g می‌فرستم. گریگوری نازنینوس.

6 GREGORIUS THAUMATURGUS, Neocaesariensis ep., Expositio Fidei = MG 10, 985 A. - Utrun au-tem آن کلمات «oyAaðh tois dvbpúnos sint» به عنوان اصیل، یا در واقع به عنوان یک براق، در این یادداشت را ببینید. قدیس گریگوری نیسا توسط بساریون نقل شده است، و بدون شک کنایه از «زندگی است، که خود او از همنام گرگوری توماتور نوشته است، جایی که می‌خواست مکاشفه ایمان را که به اسقف نئوکاسرین داده شده است، پوشش دهد، که در آن کلمات نقل‌شده خوانده می‌شوند و در واقع با آن عبارت D.2c بحث شده است). GREGORY OF 21-19 NAZIANZENUS, Orat 36 (theol. V), De Spiritu Sancto, 9 = MG 36, 141 C. (متن نقل شده, sic: Oð Aeireiv papér oddd yàp...).

دیجیتالی شده توسط گوگل

῾Ως γὰρ ἐκεῖνος τῷ μή τε μονογενῶς ὑποστῆναι xal t ôuà ro vio NePmvÉvau Toð vioð ðaxplve tò V8ŪLa, ošrw xai ošroç r Te r s xpvgews đapópp xai t ric ngðçaç ălṇo. 0 *ἐκεῖνος εἶπεν ἐν τῷ μὴ μονογενῶς* || *ὑποστῆναι,* v 225 فول dal' šxroQeurö; ônaaôń, voôt or[os] čxpávaeos ðuápopov slgnxós, etrovr diápoçov tpónov énág- ξ eos 8 dè ó Nógons dà roő vioð Regnpéva, *τοῦθ' οὗτος διαφορὰν τῆς πρὸς ἄλληλα σχέσεως.*

مانند گریگوری نیسا، تمایز قائل شد. زیرا به همان ترتیبی که او از این جهت که به عنوان یگانه زاده از پدر به وجود نیامده بود و از طریق نهر ظاهر شد، روح را از پسر بیرون کشید. همچنین ناز (ianzenus) تمایز آنها را بر اساس تنوع هم در تجلی و هم از نظر نسبت به یکدیگر قرار می دهد. آنچه او گفت، نه به عنوان یک محصول تک زاده، بلکه در اینجا تنوع تجلی است؛ یعنی شیوه ای متفاوت از معاش. اما آنچه نیسنوس می گوید از طریق یک پسر آشکار می شود، /.

Syécw Ô Tìy nòò; ĐAlyla, vioő te xai ycó- 41. uaros, o x oi e ruvá tuç érépav epot råy *τῆς κατὰ τὸ αἰτιατόν τε καὶ αἴτιον· καθ' ἣν ὁ* atrov šyeL, tò dè dapópws .با روح است noòg aitò ô *πρὸς τὸν υἱόν, κατὰ τὸ παθητικὸν δηλαδὴ καὶ* oLYTLNÓV, đç ažov éavro. «H ôeuşárw uoi us régav ayéouy perafi vloo ts xai rveipatos, xat' f Exárepov rQos Tò Eregov avapépera.
*'Αλλ' * οὐκ ἂν εὕροι ῥᾳδίως.* Msi 932

ί El yáp vs tò lbye Dau mveñua vioð tò TVEĐLa uo dyrebeln, rgöra bv, ý oyerwh aótn àxolov- ia xai xar airòy ats tòv Nóo ns I'eryóouov *καὶ κατὰ πάντας ὁμοῦ οὐκ ἀντιστρέφει· οὐδὲ γὰρ*

τις ἀνταποκρίνεται ταύτῃ τῇ πρὸς τὸν υἱὸν τοῦ veóuaros ayéGel, toõ vioð ngo; Tò rvebua rò yov, ošte i airý, očte ôudpopos r ye yo n TrOLINTK xal nasyrxo. "Erera ôé, xai aitô Tò vioð Aéyeobau vetua, oidÈv repov *ἢ τὸ* anuaiveu duà vo vioð neqryévau, xarà Đ v ptyav BacineLov, xai ôà too vioó BnropeÚBTbau xàar a dé ye ToUG Aurxovs, Tò č$ vioo

41. اما نمی‌دانم آیا کسی می‌تواند نسبت دیگری با یکدیگر پسر و روح‌القدس پیدا کند، فراتر از آن چیزی که بر اساس علت و علت است، که طبق آن در واقع پسر مراسم به عنوان علت است، اما روح از تبدیل به پسر به عنوان علت به علت، و بنابراین به طرق مختلف. یا اجازه دهید کسی رابطه دیگری بین پسر و روح القدس را به من نشان دهد که بر اساس آن یکی به دیگری مربوط می شود. اما مطمئناً هرگز آن را نخواهد یافت.

در واقع اگر کسی با ما مخالفت کند که روح را روح پسر می نامند، اولاً این رابطه است و به گفته خود گریگوری نیسا و همه پزشکان دیگر مسلمان نشوید.
در آنجا نه گفته شده است که پسر نیز یک روح است، و نه هیچ رابطه دیگری از پسر با روح با این رابطه با آن ارواح مطابقت ندارد، نه یکسان و نه متفاوت بر حسب عمل و اشتیاق. سپس این که او را پسر روح می نامند، دلالت بر هیچ چیز دیگری ندارد، جز [. 26] اینکه او به وسیله پسرش به قول ریحان بزرگ تجلی یافت، یا اینکه از طریق پسرش عمل کرد.

6 očtoS] očtOŞ خانم از حواس پرتی، چون فوراً به جای که قبلاً می دویدم برمی گشتم. 7 eloreóc] slorsv M. 9 duápo- pov M، و به آخر بند اضافه کنید. 13 npos airò [elne اضافه کردن. vò rvebua M. 15 ös] اضافه کردن. alraro ngds B. | tavroö] airo5 M. 17 éxárepov] tò &reQov م.

4 باید اضافه شود، همانطور که در یونانی، با توجه به علاقه و عمل، یعنی.

29 ر.ک. بالاتر از شهادت ص. ریحان، از کتاب 5 علیه یونومیوس، در ص. 35، این. 31 ff.
31 ر.ک. حداکثر الهی، در تلاش. 63 به تالاسیوس، مانند بالا، به صفحه، 29 در 25-29.

دیجیتالی شده توسط گوگل

ἐκπορεύεσθαι καὶ ἐξ αὐτοῦ τὴν ὕπαρξιν ἔχειν· ώ Gore tò vloő vebua vò rveTua tò čyov héyerta, elş laov Tois tQLaiv Eegerau roórOS, Aéyo o,, r ðià to vioð nEqyévau, xai ðà ToŬ vio ðo čxnoQeveota.

از آنجا که برترین، یا آنچه از پسر ناشی می شود، به گفته معلمان غربی، زیرا این چهار، همانطور که ثابت شد، معادل هستند، یعنی.

42 *Ταῦτα δὲ σχέσιν δηλοῦσιν πρὸς ἄλληλα, τὴν* xarà tò airuaróv te xal atruon, xal bappoóvrws *ὁ Θεολόγος ἀποφαίνεται τῆς τε τῶν θείων προσώ-* ROY، vioð te xai TveÚuaro، danploews airov، xal tis rôn òvouáruv airõv érepótnroç، voő uès vioð deyopbvov، tarépov òè mveúuaroç. Toúrous d& GUrmyogei xal ó hóyos, xal rñs nlorews j dirsoea.

42. حال این نسبت به یکدیگر به سبب و مسبب دلالت دارد; که گریگوری ناز (anzenus(i به جرأت گفته بود که هم پسران و هم ارواح اشخاص الهی متمایز هستند و هم دلیل نامگذاری آنها متفاوت است و یکی رودخانه و دیگری روح نامیده می شود. و این دلیل خود گواهی است. زیرا تثلیث الهی و مقدّس یکی بیش از سه نیست: یکی بالذات و دیگری در اشخاص یا خواص.

Tà yàp beia noóawna tis tpuáos || o uãñló 226 فول slow &v Tola tò pev t o aig، tò ôć ye taiç inoGTáoeaw، eie xal lôiórnow. "'Evoüvrau yào duaxexpyuévos xai duaxplvovrau ijvopévos", o1- vv p v Exovra riy o ciav، Ti; dè dapópouç nòoódos xal raiç dvapopaiç alifdor dapégovra' & ôn xarà rov rQóroY Tiñs iuerépas voňaews Buapépe, el xal u duapéoe r nòáyar, xapórov ý danepés r 8 vaçopá، öanep t eboç. Eixórws xai xarà vaúraç buaxpl- vovTau ols yáp va ðapépeL، ToótoLs rávroç xal Jaxplvovra، el xai u nãgw óuolos. 'Erei yào ev ols rheloav töploxerau te xovóv, đváycn elval u Tò Tà TnÀElo čxeiva daxpivov dváyn xal Tà (beia rpÓGUTa, rÂelo ye Đivta xlavarvald ovol tò ðuaxoivoy a Tá، el e pãllov povàs péllouev elvau xai rQuáş.'Erei 8 v aitož;

Rhy tñs delas o claş xal T v vapopūv póvav، etrow ris čnáorov öbrytoç inooráons، dd oæaia xorh odaa، oæx đy n baxplocawş a ratois; dvagopàç aità ôuaxpl-

همان گونه که دیونوسیوس تبارک می گوید: «در › حقیقت، آنها با تمایز متحد می شوند و با وحدت متمایز می شوند». و چون در هر جمع مشترکی است، متمایز نیز هست; در این نیز توسط الهی

درجه] در تثلیث، که در ذات خود در sonorum f. 26 وحدت توافق دارند، چیزی که آنها را متمایز می کند باید از آن شکایت کرد. و چون اصل در این نیست، آنها با من موافقند - اما در ذات و روابط گذشته الهی و شیوه های مختلف فرآیندها، که لاتین ها آنها را منشأ می نامند، چیز دیگری برای درک وجود ندارد. از این که یا مبدأ، یا رابطه، یا هر دو، اشخاص الهی را متمایز می کند، صرف نظر می شود. از نظر نسبت و مبدأ، گرچه بر حسب نحوه فهم تفاوت دارند، زیرا مبدأ با نحوه فعل دلالت دارد، مانند نسل; اما این رابطه فقط تا اینجا در نحوه و شکل متفاوت است، مانند مسئله پدری; بنابراین از هر دو جهت از شخص الهی متمایز می شوند، اما اولاً و اصولاً ثانیا

21 686s] corr. بالای خط švégyea B (دست دیگر).
22 بعد از raóras در MS. اول xal ÔaxplyovraL ,اما del.
nal 32 énoorá ns] xal inooráoewS M.

تصحیح؛ در MS من ادامه دادم ب را باید اضافه کرد: و حقیقت ایمان. c نسخه از نسخه رایگان در ILICALS در اینجا قراردادهای ذکر شده متن یونانی، به ترتیب تغییر یافته است.

8-11 کنایه آشکارا به NYSSEN است (نه به نازیانزن، همانطور که در نسخه آمده است). رجوع کنید به به ابلا بیوس، که سه خدا وجود ندارد (MG 45، 133 قبل از میلاد)، که شهادت آنها قبلاً در بالا ذکر شده بود (ص 34، خط. 15 به بعد).
15-16 Ps.-DIONYSIUS, cfr. از بخش. با نام, II, 2 = MG 3, 640 A.

دیجیتالی شده توسط گوگل

راه تفاهم، از طریق روابطی که آنها نیز توسط شخص الهی تشکیل می شوند; و در نتیجه، توسط یک فرآیند متفاوت، یا با منشاء. زیرا نزاییدن و زاییده شدن، آن چیزی که منشأ دارد، اساساً یک شخص را تشکیل می دهد. اما پدری و ولادت، چه پدر و پسر چه باشد. 27] از رابطه - است. اما چون نسبت و مبدأ یکی هستند و نسبت از مبدأ پیروی می کند; بنابراین اوتروگ ها در واقع فقط توسط شخص الهی متمایز می شوند، اما اصولاً با رابطه یا ویژگی های آنها.

: ve tau xal noonyouutvos uy xal páa ra xarà raúraş, Érouévos Öé ye xai xarà tàç npoóßovs, nabócov, öş eipnrau, dvapopê te xal ngóoðos oð öaqy oapéo xaltpeu t tôónq T ; شما به 'H pev yàp npóoðos xatà tòv T s 5 &vegyelas roórov onualverat, öonep yemmais خواهید پیوست، ή 8dvapo d، xarà ròv to eiôovs، b nep j ra-Tpórns، irus iroorãoa tò to rarpó; chor npóoa-: nOV xai bà vo ro baxplvovtau uèv llfav xal raiç npoóôous, xatósOv Bfaváyxns Erovrau ra raç ai dvapogai. To te yàp yevãy retau RArpÓTns, xal t yEvāobau į vl tnc ópolws, xal tni tôv ăllov öaúTos. IlQórepoy * öd xai doyosubéorepov Msi 933 öpoş raiş vapopaiş baxplrovrat, xai ráoras uāllov Taiş apoóôors, öuos ye pévtou xat åuporéous.

43. از این رو، نه بدون سزاوار، متکلمان و پزشکان ما، که پسر را از روح متمایز می‌کنند، آنها را مضاعف تشخیص می‌دهند و از حالتی ناقص‌تر به حالت کامل‌تر می‌روند: تمایزی که توسط شیوه‌های متفاوتی از فرآیندها ایجاد می‌شود، و شیوه‌ای متفاوت از تجلی را نام می‌برند. در واقع، آنچه از طریق روابط انجام می شود، Nyssenus qui-dem Gregorius از طریق او، Nazan-zenus vero تنوع روابط با یکدیگر را آشکار کرد.

پس واضح است که این تنوع روابط، تمایز روابط است و (این) نسبتاً فی است.

lius به روح و به پسر روح اشاره دارد.

و چون پسر به عنوان پسر به روح اطلاق نمی شود، زیرا گفته نشده است که پسر روح است، باقی می ماند که به روح اطلاق شود [. 27] به عنوان تنفس، هنگامی که روح نیز به عنوان روح به او اشاره می شود. زیرا روح نفس می کشد و تنفس غیرفعال با تنفس فعال مطابقت دارد. اما روح، و روح بسیاری

Elxóraş ody xai ol teolóyo | | Švravba rov 43. vl v to vEbuaTos ðuaxpívoves, dyg ôaxplvovo, tol. 228v åoróuevou uty drò toô àrehoös, &rl roy redeáó-Tepov dè xararaśovteç roóOv. Taiş Te yàp ośõous xai tais dvapopai; dè åeyoeudéorepov danpvouévoP rõv telor rgoaónor liflar، ös slonra، roi; aiToiş xał o roL Tòv viov vo ***πνεύματος διακρίνουσι, τὴν μὲν ἀπὸ τῶν προόδων***

ὑπάρξεως, ὀνομάζοντες, τὴν δ' ἀπὸ τῶν ἀναφορῶν, ó ue öuà roo vioő neqrvéva، ó ðë ayéoews ða-ς popórta tñs nòòs &Alņla.

"Ωστε τὴν τῆς πρὸς ἄλληλα σχέσεως διαφορό-tyra ráórny, dvapopãç elau báxpow, xal dva-popıxőş Tov vi v noòs Tò TveðLa xal tò veõua ***πρὸς τὸν υἱὸν ἀναφέρεσθαι. 'Αλλ' ἦ μὲν υἱὸς ὁ*** vids o x ďy Čvapéoorro npòs t nveñua - o yào vid; toð TVEóuaroç déyerau -، Aeinerau o) xatd včovta ngds aitd dvagépeatau ž rvebpa xal ***αὐτὸ πρὸς ἐκεῖνον ἀναφερόμενον, τὸ πνεῦμα γὰρ***

روح، همیشه به اختصار .ms در .corr b روح .ms در .corr یکسان است. (خلط).

28 12 xai T] متاسفم .ms تصحیح، قبل در تصحیح در .ms، قبل از، همانطور که به نظر می رسد، vaiç.

27 به نظر می رسد فهمیده می شود که در مورد سنت باسیل است. «ó ôé در واقع از سنت گرگوری نیسا، با توجه به متن کلمات بالا مربوط است. پس فریب نسخه لاتین را نخورید.

دیجیتالی شده توسط گوگل

T Véovu xal ý Tvon T neóaEL dvtaTONplveraL. Tò ô8 nveĞua xai veūua vioð Aéyerau - xabiòs s n elpe iv rolayo Tis Ypapħs -, xai vo) Toð a To . « To ro yàg vò veÑLa 5 iegos ' — *φησὶν ὁ* Alaváoos TVoÝ Botu toð vioŬ». آوا- *φέρεσθαι δὲ πρὸς τὸν υἱὸν ἢ πνοήν τε καὶ πνεῦμα,* xard rà npoEQnutva، rois teokóyos đoxeT · *καὶ ὁ υἱὸς ἄρα ἢ πνέων ἀνενεχθήσεται πρὸς τὸ* TTvØJLa.

در مکان های کتاب مقدس گفته می شود و نفس های او.
قدیس آتاناسیوس می گوید: "زیرا این روح نفس پسر است." بنابراین، هنگامی که جریان روح هم به عنوان نفس و هم به عنوان روح مطرح می شود، تنفس آن مخزن نیز به روح اطلاق می شود.

44 *Καὶ τί ἄν τις καταριθμήσαιτο τοὺς τῇ « διά »* xenoauévovs áylov; من مال تو نیستم؛ c x toð rargoç> duà <roð vloñ) ToŬ TVeóparoş ، RODEÚTEos; 'Apxé EL 8ivi zonaauévovs xai reaevralo، T telcvraly rôv Deoñóyor، oxéyaoûau xai aitò ùi u nepi toórwn 15 ppovei. Kai yotn 'lwdvns ، ó ix Aaua no5 Deo- Aóyos, <rEQi toð RaTpòs *οὖν ἐστι — φησί —* Aéyn> « Aitos v voõç dóyov ăßvooos, Aóyou yefrwg, xai öà dyov npoparßKoolds ». Kai atbs « Tò &è vebua vò dyov، čxpavtopıxÝ Toő xQvpiov Tjs teótnros bóvauus Toõ rarpòs tx narpóç Boru di vioð čnroQEV0- fol. 227r uévn ». Ilávtws oæ xon nepITTOùs | | Evau Tà pavepà garpí ovas. "Exrogsóeobu yáo gnaw، ¿ 8 pavepög tò lvau ônãoi Too TvEÚuaros xai tỳy iraptEy, uáauota r y ălwn ìvouárov árávrOY, xai ، náauora xa®' juās, roŠTO Móvov dro *ϱοῦντας τῇ ὑπάρξει τοῦ πνεύματος ὄνομα. Δι'* vioo Tolvy Bxropsóerbau éyov, ôi vioð aitò *λέγει τὴν ὕπαρξιν ἔχειν.*

44. اما از آنجایی که مدّعی است همه معلمانی که گفته اند از طریق پسر روح از پدر دمیده می شود، زمان زیادی است، کافی است یکی و آخرین را به وسط بیاوریم و نظر او را در این مورد بررسی کنیم. یحیی دماسکنوس در مورد پدر می گوید: «او همانا عقل ورطه کلام است و زاینده کلمه است و روح متجلی از کلام نفس می کشد». و باز هم: "اما روح القدس، که قدرت الوهیت پدر را در نهان، از جانب پدر از طریق او آشکار می کند [ف. 28] در حال انجام است. یقیناً، مایل به اعلام آنچه آشکارا گفته شد، زاید است. او گفت: " زیرا او ادامه می دهد"؛ که به وضوح به وجود و معیشت ارواح دلالت دارد، مخصوصاً به نام ارواح دیگر، به ویژه که این نام را به نام ما بیشتر از هر اسم دیگری مناسب است. از ارواح

5-6 *ἀναφέρεσθαι δὲ τὸ πνεῦμα πρὸς τὸν υἱόν, ἢ πνοή* · te xal veuua م. ١ **11 *ἐπὶ τῆς διὰ τοῦ πνεύματος ἐκ-*** nOpEÚGEO; ms.، از BM و sensu corr. 16 حواس پرتی آشکار repl-Abyov] افزودن. از متن لاتین و م. 20] M. 21-22 čxNODEVOuevn] sic ms. و ب با متن نقل شده؛ tropevópevoN M.

الف به منرگ. آتاناسیوس جان دمشقی maYg. وجود دارد

به C - ارجاع .ns در b

2-3 cf., v. Gr. 11 ,9 ،رام هشتم; GAL. پتر 1 ;6 ،چهارم. I. 11. 4-5 ATHANASIUS، Epist. 3 ad Serabion, 3 - MG 26, 528 C. متن سنت آتاناسیوس مستقیماً می گوید که روح القدس مسح مخلوقات است و بنابراین او مخلوق نیست. اما او بلافاصله اضافه می کند: "به xoiqua roôto TVoH toT TOŬ Yioo، که با آن نیز آشکارا تأیید می کند که روح القدس پسر است" ,nvofy. 16-19 DAMASCENUS, De Fide Orth., I, 12 bis = MG 94, 848 D. 19-22 DAMASCENUS همان, A 849.

دیجیتالی شده توسط گوگل

45. و با این کار او خطای تئودوری‌کوس را که انکار می کند
که روح القدس از طریق پسر وجود دارد، حذف می کند.
به گونه ای که هیچ حمایتی از این امر برای ما باقی نمی
ماند، اگر هنگامی که تئودوریتوس این را در برابر شورای
عمومی افسس گفت، شورای مقدس سکوت می کرد.
که فکر می کنیم این کار را برای ما انجام می دهد، گویی شورا
در سکوت به سخنان تئودورت رضایت داده است.
زیرا هنگامی که تئودوریتوس هر دو را انکار کرد و اظهار
داشت که روح القدس نه از پسر و نه از طریق پسر
موجود است. اما از سخنان این مقدسین، اگر نه هر دو،
حداقل دومی، یعنی اینکه او از طریق پسر زنده می —
پزشکان — ماند، به وضوح ثابت می شود. وقتی همه
و اف. 28] نه کمتر کسانی که (بسیار) بعد از تئودورت
بودند، با صدایی واضح موعظه می کنند که روح القدس
از پدر از طریق رودخانه بیرون می آید: هم جان دمشق و هم
ماکسیموس به عنوان دانشمندترین مردان و در نتیجه
مقدس ترین افراد -، کل هفتمین سینود عمومی از طریق
قدیس تاراسیوس، پاتریارک قسطنطنیه، که می گوید:
«به پدر دیگر ایمان بیاورید. که از جانب خدا از طریق
پسر، یعنی روح - و از جانب خدا است

Kal aroxheien duà roórov Tòv Àóyov Osoðwpir 45.
dnapvovptvq tò ô vioð ri inagßw Eyew rò
Tvebua rò dyov öot iuiy xai ry ivrettey
ÚroGalevbjvau Bordeav čnl t rñs đuvóôov l
gvpu oul erovðvdy 5
τος μήτ᾽ ἐξ υἱοῦ, μήτε δι᾽ υἱοῦ τὴν ὕπαρξιν ἔχειν τὸ πνεῦμα, τῆς δὲ συνόδου σιωπησάσης καὶ διὰ
dyfis öjtey toro xaraðefaubvns. 'lôov yàp Ex شما؛
ye toð dóyov, el u) xai ăupo, tó te yoõv ôi vioő ry
irapw šyeuv vò vsbua tò đyo 10 Sédexrau, nvroN
‹Tov ÔbaTxárw» Boávton — *καὶ*
oè jxuora tõv rolp perà @eoðáprov -, ix Toð
:raTpog ôuà vo vioő * BxropeÚsTtau tò Tveñua Msi 936 rò
čyor °Ioávvov te xal Makipov paxapiay, xal
čößóunsà Tôv 15 olxovuevxÕv Gnóôon n TEÚEV eiç
T VÖua
τὸ ἅγιον » λέγοντος, « τὸ ἐκ τοῦ πατρὸς δι᾽
vioð ixnopsvÓLEvov, xai aitò Deòv sivau yvo-
Qutóuevov · *τῶν δ᾽ἄλλων καὶ ἐκ θεοῦ δι᾽ υἱοῦ*
elva، xai ex teoŬ ôuà roð hóyov، xai ex raTod; 20 ôd
vioð rpoibvau، dneg eiç looY T čxnogevertau
čogera، xai r elvau xai ri Bnapkw Eyev.

—

عرضه فراموشی "برای همراهی کردن" در حاشیه
را اضافه کنید. متن یونانی زیاد چ به ماگ. سینود هفتم b
توسط تاراسیوس. d اضافه کنید. و از متن یونانی.

12 نه] om. م.

تئودورتوس اهل کورنی به کفر پردازی قدیس سیریل 9 اعتراض کرده بود و اعتراف کرده بود که روح القدس «فقط 1 ff. [
متعلق به پسر است، زیرا با این کلمه هم ماهیت بودن او با پسر مشخص شده است؛ اما او منکر وجود روح القدس از سوی پسر، و یا از I
طریق فصل US، C1YR، CF و C1PILL بود. = (Oecum. III) MG 76، 432 D. 7 Conc. یا 431، هیچ کاری علیه تئودورت انجام نداد، که در آن
زمان از اشتباهات کلسدونی خود متنفر بود. نامه‌های هادریان اول، پاپ ارشد روم، در عمل brae-cedent خوانده شده بود (همان، 1078-
1083)، بنابراین اکنون نیز نامه‌های ایلخانی قسطنطنیه، تاراسیوس، باید برای سایر ایلخانی‌های شرقی که او نوشته بود، خوانده
شود، یعنی در آن‌ها گفته می‌شود که در اعمال تاراسوس که در اعمال تاراسوس در آن زمان، پروفسور قدیس از ایمان خوانده می‌شد، خوانده
شد. در کتاب‌های کارولینوس می‌توان خطایی را معرفی کرد که گویی روح‌القدس یک مخلوق است. 1936، ص 115).

بنابراین، ایمان تاراسیوس کلمه به کلمه بیان شد، درست همانطور که در این قطعه نقل شده توسط بساریون اتفاق می افتد (ر.ک. Msi —
12, 1122 D).

دیجیتالی شده توسط گوگل

از طریق کلام، و از پدر تا از طریق او پیش برود.
همه این چیزها به معنای نفس کشیدن و بودن و معاش است.

46. "Qore eoðúpiros oæx đineveu roiro eirásy àAR' • öuos čouúrnoav oi rarepes. Toîro dxobgavTes elgneótog. ds s) dety pagrvpla rOETobau rij. **αὐτῶν σιωπήν, τοῦ μήτ' ἐξ υἱοῦ, μήτε μὴν δι'** vioð Tò nvebua viy inagtw čzEUv. Toõ yàp d vioo Tiy taapkuv čyew, páprvpes ol ô vioő ixnopeveabau **αὐτὸ εἰρηκότες, εἴπερ τὸ ἐκπορεύεσθαι τὸ τὴν** iragßiv Ezew ìqdoi xal tara perà Oeodóperov fol. yeyovóres t xeóvQ, Mai dxoúcavres uev airo5 | 227 ولت TOLaõra elróvros, eibótes ôè Tip dõvoôov ods Ta ra điyhoaoaı, aW öuos txelv o neataurrava. Tò ô zapuéoTeQOV, öu xai åupó- Teṇa dgvngautvov Beoðuplrov, ő uaxápos 'lwámys örws dé, xal **τὸ μὲν « ἐξ υἱοῦ », ἀπαρνεῖται —** To to čpoðuEv perd uxpóv -. Tò ô « ô vioð » Exropeóeota, tftou de a toð Ty trag u Eyev, **τοῦτο δὲ τίθεται.**

46. از آن بدیهی است که تئودوریتوس اشتباه می کند، در این که قسمت دیگر را پست تر می بیند، آن چیزی که در آن انکار می کند که روح توسط گل معلق است. پدران شورا اما سکوت کردند و حتی این قسمت را انکار کردند. تا سکوت آنها برای ما گواهی نباشد که روح نه از پسر و نه از طریق رودخانه وجود ندارد. برای توسط پسر اف. 29] زنده می ماند، شهادت می دهند که کسانی که گفته اند از طریق او عمل کرده است، اگر واقعاً عمل کرده است، حتی به گفته ما، به این معناست که خود او زندگی می کند، در حالی که هنوز مدت زیادی از تئودوریتوس می گذرد، و در واقع از او شنیده اند که این را می گوید، اما می دانند که مجمع مقدس در این مورد سکوت کرده است. با این حال آنها او را قضاوت نکردند

در حالی که برای مبارک یوحنای دمشقی با انکار اینکه روح از رودخانه است و روح از طریق پسر زنده می شود، از او نیز انکار می کند و با چه دلیل واقعی کمی بعد توضیح خواهیم داد که او از طریق پسر حرکت می کند، یعنی زنده می ماند، این را صادق می داند.

47. ، El ôè tó « Móvos yàp aios ù rarýp », 8 pmoy d paxápuoç 'loárms, xai vò &y r nòs Mapīvov črOrol To Delov Matluov neQl rōr **Ῥωμαίων ῥηθέν τις ἡμῖν ἀντεποίσει, ὡς οὐκ**

47. اما اگر کسی با ما مخالفت کند که: "پدر به تنهایی علت است" نوشته جان دماسکی؛ همچنین آنچه ماکسیموس در نامه خود به مارینون در مورد رومیان می گوید که البته چنین نیست

5 به] T M. 7 پست به šxnopeúeatau اضافه کنید. M xai xard toug iuETÉDOVS که ضروری به نظر نمی رسد.
(نک : همان نسخه). 13 aprnoautvou در MS.

الف به حاشیه. مخالفت با راست؛ در سمت چپ دمشق، ماکسیموس.

14 DAMASCENUS بدین ترتیب گفت (De Fide Ovth., I, 8 = MG 94, 832): دوباره (De Fide Orth., I, 12 bis MG 94, 849 B): Yloő ôe IIveõua, oy os ŠĘ aoröősôpôo, dll'õo tsopsvóuEvO . حتی (Hom. on the Holy Sabbath = MG 96, 605 B): Too Yioő Aéyerau, úg ôe' aætoo qavEQOÚLEVOP ..., l' o % B§ a ToŬ Eyov Ty inapfw. از همه اینها به نظر می رسد که معلم مقدس بیان &Ę Yioð را با دیگر پدران شرقی پذیرفت تا حرکت روح القدس را نیز از طرف پسر بیان کند oe Yloö را رد کرد، اما در همان زمان دیگری به نام. دلیل حذف فرمول اول را باید در این واقعیت جستجو کرد که گمان میرود حرف اضافه a éx (BĘ) مبدأ و منشأ اولیهای را بیان میکند، مانند آنچه که تنها در پدر یافت میشود. برای پسر، حتی اگر او نیز منبع باشد، اما منبعی از یک منبع است. یعنی از پدر دریافت کرده که منشأ روح القدس نیز هست. خود بساریون این توضیح را در آنچه در ادامه می آید قبل از دیگران بیان می کند.

18 DAMASCENUS, De Fide Orth., I, 12 bis = MG 94, 849 B.

20 MAIMUS Confesso, Epistle to Marinun = MG 91, 133 D-136 B.

دیجیتالی شده توسط گوگل

فرض کنند که پسر علت ارواح است. آنچه لاتین ها در این باره می گویند، من نمی گویم: زیرا، البته، آن دمشق در همه کتاب های او یافت نمی شود، و از آنجا که نامه ماکسیموس از او نیست، زیرا نه در همه جا، نه در کدهای قدیمی تر، و نه در میان [f. 29] آثار او پیدا خواهد شد و برخی از مردم ما نیز گمان می کنند که آنها مال آنها نیستند. این را می گویم، نمی گویم، اما اعطا می کنم که این سخنان و نظرات آن معلمان است. با این حال، من می گویم که آنها این را گفتند، مبادا کسی فکر کند که پسر عامل اصلی ارواح است، گویی از پدر دریافت نکرده است که روح القدس از طریق او انجام می شود. برای استفاده رایج از زبان یونانی زمانی که با استفاده از حرف اضافه "از" دلالت بر علت اصلی دارد

سام، و دمشقی را وادار کرد که نه از جانب پسر، بلکه از طریق پسر، بگوید که روح القدس بیرون می آید. و ماکسیموس، که آنچه رومیان می گویند که از رودخانه بیرون می آید، او فکر می کرد به همان معنی است که گویی آنها می گویند که از طریق یک پسر انجام می شود. "زیرا اگرچه رومیان اظهار داشتند که روح القدس از پسر سرچشمه می گیرد، و حرف اضافه "از" دلالت بر علت اصلی دارد، بنابراین آنها این را به این معنی نمی گویند که چنین علتی پسر است." دمشق نیز میگوید: «روح در واقع از پسر میآید، اصلاً نیست، بلکه از طریق پسر عطا میشود. تنها پدر علت است». چنین، یعنی، همانطور که نشان می دهد. چرا، [30] همانا پسر بودن او را منکر میشوند. و حرف اضافه « « ex » از طریق» را به پسر نسبت می دهند، که به وسیله آن نشان می دهد که او، همراه با پدر، علت یا اصل روح القدس است. "زیرا، همانطور که ماکسی می گوید، روح القدس از طریق او خیانت می شود، همانطور که همان معلم در جای دیگر می گوید: زیرا از طریق او."

— [redacted] — موش

airlay nowbvrau roð TVEÚLaros tov vlóv 8 uv Aarivoi qaov Bal tovrous, o x ay Enou xai ***αὐτός, ὡς οὔτε τὸ τοῦ Δαμασκηνοῦ ἐν τοῖς*** rdelorous T v aito Bußllon eópl nerau, rýv Te Toð Mašiuov Taótny &n ro}y ph elvau Mažipov, oŬTe yåp norlayo, oŬte čv pgalors Beßlios, očTE Toi; xeivov auyyeáuuaow tyyeypauubmy siplaxerlau o 8' öru xai rôv huerépuv Twès ráoty vodeóovTUY. 'AAlà roöro uty ouyzoghoo, xal défoau tîs èxelvov elvau raőra povīs te xal Buavoias. Eigrévau uévrou tavra palyy dv a todG ČYo ye, oç äv pì tus npoxarapxrxi alricv Tov viov toð veóuaros volaee aéys DaL, u ***παρὰ τοῦ πατρὸς εἰληφότα τὴν δύναμιν τοῦ δι'*** aiToË nQOiévau rò mveñua tò čyov. "H yao xow) ***τῶν Ἑλλήνων χρῆσις ἐπὶ τῆς ἀρχοειδοῦς καὶ*** rQoxarapxrxijs atriaç xvpios xewuém t čx », ***τόν τε Δαμασκηνὸν ἠνάγκασε μὴ ἐξ υἱοῦ, ἀλλὰ*** d vio5 ptvau tò vebua tò čyuoy, tóv Te Mášuuov čreLTs Tò ragà r v Pwuaiwr Asyóuevo &§ vioð ëxropeóeoðau els rò ði vioë npoiévau. "El yào xal 8Ę viot — ***φησίν*** — oi 'Pouaiou Tò vebua déyovaw ixnopebeotau" - dè "Éx" Čri Tis đpxoeôoös airiaş rapahaųßdverau , " daA öpos o Toaúty aitiav Lav Toovp v v, ro nó paow». کای آوآایوس « °EĘ vioð uev o x č tu Tò Kveñua, || ôÕ vioð ôE, fol. 228r póvos yàp ó navig touoõróç BoT» aøroş », olay ***ἡ « ἐκ » δηλοῦν βούλεται. Ταύτῃ τοι τὴν μὲν*** TOLaóTIy altiav dpvoðvTaL, Ty « duá » dè öuos årovéuoiau r vi, ô hs tò *owalrov rávras Msi 937 hoöra. « 4uà yàp tò ôi aitoð nòoikvau Máğuos — ***φησὶ*** — ***τὸ πνεῦμα τὸ ἅγιον » — ὅπερ ἀλλαχοῦ φησιν αὐτὸς ἐκπορεύεσθαι δι' αὐτοῦ —, « ἐξ*** a TOð TOPà rãy Pwpaiov čropeverbau léye-

8 می گوید) بین این. ا حاشیه کردن راه حل) **a**
in ms. c such, indeed] in marg.; بعد از پدر
چنین است)

27 ö' voŭ ôE] افزودن. xal uála B. 28 too róv ŠOTIY azLoy, olo M; اوای در ام اس او از قبل می فهمد
30 öyos] pvov M.

22-26 GREATEST, Epistle ad Marinum = MG 91, sCENUS, De Fide Orth., I, 12 bis = MG 94, 849 B Marinum (جای که در بالا, 136 AB).

136 الف (فقط استناد به معنا). DAMA 28-27- (نقل شده برای معنا). ff. 32. بزرگترین، رساله. به

دیجیتالی شده توسط گوگل

Kai ó Aauaoevóç «"Ex narpos ôi vioð .بله ExTOQEÚETau"

عواید - بنابراین رومیان می گویند که از پسر حاصل می شود. و دمشقی: «از پدر به واسطه پسر حاصل می شود».

4 «4 xatupõs airíav omualvova Tòy viòv olav nai ó narhg oòðèy yàp napà t viã đrelés, el 5 xal p) pzoeuðñ ra tny. pdè npoxatapxruxfy. Toöto yào deðióres drapyoötau dnò roo vioð Ty aitiav, xai ălws te duótu návra őoa vids ŠYei, nogd toő narpos čyet Aaßóv, xal el; TraTéoa rà aitoŬ đvapépsrau návTa, xatog xal ***ὁ μέγας Βασίλειος ἐν τῷ ὀγδόῳ τῶν πρὸς Ἀμ-*** pLâóyov xepalalov noty « Auà rooró gn w ó xópLos Tpò; tòv raréoa Tà čyà návra oá ***εἰσιν, ὡς ἐπ' αὐτὸν τῆς ἀρχῆς τῶν δημιουργη-*** uárov dvayouévs". 'Ad xal u teonóyoç Ioyópos čy T lóyo v cl; tòv xarárlon T v ***Αἰγυπτίων· « Θεός — φησίν — ἐν τρισὶν ἵσταται*** toiş peyioros. alrio xai ônuoveyo xai reâeuo-ROLO. T narpi éyw xal T vi val r áyly veÓuaru ». Ta ra dè čreye návTOs, o To vioð xai voð TVEÚLaTog tiy tõv 8ħwv åpaupőv airia - toro yàp Bráapnov xal póvov čvédvoijoau - rapivórv. xal toitov xar EaípeToy alríay xadóv, ôà vò èxeibev ***τοῖς ὁμοτίμοις ἥκειν προσώποις πᾶν ὅπερ ἂν*** EyoeV.

48. اینکه همه چیز به وضوح نشان می دهد که پسر نیز یک علت یا یک اصل است، و چنین اصلی مانند پدر است، زیرا هیچ چیز در پسر ناقص نیست، هرچند نه اصلی، و نه اولی. trem: همه چیز از آن توست، زیرا از او به عنوان رئیس مخلوقات یاد می شود

1

او میگوید که شامل سه چیز عمده است: علت، پدید — آورنده و تمام کننده. به پدر، یعنی به پسر و به روح القدس. و این را گفت، نه به این دلیل که مطلقاً منکر این بود که جریان و روح القدس اصل یا علت مخلوق است - زیرا گفتن این امر ناپسند است - بلکه به این دلیل که می دانست پدر به تنهایی و اساساً علت — رام است و پسر و روح القدس هر چه دارند از او دارند.

49 "Huş đy o hexeaev àoloyia roiç xaxovgyos vre5lev &ruyepoiou roŕ vloô xai voô veóuaros Tiy rôv övtwv alriav åpeleiv. dà tò ròy rarépa aéyew airuov rôv Ôu. on vi v xai tò veüua i a rh xal v doxéaeu rois u ROLODTL Tov viov : alriay roő nVeópatoŞ, dià rò ***τὸν μὲν Δαμασκηνὸν μνησθέντα τοῦ ἐξ υἱοῦ μὴ***

49. پس این پاسخ در برابر کسانی که از این — سخنان معلم میخواهند او را متهم به قرار دادن نه رود و نه روح کنند، کافی است، اما پدر به عنوان عامل مخلوقات، کاملاً منکر این است که پسر و روحالقدس علت مخلوقات هستند. همین برای کسانی که می گویند پسر علت روح نیست کفایت می کند

11 xepaaip M. 23 xatefalperov ms. 29 تو متوجه خواهی شد، گرگ الهی. نازیانزوس

• کیفیت] تصحیح، در ms. کیفیت b من جایگزین اولین، • متن یونانی juxla می شوم. در MS مناسب ***ad*** حاشیه باسیلیوس، پدر مارگ. نازنینوس.

1-2 دمشق (در تمام مکان های ذکر شده در بالا).
A mphilochium, VIII, 19 = MG 32, 104 A (با نقل. JOHN. XVII, 10).
زنوس، دعا می کند. 34، هنگام ورود مصریان، MG 36, 249 A = 8.
ذکر شده در بالا، در ص. 42، شماره 14.

11-14 ریحان، بر روح القدس تا GREGORY NAZI 19-16
رجوع کنید به مکان های N- 32 ff.
دمشق

دیجیتالی شده توسط گوگل

elvau tò veñua, póvov alruo elrety Tòy raTépa,
Tòu Ô Mágyuov eiróvra nepl Pwpalov ex toő vio5
NéyBLY T TVeõua, đl oæy ósI | 8 228 .الریوف فول pávau
elbóras ut hvrva " x" amualve alrlav,
τοιαύτην δὲ μὴ συγχωροῦντας τὸν υἱὸν εἶναι, διὰ
Tò návTa aitòv na à ro narpòs čyew laßóvra, ös
čaru uóvos dpyoeuðns alria xai npúTn, xai
οἷαν ἡ « ἐκ » δύναται παριστάνειν· αὐτὸς μὲν
å' éavtoŬ ráVTa šyaov xal oBðauótev člobev, Tôr
ÔÈ Toð vioő návrwv noòç Šxsivov ivagego- uévov,
go xai rag aitoo Šyovros évrós ro, xal deyouévav
rõv to vioő, čxetbev jxóvrwv air است.

فور را با همین دلیل گذاشتند و دمشق که فرمود: [ف.
31 او افزود: «روح از درخت نیست، زیرا پدر تنها علت
است». و ماکسیموس در مورد رومیان گفت که آنها اظهار
داشتند که روح از پسر سرچشمه می گیرد: "او را علت
نمی کنند." در حالی که آنها واقعاً می‌دانستند «از» به
چه نوع علتی دلالت می‌کند، اما اصلاً نمی‌پذیرفتند
که چنین بوده است. زیرا او هر چه دارد از پدرش می گیرد
که به تنهایی علت اول و اصلی است، مانند خود «از»
دلالت می کند، زیرا او در واقع همه چیز را از خود دارد، اما او
از پدرش. و بنابراین نه علت اول و نه علت اصلی است،
بلکه علت یا اصل ارواح با پدر یکی است.¹

Kal yàp ôn xai 8Aws oi óvaur v Ts un 50.
AéyELY aitíav xai óaogoŬv Tò vión, ô: aito Atyor rò
weöua Tò ăyvov èxopsÚsota. Et yàg tò pev dà roð
vio čxNOpEÚEabau, xai rpoiévau,
καὶ εἶναι, τὸ δι' υἱοῦ τὴν ὕπαρξιν ἔχειν δηλοῖ —
öç xal nagà vüv àvrLÀsyóvrwv aiTôv
GUyzwpsirau, u) ouvauévov avrußrérew n ò; và pa»
fó]tara ro ro dè dbyovreç ol dudáoxalot, oðre
rijv sls tòv alatyro tovrovi tôneuov ToŬ
TVebuaroç onaobou pavéowcw, oŬTe nEpl
zapsuáLoovv Tôh dalà <repl» tis toő veóuaros no-
aráoews xal rîs f diölov rpoóðou aitoő Nai
nápfeos, oŬre pévrou ta to ôúvatau T "perá"
ἡ « διά », καθὼς ἀπεδείξαμεν — εἰς ἃ καταφεύγειν
EBoç totç drriéyov t -• tl &epoy * Aelerau Msi 940 alríay
ἢ riy « duá » ráoorny onualvecv; Ai vioő yàp
Tìp Brapžw yev tò vEĐJLa leyóvtwr,
« διά » καθ' αὑτὴν μένουσα καὶ μὴ δυναμένη
, peradnpoipau el; ry "perá", tò čavris dóvarau
zdvrtos, xai airíav napl tnow, airiav rdvrore
deyeioa onualveiv ép' ávmeg raQalapßáveTaL.

50. و هیچ کس نمی تواند این را به هیچ وجه
انکار کند، که از طریق او، با شنیدن سخنان معلمان،
روح القدس حرکت می کند. زیرا اگر از طریق پسر به
پیش رفتن، بیرون آمدن و بودن، خود نیز مخالف
باشند، نمی توانند آشکارا با حقیقت تناقض
داشته باشند، اجازه می دهند که به همان معنا
باشد که گویی می گویند از طریق پسر امرار معاش
می کند. و این دیسون برای داشتن امرار معاش; [. 31]
و هنگامی که معلمان این را می گویند، از تجلی روح
آزادانه و از مواهب روح سخن نمی گویند، بلکه از
فرض خود روح و تجلی و وجود ابدی آن می گویند. و نه
این حرف اضافه «از طریق» همان حرف اضافه «با»
است که ثابت کردیم و نشان می دهد که دشمنان
معمولاً به آن پناه می برند. چه چیز دیگری باقی می
ماند جز اینکه «از طریق» دلالت بر علت یا اصالت
دارد؟ زیرا وقتی پزشکان می گویند که روح القدس از
طریق رودخانه وجود دارد و وجود دارد، اگرچه آن (حرف
اضافه) «از طریق» را نمی توان به عنوان «با»
فهمید;
قطعاً نیروی خود را بیان می کند و دلالت بر علت دارد، زیرا
قبلاً ثابت شده است که همیشه دلالت بر علتی دارد که
در آن گرفته شده است.

4 uev] yoõv M. 11-12 ôuarooTo ms. 20 پاوه- تاتا
مث، پاوه پورارا م 24 آلا رپل تیس] اضافه کنید.
TEQ1 برای وضوح.

¹ بعد از این دل. در MS که او از آن دلالت می کند

2 GREATEST, در Epist. به Marinus, 22 .این .43 همانطور که در بالا، در ص ff.

دیجیتالی شده توسط گوگل

51 *῞Οτι δὲ ἡ « διά » οὐδὲν τούτων τῶν τριῶν* Boúrera, dnó te rov Maşiuou, &v T nòòç Mapivov, xal voð 4apaawyoð xavagúrepov deixvvrau, ry *« ἐκ » φανερῶς μεταλαμβανόντων ἀντὶ τῆς « διά » καὶ περὶ τῆς τοῦ πνεύματος ὑποστάσεως, ἔτι δὲ* xal tis aiðlov énápfews noiovuévov ro hóyov. "Ooy o xovótros uérs tu t "perá" xal *τῇ « ἐκ », τοσούτῳ τῇ « διά » καὶ τῇ « μετά ».* Kal Oeoðúproş dé, oæðÈ d vioð r Bragkw éyov Eyey tò TVESLa Tò dyov, nóTepov avti toő fol. 229r perà toõ vioõ t láußavev.; Oæxov | | čpevbeTo pavepāş. Kal o det fuãş tri ro TŲ xal t s GUvóôov aIy l yvpl eotau xai yáp Bou uerà vo *υἱοῦ τὸ πνεῦμα συμπροϊὸν αὐτῷ καὶ συμπαρομαρ-* Tov TE xai ouexħáurov. 'A1i öuóvvpov fyoó-pevos Ti povtv, xai tò ô roð vioð kaval p v lsoðvvauev t perà Toð vioŭ, y d xa® a tò s J vioð kaval p v åpyeTrau; Oöxoðv *ἢ αὐτὸν ἔδει τὴν ὁμωνυμίαν ἢ τὴν σύνοδον διαστεῖ-* Aau, xal öïdov roujou nepl nolov tõv onuavoué-vov 6 Aóyos a to. 'AM oðrE Tò d vioð ixeivo; yeiro r petà roo vioð vaiTò» bóva tat, xal tò ôi vioŭ ig ôi vioõ éfeðêyero, xal airiav t « ôá » drovépov.

IHávrober obv dvapalvETaL dv čavrjs *« διά » τιθεμένη ἐφ' ὧν νυνὶ προηνέγκαμεν χρή-* cewv, xai dvautvy rò éavrijs, al pavegõs ałríay oHuaivovga.

51. در واقع <حرف اضافه> "با الف" در اینجا دلالت بر هیچ یک از سه محمول ندارد، و آشکارا از نامه ماکسیموس به مارینون و از خود دمشقی که همان "از" را تغییر می دهند [/ ثابت می شود. 32] در "از طریق"، و آنها از شخص روح و وجود ابدی آن صحبت می کنند. بنابراین، تا آنجا که «از» و «با» موافق هستند، فقط « با» و «با» می توانند توافق کنند. این امر به ویژه توسط تئودوریکوس ثابت شده است. زیرا وقتی گفت روح از طریق پسر وجود ندارد، آیا با پسر فهمیده است؟ بنابراین او آشکارا دروغ گفت. همچنین شایسته نیست که به سکوت شورا تکیه کنیم. زیرا روح همراه با پسر است و در همان زمان از پدر سرچشمه می گیرد. آیا من اشتباه می کنم که این تعبیر «از طریق» به این معناست که گاهی همان «با» و گاهی خود به معنای «از طریق» است؟ اما برای او یا شورا لازم بود که این ابهام را تشخیص دهد و به او بیاموزد که چه معنایی دارد، همانطور که همه معلمان عادت دارند انجام دهند. اما نه همان چیزی که فکر میکرد وقتی پسر گفته میتوان آن را فهمید. و از طریق پسر منکر روح [/. 32] وجود داشتن، دلالت بر این علت من یک حرف اضافه فکر کردم.

پس واضح است که در همه این امور، روشن است که در مقامات تولید شده «از طریق» به معنای خود است و به وضوح بر قدرت و علت خود دلالت دارد; و این را به تئودور انکار کند و به معلمان مقدس دیگر اعتراف کند.

52 "Aà uh pou rddev eis rò ovapè; xarapéyous xal aragádiaxror ris o cías, duà rotto Aéyar

52. اما خود را به آن پناهگاههای معمولی برنگردان، پس بگو از طریق پسر بیرون بیای.

7 "Oc... togoUro] őoov... TooO TOv M: pérEOTL Cla- rius در حاشیه در ms. 12 Kai oæ ðei] om نوشته شده است. xai M. 14 xai] om. M. 18 aovsiras ms. 29 xa- Tapiyns BM; MS dyreb6ceans در حاشیه به آن مادر می گویند. در *λύσις.*

از خودش] باید حرف اضافه را بفهمید (و به همین ترتیب در زیر). [b hanc یعنی دلالت.
در حاشیه. راه حل مخالفان e

1 یعنی آن سه طفره مخالفان منتفی است، یعنی: روح که از طریق پسر حرکت می کند، همان است که خودش از 1 طریق پسر به جهان تجلی می کند، یا از فیض او، نه شخص، یا معادل بودن با حرف اضافه «با . 2 حداکثر و دمشق.
TuEODORETUS CVRENSIS در برابر کفر گویی سنت سیریل نهم (MG 76, 432 D) گفت: شورای شهر افسس (oecum. 431 (3

دیجیتالی شده توسط گوگل

ro vioő npoiévau tò wEðLa ele abau، lva جایی که
tò pasā; xal arapállaxTOv onlati r s ooolas.
IIpõrov pty yáo، tò rgotévau tvraña dl too
xTOQeÚeabau eipyra. Aðrós ts yàe ó beioç
Mátyuos d ro to elòv Šy r ngòs Mapivov šnu to-
λῆ, ἐν τῇ εἰς τὸν Ζαχαρίαν θεωρίᾳ ἐκπορεύεσθαι
فصیح ***· τὸ δ' αὐτὸ καὶ ὁ Δαμασκηνός, καὶ ἡ***
' Tôv vóðoy éBöóun. Tò ì ixnopeverba, rò ro
tragtuw čzev önaoī" xal vò ô vioŭ
ŠxroQSóerDaL, Tò du aitoð Tìy brapfv Eyev. Toüro
8oêx ðy 10 dévauro eivat, tooph xalo.
TUUSóuatps ndpteoş čvros airíaş "Erera ié, oð
Aéyouev vioŭ npoibvau tò YEÜLa. Tò Ta to
τῆς οὐσίας ἤ ἐστιν ἤ δηλοῦται — οὐ γὰρ ἡμᾶς
‹ dvauéve xal ròv iubrepov Aóyov j tela o ala Tois
npooúnOLs Tavrl erbal te xai xocvoõctau —·
ἀλλὰ διότι ἐστὶ τὸ ταὐτὸν τῆς οὐσίας, διὰ τοῦτο

τὸ πνεῦμα τὸ ἅγιον.

گفته می شد که این آیین با اتحاد، پیوند و هویت
آنها در ماهیت دلالت می کرد. زیرا در وهله اول، بیرون
آمدن از اینجا به معنای «ادامه دادن» است.
زیرا خود ماکسیموس که در رساله می گوید پیش
مارینوس برو، در شرح به او می گوید که نزد زکریا
برو. دمشق همین را می گوید، سینود هفتم هم همین
را می گوید. در واقع ادامه دادن به معنای امرار معاش
است. و از طریق پسر، بدون شک به معنای امرار معاش
از طریق پسر است. اما این نمی تواند باشد مگر
اینکه منبع بزرگ تری برای معاش روح نیز وجود ،
داشته باشد.
پس نه به این دلیل که میگوییم روح از طریق پسر
بیرون میآید، بنابراین یا هست، یا آشکار میشود، [.
33] زیرا هویت در جوهر نه از طریق ما، و نه از طریق
شیوه گفتار ما است، جوهر الهی امر الهی با اشخاص
متحد یا شناسایی میشود، بلکه از آنجا که ذاتاً هویت
است، بنابراین گفته میشود که از طریق پسر -spi
xal Néyerau ngoioto, xaloio, xaloeo، به وجود آمده است.

Toüto dè xal Aarivol paou ôud vò ry a Ty 53.
oôoíay evau narol xal vio, xal rávra tà ro zatgog tòv vi
šyev, | Slya به elvau naréoa، fol. 229
καὶ τὸ ἐκπορεύεσθαι ἐξ αὐτοῦ ἤ δι' αὐτοῦ τὸ
veõua tò čyov čyey dü yvplovrau. Tò 8 a td To ro
xai ó paxáouos Kópllos ev néprrq tôy ng ç
Egpelav önaot. a Tivos yàp touov elvat * pauev
— ***φησί*** — tò vebua tò dyor; Msi 941 nórepov در
uóvov To5 deoð xal Rarpós, yo n xai to vioő; xal
dvà pépos éxarépov xal åupoti,
ὡς ἓν ἐκ πατρὸς δι' υἱοῦ διὰ τὴν ταὐτότητα τῆς
κρίνεται δὲ ὁ ʿΕρμείας· « Οὕτως ἔγωγέ φημι, ὦ

53. لاتین ها هم این را می گویند. زیرا چون جوهر پدر و
پسر یکی است می گویند:
«و پسر نیز همه چیز پدر را دارد، فراتر از اینکه او
پدر نیست». بنابراین آنها همچنین اظهار داشتند
که او این را داشته است، که روح از او یا از طریق او
صادر می شود. این همان است که سیریل مبارک در
پنجمین به هرمیا شهادت می دهد و می گوید: "
بگوییم روح القدس از آن ماست؟" آیا فقط خدا و پدر،
یا پسر، یا هر دو جدا و هر دو در یک زمان، به عنوان
یکی از پدر از طریق جریان به خاطر هویت است؟ که
Ilargòs onabh wal vioo « برایش گریه می کنی؛ »
Akyar. درست است :آرو به هرمیا پاسخ داد: به نظر من اینطور است، اما دکتر به او گفت.

«Kai dyos ngðs a t n «°Opdöç در واقع. به خاطر تجاوز جنسی».

12 oð õóre] öts ooÙ M. 24 ve5pa tò ðyon] افزودن.
o.] Ôt M 28 نسخه iuzta، tò vidy M; همان حس تحت شکل متفاوت

اشخاص] اضافه کنید. بین این ب به ماگ. سیریل مادر

5 دوباره BESSARION به شهادتهای ماکسیموس قدیس در بالا اشاره کرد. 43، این. 22 ff. (sc. از * epist. to Marinus) و ؛
به صفحه. 29، این. 25-29 (از کوئست 63، تا تالاسیوس). 7 بار دیگر او شهادت هایی را که خطیب در بالا آورده است به
دمشق می فرستد. 40، این. 16-22. به همین ترتیب او به Con اشاره می کند. Nicene II، همانطور که در بالا، در ص. 41، این.
15-18 26-33 سیریل، د SSma. در تثلیث، به هرمیا، شماره گیری کنید. 6 (نه 5) = MG 75، 1009 B.)

دیجیتالی شده توسط گوگل

Aà rò rairóv، gnol، ri; onaías narpòs xai vioő, åupoiv ò TMeTuá Šorev xai &x naroòs ô vioð ***ἐκπορεύεται. Ὅ τι βούλεται ἕτερον ἢ διὰ τὸ*** Tairòv Tñs o clas vio nòo; ruTépa, xal ôà voo vioð ngóeLau Tò vETLa, xai vebuá šorev airo6, ö nED Xal *ὁ* too narpóç; Toiro ôÈ xai Aarlvous Joxei.

او می گوید که او هویت ذات پدر و اوست و روح هر دو به واسطه او از پدر است و حاصل می شود. جز این که برای هویت هستی چه می خواهد. 33] از پسر و پدر، و روح از طریق پسر بیرون می‌آید و آیا روح او نیز مانند پدر] است؟ اما لاتین ها نیز این را قبول دارند.

«AMws Te tò ó oovoLóv TE xai arapdraxrov ***τῆς οὐσίας οὕτως ἂν δειχθείη μάλιστα, ἐπὶ τῶν*** eiov nQoTÓNon، vioő Te npòs r narépa xai rVeÚJLaTo; ngòs vión، el ós atuov xal airaròv čzovGL Tpòs uńdovs. H yàp tova ra xovovhoEL Te uáuora đllýloS، olxelos čyovra noòs älyia xarà póao، dà tò a rò ô o ðèy hrrov xai dua- xQrdrjaovrau buàpārovõt.

ἢ ôt érégov, ToŬ a Toô xai évòç åupótepa ôvva-uévou xal elxóroç napalaußavouévov Šni Töv Betov. "aneo yàg dy čxeivous xai T tvóceL ***ἢ*** Bidxpu s xai v daxpigeu į Evwos GUWEupaiverau, oŬrws aváyxn xai touaóry Èxet haßeiv xov- &Loxiv r, os pôxu p. čwT reQutyeiv ***ἐν*** من ɿ xai nádsy toLaótnp Suáxpav، ouLreQihaußávevau xai ý

علاوه بر این، هویت ذات پدر با پسر و روح، و پسر با پدر و روح، به ویژه زمانی ثابت می شود که آنها به عنوان آغاز و آنچه از ابتدا است به یکدیگر مربوط شوند. زیرا تا آنجایی که بی گناه ترین، ارتباط برقرار می کردند و از یکدیگر متمایزتر بودند.

این روش، از آنجایی که می تواند هر دو را همزمان انجام دهد، از نظر الهی بر سایر روش های تمایز یا اتحاد، به طور شایسته ترجیح داده می شود. زیرا همانطور که در آن چیزهای الهی تمایز همراه با وحدت و وحدت با تمایز است.
بنابراین لازم است که ما در آنجا نیز چنین حالتی از اتحاد را درک کنیم که دارای تمایز کمتری نیست، و چنین تمایزی که در خود نیز یکی دارد. در واقع تنها نسبت اصل و (آن) از ابتدا همین است.

54. «Qore y twos dxoócwuev Néyovros Tõv tylan, ôuà rip õuoovouórnta eloijotau ôl' vioo tò TVEñua rò đyov čxnopsÚeotau, Enei riy تورووووو. xa aruaròv ayéous ôndot páhora, duà ty xarà rò a rov xal airaro ogeov vouioauev aitooç elgnxéva, dà ro ioð léyeadau exnopetetau rò nvebua rò ôjóuaz Guovouov napLoTą npos Toiç elgnévous, xal ó péyas uagrvohceu Baolaeos,

54. اگر می شنویم که برخی از پزشکان می گویند که گفته شده است که از طریق جریان روح به دلیل هم جوهی پیش می رود، چرا؟ با توجه به اصل و این که از ابتدا گفته می شد که رابطه خوب است، [/. 34] گفته می‌شود که روح‌القدس از طریق پسر حرکت می‌کند، و دلیل دیگری ندارد، زیرا این هم‌ماهیتی را بیشتر از همه، رابطه آغاز و آنچه از ابتدا است را ثابت می‌کند. که همراه با دیگران،

3 Gte BoólsTas tepor i &T.. .. (و بدون نکته پرسشی) M; ós B (ddd. دست دیگر). 11-10 vioŭ Te – veóuaroç ngòs vióv] nargós te ngds ro vi xai به YEŪua، xal vioð ngos tò r réga xal tò veŪua M;
این عبارت که بدین ترتیب تصحیح شده است با معنای کلمات زیر که نه تنها به هویت ذات بلکه منشأ اشخاص نیز دلالت می کنند در تعارض است. 18 و om [v.
م. 22 negukxev) owezeLv M. 29 voulaopev M.
32 elonuévous] eyeopévous م.

jdemtitatem در MS. b cum-posit] یعنی:
وقتی هر دو با هم قابلیت دلالت داشته باشند. تنهای - از آغاز] اول به تنهایی از ابتدا و از اصول; خط بالا را اضافه کنید که یک، اما اوم. his d eius - در آغاز] corr. در حاشیه برای اصولگرایان

دیجیتالی شده توسط گوگل

گنوس باسیلیوس نیز شاهد است که این را در نامه ای به کانون ها می گوید. "زیرا از آنجایی که پدر [بدون آغاز] نور است، پسر نیز نور است، اما مولود، با این حال هر دو نور هستند؛ آنها به درستی او را هم جوهری می‌خوانند، زیرا ذاتاً دلالت بر هویت دارند. زیرا اینطور نیست که آنها نسبیت داشته باشند، بلکه آن‌طور که برخی فکر می‌کنند، هم جوهری خوانده می‌شوند.
اما وقتی علت و آن چیزی که از علت نشأت می گیرد از یک ماهیت باشند، می گویند هم جوهری هستند. باز هم در سخنرانی خود علیه سابلیوس و آریایی ها، در مورد پدر و پسر می گوید: «زیرا ما آنها را آلمانی نمی دانیم، بلکه به پدر و پسر اعتراف می کنیم. اما هویت اساساً در آنها است، زیرا پسر از پدر است.

باسیلیوس می‌گوید: اگر روح را علت و مسبب او به‌دلیل هم‌ماهیتی گفته شود، از آنجایی که آنها از یک ماهیت برخوردارند، هم‌جوهی هستند. بدیهی است که به دلیل رابطه علت و مسبب، یا مبدأ و آنچه از ابتداست، از طریق پسر پیش می رود [ف. 34"] گفته شد که یک روح بوده است.]

ἐν τῇ πρὸς τὰς κανονικὰς ἐπιστολῇ ταυτὶ λέγων·
« 'Επεὶ γοῦν ἐστιν ἄναρχον φῶς ὁ πατήρ, γεννητὸν
dè pös d viós, põs öé, xal pö; čxreçov، buooóaLov
elrouev &v ðzalws، tva rò r c péoeoş ópóryuov
rapa Thowcw. O yào tà òeñpà åaAfaors 5 öoobcua
éyeraL، čneg tuvèç ÚneLjjaow، &d" örav xal tò
arov xal tò ex roo alrlov Tip Bnaokuw Ezov riņs
a Knóooceórlov».
Kai ėy r xurà Eaßedliov xal 'Avopolawy Aóyo regi
naróòs xai vioð Néyov, « OB yàp òelpá - 10 dbyouev,
φησί — dlld rarépa xai viðv juoloyoő-
μεν· τὸ δὲ τῆς οὐσίας ταὐτόν, ἐπειδὴ ἐκ τοῦ πα-
Tods ó vió; ".
Εἰ οὖν διὰ τὸ ὁμοούσιον εἴρηται διὰ τοῦ
vioð Tò VEĞua, Tò 8 Ex Tvoç öv ópuoovoov elvau 15
T o čoru, xal T peydio doxei Basilely,
καὶ μάλισθ' ὅταν τῆς αὐτῆς φύσεως ὦσι, διὰ
· tò airo xal alruaròv di vloð čxopsúeotau
ežprra.

فصل 1 7

مقامات پزشکان که روح القدس را از پسر و از هر دو 8 می گویند.

55. اما قبلاً از حرف اضافه "از طریق" به تنهایی، توسط معلمان شرقی به وضوح ثابت شده است که پسر آغاز روح است، آشکارا. ،

KEOAAAION EBAOMON 20

Χρήσεις τῶν διδασκάλων, ἐν αἷς ἐξ υἱοῦ τὸ πνεῦμα καὶ ἐξ ἀμφοῖν λέγεται εἶναι.

'Αλλ' οὕτω μὲν καὶ ἀπ' αὐτῆς τῆς « διά »* **55.
póvms oi 'Avaro:xol šöelyoroay dyo T y vi y Msi 944
airlay ppovovres To Veóuaros deKTÉOY 8è 25

الف به حاشیه. ریحان — bcorr.: در s. است

سی کوری. در MS آنها d eius - est] corr هستند. در حاشیه برای اصولگرایان روح] دل. در پایان فول برو جلو 1
و تکرار کنید در ادامه مطلب t فصل - essel add نامیده می شود.
در حاشیه بالا و به سمت چپ جارو می کند. فصل 7.
و متوجه خواهید شد که بیانیه این فصل هفتم در نسخه لاتین نیز شامل تمام مواردی است که فصل هشتم متن یونانی را تشکیل می دهد. و بنابراین عنوان به این صورت ادامه می یابد: *...
بیرون آمدن و جاری شدن; که فیض غیر معین روح نیست، بلکه به شخص روح گفته می شود که از نهر صادر می کند، جاری می شود، تراوش می کند و غیره. اما همه این موارد که به ترتیب شکسته در نسخه آمده است، در جای خود قرار می گیرد و ما در آنجا نیز خواننده را مطلع خواهیم کرد.

2-3 6 narhe - öé، wal pös] om. M éxáteçow) subinteligas beïov rgóowrON; شاید بهتر باشد éxárepos M 9 'Avopolwr) ' Apevõ M. 14 یا اضافه کنید.
بالای خط در MS 16 ترانسپ. بائولی اوکسی ام.
20-22 Kpálauov elyas] در marg. مادر پست اضافه کردن
دو کلمه اول نیز در marg. درست است

2-8 ریحان، رساله. 52، به قوانین، 2 = MG 32, 393 ق.م.
Sabellians و Avium و Anomeos, 4 = MG 31, 605 B.

10-13 ریحان، حم. برعکس

دیجیتالی شده توسط گوگل

öuos xai tvas ait y o ody jrrov xai t "Ex" *χρησαμένους ἐπὶ τοῦ υἱοῦ ἐν τῇ ὑπάρξει τοῦ* TveóuaTos.

داوطلب اما باید ثابت شود که برخی از آنها با حرف اضافه qu0 و "ex" کمتر از پسر در حیات روح به کار رفته اند.

'Exeivovs uy od, ov tois Aóyous xal tus åupußola xarahelrera, Baclasióv Té gnu xal vòv Nóg ns I'onyópov, 'A9aváauóv te xai čllovs, *παραλειπτέον ταυῦν. Οὐ μὴν οὐδ' ἐκείνων τοῖς* Aóyous xonoréov, oi rollayoð dexvóovoy looðv-*ναμοῦσαν τῇ « ἐκ » τὴν « διά ». Οὗτοι δ' εἰσίν οἱ* ll ozeuquoréov dè uóvovs Kúpud- per Aóv Te xai 'Eripávov, oapérregdv Te čnlawn xai uãiov ôà návrwy tôv Tontvravv aitois Aóyov a Ti <Tñ « ex »> xonoautovs n tò žloua Baov teàoðix vôv rí rwv dyõves xai t y apéoecwv, o ðbva Aeliý-*θασιν. 'Ερῶ δὲ οὐ πάντα αὐτῶν, οὐδὲ γὰρ ἂν* duvaiurp čžaprtuhoacba، àl' öikya te *al uétqua، Tò pijxos čxpeiyov.

از این رو، کسانی را که به شهادت آنها تهمت می‌زنند، گویی مال آنها نبوده یا از آنها صادر نشده است، یعنی آتاناسیوس، ریحان، گریگوری نیسا (و دیگران) را حذف کردم. و نه برای استفاده از مقامات خود، که در بیشتر جاها "آنها ثابت می کنند که معادل هستند" از در الهیات دیسیوف، ف نارس. جیا اما اینها، گویی، همه، یا بیشتر، از معلمان مقدس هستند، اما من سیریل و اپیفانیوس را مطرح کردم که آشکارتر از بقیه، و در همه جا بیشتر از حروف اضافه آثار خود استفاده می کردند. که اقتدار او در کلیسای خدا بزرگ است و چه نوع و مبارزات آنها علیه کفار و اینجا خودش، کسی نیست که او را پنهان کند. در واقع برای دان آسان نیست که تمام شهادت های آنها را ارائه دهد - اما برخی از آنها، با پرهیز از تلفیق کلمات.

56. *Ὁ μὲν οὖν μακάριος Κύριλλος, ἐν τῇ εἰς τὸν* Qoprfr «Ionja éourvelq, tã « °Exzeű dnò too the *πνεύματός μου », φησί· « Ἡ μὲν γάρ ἐστι θεὸς καὶ ἐκ θεοῦ κατὰ φύσιν ὁ υἱός, γεγέννηται γὰρ ἐκ* [230v] To5 deOŬ xai naTpós, I| Boy a To TE xai ev a ro فول xai è8 a roð rò THeõuá šot, xaðáreQ duéleu xai ér' aæroð vOEirau roð Deo5 xai naroóç ».

56. سیریل مبارک (1) بنابراین، در توضیح بر آن مقام [f. 35»] پیامبر یوئیل: «من از روح خود بیرون خواهم ریخت»، بدین ترتیب d: «از آنجایی که خدا بر حسب طبیعت، پسر خداست، چون از خدا و پدر متولد شده است، روح خودش هم در اوست و هم از او که هم از خدا و هم از خود پدر فهمیده می شود.

Kai tĘ a To t ru, moi, xal orws 8 aiToo s &r airo voeirau roo teov xai naroós, nãcay åupıßoliay tois npopaoi ouévOLS reQLaupüv. Kai nále» ó aitós, iv T nòos Baodéa Oeoðócuoy lóyy « Banl ovra — *ἔφη — τὸν 'Ιησοῦν ἐν* rvpi xai iyiy، veúuarı، oi rò llorQuov tois

باز هم در سخنرانی به امپراتور تئودوسیوس:

om. M. 6 xal &lou;] xai sl ts tre- Qos B: dè [به 2 đlovs M. 8 ابتدا طومار، سپس ابل در حاشیه ذکر شده است. 13 nOlayo6. برای وضوح اضافه کنید. 14 a ths] با M. و نسخه لاتین. همین sioèselas B. 21 o tw pnoi M. 22 xai] om. م.

[texiu graecO. b sunt اضافه کنید. و دیگران از قبل است، اما [del. c duxi بین خط. d در حاشیه. سیریل • شاید به دلیل یونانی، (مخفف) MS proprium در corr.; VEÜLa.

20-21 JOEL II, 28. 21-25 CYRIL, Exposition in Joel (II, 28), 35 = MG 71, 377 D. 30 ff. CYRIL, IUS, De recta fide ad Theodosius, 36 MG 76, 7188 AB.

دیجیتالی شده توسط گوگل

Banri outos čvuvra قدیمی dovAonperő; xai ngeTUKŐS، ål áş deov xarà póow uer èfovalas Tñs vawrárw، tò èÆ a roi xai Wov airoð ».
Kai ndir &y čAly' « NouoberovToS toryagoêy Toð Xo roo, is čy ait xai è a roð pv xã; inácyov، tò * rvetua aôro6 vououtereī ». Kai Msi 945 olbey Ilailoş *ἐν ἑτέρῳ· « Οὐδεμίαν ἄρα — [φησίν] —* duapoφày rijs toð vioð xal ăylov veóparoç *‹ φύσεως›, ἀλλ' ὡς ἐξ αὐτοῦ καὶ ἐν αὐτῷ φυσικῶς*

که او روح خود را خدمتگزارانه و ابزارآمیز، اما به عنوان « خدای فطرت، با اقتدار سانمه که از او و از اوست» بیرون ریخت. و باز هم در گنجینه ها:

"بنابراین، هنگامی که مسیح شریعت را می آورد، آن را چنان برقرار می کند که گویی روحش در او و از اوست." و باز هم: «بنابراین، سنت پل تفاوتی در ماهیت بین خون و روح نمی‌داند، بلکه تنها به این دلیل که طبیعتاً از او و در اوست، او را به نام دومینیک

بنابراین می‌گوید پولس روح خداوند ináOYov. T Tis xvgL Tnros ovópau xadei ». می‌خواند». و توجه کنید که،
Καὶ ὅρα ὅτι διὰ τοῦτό φησι τὸν Παῦλον κύριον τὸ nveõua xaléoau - özeg šorl toð vioõ Övopa —, *διὰ τὸ ἐξ αὐτοῦ εἶναι. Καὶ ἐν τῇ εἰς τὸν ἔνατον* dvateuariou v têyjceu «"Avtgoros yeyorós <- pro -) ù povoyerns roð eo5 hóyoç droue- évnxe xal oiro teós، návra šyaon õoa xal ó rarńóvovreon p. tò ¿þ aitoð xal š airo čurequxoş äyor veöua».

را که نام پسر است نامید، زیرا از پسر است، زیرا ما عادت داریم که نام علل را بر علل بگذاریم. به همین ترتیب، در شرح آن تماتیسم نهم: [. 35] «او می‌گوید که یگانه‌زاده‌ای که از خدا می‌آید، پس از آن که انسان شد، خدای باقی نماند، و همه چیز و پدر داشت، — فراتر از آن‌چه پدر نیست، و دارای روح‌القدس از اوست و در اوست.»

¡ Ei ôé ts abis dvtenáyou Tà roő Oeoðw- 57. to rov Tov đvadeuariouov elpnubva, پیروف به او;

57. اما اگر کسی بار دیگر مخالفت کرد که تئودوریتوس آنها را به این تحقیر گفته است، قبل از هر چیز بداند که هر آنچه تئودوریتوس علیه سیریل نوشته است، همه چیز را رد کرده و به تحقیر تمام مجالس مقدس بعدی تحویل داده اند. به گونه ای که شایسته نیست از آنچه گفته شده و قبلاً رد شده است، مطالبه شود. پس از آن، قبلاً به اندازه کافی در این مورد توسط ما گفته شد، زمانی که ثابت کردیم که او دروغگو است، هرچند نه در هر دو، اما در یک نکته. در حالی که او واقعاً انکار کرد که روح از طریق پسر زندگی می کند

4 به MS 8 برای چند .äJlp] &y tnaavpol; B. 7 nolv] corr تامین یک پا از Tlextus of Cyril; M بدین ترتیب: púceas ròcpopd» vioð te xal.. 13 ارسال slvas add. B M: tà ɪ yào r n aitlor dró ara toiç alruaroi; slóbaue & nuribbvau (B still oi čvbowrO). 17 póvov] به وضوح در ms. در متن ذکر شده M و B uóvou.

نه از دیگری - بلکه گویی) اضافه کنید. به
دلیل فراموشی در حاشیه b corr. در MS روح مقدس

4-6 سیریل، ایالات متحده، Thesauyus de SSma. Trinity, A sertio 34 = MG 75, 600 D. 7-10 CRIILUS، همان.
= MG 75, 576 AB. 2) کنایه از نام کوپیوف، که با آن رسول از مسیح صحبت می کرد COR.
3، 18): اما همه ما، با چهره‌های آشکار، با مشاهده جلال خداوند، از درخشندگی به روشنایی به یک تصویر تبدیل می‌شویم، گویی توسط روح خداوند. که سیریل از آن استدلال می کند.

1 Verbi Gratia (همانطور که لاتروکیئیوس افسیتوس در سال 449 تقریر کرده است - رجوع کنید به Msi 6, 506 B)، در Collat.
Const | pni II (oecum. V, an. 553) = Msi 9, 375 D-376 A شورای هشتم

دیجیتالی شده توسط گوگل

repi tobrov xai noótepov erouev xi võv aæ- Toi; tv ¿tfynaw drteorÝoauev Ta TTY, Gapõç rapi TõTav rỳv ro òa xálov dávoay.

اما ما باید با شهادت پزشکان صحت آن را ثابت ret کنیم، بنابراین نباید به سکوت شورای مقدس تکیه کنیم، و از آنجا استدلال کنیم که، از آنجایی که تئودورت نوشته بود که روح القدس نه از پسر و نه از طریق رودخانه موجودی ندارد، و شورا پس از شنیدن اینها سکوت کرد، و از این رو او را سرزنش نکرد. 36] او می دانست که حقیقت را گفته است. ببینید، در واقع، ثابت شده است که روح القدس از طریق رودخانه زندگی می کند. با این حال، سینود نه تنها در مورد دیگری، یعنی اینکه از رودخانه امرار معاش نمی کند، سکوت کرد.
اما این همان چیزی است که من در مورد آن صحبت می کنم، که از طریق پسر انجام نمی شود، که آشکارا نادرست است. زیرا آنها به همین ترتیب این را با سکوت می گذرانند، در حالی که دروغ است. همینطور بقیه، یعنی اینکه از پسرش روزی ندارد، چون — هم دروغ است. از این رو این مطالب را قبلاً ,—خودش گفتیم و اکنون شرح خود سیریل را معرفی کرده ایم و خود و ذهن خود را بیان می کنیم و به بدگفته تئودوریتوس پاسخ می دهیم. بنابراین، شایسته نیست که او را حذف کنیم و از تبیین کننده دیگری از سخنان سیریل و در واقع سرسخت ترین دشمن او شکایت کنیم.

پس چرا سیریل باید بگوید که روح متعلق به پسر است، در کفر نهم که تئودوریتوس گرفت - 1. 36°]، و خودش توضیح می دهد: "چون - او می گوید - از e0 است." و در این برای پدران غربی مناسب است; و روح فلی را می خوانند که گویی از او سرچشمه می گیرد.

58 *Προσέτι δὲ καὶ ἀπὸ τῆς ἀπολογίας τῆς πρὸς*
5 eodógrov Tò a Tò ToTo. el Ts eiyvapóvos dxovoerau. deifau duvápeba. "کاربرد ExpropeÚETaL

58. علاوه بر این، از پاسخ سیریل به تئودور، اگر کسی بدون نزاع گوش کند، می توانیم همین موضوع را ثابت کنیم. "در واقع در

ب قبل از سیریل دل. MS در C corY.
اضافه کنید. بالای خط a too] من نمی توانم یک کلمه دیگر بخوانم. او گفته بود.

1-2 aitoiş] aoos M.

1 BEsSARION را به مواردی که در بالا قرار داده شده اند، به صفحه باز می گرداند. 41-42; اما در حال حاضر او قول می دهد که بیشتر در ذهن THBODORETI نفوذ کند، اما این به ویژه در نسخه کتان که بعدا ساخته شده است، جایی که قاطرهایی اضافه شده است که در یونانی اصلی وجود ندارد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

γάρ — φησίν — ὡς ἐκ τοῦ θεοῦ καὶ πατρὸς τὸ
TVEbjLa t đyov، xarà ty To cwrñpos povy،
ἀλλ l' oox alórpuóv čatu toð vio· névra yào Eyet
però toð rarpó; ". Kai dvwépw roð vioð, molv,
Tveñua tò Vebua, xal ibov airoŭ, povovovyi
toŬTo éyov, dç el xai ex voð narpò;
8xnopsÚeoau airò» ó đwripuó oh'lló; hrróv
ἐστι καὶ τοῦ υἱοῦ, ὡς δηλαδὴ ἐκπορευόμενον ἐξ
aiToð" xa alrla، &tu nvra čyeu uerà toõ raTpóç.
dà to to yáo pn xal tò « 'E; aitov Aýyertau » elonra,
ôre Aaußáve čx roð nargós, haußaveL
|

روح القدس بر اساس سخنان ناجی از جانب خدای پدر آمد. اما او از پسر بیگانه نیست، زیرا او همه چیز را نزد پدر دارد. و این را به خود آموخت و در مورد روح القدس گفت: هر چه پدر دارد از آن من است. بنابراین به شما گفتم: او از من دریافت خواهد کرد و خواسته های شما را اعلام خواهد کرد. زیرا با اینکه ناجی گفت که روح القدس از پدر سرچشمه می گیرد، او می گوید که از فرزند کمتر نیست. و او از پسر و همچنین از پدر است. زیرا در بالا گفت: " زیرا روح او مانند روح پدرش بود و هست."

و نه بیشتر از پدر، کمتر از پسر، بلکه به طور مساوی از هر دو. اما این چیز دیگری نیست، جز این که روح پدر به گونه ای است که گویی از او سرچشمه می گیرد، پس البته ف. 37 او نیز از اوست، اما از او یا از طریق او میآید. و این دلالت دارد، هنگامی که به عنوان شاهد بر این امر عمل می کند، که او همه چیز را بیش از پدر دارد، و اضافه می کند که خداوند این را در مورد روح ؛ گفته است.

در نهایت، او همین را با آن مقام ثابت می کند که «از او، یعنی پسر روح را خواهد گرفت».

برای این نیز سنت اپیفانیوس، همانطور که کمی بعد نشان داده خواهد شد، آنچه را که از آن حاصل می شود، می پذیرد.

خود سیریل تبارک در توضیح خود در مورد خود یوحنا و بیان اختیارات خود چنین می گوید: "زیرا ما می گوییم روح را از پدر و پسری که از آن آنهاست دریافت کنیم، نه اینکه گاه حکمت و قدرت ذاتی در آنها وجود نداشته باشد، بلکه وقتی فهمیده شود که دارند، به سختی دارند، در واقع همیشه.

4 coYY. خاتم اعلام خواهد کرد. واضح تر در حاشیه
6 داشتن] تکرار می کند
7 به] عرضه. برای وضوح از [M. 10 df-yeabuu
به نظر می رسد بهتر تکمیل شود ayeras M. 12
Xal از M.

2 ر.ک. IoAN, XVI, 15. استدلال برای کل این متن از خود S. CVRILLO گرفته شده است (Apology against Theodoret, (anath. 9) = MG 76, 433 C).

1 Cyril, A pologia contra Theodoretus (anath. 9) = MG 76, 433 BC (cun citat. IoAN. XVI,15).
1 سیریل، در جان. انجیل (ib. 11, c. 1) = MG 74, 449 CD. 3 سیریل، ایالات متحده، در جان. انجیل (ib. 11, c. 2) = MG 74, 452 D.

دیجیتالی شده توسط گوگل

روح حکیم و قدرتمند است، نه، خود حکمت و قدرت
است، نه با مشارکت، بلکه به طور طبیعی.
بنابراین، اگر آن چیزی که روح از گل دریافت می
کند، حکمت و قدرت است. این، در واقع، گاهی او آن را
ندارد و گاهی ندارد [ف. 37] - زیرا طبیعت همیشه
چنین است.
با مشارکت، و همیشه آن را از رودخانه دریافت **non**
می کند; که چون مشارکت ندارد، ذات او هستند; از
اینجا ب چه چیزی جمع شده است که نمی داند؟ و این
را به درستی سیریل مبارک می گوید، که در بسیاری
از جاهای دیگر به وضوح می گوید که روح القدس از
پسر سرچشمه می گیرد، مانند پدر. در رساله نامگو
به نستوریوس: «اگرچه روح ناآرام در هیپوستاز c
خود است، چنانکه روح است، دیگر نه، با این حال از آن ،
بیگانه نیست؛ اما از او سود می برد، چنانکه از خدا و
پدرش بهره می برد».

اما کسی گمان نکند که این کلمه «بیرون آمدن» از
صف دوم و موقت در اینجا گفته شده است. اولاً به او
بفهمانید که این بحث توزیع مواهب و کرامات روح
نیست، بلکه بحث خود هیپوستازی اوست. سپس،
این را از جریان "شما همیشه با این دکتر برای ادامه
پیدا خواهید کرد" بگیرید. در واقع، پس در بیان نماد: «
در واقع سودمند است که متوقف شود، یعنی پیش
رود»; سپس در ششم به هرمیان، و او را روح حق نامید،
اما او ادعا می کند که پدرش از او سرچشمه می گیرد.

و نیز در اکثر جاهای دیگر همین را می گوید و نیز آنچه
می گوید: . 38] «همانطور که از جانب خدا و پدر» زنده ماند،
زیرا هیچ چیز در او زائد نبود، بلکه همه چیز با وزن
زیاد.

از چه] افزودن. بین این b corr. در MS col-Etsi] قبل از آن، به
نظر می رسد، و زمانی، اما دل. c مقید است
و قبل و از پدر، اما دل. از • به جریان (در متن CYRIILI)
با توجه به مفهوم استدلال، همان ((npoyeiaÜa
čxTOQEÓeTaL انجیل است.

1 سیریل، ایالات متحده، قسمت اول. XVII (ad Nestorius, de excommunicatione) MG 77, 117C (در اینجا از فعل » profvit s, pozeiras
rap' aroön استفاده شده است). ² Cyril, Epistle LV, ad Orientales (Exposition of the Nicene Creed) =
MG 77, 316 D. Cyril, De SS. 6, به. ترینیتی، شماره گیری کنید Hermia = MG 75, 1012 C (با نقل قول IoAN. 15, 26); حتی در اینجا
npoysiobas tf aætoo گفته می شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل

او می گوید؛ و بنابراین اراده می کند که روح از پسر باشد، همانطور که از پدر است. و به این ترتیب از پسر، مانند پدر، صادر، و نشأت می گیرد. و به هیچ وجه از این رو، در سخنانی برای تئودوسیوس امپراتور، در این باره صحبت کرد و خواست ثابت کند که روح پسر چنین است، روح پدر را در هم ریخت، و به گونه ای که از پسر به ما سرچشمه می گیرد، درست مانند پدر: بنابراین پولس مبارک، با کنار گذاشتن همه اختلافات در این موضوع، اکنون واقعاً آن را دوباره به خدا نسبت می دهد. سپس سخنان پولس را بیان می کند که با آن ثابت می شود که اسب روح است و همچنین پدر. زیرا فرقی نمی کند که روح پسر را بنامیم یا پدر. زیرا پولس در این امر همه تفاوت ها را از بین می برد. اما روح پدر خوانده می شود که گویی از او سرچشمه می گیرد. بنابراین به همین ترتیب روح را فلی نیز می گویند. ¹ —,

59. علاوه بر این، در مطالب فوق به اندازه کافی بحث کردیم که چگونه روح فلی نامیده می شود، طبق [If. 38 پزشکان: به گفته باسیلیوس، او فقط از طریق پسرش ظاهر شد. به گفته ماکسیموس، گویی به ایبریا می رود. به گفته پدران غربی، تانگوا از پسر ناشی می شود. بنابراین، سیریل به هیچ دلیل دیگری نمی گفت که روح کودک دارای پسر است، نه دیگران - همان طور که

* Tò yàg meõua vioð Aéyeotu, elonrau öros 59.
Toiç ayous vosira• xai öru t eydlw BagLħ las Msi 948
ὡς διὰ τοῦ υἱοῦ πεφηνός, τῷ δὲ θείῳ Μαξίμῳ ὡς ἐκπορευόμενον δι᾽ αὐτοῦ, τοῖς δὲ πατράσι τοῖς Δυτικοῖς ὡς ἐκπορευόμενον ἐξ υἱοῦ. Οὐκ ἂν οὖν 5
o88' air xar lov šoo&e roónov vioo Aéyeotau veŪua, xai iôLov toð vioŭ, l" i návros os
τοῖς ὁμόφροσιν, ὡς ἐξ υἱοῦ δηλαδή, ἢ δι᾽ υἱοῦ, τὴν

fi- o معلمان خردمند di-ragêw čyov oùdev yàg dapépe ès vioð éyew xerunt: گویی از پسر، البته، یا از طریق
vioő. Kai yap a ro; nOTÈ uev T «èx» 10 lium procedentem. زیرا فرقی نمی کند که از پسر بگوییم یا از طریق
پسر. در واقع، او همچنین اکنون "ex" را قرار می دهد، اکنون آن را به "از طریق" تغییر می دهد تا هر دو واقعاً گفته شوند.

rltnoy. roTe 8 a tty peralapßáve els ty
-xal ăpo duvautvas rapaaußá «بخشید»، به عنوان
vETDa.

4 پدر] افزودن. بین این در ms.، به دلیل حواس پرتی با موارد زیر، از flio. b corr. از متن یونانی؛ 6 aor] شما باید v Kv illy را درک کنید.

2 BASILIUS (Ps.-BASILIUS), v. gr., Book V علیه Eunomius = MG 29, 772 C, همانطور که در بالا، در صفحه 35, lin, 31 ff. 3 MAXIMUS, V. gr., Quest. 63, به تالاسیوس = MG 90, 672 C, مانند بالا، به صفحه 29، این. 25-29.

1 Cyril, De recia fde ad Theodosius, 37 = MG 76, 1188 D-1189 A (با نقل IOANN. III, 34).
² رجوع کنید به رام هشتم، 9-10.

دیجیتالی شده توسط گوگل

Kal yov åv roiç npòs Iladldôov xarà reõGV xa aróxpLow hóyoLs « TperTÒv ÔÈ oǓu nOV *πνεῦμα — φησί —.* Tò "H etreo tò toćreobau vodeī čr airy ó pipoç tvaðreo pówreo Šorù toő eoð xai rarpós, xai u xai ro *υἱοῦ, τὸ οὐσιωδῶς ἐξ ἀμφοῖν, ἤγουν ἐκ πατρὸς δι' υἱοῦ προχεόμενον πνεῦμα ». Οὐ μὴν ἀλλὰ καὶ* &y T réuTTŲ TÕP Npòs 'EQueiay, alríav dnobdovs Toð Tò TvEõua vos Aéyeoau vebua « Tivos žöov elval pauEY Tò TVe a tò đyov; nóTepov póvov roo *δὴ* Deoð xal narpós; yov xal toð vioő; *ἢ ›* xal và uépos éxarégov xal åupoty, á; &y èx rarpos de' vioð dà ry airómta ris o alaş ";

'Αποκρίνεται δὲ ὁ 'Ερμείας· ‹"Osrws šyuyé nu, Šraipe." Kai ó Kóplos ngo; aitóy • « °Opbös ». °Iôo xal a tòg tôo to vioő tò vebuá qpnaı, dà tò ô viov elvau ô vioð &é *ἐστι, διὰ τὴν ταὐτότητα τῆς οὐσίας πατρὸς καὶ* Aad dud r a ry ravtmy xal ntvra ta Toð' زندگی arpó; Bor toð vioð، nÂy Toò elvau narho.

Oroş éavro ðuà návtvv ó ðbáoxaloç uupovei.

"Ey Te yàp xai tò a Tò V86ua ix narpòs dt vioð *εἶναι μιᾷ πνεύσει πάντως ἢ ἐκπορεύσει· καὶ διὰ τοῦτό φησι αὐτοῦ ἴδιον εἶναι, διότι ἐκ πατρός ἐστι* & vio5 To ro ' šore ôà tò taiTòv T S oiciaç.

از این رو در آنها که در قالب دیالوگ به پالادیوم می نویسد: «اما روح تغییر پذیر است و به هیچ وجه ناآرام نیست». زیرا اگر قابل تغییر بود، این نقص به خود ذات الهی نسبت داده می شد; به طوری که روح از جانب خدا و از پدر و همچنین از پسر است که اساساً از هر دو یعنی از پدر از طریق پسر سرچشمه می گیرد، «همچنین در پنجم به هرمیا دلیل می گویند که روح پسر روح نامیده می شود: «می گوییم روح القدس ملک کیست؟ آیا فقط خدا [ف. 39"] و از پدر؟ یا از پسر؟ یا هر دو جدا و هر دو در یک زمان، به عنوان یکی از پدر از طریق پسر به دلیل هویت؟"

و سیریل به او گفت: "چنین است." بنابراین او] همچنین از روح مخصوص پسر صحبت می کند، زیرا او از طریق پسر است. اما از طریق پسر به دلیل هویت ذات پدر یعنی و پسر است.

اما به همین دلیل همه چیزهای پدر از پسر است، فراتر از این که پدری وجود ندارد. این معلم مقدس که در همه چیز با خودش موافق است، چنین می گوید. زیرا در واقع روح یکسانی از پدر به واسطه پسر و از طریق همان نفس یا نسب وجود دارد. و از این رو می گوید که برای آنها مناسب است، زیرا از پدر به واسطه پسر است.

2 de) om. M. 3 vodsI) voei perperam M که در آن transp نیز یافت می شود. rop telarv dvaðoausira. 5 xal wo xai] val pi xai M. 9 Tvos] اضافه کنید. pnay B. 14-16 'Aroxplveras - *Optös] om. ی م [ب 22 ته. 23 elva] tor. M. 24 airo] aitôn م.

ب در او پاسخ می دهد - این چنین است. از متن یونانی امااس. چهار خط حذف شده دنبال می‌شود که به نظر می‌رسد چنین می‌گوید: و این در واقع، از بسیاری، نه، بیشتر، مقامات قدیس سیریل، که تمام آثار او با آنها پر است، برای اثبات عقیده او و اثبات یا روشن شدن حقیقت این جزم کافی است. پس از این، که در کل .sc در نسخه لاتین، بسیاری از چیزها، آن ،BESSARION فصل 8 متن یونانی از آن استفاده کرده اند. بنابراین، همه این چیزها باید در جای مناسب خود قرار گیرند. سریع، تغییر در حاشیه نویسی برگ ها به شما می گوید که در کجا در ms.

نسخه لاتین به طور جداگانه یافت می شود.

2-7 CRILL US، در مورد پرستش در روح و حقیقت، I = MG 68, 148 A. SSma On the Trinity، به Hermia، (5 نه) 6 شماره گیری کنید. = MG 75، 1009 B.

9-16 سیریل، دی

دیجیتالی شده توسط گوگل

60. (بنابراین همین بس که شهادت های فراوانی از سیریل مبارک آورده که آثارش پر است تا ذهن او را مطالعه کنیم). . 43] اما آنچه سیریل در مورد حرکت در شخص روح القدس از پدر و پسر می گوید، این و اینها درست است.

علاوه بر این، اجازه دهید قدیس اپیفانیوس را در گفتار «آنژیروت» خود بشنویم که چنین می گوید: "روح القدس از پدر و پسر، نام سوم" و دوباره: "هر دو در انسان عادل، مسیح و روح او ساکن هستند." اما اگر اعتقاد بر این است که مسیح از پدر است، خدا از جانب خدا، و روح نیز از او، یا از هر دو، همانطور که مسیح می گوید: کسی که از پدر بیرون می آید، و از من خواهد گرفت. و واضح است که این معلم از توزیع کریزم ها صحبت نمی کند، بلکه از اشخاص الهی و وجود آنها صحبت می کند. 43] می افزاید: «از من خواهد گرفت»; تعلیم می دهد که وقتی می شنویم که خداوند در اناجیل در مورد روحی که از او دریافت خواهد کرد صحبت می کند، باید آن را طوری درک کنیم که گویی می گوید: روح القدس از او خارج خواهد شد.

همان در همان: «اما کیست بگوید: پس می گوییم دو پسر هستند؟». و چگونه تنها زاده شده است؟ اما تو کی هستی که با خدا مخالفت می کنی؟ زیرا اگر نهر را نام برد که از پدر است، اما روح القدس را که از هر دو است و غیره. و دوباره: «روح القدس، روح حقیقت، سومین نور از پدر و پسر است». و دوباره: «همانطور که هیچکس

60. *᾿Αρκέσει μὲν οὖν ἐκ πάνυ || πολλῶν τῶν τοῦ* فول
231lv paxaplov KvolAlou xai rÂslorwy. oy rljons rãoa *
aitoð Uyypaçń. xai uóva raôra ry Msi 949 čxeivov rapaorijya duávouav.

'Axoúcwuev dè ò brevbev xal 'Enupavlov roð 5 tavpaoroð Šv T °
Ayxvpwro Aóyv Aéyovros ošros" «Tò rveñua Tò čyov čx toð rarpds
xai t t °Ayxvpwro Aóyv Aéyovros ošros» «Tò rveñua Tò čyov čx
toð rarpds xai t t vio». Kai nály «°Aupótepa xa-
τοικεῖ ἐν τῷ ἀνθρώπῳ τῷ δικαίῳ, ὁ Χριστὸς καὶ τὸ
zveñppa a Toð. El de Xouoroç èx TO naroòs nu Teó- 10
era, Deðş ex Deoö, xai tò nveðua ix to6 X rro,
ἢ ag duporéQov, ös prov ó Xpu róç 0 rapà Toð
narpdş čxropeieraL, xal" Ošros &x Too šuoð
yerau ». npođúnwr xai rijs TOóTOv inápkeos tòv
hóyov

ποιεῖται· εἰς μαρτυρίαν δὲ τοῦ καὶ ἐκ τοῦ υἱοῦ
čxnopeúeotau. rò « °E$ époð Arfyerau» EAaßev.
Kal obáoKEL Ôuà To rwv orw Toð telov eoayyeħlov
ČxoóeLy Tò « °E# čuoð liyeru », úş xal èx roð 20 vioð
čscnopeóeota.

Kal Eru 'toi; aitois «'A šoei tuç Oönoiv pauev
dóo elvau viovs; xai us uovoyenjs; -من
νοῦν γε σὺ τίς εἶ ὁ ἀντιλογιζόμενος τῷ θεῷ; εἰ γὰρ
ròv viðv xalei ròv &$ aitoð. tò dë äyor aveöua 25 tò
rap' duporépur... », xai rà Aord. Kai šu «
IIvebua yov veõua darbeias tori, põs Tpirov
ragà nargds xai voð ». کای پرت کرد ""اوه
γὰρ τρόπον οὐδεὶς ἔγνω τὸν πατέρα εἰ μὴ ὁ
viós, onbi tòv viòv el u) ó narhe, oro Toduõ 30
λέγειν, ὅτι οὐδὲ τὸ πνεῦμα, εἰ μὴ ὁ πατὴρ καὶ
ὁ i viós, rap o ExnOQeverau xal rap oö Aapßáveu ».

بنابراین ما می توانیم] عرضه. از متن یونانی؛ اما نسخه لاتین را چه باید اضافه کرد: "اما آنها تا حدی در خود متن، تا حدی در حاشیه مشابه هستند. به [fol. 43r po- nUniuY. b Angyroto یعنی در کتابی به نام Anchored. In marg. Epiphanius C corY. ns 1 ؛ آنها

2 iv] ig اشتباه M. 4 rapaorjoau M. 6 otw M.

7-8 اپیفانیوس، لنگر انداخته، 8 = MG 43، 29C. 8-14 اپیفانیوس، همان، 67-66 == MG 43، 137 A B (با نقل. یوحنا 15، 26 و 16، 14-15). 18 جان. 16، 14-15 (و دوباره بلافاصله). EPIPHANIUS, Anchored, 71 = MG 43, 148 B 26-22 (با کنایه از روم 9 و 20: «تو کیستی که با خدا مخالفت می کنی؟»). 27-28 اپیفانیوس، همان. EPIPHANIUS, ibid., 73 = MG 43, 153 A 32-28 (نک : MT. XI, 27).

دیجیتالی شده توسط گوگل

(’Αλλὰ σημείωσαι ὅτι τὸ λαμβάνειν ἀντὶ τοῦ
čxnopeveabau ó äyoş &Eeðéfaro đvarépw). "کای
οὐδὲ τὸν υἱὸν καὶ τὸν πατέρα, εἰ μὴ τὸ πνεῦμα
Tò dyoy, tò đoçá o dAnbös, tò ðüáoxov Tà návra,
6 rapà toő narpòs xal èx toð vio5 ».

پدر را فقط پسر می شناسد و پسر را فقط پدر را می شناسد.
من به جرات می گویم که هیچ روحی جز پدر و پسری وجود ندارد که از آنها می آید و از آنها می گیرد. (اما توجه کنید که در موارد قبلی، به جای ادامه دادن، قبول کرد). "نه پسر و نه پدر، بلکه روح القدس که واقعاً جلال می دهد، که همه چیز را تعلیم می دهد، که از طرف پدر و پسر است."

.61 T yévort dy toóT N Gapé reQov, rl o& xal xabagóregov; O bagohony xai rov vio o roL alríav noLoŬVTaL too TVEÜuatos; oæx ÈÆ aæroð ôubdoxovoLw <aTò> Bxnopeóerbau; Tt oov; Bógopev Tà n a b a nò ; toaaóraş tôv đda xáȟov povás, ***οὕτω μὲν οὔσας πολλάς, οὕτω δὲ θείας, οὕτω δὲ*** ouupóvovç áráoas, xai r nòohpe zaguoáusvo póvn roórov indvrwv agyíav xavayyoaóueda; O nods dvðoov To To đopov te xal telwn xai Toos óyovs oixovouovvroy &y xplaet.

61. چه چیزی را آشکارتر می توان گفت، چه واضح تر؟ آیا این معلمان آشکارا پسر را نیز علت یا اصل روح قرار نمی دهند؟ از آن تعلیم نمی دهند [ف. 44] نیز همین رویه؟ اونوقت چی؟ آیا گوشمان را به این مقامات و شهادتهای اولیای الهی ببندیم، این همه باز، این‌قدر الهی، آنقدر با هم و حقیقت هماهنگ و با دلی سرسخت در برابر اینها مجاهدت کنیم؟ اما این ملک خردمندان نیست، نه انسانهای خوب، و نه از آن کسانی که می خواهند هم مباشر کلام و اسرار مسیح باشند و هم دیده شوند.

KEOAAAION OAOON

(فصل 8،

Χρήσεις ἁγίων δεικνύσαι τὸ ἐξ υἱοῦ παρ’ αὐτῶν εἶναι λεγόμενον πνεῦμα, μὴ ἀνυπόστατον χάριν, ἀλλ’ αὐτὴν τὴν τοῦ πνεύματος σημαίνειν ὑπόστασιν.

مقامات اولیای الهی که به وسیله آنها فیض غیرشخصی نشان داده نمی شود، بلکه شخص روح القدس خود دلالت دارد، هنگامی که از جانب خود گفته می شود که روح از جانب اوست).
]

.62 *’Επεὶ δέ τινες ‖ τῷ ῥήματι τοῦ « πέμπεσθαι »*
xai «npoyeiotau» ngoTxórTOVTeS, èx To vioë :232 فول

62. 391. امّا تا همه تهمتهای آنان که مخالف صحت طبیب هستند، آشکارتر شود.

او کلمه را می داند که باید فهمیده شود (نک : یادداشت متن یونانی) ب باب - از پسر بودن] اقامه.
عنوان از متن یونانی؛ به یاد دارید که این شکایت قبلاً در عنوان فصل قبل در نسخه لاتین بیان شده بود ، همانطور که در آنجا اشاره کردیم. ج واضح تر] اضافه کنید.
بین لین. توجه داشته باشید که تمام این پاراگراف توسط نویسنده به صورت مفرد نوشته شده است، زیرا اینها، در نسخه لاتین، پس از آنها تمام پندهای سنت سیریل، که در بالا به شماره ذکر شد، نهفته است. 56-59. پس sn ms.
معلم، خودش حاضر است، بحث می کند، توضیح می دهد، خوانده می شود. اما تصحیح با توجه به یونان باستان، زیرا این سخنرانی به پالرس های دیگر نیز منتقل می شود.

2 dyoç] ôudáoxaloc B. 5 xal x to l al toŭ 6 xal]
om. M. 7 transp. xal oro too vi v M.
8 oð xat &E vioð M. 9 عرضه بهتر. با م.
M. 13 in نمی دانم چرا td (xal tà r ngodtyeu) اضافه کنید. 12
marg. واضح تر. امااس xatayvwoóueba. 16-19 Kepáħauor -
Únboraae] 17 در حاشیه. پایین کمر اضافه کنید õen- viJas ms.

2 به فهرست بالا اشاره دارد. v. gr.، به آن از ch. 66-67، در قبل. صفحه، این. 8-14
2-5 EPIPHANIUS, Ancoratus, 73 = MG 43, 153 A (این شهادت، همانطور که دروغ است، بدون مقدمه، چیزی نیست جز ادامه موارد قبل.
همانطور که هیچ کس پدر را جز پسر نمی شناسد و نه پسر را جز پدر (متوله 7، 11). از او می گیرد و پدری که از او می آید: nap' oð
kenopeóTas xal nap' oð haußáve .(این نیز در فصل 11 = همان، 36 ج).

دیجیتالی شده توسط گوگل

اگر 39"] عقیده دارند که عطای‌ای روح از طرف پسر فرستاده شده است، نه فرض یا شخص او؛ باز هم استدلال می کنند، این عقیده نادرست آنها، و خودشان را آشکار می کنند که چه می گویند) حاصل می شود، حاصل می شود، سرچشمه می گیرد، از پسر یا از پسر سرچشمه می گیرد، و به سادگی، آنچه به این جهان فرستاده شده است برای سان.

tà ro NVebuaros zapiopara népreabau byovow, ***οὐκ αὐτὴν αὐτοῦ τὴν ὑπόστασιν*** — to TOv ydg xai eralaußáveLy Tods peralaußávovras , ös dy yélwç droôeLyoj nãoa neQegyla rõv Bovhouévàvov Tods 5 iyov; T v đyov ôófns zwpeiv, aæToi náÂ huiv raplrwsav, xal toôrov Tov Aóyov 8feaéy§ovres, xal ćavrovs BEyočpevou.

همانا او در فصل هفتم به هرمیا (b (divus Cyril گفت; «زیرا کیست که او را ساکن و ذاتاً در او بخواهد که ذاتاً و در حقیقت خدای نهر است و می‌گوید - وقتی روح را می‌پذیرد که از او بیگانه نیست و ذاتاً از او جدا نیست، بلکه از او و در او و خود اوست و به همان اندازه و او پروردگار است؟» نه و þost 2: "و او نمازخانه ای از آسمان برای ما فرستاد که به واسطه او و در او با ما است و در ما ساکن است؛ نه موجودی بیگانه که در ما جاری است، بلکه روحی است که با ذات خود و پدرش مناسب است. اکنون که او این را در مورد جوهر روح می گوید، کاریزما (در مورد) وجود ندارد، این کاریزما واضح است.

Φησὶ γοῦν ἐν τῷ ἑβδόμῳ τῶν πρὸς Ἑρμείαν ὁ iepòç KúpuAlos « Tò dë ô) riy bsíav huiv tyzagár- 10 Tov elxóva xai onpávtpov ölxn čurooov tò bnep- xóquuov xállos، oöyl rò Tvebuá čoru; » –* IM ò; Msi 952 ***ἅ φησιν ὁ Ἑρμείας· « Ἀλλ’ οὐχ ὡς θεός, φησίν,*** dal' ás teias xápros Únovpyóv ». - کای دیوس ‹ « Oöx aitò ToLyapoőv iuiy, l" o aito5 15 xáps čvompabverau ». 0 «Heueíaç· « «EoKEV». - '0 &yos « «H» oðv vayxaīov elxóva rňs xápros، xai ovyè uārlov elróva teo5، baxexljobau اسباب بازی čvôpwrov».

اگر 401 باز هم همینطور در همان: "اوئی به راستی تصویری الهی بر ما حک کرده است و مانند مُهر خاصی بر ما زیبای‌ی اعلا تحمیل می کند، آیا او روح نیست؟" " - بله، هرمیا می گوید، "هنوز نه به عنوان یک خدا، بلکه به عنوان وزیر فیض الهی"، - و سیریل: " بنابراین خود روح بر ما نیست، اما فیض او از طریق او بر ما تأثیر گذاشته است"، - هرمیا: "به نظر می رسد چنین است." سیریل: "بنابراین لازم بود که این تصویر از روی فیض انسان خوانده می شد، نه خدا."

63. پس از این، در نتیجه از طریق همه چیز، ثابت شد که هیپوستاس یا شخص خود روح، یعنی خدای واحد در تثلیث بود.

Er tpeñs xaraoxEválwy ôuà návwn ös ñ 63. ***τοῦ πνεύματος ὑπόστασις αὐτὸς ὁ θεὸς ἦν, ὁ*** 20 ***τὴν θείαν ἡμῖν ἐν τῇ πρώτῃ πλάσει ἐγχαράξας***

کل این متن اوید واقعی را تغییر می دهد، اما معنای کلی متن یونانی را حفظ می کند. ب تامین از متن یونانی از غیر موجود] یعنی dyunooTÉTOIS.

9 pnoiy ooy M. 12-13 rgòs öv proy Þ Equelas 21 نه! م. airdç] افزودن. ó els tig rpdôos B.

10-19 سیریل، ایالات متحده، در مورد تثلیث مقدس، به هرمیا، شماره گیری کنید. VII = MG 75، 1088 B.

1 سیریل، دی اس. ترینیتی، به هرمیا، شماره گیری کنید. VII = MG 75، 1093 A.

CYRII, LUS, 1093 ,همان B.

دیجیتالی شده توسط گوگل

elxóva, xai oozl zápus Tus dnóTTaToG * on To To uóvov ållà xai t ôevréoav toð nháouaroç avaxalvaw dà roð dwrmpiov Tois patrai; čupvaýparos yevouévmy, duà to áylov proi yeyevjobas TveÚLctoş. "Eðeu yàp nóótegov u) ov čvbouros yeyévnrau Toóro, r Ðelo ônAaðn vebuatı, ait T črvnoorér) be@, T ai d xalvau rávádv dnoléoara Dnoi yotv « El yàg tis o ciaş roo TveÚuaToç deayovauévn. *τις ἦν ἡ δι' αὐτοῦ χάρις, τί μὴ ἔφη σαφῶς ὁ μὲν* *πρὸς τὸ εἶναι, λοιπὸν ἐνεφύσησε χάριν ὁ πάντων* nuovgyós, rip Ôuà nvoj; rhs Gwñs, Xpu rds dè huiv, áßere xápw, Tp d énovgyias roð áyíov veóuaros; "AR' ovóuaorau ptv èv čxeivo « TVo) Goñs » - Gun yàp daņbös i tñs DeótnTos qé *σις —, διὰ δὲ τῆς τοῦ σωτῆρος φωνῆς, « πνεῦμα ἅγιον » · αὐτό που κατὰ τὸ ἀληθὲς ταῖς τῶν* nL TEVÓVTun yuyaiç tyraroxlovróç te xai čvbvros Tò weBua ».

که تصویر الهی را در اولین شکل گیری انسان بر ما حک کرد، نه با فیض غیرمعمول. او بیان می کند که جبران دوم طاعون با القای مفید شاگردان، توسط همین روح القدس انجام شد. در واقع، شایسته بود که انسان، قبل از اینکه باشد، توسط روح القدس ساخته شده باشد، یعنی خدای مستضعف دوباره به دادن تقدس — همین صورت، f. 40 درجه) با از دست خود، او باید بازگردانده شود. «زیرا اگر میگوید فیض روح از جوهر او جدا میشود، چرا موسی مبارک که انسان آفریده شده بود، نگفته بود: خالق تمام فیض را بهاواسطه روح حیات ارضا کرده است، اما مسیح به ما گفت: فیض روح را از طریق روح القدس دریافت کنید؟ روح حقیقتاً ماهیت الوهیت است، اما در اینجا از طریق نجات دهنده: روح القدس بدون شک همان روحی است که ارواح مؤمنان را می فرستد.

64. Taita gpī ro npoxeuuévov uaprvpla. 232 .زا-فول péoTeo0y 8 ov öuoş Eu rpoiov xal | pavegõs dvapeī, tò vopl er drvnóotavov hiv néuneobau rápv, xal ô æths uā; áyıá at au. Onoi yáo « Naoi ô teoŭ xai uy xai 9eoi xExAhueba xai šauev. Avbórov ye oń, vtoő r v *δι' ἐναντίας, εἴπερ ἐσμὲν ἀληθῶς ψυλῆς καὶ* dvnoTTÁrov záputos uéroyo 'AAR oiy òe čye. IIódev; Naoi yáo šuey Toð vTos Te Xal bperTneóros nveóparos ». 'AR Ex p v To nQo;

64. در اینجا شاهدهای آشکار در مورد هدف موضوع است. ولی در ادامه آن نظر را که بعضی گمان میکنند فیضی بر ما نازل میشود و ما به آن تقدیس میشویم، دفع میکند. همانا فرمود: «حقیقتاً معابد خدا و نیز خدا، هم خوانده شده ایم و هم هستیم». به همین دلیل، شکایت از طرف دشمنان، اگر ما در فیض برهنه شرکت کنیم و وجود ندارد. اما حقیقت اینطور نیست. زیرا ما معابد ارواح موجود و موجود هستیم

] 1 oð Toîto ôè uóvop M. 10 uey] om. M. 15 &y txelvo] txei M. 17 ôud đě] &yravba dè oud tñs M. 18 aÕrd] aÕtoð M. 21 .یعنی همان روح نجات دهنده capijs pereram M. 22 pvepõs] افزودن. *ὁ* d aætòg M. 26 corr. نئوو خانم و ب 29 اشتباه م *πόθεν ναοὶ γάρ ἐσμεν* — EÓJaro§; در و این کلمه به وضوح در حاشیه. خزیدم ب او]

3 ر.ک. یوحنا 20، 22: چون این سخنان را گفت، آهی کشید و به آنها گفت: روح القدس را دریافت کنید. ؟
5-7 یعنی زمانی که انسان برای جلال خدا آفریده می شود و از دم حیات به او الهام می شود. رجوع کنید به ژنرال دوم، 7
9-20 CRI, IUS, 'De SSma .در تثلیث، به هرمیا، شماره گیری کنید VII = MG 75, 1088 D-1089 A. 16 IIvor) Çwis , GEN. II, 7. 18 IIvsüuu "Ayuov, IOAN. XX, 22. 25-30 Cyril, De SSma. Trinitate, ad Herniam, Dial. VII = MG 75, 1089 C (با اشاره ضمنی: Cor. III, 16-17, 16-17, IOAN 1).

دیجیتالی شده توسط گوگل

'Eppela roāv övTwN — *ἃ ὁ βουλόμενος ἐκεῖθεν* đvade —, åoxśoeL xal ra ta.

Ἐν δὲ τῇ εἰς τὸν κατὰ Ἰωάννην ἑρμηνείᾳ — ἔτι πολλῷ πλειόνων ὄντων τῶν εἰς ταύτην φερόντων rỳy čvouay، t; äy inávrwv unoeln، örų 5 weyáan ayoń; — *ἡμεῖς δ' ἐκεῖνο προκομίσωμεν* uóvov، & &ty r ónt gn، T ol oðx & aiuárov ».

Atye yág « EireQ beós BoTu xai tx Deoð xa- *τὰ φύσιν τὸ πνεῦμα, οὗ δὴ καὶ μετίσχειν διὰ* ní Tewş ris el; Xpi Tòv d oópeta., Deol xon- parl opev.., os jön xai deo» čzores tv éavroi,..., xarà tó " Evouehow èv aiToiç xai čyreQrarhgo. 'Erei xarà riva róórov vaoi teoő šauEv, ei p teós, ἡ τὸ VeÜLa, xarà póaw Boriv; »

او به هرمیا می نویسد، هنگامی که بسیاری از [ف. 41 - تا هر کس بخواهد در آنجا برای خود انتخاب کند و این کافی باشد، وقتی آنچه را که به ما پیشنهاد شده است به وضوح ثابت کنند.

و از بسیاری از مواردی که همان دکتر در توضیح خود در بالای جان بسیار با ظرافت گفته است، <بیشتر آنها به همان درک منتهی می شوند که چه کسی همه چیز را به خاطر می آورد، یا حتی اگر اوقات فراغت طولانی در دسترس او باشد؟ الف: ما فقط چیزی را بیان خواهیم کرد که در آن مقام می گوید: "چه کسی از خون نیست" و غیره. به عنوان مثال، او گفت: "اگر خدا روحی از جانب خدا بر اساس طبیعت است، که ما از طریق ایمان به مسیح در آن شرکت می کنیم، ما نیز آنها می شویم، زیرا از قبل خدا را در خود داریم، بر این اساس: من ساکن خواهم شد و در آنها راه خواهم رفت." زیرا اگر روح ذاتاً خدا نبود، ما چگونه معبد خدا خواهیم بود؟

اما پربرکت ترین راهنمای سیریل اینها و چیزهای مشابه را می گوید. اما ما همچنین باید بشنویم که دیگران در مورد همین موضوع چه می گویند.

* 'AAlà xal ó uéyas Baaiñsos, auupúvoç 65. *τῷ θείῳ τούτῳ πατρί, τό τε ἐξ ἀρχῆς ἐμφυσηθὲν* Msi 953 *πνεῦμα ἀνθρώπῳ, τό τε ἐν τῇ ἀνακαινίσει τοῖς* uabnraiç inò Toð cwrjpos, riy telav elvau Aéyor *ὑπόστασιν, οὕτω φησὶν ἐν κεφαλαίῳ, οὗ ἡ ἐπιγρα-* p، ««Oru Dela phaç TÏ TVeñua» «IIvesua yàp *τῷ ζῶντι λόγῳ συντεταγμένον εἰς τὸ δημιουρ-* yer, töoa bovauç, xai Deia póous, çogmros ¿$ dpeýrov oróuaros rEryvia, doofrws Narà *τὴν ἐμφύσησιν εἰς τὸν ἄνθρωπον ἀπεσταλμένη,*

65. بنابراین، ریحان کبیر، طبق گفته معلم فوق، گفت که هم روح از ابتدا در انسان دمیده شد و هم اینکه منجی به شاگردان داده شد [1.41]، در فصلی با عنوان: «چه روحی که طبیعت الهی دمیده است»، علیه یونومیوس ادعا کرده بود که خود هیپوستاس یک روح است.

• most ad-suppeteret] suppl. از متن یونانی
ب حاشیه. ریحان ج دوباره به حاشیه. ریحان
د اول از یک دهان غیر قابل وصف; سپس، دل لطفا بین خط اضافه کنید سنگ معدن
پس از سابق

ošrw capéorara tò ngoTebeutvov .افزودن [طائرا 2
öeLw- vÜYTa B. 5 Grp] ùvrỤ M. 7 o) &e M. 15 AMd xai] '
O yooy B. 16 &Eapñs ms. و سپس دیگران

7 ر.ک. جان 1، 13، 8-14 CvYRILL US، در Evang. جان، ib. 1، فصل 9، (1، 13) = MG 73، 157 AB (با ذکر صریح 2 قرن 6، 16 = لاویان 26، 12؛ و ضمنی 1 قرن 3، 16-17). BESSARION در این درس کلمات خاصی را حذف می کند، که او یک عضو خاص را به ویژه برای این منظور می سازد: . T brèg uãs dvráuevot dófav، اما خدا از قبل در ما ساکن است...; در جای که مخالفت واضح است، اجازه دهید فیض عطای روح در شخص روح که توسط مسیح عطا شده است وارد شود. 20 ff. Ps.-BASII,IUS, Book V contra Eunomiun = MG 29, 728 D-729 A. Habentuy در تمام این قسمت از متن GEN, II, 7 و IoAN. XX، 22 — et

دیجیتالی شده توسط گوگل

xal xarà ròy đwarxös inò To Xpuoroð deuy- tévra TÚNOV، ao، در aæTo ôu Šupv ńgew; droxatiorauśvn. Evećyew yàg ôei r xar dgrjy l córnr tiy vov dvaxaívoy xal ti ovbpou 8ferérwcEv Šupv ńaas, o z trepos ov rapà tòv fol.
233* &Ę doxñs | čppvohaavra، dar' airós، ôd oð
ϑεὸς δέδωκε τὴν ἐμφύσησιν, τότε μὲν μετὰ ψυχῆς, νῦν δὲ εἰς ψυχήν ».

Oiro xal ooros ó uéyas rarho aiò To ró r u toiş patrai; tvtvau rò 'noov, örep ait Te xal T narpi oç ônuovgyòs ovmpituntai Te xal oTéTaxTau. ' AMà ro ro ôjAov، os i toŭ áytov nveóuarós tore bróoraas. «H inó raos ăpa toð vevuatos xai ry Toð dvbpónov rQútry Bònovgymoe rÌáow dà roő beiov čupvauaros، xai tois patyraiç dorepov dédorau، xai di a tUtGovTE to. Kai arn ý napà narpos d' vioő wa & vioð láurovoá te xal dvaßróçovga.

Oirw yáp paow ot narépes.

تهدیدی فرستاده شد و با توجه به شکل جسمانی که مسیح نشان داد، مجدداً توسط او با دمیدن بازگردانده شد. زیرا برای اولین آفرینش لازم است که تعمیر جدیدی به وجود آورد. اما تطابق را کسی که نفس می‌کشید، نشان می‌داد، که کسی نیست جز کسی که در آغاز دمید، بلکه همانی است که خدا از طریق او دمید، سپس در واقع با روح، اما اکنون در روح.

پس این معلم نیز می گوید که همین روح عیسی را نزد شاگردان فرستاد که برای خود و پدرش به عنوان خالق ف. 42] شمارش و ترکیب شد. حال این واضح است که خود هیپوستاس روح است. از این رو، نفس نفس، و اولین شکل گیری انسان به وسیله آن الهام الهی، به وجود آمد و سپس به شاگردان و به واسطه آنها به کسانی که ایمان آوردند، داده شد.

و این همان چیزی است که از طریق جریان و از پسر از پدر بیرون می‌آید (همان‌طور که مجمع اول نیقیه نیز در جای در مورد روح می‌گوید که «در واقع از رحم بیرون می‌آید، اما مخصوص پسر است و از او سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا پدران می‌گویند همان کسی که از پدر سرچشمه می‌گیرد، از پدر بیرون می‌آید.

.66 Kai rí héyw narépsc; اجداد ó gwrie, roù; roórwv Aóyovs erufa]poaylov, ro r a ó prow aiTòç nép7EL، 8 rapd ro rarpòg čxTroQeÚeTra, xal ***οὐκ ἄλλο μὲν αὐτὸς πέμπειν, ἄλλο δ᾽ ἐκπορεύειν τὸν*** rare " "Oray yág -noiv EA®n rapáxiy- Tos, tyò répypo óuir, tò veñua ris lyoeias, 8 ragd roő narQoç čxTOpeÚeTau ". Toito dè xai

66. و من چه می گویم: پدران؟ خود ناجی، با تأیید گفته های همه اینها، قول می دهد که همان را برای شاگردانی که از پدر می آید بفرستد. و دیگری نیست که از پدر برآید، جز دیگری که خود او را بفرستد. آن بند که من او را نزد شما می فرستم، گفت: «هنگامی که او بیاید، روح راستی که از پدر می آید.

4 ouvögou) öpou M. 6 dl' ó a Tóç M.
9 a to toÚTo] tatrò To to M. 11 nuovgyòy M.
21 در MS énuppaylwv; تصحیح 22 airòç] خیلی خوب است
اما‌س. و دوباره به یکباره؛ آگوی ام.

24-26 جان. 15، 26

اول در MS اینجا نیز؛ اما ترتیب کلمات با قرار دادن ابل نشان داده می شود. ب گفتار با آناکولوتون قطع می شود. و آخرین سخنی که پدران می گویند در عین حال خاتمه دو گفتار است.

1 من فکر می‌کردم که کنایه به «تفسیرهایی نه با فیلسوف فایدون، درباره روح‌القدس» شده است، همانطور که می‌توانیم در MANSI 2860 D ببینیم. علاوه بر این، می‌دانیم که در اولین سینود کلیسای جهانی هیچ کاری درباره راهپیمایی روح‌القدس انجام نشده است. کسانی که ژلاسیوس سیزیسی (ib. II, c. 20, in the talk). با این حال، شورای فلو در زمان رنتینی، عموماً توسط همه به عنوان معتبر پذیرفته شد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

زیرا خود گرامرها نیز این کار را به این صورت انجام می دهند

γραμματικῶν παῖδες οὕτως ἂν εἴποιεν· ὅταν

'-EAon napáxántos, ö; napà o5 narpos exrOÇEÚe می ساختند: وقتی روح می آید، که از پدر

عواید، که من [f. 42 درجه] من آن را برای شما ارسال می کنم. به این معنا که آشکار شود که او پسر را خواهد فرستاد، که این نیز از پدر حاصل می شود. پس اگر شخص روح از پدر سرچشمه می گیرد، از پسر نیز همین امر صادر می شود; که اگر پسر فیض غیر معینی بفرستد، شخص نیست، بلکه لطفی است که از جانب پدر است. اما هنگامی که این احمقانه است، در این صورت بی شرمی است که بگوییم; زیرا هنگامی که دو چیز از یک موضوع محمول می شود، یعنی روح: ادامه، یعنی و فرستادن، موضوع هر دو محمول باید به یک صورت گرفته شود. بنابراین، اگر ما میفهمیم که انحراف روح باید ادامه یابد، باید آن را نیز برای فرستادن درک کنیم. زیرا بدون دلیل، بدون آوردن هیچ دلیلی خلاف آن را گفته، و «عمل» را در واقع به انحطاط روح نسبت میدهیم، اما «فرستادن» به فیض غیرمعقول، مضحک، غیر معقول و اختیاری است و هیچکس نمیپذیرد.

ται, ὃν ἐγὼ πέμψω ὑμῖν· ὡς εἶναι δῆλον ταὐτὸ τοῦτο πέμπειν αὐτόν, ὃ ‹παρὰ› τοῦ πατρὸς ἐκπο- gsveTaL. Ei ov ý únóotags Toð veóuaros <rapà> 5 ToŬ TNATQdg čxnoDEÚerau, vaútny xal ó viðs néureu εἰ δὲ χάριν ὁ υἱὸς πέμπει τὴν ἀνυπόστατον, καὶ ‹παρὰ› τοῦ πατρὸς οὐ τὸ πνεῦμα, ἀλλ' ἡ χάρις d čsnopeóoro. "ARlà tošró ye npòg t reduavorfry xai Bado nuov. 'Erel yàp xa ivòs xal ToŬ aæToo 10 ONELJLévov, Toő vEópaTos, Öóo tivà xarmyo- gotrta, rò éxTOoal. ἂν ἐφ' ἑνὸς τῶν κατηγορουμένων τὸ ὑποκεί- uEvov To ro laußáveotau dei, orwç dvdyxn xai eal toð érépov Angoiyau. E * oðv « Br- | ropevd- 15 evo » Tp toő TVEÚLaToG voobuE ÚnóTTasw, xal fol. 233• Msi 956 « πεμπόμενον » τὸ αὐτὸ τοῦτο νοεῖν ὀφείλομεν. Τὸ yàę đilws Aéyen čvev tns årò T v lóyav dvdyxns, xal T pey čxTopEVeobau riy inóoraow drovépev ro TvEÓpatos, tp dt zápuv r nórovr ;Alà ro ró ye oix đv oôðel'. «سارل rapaðéfauro

67. از این رو، خود روح هیپوستا از نهر فرستاده می شود، که از پدر نیز سرچشمه می گیرد، همانطور که توسط خود کلمات انجیل و معلمان ثابت شده است. Ouare، در صورت ارسال، اگر [f. 43] برای سرچشمه گرفتن، اگر صادر می شود، اگر جاری می شود، اگر به چشمه می آید، اگر روح را از پسر می شنویم، لازم است که فرضیه الهی او را درک کنیم. اما فرض الهی روح باید از نهر جاری شود یا سرچشمه بگیرد و بقیه از چه راه دیگری ممکن است مگر اینکه علت یا اصل وجود روح باشد؟ (در واقع من نمی توانم درک کنم).

Iléurerau čpa rapà voo vioð, ius xai napà 67. τοῦ πατρὸς τοῦ πνεύματος ὑπόστασις ἐκπορεύ- ETaL, áró te rôv hoylwv šôeiyoy, nó te tôy 25 ôbaonáâov است. "Kore xai tò čx roõ vioð heyóuevov, τὴν τοῦ πνεύματος ὑπόστασιν νοεῖν δίδωσι· κἂν đvaßlúçew, xàv nIyá ey, xdv néureotau napà toő vioð Tò 0veüua dxoóuper, riy 9elav ixelvoU voeiv vayxaior inóoracw. Ilôs Sd čAkwç i roŕ 30 veóuatos Dela bnóoragIç Èx toő vioë rapà toð vloö eln, dvaßhóseev, yágeLev, h Eyovros ixeivov alríav; زووپاو کیوی گاو ایو.

1 قبل در MS kpoõce، در marg. slrosY ponilur .
4-8 میلی ثانیه سه بار در روز el oo 15] اضافه کنید. tò M, et *πεμπόμενον.* ante 27-28 xå dvaßlúçeuv] om. M. 32 *μὴ* Šzovros] subintelligas toð vebparoş. 33 افزودن. 'AMd rà uey ToŬ Belov Kvpllov, zouaÜTa B.

در واقع - من نمی توانم] suppl. *b* برای] بالای خط. از یونانی

دیجیتالی شده توسط گوگل

KEOAAAION ENATON

Ὅτι καὶ οἱ Δυτικοὶ τὸ αὐτὸ συμπέρασμα σαφῶς ἐξέφηναν, ὡς ἀπὸ τῶν χρήσεων αὐτῶν τοῖς βουλομένοις ἐστὶ καταφανές.

68 *Ἐγὼ μὲν οὖν ὅπερ ὑμῖν ὑπεσχόμην, διὰ βρα*zéwv، bs ólov te، nollà rapaLriv olpau terelexévaL. "Eðeža yáp, òs tvijv, unôèv nQoaYgnaáuevoç Toiş "Popaios, xai xafť að]rods rons áylovç na- répaç voog &$ Eóas, ròv viðv airlav ppovoiraş àVEi náVroy dMslous ouu-، Baivorraç xai robs pšy b vios ex rarpós، Tons 8 ix naêòs xai vio6 tò čyov txropeóerbau vebua، aitoós te poovoõvras xai iuãş duëáaxov-. ' Yptrepov 8 y ein, horÓv, đonaoauévovs Tà rag a tav, &votīyat 'Popaioss xal ri áyíq dxxnaią Poualov rairà poovoñGUv Čnep xaou oi RaartQes Ööon juov Kai u voulonte efe aitobs uhre toG narépaş airôv xai iuov، Tods &E Eonépas áyiovs، ivavtia roiç 5 'Ava- Tolijs dropýyaoôa. | O x žoTu ToŨTo، oùx ž T ravTàs
fol, 234r yàg uãtión elat oónpovol Te xal óuódoyou. *l* Kai napeoéuy av öuiv xai ràs xeńgeLs airõv ***ἕνεκά τε πειθοῦς πλείονος καὶ τοῦ τὴν πρὸς ἀλλή***Aouç ouupovias 'Avarolxöv te deuybijvau xai đurexõv, el p) návraç iuãs juorápy elõóras

Chapter, UM (9um] ,

که حتي پزشكان غربي هم علناً همان را شرقي مي گويند، بنا به گفته مقامات خود. از طریق ILATINUS به ما داده شده است، CLEAR A(P) برای ناظران READ.

68. [f.44] در واقع، من فکر می کنم آنچه را که وعده داده بودم، با تعداد اندکی، تا آنجا که توانستم، انجام دادم، و بسیاری را کنار گذاشتم. زیرا من به اندازه کافی ثابت کرده ام - بدون استفاده از پزشکان غربی - که البته پدران ما و خود پزشکان شرقی احساس می کردند که پسر نیز علت یا اصل ارواح است.
و در همه چیز با یکدیگر موافق و موافق بودند. و بخشی از پدر از طریق رودخانه، بخشی از پدر و پسر برای حرکت روح القدس و تعلیم و تعلیم. اما مال شما، همانطور که بود، به آن رهبران و در واقع صالحان -، به ایاتینی ها و کلیسای مقدس روم [ف. 44"] با هم متحد شوید، وقتی آنها همان چیزهایی را که پدران و معلمان ما نیز معتقد بودند، باور می کنند. و همچنین گمان نمی کنید که نه آنها، نه پدرانشان و هم غربیان ما، مقدسین را بر خلاف پدران شرقی گفته اند. شورای آنها

1-4 Kepáâaov xarapavé;] اضافه کنید. مادر در حاشیه پایین تر (دو کلمه اول نیز ma. در حاشیه سمت چپ تکرار می شوند) . در M این فصل دوباره به عنوان هشتم شماره گذاری شده است، 8 21 نای- تصحیح، ms. xat aitobg. rávrws M. 23 Evexa nettovs M [توس.

را tiulus in marg [به کسانی که به دنبال آن هستند - a Capitulum به اینجا اضافه کنید. بالا و سمت راست فصل 8 (صحیح 9). عدد 8 در واقع دو بار نوشته شده است، زیرا همانطور که در بالا ذکر شد، نویسنده در نسخه لاتین، یکی از موهای 7 و 8 را ب و به پسرش] ابتدا از رودخانه عبور داده است. موجود، تصحیح بین این چ حداقل همینطور - ، confettiur] عرضه. از متن یونانی

22 ff. بساریون در اینجا، همانطور که قبلاً در بیانیه این فصل آمده است، بیان می کند که یونانیان از لالینوس شهادت نامه های کتبی پدران لاتین را که به شورا آورده شده بود، دریافت کردند. با این سخنان آشکار است که لاتینی ها خواسته های خود را که ممکن است در قوانین شورا چنین فرض شده باشد، انجام دادند، اما به صراحت بیان نشده است، مگر اینکه من اشتباه کنم. دادخواستی برای داشتن مدرک اس اس. از پدران غربی، که در جلسات ادعا شد، ایزیدور کیوویسنی، همانطور که از اعمال رسولان برمی آید، ساخته شد: ما می خواهیم که از طریق پدری شما [sc. توسط جان د مونتنرو] حتی در نوشته‌هایی گفته شده است که مقاماتی را که در آن کتاب‌ها ادعا می‌شود، که از لاتین‌ها بود، به ما بدهد تا بتوانیم تا حدی خود را با مقاماتی که در میان ما یافت می‌شود مقایسه کنیم، و تا حدی برای اینکه بتوانیم در این کتاب‌ها بخوانیم تا آنها را بهتر بفهمیم. رجوع کنید به CFDS VI، Acta Latina (ed. Hormann)، t. 222

دیجیتالی شده توسط گوگل

Te xal åxnxoótaş nQOxouoávrwv Aativov. Kal äua čxratérros els pijroç roð hóyov, taha zon RÀElw apoote ivau. «Allws Te xai čĘerrau àvaåa- Bovou, čx toy ôodévrov rapà Aarivov ńuiv, čvayvã@vau.

من سعی می‌کردم با شرقی‌ها موافق باشم، مگر این‌که همه شما آن‌ها را می‌دانستید و می‌شناختید و زمانی که لاتین‌ها آنها را تولید کردند، شنیدید. به این، از آنجایی که سخنرانی ما طولانی شده است، چیزهای دیگری اضافه نمی شود. بعلاوه، ممکن است هر کس، هرگاه بخواهد، هم ببیند و هم بخواند، جایز باشد، زیرا آنها در میان ما هستند که از لاتین ها قدمت دارند.

To ro dè uóvov inopyijoau [ö]uā; 69 ،دوای‌خای‌وف.
öTu návTEs oi 'Enépas, xouvn, °lhápos, 'Iegú- epos, Aáuagos, Aiyovorivos, Apßgóoos, Aéwr ó ¿ Méyaç, xal Tonyópos ó Aiáñoyos, xai ööou xaloT xaiYöaşE t. Aóyov Tôv éavrõy, o y évl TV xal ov l xódou5,
ἀλλὰ διὰ πλειόνων κατασκευῶν τε καὶ λόγων ἐκ
To naTQo; xai čx toð vioð ŠKTOQEÚBOlau déyov u Tò ve a tò dyLOv. xai čx toő vioð ó; xai čx ToŬ naTpóS, xai aitiay oŬ TrVEÚuaros tòv vion eivau ús r o naréoa, xai pxiy airo Tòy a Tov, xai uiay xal tiv aiThy maiðiòay aito xai alðÉòy tòv vioy * äua, l' o Ôúo maialràg Msi 957 obo Tà ita. "A návTa ῆ oyoauévovs xaù napa- dévras toi; &Ę 'Avaroûis ðudaoxálous, dváyxn ouußalvew dlkflos aitobs oleoba, wal rairà nEQi Tôv aæupoveîv.

69. اما من فقط به این فکر کردم که آن را به یاد شما بیاورم، که همه پدران غربی، هیلاری، ژروم، داماسوس، آگوستین، آمبروز، مگنوس آیو، گریگوری، و بسیاری دیگر، چقدر واضح، چقدر آشکار، با یک ذهن، با یک صدا، [45r .] در همه جا در آثار خود، نه در یک یا دو عضو و مقاله، بلکه در بسیاری از کلمات، در گفتارها و براهین طولانی، آنها تأیید می کنند که روح القدس از پدر و پسر سرچشمه می گیرد. و از پسر مانند پدر. و این که سرآغاز روح رودخانه است، مانند خود پدر. و این‌که پدرش و او یک اصل هستند نه دو اصل. همه این چیزها را در ذهن خود می چرخانند و آنها را با سخنان معلمان شرقی مقایسه می کنند که می گویند روح القدس از پدر از طریق رودخانه و از پدر و رودخانه خارج می شود. همچنین، چون از هر دو طرف هستیم، لزوماً آنها را موافق یکدیگر خواهیم یافت و در همه چیز درباره یک چیز یکسان احساس می‌کنند.

0t re yà nòótepov elgnuévot óyou negi tis ovuçovias Tüv Öôagxádov pooveiy huās dvay- ; xá ovoı. dålýdosç ei; rair aitovs čQNeova poóvnua xai déyev rairá aitol te xal xa aó-
τοὺς οἱ ἐκ τῆς Ἑῴας τοῦτο φρόνημα ἐδείχθ[η]σαν
čyovres. 8 xai oi duruxo. áç pavepõş ýuiv paiveabau avupuvoitas. Kairo xal el pnðauös ÚnOVOEĪV aitoùc etyouev Ty airíay toð Tvevparos aroðbóvaş xal ro vi , póv r uì dpvei bau undéva pndauožóyvrūva toð weóLatos atrov, || jovváueta lkyev fol. 234

و دلائل فوق که در باب توافق و در واقع وجوب اطباء آورده ایم، ما را وادار می کند که در مورد این حرکت الهی با یکدیگر موافق باشند و یکسان باشند. 456] احساس ارواح مقدس، و همچنین در مورد دیگر جزمات ایمان».

6 juāç ms., éuāş B ex sense and version. 10 đa-pös] [èx toö 13 .بالای خط. در MS. اول ترسیدم اما نکات موضوع دل
supra lin. در MS 14 Tò IVsŪ a Tò đyov] Tò raváyov veŬLa M. 19 Tà] om. م.
26-27 xat aitog M. 27 šöelybeda in ms. 28] اضافه کنید.
aitoug B. 30 etyope] Ezouev M. 31 xai) om. م.

یک علف هرز روح در ابتدای برگ جدید، و del. در قبل از
تسلیم شدن

دیجیتالی شده توسط گوگل

uh ivrxeiabau 'Popalos oro nepıpavõs éx roð vioð AéyovGL Tò TVETua tò čyo. Nõv ôè vovué- *νους μὲν οὐδαμῶς, μᾶλλον δὲ καὶ σαφῶς διὰ τοῦ* vioð xai ix roõ vioë ŠxroQEÚealau tò veipa rò äyov pá xovras, o x đy e rouev "Popaíos oup- Balvery Taitò déyovot To To; 'AN o é enavi e Tua.

هیچ کس دیگر نمی تواند هماهنگی عالی آنها را انکار کند. و اگرچه پدران شرقی به هیچ وجه اصل روح را به پسر نسبت نمی دهند، اما هیچ یک از آنها به صراحت حرکت روح از پسر را انکار نمی کنند. هیچ کس نمی تواند جرات کند بگوید که آنها برعکس آن را به پدران غربی گفته اند. اما حالا که نه تنها انکار نمی کنند، بلکه خیلی آشکارا می گویند که روح از پسر و از پسر سرچشمه می گیرد، آیا جرأت می کنیم بگوییم که با غربی ها ملاقات و توافق ندارند؟ اما هیچ کس ما را تحسین نخواهد کرد، در واقع کسی نیست که ما را به جسارت، عجول و حماقت متهم کند.

n

70 Aei ô xai roito eiòèvau [ý]uās، os ovdauaç deī avyygáupata cbgaróueva déyeatau töy áylov tõv Avrnôv، el ra ra napaðefalueda rà ne pavópi to pEva، ToÚTov syóueva tĘ dváyxs auragabéyeaba. Osrw yàe y rheloros tórOLŞ Tõv Aóywv a tôy، xai ošros tv nãTL Ta ra tvéonapra، xat toaaútn xaù toaórn *ἐστὶν ἡ συνέχειά τε καὶ ἀκολούθησις τῶν προη-* yovuévor xal éropévoy، is nö' đy elvau pnòèy xar aiT y ÚT0KTEDGaL. Erel toÚTOV ye toŭ Snrńuaros xal Ty hóyoy Tôv nEpi toúTov čx Tôv čxeivov lóywv EaupovuévoU، oæðÈ čre heinera، onð' y čvouav Tà lenóuleo; aitôv TónOIS ŠAóxlnoa xepálaua xal Šyrńuara xExivnuéva dápopa، dud roôro qUn- paiverau ráVTa T v Aóyov.

70. اما این را هم باید بدانید که یا به هیچ وجه نباید آنها را پذیرفت [ف. 46] آثار پزشکان مقدّس غربی، یا اگر این را بپذیریم، همانطور که باید انجام دهیم، باید آنچه را که در مورد این مقاله می گویند، بپذیریم و باور کنیم. زیرا آثار آنها در بسیاری از جاها، بلکه در همه جا پراکنده است. و تداوم و تسلسل مطالب قبل به آنچه بعد است و بالعکس چنین است که هیچ کس نمی تواند به چیزی از اینها شک کند. زیرا اگر این نتیجه و دلایلی را که آن را ثابت می‌کند از آثار آنان بردارند، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند، و معنای باقی را بر نمی‌گردانند. خیلی به هم پیوسته، خیلی چسبیده و به هم پیوسته همه با این جزم هستند!

'Αλλ' ἃ μὲν καὶ ὅσα περὶ αὐτοῦ εἰπεῖν ἔδει τοῦ 23 sóyuaros, oş Ev ye r nagóvrı ôuà Boayéov nòo- oTnoauévors elzeiv, ös ivóv, nòiş vuās eipnra, xai ; oiðt rhéov bei rpooretvaL.

اما آموزه هایی که به اختصار گفته می شد گفته شده است و نیازی به افزودن نیست.

8 juāş ms., úuãç B. 14 ôuéanaprau M. 16 4n8' &] om. M. transp. undév elva 19 éfaupovpévwv M. 21 rÂelorous t v و Aóyan aiTôv uépaot B (et om. نپال). 24 aæovl cory. در ما

اما این کلمه، اگر نوشته شده باشد، روشن نیست، اما حس نیز اقتضا می کند. (البته آنها پدران شرقی هستند). quin] sic ms.، شاید ne-lius gui non

دیجیتالی شده توسط گوگل

CAPITUI، UM [1 قم] 4.

آخرالزمان و تكرار واعظان، و راه حل پاسخ كوچك، همانطور كه آنها چيزي را به مقامات غربي پاسخ مي دهند. و یک سفر به اتحادیه.

71. و التماس می کنم، خواهش می کنم، التماس می کنم، و از همه شما التماس می کنم، پدران عالی، جماعت مقدس، شبانان ارواح، راهنمایان نابینایان، معلمان نادان، که در این [ف. 46 درجه] پس از اینکه همه چیز در نظر گرفته شد و به خوبی اندیشیده شد، بیایید آن قضاوتی را انجام دهیم که بسیار مناسب است (و اقبال همیشه از آن ما را دنبال خواهد کرد)، و ممکن است شهرت، شکوه و رستگاری ابدی به ما بدهد.

برای یادآوری مکرر، اولاً، برای بقیه بهانه ای مثل قبل نخواهیم داشت، که چرا ما توسط چنین برادرانی تقسیم شده ایم و دوست داریم با لاتین ها دشمنی کنیم، این همه بسیار، بسیار خردمند، بسیار دانشمند، با هر قدرتی تباه شده اند، نه تنها چیزی که ذهن را زینت می دهد، بلکه همچنین به آنچه مربوط به بدن و چیزهای دنیوی است. که همانطور که پیش از تشکیل شورای عمومی عذر ما آسانتر بود، پس از آن نیز اگر دلیلی شایسته چنین تقسیم‌بندی را بیان نمی‌کردیم، اتهام ما نیز سنگین خواهد بود.

72. بعد، مبادا از آنچه در مورد توافق لازم پزشکان گفته شد فرار کنید، و نه اینکه ما نمی توانیم غیر از این بگوییم، در حالی که ما می خواهیم مسیحی باشیم و اصول ایمان را حفظ کنیم. [ف. 47] و اینکه پدران غربی آشکارا اظهار داشتند که روح القدس از پدر و پسر سرچشمه گرفته است و پسر به عنوان پدر آغاز آن بوده است. شرقی ها هم همین را می گویند، تا حدی از پدرشان

از فصل - به اتحادیه] اضافه کنید. حاشیه کردن در زیر و سمت راست تکرار کنید. فصل 9 (صحیح 10). عدد 9 به دلیل ذکر شده در فصل قبل دو بار نوشته شده است.

ب و از آن پیروی خواهند کرد] اضافه کنند. از متن یونانی بعد از هر دل. در c d

همچنین می تواند در ms برای شما خوانده شود، اما vid. متن یونانی

KEOAAAION AEKATON

Ἐπίλογος, ἐν ᾧ ἀνακεφαλαίωσις τῶν προειρημένων, καὶ λύσις τῆς πρὸς τὰ τῶν Δυτικῶν ῥητὰ ἀπολογίας, καὶ δέησις πρὸς ὁμόνοιαν.

déopau dè xai nanaxalā rúvras óuās، áy- 71. TaTo rareQEç Te xai deonóTa, o rnua icpára- Tov, rúloyos äyios, Taita návra oKEVautvovs xal dxpußaö; čnorýoawraç rãou, tjy npo ńxovGav ifeveyxeiv pñgor, xai irus iuiv per' ešqmuias čyerau nagà návra Tòv xQóvo, xai roiç ìyryóvous 10 uãş napanéLyáşvoer rapà návrwv čnalvov.

Evdloyloaale yàp npöra uév، as oæ، ópoia ýuiv ý droñoyia šorau ueréreLTa، ús xai rpó- Tepov، tis Tooaótns rôv àôehpôv Ôaugéoews، xai | čyopa; tis nò g Aarvovs, oraw pèv šyraş fol. 235 r *πολλούς, οὕτω δὲ σοφίᾳ καὶ γνώσει κεκοσμημένους* xai àperüy béq ravroiq, r Te čs pvyj * xal Msi 960 rỳp čxeivns xaráoraow xai Belríodw drayovan, t Te is đõua xal tà cuuatxà đpopóan xal 20 *ὅτι πρὶν μὲν οἰκουμενικὴν σύνοδον συνελθεῖν, ἐκείνοις τὸ βάρος τῆς ἀπολογίας ἐπέκειτο, νῦν δὲ* oU TávTos xovoð oVEÖploU, xad iuãv tà čxeivov *ἐγκλήματα μετεστράφη, ἂν μὴ εὐπρόσωπον ἔχω-* pey alrlay öeuxvóva، & iv air y ôunpétnuev. 25

"ExeLra, uéuvnote dváyxry uèv eivau ovu- 72. Baivev rob; rarépaç ðdijlous, xai äàios oix eivaı, xo TIavobs juāş ovras, oů AéyeLy obðt ppoveiv, Eoç đv xal ràç rîs niorews juõv mailyàs oúĞev dpellouey; narégas، 30 capé rará te xai pavegórara ěx Toð vioð čxTOpEÚ- eobau déyovaraş rò veŭua tò äyor، xêxeīvov airiay šyey Toð etva، Ganeg xaépa tòv.

1-4 Kepálauov - noò; óuóvouav] اضافه کردن. در حاشیه استنتاج، ma.، و دو کلمه اول rep. در حاشیه در سمت چپ

7 ناورا] om. M. 9 ýLiv BM. 24 uetaoTpapi- dETaL ávta، av uì choyov B. 25 Sexvúva، ms.

30 dpeinwuev] šoérupev B M. 33 altiav Šyew] transp. ابتدا در ms.، اما ترتیب کلمات با حروف قرار داده شده در بالا نشان داده می شود.

دیجیتالی شده توسط گوگل

Iloòs toèTOLŞ oæðÈy ihrrov xal rois èx Ti; 'Eoas zairò Toôro léyovras droðedeiyuévovs, Tos pèv T ôà roð vioŭ héyev airò ex toð Tarpòs čxro- pe erbau, toùg ôe t ix narpò; xai vioŭ, xai èĘ åupoiv etvau, xai čx toõ vioð đapô; etvau biôáoKev xai öte ara léyovres Toi; Popaioss naroáou ovußavovoL، xal léyovdw àllijloss rairá، is &vi xai rainl] pôeyyóuevou Yeóuar.

از طریق پسر، بخشی از پدر و پسر، و از هر دو، و گفتن اینکه خود او از پسر است.
وقتی این را می گویند باید با غربی ها هم عقیده باشند و نه فقط در جمله، بلکه در کلام هم همین را بگویند، گویی با یک روح صحبت کرده اند که آنها را روشن می کند.

73. 'Exi nã t ô toóros, xai iy hpiv čyò ino- Aeuubvy roloyiav öpā, nepi cöv of 'Pauaiou rurépeç padi, xai raútny obdèv oooav sibóres xawráiov, pāháyov e Bovdev- oúpeðа rà peirio، xai ngos čvwaw Čreybüuey، e@ dpćoau Bovhóuevo. "H yàp wà deiv déyeoba, paín Tuç ăv, Toùz áyiovg xai rávra ineixerv aitoiç • 9 déyerbau pèv airob; dvayxaiov oæ pévro xai nÅamdijyau övorapovas,

ή tó ye oróy، xai roiroy، xai ná ns ço rhávns elol، xai návra nELGTÉON a rois. Taira uévtou fol. 235v TolaTra napà Aurívov dveyvoquéva | röy áylov ónrá، oox elai yvjoia t s ðuavoiaç čxeivov، dllà vóda tuvà xai naotyyoarTa، xai náVTa árhūş TaparENOtnuéva xal npoatiīxau zeigd; شرم

"AMà Töv uev noórov o dtv oid iuei، ôéfau ' čv، rávra iuõv eòtis đvetpárn rà Tj؛ čxxâņoia؛ pvoripua، xai er' oidevds Beßrjxayvods ôérjxavpoņl. yélws oagis xal xaráyvooş nQóôyios, ei návra &Ejs, ošTo p v tooara Beßla, oro dè touaõta vóta čpoüuev, xarot, nadaās uèv xal deyaorárns ögav àèv tonaguéva rij ý, ô a ris õè tñ: åxolovblaç rôv rponyovpévov xai éropévor dexvõvra to yri LoV xai tañra tôv juerépwy rávTOV Xai air v T vrovà, xala. TpótoV Xaxoð T dǎuaptoewş åxuīs åoxjs xpaoávrwy، uepvmuévwv To TOV،

73. در نهایت، من تنها پاسخی را که لاتین ها می گویند برای ما باقی مانده است، زیرا شما نیز قضاوت کرده اید که هیچ، بلکه یک چیز کودکانه و کاملاً مضحک است.
بیایید با خود در مورد آنچه مفید است مشورت کنیم و اگر می خواهیم کارهایی را انجام دهیم که مورد رضایت خداوند است، با جاتین ها متحد شویم. زیرا یا معلمان مقدّس را نمی‌توان حتی با گفتارشان پذیرفت [ف. 47 الف (ج)- استراحت کردن. یا در واقع پذیرفتن و تکیه بر سخنان آنها، با این حال نه همه، زیرا آنها نیز مانند مردان می توانستند در برخی چیزها اشتباه کنند. یا اینکه بقیه چیست و سوم اینکه در اشتباهی نیفتند و همه حرفهایشان را ببندند. اما این مطالبی که ایاتینی ها به وجود آوردند، گویی شهادت اولیای الهی است (می توان گفت>) نه از ذهن آنها سرچشمه می گیرد و نه نظر آنهاست، بلکه افسانه ها و اضافات و اضافات این لاتین هاست که در کتب اولیاء الهی توسط دست و ذهن بیگانه نوشته شده است.

اما هیچ یک از دو مورد اول - من مطمئن هستم - و نه شما تایید می کنید. مگر اینکه کسی بخواهد همه پایه های ایمان ما، اسرار کلیسا و تمام حقیقت را براندازد. با این حال، بقیه، و سوم، حماقت آشکار، آشکارترین تنبلی است، اگر این همه کتاب، بسیاری از آثار معلمان، بسیاری از آنها [ف. 48] زحمات، نذرهای بسیار

3 به] افزودن. بالای خط در MS 8 Tairo] corr., ms.
Tavrò 16-17 o pévtou y' & nãar xal yàg arovg dv- tpúrovs ovraç buvaròy rhavntjvat B. 19 zu Téov prius in ms., then corr. 21 oČx eiai] افزودن. بالا در در ms.
36. در MS. حاشیه کردن

که از آن - می گویند] بین این اضافه کنند. d eal بین خط اضافه کنید. تامین C از متن یونانی (بالا، سطر 15: paln Tiç v) و از حس; در MS قبل از آن هیچ ایرادی به اضافه یا تصحیح در حاشیه ندارد که بعداً صورت نگیرد. d corr. در MS نوشته شده است

دیجیتالی شده توسط گوگل

چراغ ها قطعاً توسط کهن ترین دست هیچ کدام نوشته نشده اند و در سراسر جهان پراکنده و تکثیر شده اند. مخصوصاً وقتی می‌بینیم که خودمان، حتی قدیم‌ها، و در آغاز این شدیدترین اختلافات بودند، در واقع از مقامات پزشکان غربی یاد می‌کردند، اما چیزی بر ضد آنها نداشتند که شایسته استدلال باشد. بنابراین، هیچ کس نباید به هیچ وجه فکر کند که آنها فاسد شده اند، زیرا حتی در همان ابتدای بحث به همین ترتیب در کتب نوشته شده است; بیشتر از همه، زمانی که آنها وجود ندارند [48 .f*] مجلدهای باستانی دیگری از آن معلمان داریم که به زبان لاتین نوشته شده است که در مقایسه با آنها می‌توانیم به فساد آنها پی ببریم.

οὐδὲν δὲ ὅμως ἀντειπεῖν δυναμένων, ὅ τι καὶ ἄξιον λόγου· ἄλλως τε καὶ μηδ᾽ ἄλλων παρ᾽ ἡμῖν ὄντων βιβλίων, πρὸς ἃ παραβάλλοντες τὰ τῶν Aarívov lê vótov airôr špopáoauev ăv.

74. اینکه وقتی همه چیز را مشاهده می کنیم و آنها را در ذهن خود تکرار می کنیم، بدتر را انتخاب نکنیم و بر علیه خود قضاوت نکنیم (زیرا اگر خودمان را محکوم کنیم وحشتناک خواهد بود). ما نمی خواهیم به خود و ملت خود خیانت کنیم. اولاً از حق روی برگردانند و چشمان خود را ببندند تا مبادا نور را ببینند. سپس به میل خود، هر نوع شرارتی را علیه ما انباشته می کنند و به جهات مختلف به کل ملت ما توهین می کنند. زیرا چه کسی نداند که حتی بدی های دنیوی نیز از این تقسیم بندی به دنبال ما خواهند آمد؟ چه بدبختی هایی و چه نقشی را دشمن و دشمن خود شاهزاده ترکان را در برابر خود قوی‌تر کنیم؟ و هر کس این مراسم را انجام دهد تقریباً به طور کامل در خطر نابودی هستند. 49 اینچ ما

1

"A nvra dvaloy áuevoL, xal não Tòv vo N 74. čzuorhoavtes، u) tà zeipoo člóueoa، undè xat' i- ***μῶν αὐτῶν τὴν ψῆφον ἐξενέγκωμεν —*** Öevòv yág، el iueiş iuöv aitôv xarayyoinuev **—· μηδὲ** npoðöpev ipāş airob; xai tò yévos, npôra pev dooTpapijyau dófarres rip dàsdeav xai * uó- ***σαντες τοὺς ὀφθαλμοὺς πρὸς τὸ φῶς, ἔπειτα δὲ*** Msi 961
xai šlelovrai aitoi xaf iuõv aitôv Tà ôevórara enayayóvres xal rodlahaouáoaves tà deLv. "Ooa yàp ýuiv xal ouuarwà čvrevtev EreLd devá, xai óş layvpóTegov uev Tov xovòv eybpò ; xal noépuov ózloouev xa? hpov, xai ás xuy- duveóeL ayedòv zav) (åp'] iuãş xai rjp čxxayaías rip hûeTépav xoo- Tiavõv، xai tò övopa roŭ Xpi roo ixeitey téheov čxrQßigeabau، oèdels

a too] corr. بین لین برای کلمه دل که خوانده نمی شود. b قبل از آن در MS. آنها قلب c وحشتناک - condemnaverinus] suppl. از متن یونانی

16 xai ocl om. ب 18 کور. اما‌اس .óp huãs، زیرا با معنای نماز سازگار نیست. 19 بعد از اضافه کردن Xor-oToŬ. پی بی

دیجیتالی شده توسط گوگل

مسیحیان نابود شده اند و نام مسیح در آنجا کاملاً از بین رفته است.

.75 Kai ôuñdov åv rávra xaî' šv, xai čroayúðnga zà šruóvra t yéveL ôevá, xai nã u toi; åzò Xou roð xalovuévous, Tožş Te èv výgos, rož; Te Šv rai; ijneioous, rol; ev dvarolğ, toīş v ăpxrQ xai zôv v dógEL TOŽ; juiv öuoyvú ooi te xai õuóppoduw oy فول 236 r ، õoa Bs oüua xai rà gouaruxà dvapépera póvov — *οὐ τοσοῦτον γὰρ ἂν ἦν τὸ* ôevóv -، alld xai Baa šs yvyýy te xai eioéßeay *τείνει, πάντων ἁπλῶς ἢ τῶν πλειόνων, τῶν μὲν* éxóvron، Tôv dè xai róvrw xvovvEvóvTov izaybijvau r nhávn، xai drooripau beoð- el *μὴ* noos eiôóraş ó Aóyoş tylv To، xai Toð urau lâtoovy. Tlş yàg oæx obev ös pón *μὲν ἡμῶν ἐν κινδύνοις καταφυγὴ τὸ Λατίνων κα-* teleireto yévos xai i per' aitüy čvoIs، čnet e čiritovou apāş aitovs dvaxriaeotau xai roðs Šzopobs xarayove ī bau; póvov dè T nodeuiço To to póßrrpov iv, inéyov air v ór0Tov Tīs pa- vías ris xus ñuöv, xai ijpepe iy dvayxáor xal u Bovióuevov; O ravin yvvoévres, n nOTe pevšlóJueba; ris huiv žotat rüv xaxör Aóous; rĺ azlay tüy ôeevöv;

75. و من تمام مصیبتهای آینده ملت را به ویژه برشمردم و تأسف خواهم زد. برای همه مردم ما: کسانی که در جزایر هستند، آنهایی که در همه جای دنیا هستند، کسانی که در شرق ساکن هستند، کسانی که در شمال زندگی می کنند و کسانی که ساکن غرب هستند، همه در این مراسم با ما ملاقات می کنند. من نمی گویم که آنها فقط به امور مادی و دنیوی مربوط می شوند - زیرا آنها آنقدر بزرگ نخواهند بود که تصور کنند حقیقت —، به روح و تمامیت ایمان نیز مربوط می شود، در صورتی که همه آنها به سادگی یا بخش عمده ای از آنها، بخشی داوطلبانه، بخشی به زور، در خطر انحراف از ایمان، دست کشیدن از خدا، و موافقت با نافرمان باشند. همه اینها را می‌گفتم، می‌گویم، اگر خطاب به شما که همه مرا بهتر می‌شناسید، خطاب نمی‌کردم. زیرا که نداند تنها پناهی که برای ما باقی مانده دوستی آتی ها بود و ف. 4G اتحاد آینده با آنها، bac واقعا امیدوار است که قادر به محافظت از خود و شکست دشمنان خود؟ و اینکه این به تنهایی دشمن را منصرف کرد و خشم او را بر ما مهار کرد؟

اگر اکنون از چه چیزی محرومیم، به کجا فرار کنیم؟ عاقبت بلای ما کیست؟ عاقبت شر چیست؟

.76 Kai el uiv nhávny doyuárov ðasrpopip zí TEOs rov Aarivov xareyvúcrouEY, oæx đv ou8 aiTi; úuiv ovveßoóíevoa tiÿy uer' a toy anáaadbau čvoow xai o ros čyovGy Guovojga، aitois، tà ‹ đwuarxà beðuóta; ôevá, xai zp0tlo- pévovç tūy nveVuarKÖv Tà TApóvra, xai rijs T s

76. و اگر ما لاتینیان را واقعاً در اشتباه و روی‌گردان از حقیقت می‌دیدیم، قطعاً به شما توصیه نمی‌کردم، زیرا چنین رفتار می‌کردند، متحد شوند، از دست دادن چیزهای دنیوی ناامید شده‌اند، و اصرار می‌کردند که حال را مهم‌تر از آینده، رهایی بدن‌ها تا روح‌ها.

و اگر من تشویق به اشتباه شده بودم، کل این جمله در لاتین با وضوح کمتری بیان شده است. در متن یونانی فقط یک کلمه از جمله اصلی وجود دارد (oæx iy oæÝ' aþròs úuiv & و از این رو ذره منفی بر تمام اعضای جمله زیر، (" oUveßovevaa تأثیر می گذارد، که می تواند با ذره xal به آنها بپیوندد.

با این حال، در نسخه لاتین دو کلمه (• من توصیه و تشویق می‌کردم) به همین معنی وجود دارد. و بنابراین شاید بهتر باشد که بگوییم: از حضور بزرگ تر دلگرم نمی شدم، یا حتی به این ترتیب:

و حضور بزرگتر - تشویق نمی شدم.

5 xai toiç ey dúceL M، sed bene ms. t v ev ôugeL Toiç. 6 & sl به او M. و به همین ترتیب کمی پایین تر.

14 خواندن MS. ñuov حفظ شده است. [;M. juv. 17 ëzbpoi zodeplov; B. | nolepip} èyooo B. 20 zj] nOi M.

21 می‌لی‌اثانیه و 28 B pevŞovueba. تو را می ستایم. Tis] om. ی‌ک T c M.

دیجیتالی شده توسط گوگل

puzjs Bersaeos ry r y douárov člevbepíav dalà •
nòótepov đy návra a róç Te ÚnéGTy Tà gei-
piota، xai vpiv énedéuv، aiToiç époći r.
gveßoAEVTa Čv. Nêv d
δέος ὑφέρπει μὴ τὴν σωματικὴν μετὰ καὶ τῆς ψυχι-
xij: BAáßrs člápeda xai rdaņ0j te xai eiaeßij
ppovoivrwv airõy xui oèðiv nlavouévor nepl Tp
riTtiV، Einep uno' oi narépeç huõv xai aitôv xai
bdáupawóv tp riTtiV، čxxlyoią xai tois iylou; xal
ôuôaaxálous toi; 8 "Eoas, hueiç éni xaxp t
aperép) daupelijvau T v TOOTwv dvðpôv
dxaóaouEv. Ašrovs tv yàg tois ŠE °Eonépaş
rarpáov Ereotau qpavepös
καὶ ὑμεῖς οἶδ' ὅτι ἐρεῖτε· τούτους δὲ τοῖς ἐξ ῾Εῴας
ouußatvew, čyrañwa ðuà Boagéon, ös Švóy –
aroðéðexTaL• | | به عنوان evau، loróv، pavepov rãcw fol. 236°
aitobg Enebau roi; áylos, đuTUxoiŞ Te äua xai '
Avaroxois, xovo l; ovou rurpáo xai dba xá- Aos.

من می‌توانستم نه، به راستی، من خودم ترجیح می‌دادم
تمام تلخی‌ها را تحمل کنم، و به تو نصیحت می‌کردم
که باید رنج می‌کشی، تا اینکه با آنها که به درستی
عاقل نیستند متحد شوم. اما اکنون باید ترسید، و در
واقع شدیداً، مبادا هر گونه نابودی بدن [/. 501 همراه با
نابودی روح را نیز انتخاب می کنیم. به راستی چه
حقایقی، چه چیزهای پرهیزگاری، و چه چیزهای
نادرستی، به خردمندان L
همانطور که پدران آنها و ما، غربی ها، یعنی —
پزشکان، و پدران همشهری شرقی همین را می گویند، ما
هم به شر خود، بدون هیچ دلیلی دوست داریم از آنها
جدا شویم.

چون خود آنها (لاتین ها) از پدران غربی پیروی می
کنند، شما نیز خواهید گفت. و اینکه آنها همان
حکمت مستشرقان را دارند، در این کلام به اختصار
و به اندازه کافی ثابت شده است.
به طوری که برای همه لاتین ها اعم از غربی و شرقی روشن
است که از پدران خود پیروی می کنند که معلم و پدر هر دو
هستند.

Ilolo rovvy dcalo rôv tovoórOv ivôpöv vv.
twoTainuev; Tisv eiagooaúrOIS Aóyou; Tijp a rôy
góyoyuev xovoviay; Ilola iuiv ixar) els teòv
črraL dnoloyia toŬ TOcoÚTov xaxoð Tīs Tôv
dôeAgöv baupéaens, iy öore ards åveleiv <
Xoorò;> xal návraç évõca, xarapy 2 xarapy 2
xareðétaro xai ngośôonev Msi 964 čvróv; Ilola dè eiş ràs
peréreTa yeveás، pāñlov Jë eiç tàg bêzev o oas; i
— yào oiôa ei xal tu to ýuerépov [póħov] č rau
— peréETa, óreQ ov peyá- Aov Te xai no2hãiv
ixóvreç aiTois Gvupogör črupépouev.

77. پس به چه دلیلی با چنین مردانی تفاوت
داشته باشیم؟ چه بهانه ای می توانیم بیاوریم،
چرا نمی خواهیم آنها را ملاقات کنیم؟ که جوابش با
خدا به ما سپرده می شود که چرا از سه برادر [ف.
50] ما متفرق شدیم که او (مسیح) از آسمان نازل
شد، مجسم شد و مصلوب شد تا آنها را متحد کند و
به یک آغوش بیاورد؟
دفاع ما با آیندگانمان، نه، با مردان کنونی‌مان چیست،
زیرا نمی‌دانم آیا آینده‌ای از ما به این بزرگی،
مصیبت بزرگ و این همه خطراتی که ما بر سرشان
آورده‌ایم، خواهد بود؟

M , raéges xai dòelpoi, h Taótns tjs yóuns
yevóeða à oóro xaxõoç nepi iuöv air v
Bovdevoúpe ba ui lóxou dvri nOuévoy

ای بهترین پدران، بیایید این را تحمل نکنیم.
اجازه دهید این نظر را نداشته باشیم. اینقدر با خود
و خودمان مشورت نکنیم. ما گرگ نمی خواهیم

4 xal tà - av] این چیزها در حاشیه نوشته شده است.
[MS 20 avðpüv] om. M. 25 Xporòc در این کلمه باید از
معنی اضافه شود (افزودن م). ،
npoÉ- dwxev) napéðuxev M. 27 yeveásj add. yuov B M.
29 تصحیح; ms pilov (معنی کاملاً متفاوت).

بگذارید اول رنج بکشیم اما دل و بین خط نوشته می شود.
شما قبل از آن رنج می کشیدید، اما دل. و بین خط نوشته می
شود. بیش از حد c بعد از او دل. چه زمانی

دیجیتالی شده توسط گوگل

ögbüuey rois BrérovGw el; iuãs u xai vàç yuyàş airoiş åroléoopev xai Tà súuata rpoôóvTeç roī; new Eyà yáp xai ž rw uo oros ó 2óyoş el; delumoroP uagrvpiav r yéve ravri xai rã ı xou TIavo is -, Taútns oæx ăv ROTE npoðoiry éxóv, *γενοίμην τῆς γνώμης, οὐδ' ἄν ποτε* toóro T pépe, xai oúuara, xai yuóyár, xav r w, xali rurépov، xai čhevteplav، xai v 8 Tu Tiuov & návra eiploxo Aoyutópevoc t Tôv XQL TIaYõy dapérEL éyóueva،

καὶ τῇ ἀπὸ Λατίνων ἡμῶν σὺν οὐδενὶ δικαίῳ ἀποσ- ráGeL Mal dapéce. Otseuia yáp po eðÂoyos pavo-uérn airia ôoxei، ôÞ fy &v Tà T0đa a xai toa ta Eloluny xaxá، xal irûş ay ra ra dvrionxúgeLE.

78 đéopau dè xai iuõv، páora pev ávras، Ty a tiy čuot yvópny Aaßety ei ôé ye uń، rois nåciovaş. El 8 ob.., àa" tyò pèv pagrúpouau Tòv eni návrov Deóv, xai óuāş roöç vvl nagóvtas, xat toñs perérevra roð yeovs To óperépov, os ô dabö; čbožev àqoj eivau xal dlxaua xai auupégovta, ŠÆ åoxīs xai péxo roð vőv napnxolovonxo;

fol 237* r npáy au deréaeoa Aéyon, xai oûdèv | | ÚnEO-Teiháuny eineiv Tà ôoxoüvra, odè rj ölav dopálevav roð xovoð npoeLióuny dyaboŭ là ***τὰ ἐμὰ πάντα τῷ θεῷ ἀναθέμενος ὅπως ἐκεῖνος*** بونورو ائیف ***— ὁ καὶ ἐκ νέου μοι πάντα τὸν*** Biov péaroN aiTò; nůzóumy upxnxús —, To ؛ xow nã t đvvolcovos špoóvrLGa duà • xai réħovs nQds To r droßA&rwv, xai šôpwv níra xai EAeyov, età To t àaflea, xalócov aiti; šôváuny ouveīvat، xal rãv goua- TUxGN T yéveL، s čvóv، n ovoõv.

تبدیل شدن به آن چوپانانی که به ما نگاه می کنند. آنها را به دشمن خیانت نکنیم تا روح و جسم را نابود کنند. زیرا من و بگذار این سخنان تا ابد شهادت من برای تمام ملت و همه مسیحیان باشد، هرگز بر این عقیده نخواهم بود و هرگز به جسم، روح، ایمان، دولت، پدر، آزادی و همه با هم خیانت نخواهم کرد. که هر چیزی که پیدا کنم دنبال خواهد شد [ف. 57] انشقاق و جدایی ما از لاتین ها بدون دلیل.

دلیل شایسته چیست که ما خطرات بسیار و وحشتناک را برای آن انتخاب می کنیم؟ (یا چه غرامت دیگری می آورد؟) 4،

78. من دعا می کنم و التماس می کنم که شما نیز یا باشید. — همه یا بخش بزرگتر شما همینطور بگذارید در مورد این چیزها فکر کنید و برای استفاده خوب از منافع عمومی با او مشورت کنید. و اگر نخواهید، به راستی به خدا و همه شما حاضران و آیندگانمان شهادت میدهم که بدون شوق و فریب چه حقایق و چه عادلانه و چه سود و چه به نظر ما و رستگاری ماست، از آغاز تا امروز از گفتن کوتاهی نکردم، و از ترس کسی را متذکر نشدم. همه من به خدا، و تسلیم به اراده الهی او، که تمام [f. 51] او از همان دوران کودکی زندگی مرا بهتر از آنچه آرزو می کردم هدایت و اداره کرد و من خیر خود را پایان کار قرار دادم. و فقط به این نگاه کردم، هر کاری کردم یا گفتم انجام دادم و گفتم. در عین حال، تا جایی که توانستم تلاش کردم تا حقیقت ایمان و رستگاری جسمانی را برای ما به دست بیاورم.

12 xai ðaupései] xal enußraßet ôuaugéoes xal r Eyoog T nQòg a toú; ب م. ایولویوس پاووبون اضافه کنید. در حاشیه
در MS و دل. word oðga, 19 juerépov B M.
22 ¿Eapxñs ms. 25 roŭ xowoŬ npoeLhóuny dyatoöj ToŬ xov oUvolaoros nQoELóuy M. 28-29 toŬ xový nā t owolgovTos] toŬ xoYOŬ åyaboi B M، و بلافاصله transp. M ôuà rélovs šppóvrGa. 32 گوویبوا م.

e از متن یونانی b no-stros] sic satis یا - خواهد آورد suppl.
؛ clave ms., at vid. متن یونانی، جایی که ex jurépov corr.
vperégov. (ج) اضافه کنید. بالای خط

دیجیتالی شده توسط گوگل

79. اما تو، وقتی اراده ات آزاد است، هر کاری که به نظر می رسد انجام می شود، انجام بده.
و با اشاره الهی برنده شوند، حتی در میان شما که بهتر و سالمتر هستید. چه می شود اگر - خیلی دور است! جمله بدتری حاکم خواهد شد، با این حال اجازه دهید هر نژاد بشری، هر عصر، هر نظم و شرایطی این را بداند، زیرا باز هم باید به آن اعتراض کرد: که من در این شرارت، در این شکاف تلخ مقصرم، و نه من، و نه من، از این عقیده ناگفته، فراتر از همه عقل از لاتین ها جدا شده ام.

همچنین خود را متقاعد نمی‌کنم که آنها به درستی و حقیقتاً در مورد ایمان خردمند نیستند، [ف. 52] و مانند معلمان مقدس، اعم از شرقی و غربی، آنها را باور نکنید. من غافل نیستم که خطرات، بلاها و نابودی ها از این پس ما و جمهوری ما را به دنبال خواهد داشت. اما من پیش‌بینی کردم، پیش‌گویی کردم، و تا آنجا که می‌توانستم مهیا کردم که آنها محقق نشوند. اما اگر نتوانستم پیشرفت کنم، تقصیر گوینده نیست، بلکه شنوندگان است.

از آنها] اضافه کنید. بالای خط

Yueiç dè ö u åy iuir dó ee ngárrew, yrúpns 79. ,Nozon 8 őuos متنفر است. uplos، toro noLEiTe او از teoð iyouévov, xai rag iuiv tà Beirlo. El rà zelpw xparhoeu — ***τῆς ἐμῆς ἁμαρτίας λελυμασμένης*** Toiç rQáyuaov -، là to tó ye ioTw nãv YÉvos 5 åvboórwv xai iaxía nãca xai ráÆis dei yàg aðos eruaprópaoau -، ós dvalto; pev tyà toð xaxo Toð t c ðaupéoeoç* oin čxovórmoa 8è Taótns Tins yváuns, oiðè bzauő ðaževybjvau ***Λατίνων παρὰ πᾶν τὸ ἐκ τῶν λόγων εἰκός.***

Oöre yàp čpavròv nelbw uh lnbös te xai eiTeßöş doká eev airous، xal raird rois aylos xai T juõv ixxlyaig ppoveiv، ošr đyvoo Tà Švrevbev r u bevéva, ná ns Toayaðiaş enéxeva ld xai ngoéyvoy، xaù 15 ežgmxa، xal nãow èofAwsa، xai öroc) yévmra، èx tôv uvatöv، npoevónga. 8 او è eh Èôvvhoy ***ἀνύσαι, οὐ τοῦ εἰπόντος, ἀλλὰ τῶν μὴ πεισθέντων*** tò šyxånua

4 čuis] juov M. 4-5 Tñs huñs –páyuaow] 0m. B. 6-7 öei- upaprópaotaij obelo امضا شده در متن، این آگهی حاشیه. در ms قرار می گیرند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

] DECL، ARA TIO

از برخی
که در دعای جزمی ذکر شده آمده است که برای یونانیان به خوبی شناخته شده و برای
لاتین ناشناخته است.

1. اولاً باید توجه داشت که معلمان مقدس شرقی نیز از نام علت و علت به طور گسترده در الهی استفاده می کنند; در واقع نه آن‌گونه که دلالت بر محدودیت و وابستگی دارد، بلکه دلالت بر تولید و نشأت از آغاز، آنچه از آغاز است دارد. و از این رو من نیز هنگام صحبت با یونانیان با این نام ها استفاده می کردم.

علاوه بر این، چون من به طور خلاصه به مخالفت‌های یونانی‌ها پاسخ می‌دهم، اما نه در وهله اول) به مخالفت‌های اعلام‌شده‌ی آنها، بلکه به سؤالی بی‌صدا پاسخ می‌دهم زیرا با یونانی‌هایی که آنها را می‌شناختند صحبت می‌کردم. باید دانست که وقتی معلمان می گویند روح القدس از پدر به واسطه پسر جاری می شود یا جاری می شود و مانند آن، و از اینجا معلوم می شود که پسر نیز اصل روحی است که علیه آنها عمل می کند; با این چهار طفره رفتن سعی می کنند از این حقیقت بگریزند:

در وهله اول، چون معلمان به ندرت می گویند که روح القدس از پدر از طریق پسر سرچشمه می گیرد، اما به ندرت می گویند که او فرستاده می شود، می ریزد، بیرون می آید، می جوشد، می جوشد، برمی خیزد و مانند آن. آنها این تمایز داوطلبانه را برای خود قائل شدند: در واقع، کلمه «پیشرفت» به معنای نشأت نفسانی و شخصی روح القدس است. اما اصطلاحات دیگر، توزیع جذابیت ها و هدایای او به ما، و مأموریت موقت او در تمام جهان، که آنها همچنین اجازه می دهند از طریق پسر انجام شود.

ثانیاً می گویند که از پدر از طریق پسر گفته می شود، نه به این دلیل که نهر منشأ روح القدس است، بلکه به این دلیل که پدر و پسر نام های نسبی هستند. اما بدون درک دیگری نمی توان گفت نسبی است. بنابراین، وقتی می گوییم «از پدر»، به دلیل قدرت خود رابطه، نام پسر نیز لازم است. ›

ثالثاً می گویند جوهری بودن پدر و پسر دلیل بر این است که می گویند روح از جانب پدر به واسطه پسر است. زیرا از آنجایی که پدر و پسر از یک جوهر هستند، لزوماً وقتی از جانب پدر گفته می شود، باید از پسر نیز گفته شود.

رابعاً، زیرا گاهی بسیار بندرت، حتی در میان شاعرانی که به دلیل تنگ بودن متر، ممکن است اصطلاحات را به صورت استعاری و ناهنجار به کار ببرند، گاهی اوقات حرف اضافه «از طریق» به معنای حرف اضافه «با» است. آنها می گویند که روح القدس بنابراین گفته می شود که از پدر به وسیله پسر سرچشمه می گیرد، زیرا از پدر همراه با پسر می آید.

و از این طریق همه آن مقامات را تبیین می کنند یا منحرف می کنند. این را ما از نظر خود مراجع و برحق ترین دلایل تکذیب کردیم. ثابت می کند که این نمی تواند باقی بماند، 35 و با نظرات و سخنان معلمان مقدس موافق نیست، همانطور که از خود کلمات به وضوح پیداست.

26 میلی‌ثانیه substantiality آنها 30 میلی ثانیه پیدا کردند.

دیجیتالی شده توسط گوگل

علاوه بر این، باید دانست که در سومین شورای جهانی، قدیس سیریل در برابر 2.

نستوریوس و بدعت او، از جمله چیزهای دیگری که بسیار خردمندانه بررسی کرد، 12 فصل نیز علیه مقالات بدعتی نستوریوس منتشر کرد که آن ها را کفر گویی نامید، زیرا در آنها اشتباهات خود را به باد تحقیر می گیرد. در نهم، در برابر خطای نستوریوس، که کفر گفت که پسر خدا یک انسان پاک است، تقدیس شده توسط فیض روح القدس از طریق مشارکت، همان سیریل مقدس 5 روح مقدس روح پسر | و می گوید مال پسر است.

برگ 19r

پس از این، در واقع، تئودوریتوس، اسقف کوروش - مردی بسیار باسواد، در عین حال در معرض ضعف انسانی، که دیر به همراه پدرسالار خود یوحنای انطاکیه به سینود آمد. هنگامی که آنها دریافتند که نستوریوس قبلاً محکوم شده بود و از کرسی ایلخانی قسطنطنیه برای منکران خود محروم شده بود، از این که بدون منتظر ماندن آنها بسته شده بود، خشمگین شدند. آنها دفاع از نستوریوس را به عهده گرفتند.

بنابراین تئودوریتوس، به عنوان دانشمندترین مرد، دوازده فصل دیگر را علیه دوازده کفر گویی سیریل منتشر کرد. از این موارد، در نهم، جایی که سیریل مقدس میگوید روحالقدس مال پسر و پسر است، به این عبارات میگوید: «اگر سیریل میگوید روحالقدس خود پسر با او هم‌ماهیت است، ما این را درست میپذیریم؛ گویی آنها از پسر یا از طریق پسر بودهاند و وجود دارند، کل این شورا را بهعنوان یک شورای ثالث میفرستیم. و تئودوریتوس را سرزنش نکرد که سیریل را بد می گوید، با این حال، به آنها پاسخ داد و تمام فصل های خود را با] 12 فصل جدید به گونه ای توضیح داد که نظر او، اگرچه نه با کلمات بسیار باز، برای ما واضح است.

این بیشتر یونانیان را سرگرم می کند، آنها بیش از همه به این اعتماد می کنند، آنها این را بزرگترین و غیرقابل حل ترین استدلال می دانند: این که با انکار تئودورت که روح از پسر یا پسر وجود دارد و زندگی می کند، تمام شورا سکوت کردند و او را به دروغ و خطا سرزنش نکردند. سیریل همچنین نه آنقدر واضح که آنها فکر می کنند پاسخ داد. با این حال آنها می دانند که تئودوریتوس به همین دلیل محکوم شد و سال ها از کلیسا اخراج شد.

بنابراین، گویی برای یونانیان کاملاً شناخته شده است، نه با توضیح گسترده تر - مانند گفتار vi-3.

- پاسخ داده می شود. اما هیچ کس برای تئودوریتوس، یک مرد دانشمند، غمگین نشود. خودش را شناخت — داده می شود

21-22 ابتدا ماده؛ تصحیح 9 میلی ثانیه آنها 20 سرگرمی پیدا کرده بودند] او تکرار می کند. در MS و دل. اول بین این 22 ابتدا او اتهام زد. هجای قرمز را بین خط اضافه کنید.

2-4 ر.ک. نامه CYRIL و مجمع اسکندریه به NESTORIUM در مورد تکفیر (که A nathematism XII به آن اضافه شده است) = MSI 4، 1067-1084. توجه داشته باشید که چنین Nathematismهای تأیید صریح شورای افسس I را نداشتند (oec. III, an. 431). 6 ر.ک. آنات. 9 = MsI 4، 1084 C.

7 شما بیشترین اطلاعات را در مورد این سوال Theodoreti Cyrene در G. BARDY، art. تئودورت، 8. DTC XV 299-325 یوحنا آنتیوخنوس با اسقف های بسیاری که تئودورتوس در میان آنها بود، در 26 یا 27 ژوئن به افسوس رسید. حکم تکفیر قبلاً در NESTORIUM صادر شده بود و با بد برداشتی آن را به شورا آورد و در PP تکفیر کرد. او افسسیان را گرفت. Ms I 4, 1268 B-1270 C آن را فراهم می کند (به اسقف ها، به 43 مشترک، که تئودورتوس سیرنه ای از جمله آنهاست). شورای افسس اول این تصمیم را در اقدام پنجم (17 ژوئیه) = MsI 4، 1240 C (از نامه شورا به امپراتورها) محکوم کرد. 9-10

نستوریوس قبلاً افسوس اول را در اقدام اول (22 ژوئن) تکفیر کرده بود و او را از ریاست قسطنطنیه محروم کرده بود. رجوع کنید به سی دی تأیید کردند. دومی به III = MsI 4, 1926 B-1797 4 تصمیم شورا را در قانون CAELESTINE I (422-432) و نمایندگان پاپ MSI 4 1212. بنا به درخواست شورا، اعلامیه گسترده تری از A B. 17-18 Cy-RIL، LUS، ر.ک. همان، MSI 5، 87-150. 14-16 124 رجوع کنید به Eroptium; آناتماتیسم ها ارائه کرد و آن را در MsI 5، 2-20 ببینید.

علاوه بر این او یک عذرخواهی برای دفاع از آنها نوشت = MsI 5, 19-82 (de A nath. 9, ibid., 56-60).

دیجیتالی شده توسط گوگل

زیرا او تا آن زمان زنده ماند، او علناً به او — خطا، و در چهارمین شورای عمومی کلسدون اعتراف کرد و توسط کلیسای مقدس به عنوان یک عضو محترم کلیسا پذیرفته و ترمیم شد.

این کافی باشد برای توضیح کسانی که گویی برای یونانیان شناخته شده بودند، اما برای لاتینیان ناشناخته بودند، 5 به این توضیح نیاز داشتند. پایان

3 میلی ثانیه او بدون هیچ یک از این کلمات ترمیم شد. 5 Finis] از amanuensis اضافه به نظر می رسد.

1 تئودورت چندین سال پس از شورای کلسدون، یعنی 458 (از E. PETERSON, Encicl. Cattol. XI, col. 1926)، یا بهتر است بگوییم در زمانی نامشخص، در حالی که لئو یکم (457-474) امپراتوری شرق را در دست داشت، درگذشت.

3. استرداد او در اقدام 8 کنوانسیون به طور جدی بیان شده است. (of Chalcedon (Ecumen. IV, an. 451، در 26 اکتبر. ر.ک. MSI 7, 188 B-189 C.

دیجیتالی شده توسط گوگل

پیوست I

الف باید در تهیه متن یونانی داده شود

صفحه	یادداشت (*)	خوانده می شود	من باید شکار کنم
3	14-18	—	xal dxolovtws-uatrreias] بسیاری از این transp. ب.
»	23	—	xQu Tiavôv uev vrn B.
4	1	—	Aeyopivav åupotv... inıypaçouévav B.
»	2	—	dneoyoouévwr B.
6	17	xivopevoL ms.	xvoŬuevoL ms. و ب
11	5	اوی ام	üy B M
16	**9**	—	Aéyovres] vouilovres B.
»	10	ToŬ beoŭ M	ToŬ beo5 B M.
»	17	—	uóotns r v dnogoýrawr] uaxágıos 'Iwdy- ام اس بی.
»	18	—	odæls] اضافه کردن. دوپپورون بی.
17	10	—	dvrxelueva] اضافه کردن. ooxeiv B.
»	16	—	ouvhoouev-eóghaousv] čgyo xal nelgg yvwkóueba B.
23	1	—	Iyevéaba] yeyevjobas B.
»	25	COYY. از م.	COYr. از B M
43	28	اولی در ms.	اولی در ms. و ب
51	**7**	pÚ y ns.	pÚ y ms., omn. ب.
61	14	—	pú w B tiv;] اضافه کردن. 'Alà zà uov too paxaplov Kvpilou, ta ra oæ zeipov ***δὲ ἴσως καί τινων ἄλλων ἐπιμνησ-*** بیپاو بی
62	22	خیلی خوب در ام اس	Stc well 1n ms. و ب
63	4-8	nA d متر 0 اماس. سه برابر	اماس. سه بار ناپا، دو بار B.
66	20	—	Subaoxáos] اضافه کردن. ex narQds ôe' vioŬ čxnOpEÚEobau héyovG Tò nveüua tò äyov، xai tx narpòs xal vioŭ، xal ěx ToŬ vloŬ xai š åupoiv elvat B.
67	**11**	—	اوش بی.
»	17	—	noMoss، obrwl ToGoÚTOVG، orw Ôé ys ToLoÚTOVS Toaaútn B.
»	20	—	R Te dpopúon] xal õan-pépsu B.
68	34-36	—	dQxalwv...، Ths To oziapatos dxužs yevoutvwy B.
71	**9**	—	huov] om. ب.

() اعداد خطوط متن را مشخص می کنند (چه آنهایی که قبلاً در تجهیزات وجود دارد یا آنهایی که اکنون دوباره معرفی می شوند). اما در این مورد آخر یک خط () در ستون زیر وجود دارد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

ضمیمه II

اضافات اصلی به متن یونانی

شاید لازم باشد که کسی متن یونانی را در وسط آن اضافات که هم در نسخه لاتین و هم در Codex B قرار دارد بیاورد - اگرچه همه آنها جمع آوری نشده اند. بنابراین ما آن را در اینجا اضافه می کنیم، حتی اگر از آنچه در بالا گفته شد (رجوع کنید به مقدمه شماره، 71،2) مطلقاً ضروری به نظر نمی رسد.

بعلاوه، فقط آن دسته از اضافات مطرح شده است که از همه مهمتر هستند، یعنی: مواردی که به مسئله تئودورت (شماره 57 نسخه حاضر) می پردازند و مواردی که بر تعداد شهادت های قدیس سیریل می افزایند (شماره های 58 و 62). با این حال، بقیه یا همان طور که قبلاً اشاره کردیم در زبان یونانی یافت نمی شوند (مقدمه شماره 70،6 را ببینید)، یا آنقدر کوچک هستند که می توانند فایده کمی داشته باشند.

بنابراین، تا آنجا که ما می دانیم، سه قطعه اصلی وجود دارد که اکنون برای اولین بار منتشر شده است.

.1

.صفحه 51-52

،El ôé Tus aitus-eipnuéva (778 کدکس اصلی .57

roürov utv ueuýabw tà Toð Beoðopírov rávra rat; čpefijs aylaus dvate- uaruovtrra - ... (B افزودن کدکس) avódos، õoa xarà Kvplhdov ovéypayev، xai uj deiv drizepeiv årOKaTaxExpuévov avyypau- páror xai hóyov dabeparativrwv. «Ereva, iuetş nepl rovrwv xai noórepov ečrojuev, ijvixa ed u xar ăuqow, xará ye yoŭv rò čregov yevbópevov ait v àreðeifauev. Tò ôi vioðw riy Tò ôi vioðw riy ***πνεῦμα αὐτοῦ μὲν ἀρνουμένου, ἡμῶν δ' ἀποδεδειχότων διὰ τῶν διδασκάλων· ὡς μὴ δεῖν ἡμᾶς ἰσχυρίσεσθαι*** T t ; uvóðov auyñ, oi airol yàp tni r trépp č ynoay, npupavöş öTu pevdet - Abyo on r uì "Qonep ov ***δι' νίοῦ τὴν ὕπαρξιν ἔχειν τὸ πνεῦμα —.*** suwnj toto rapéðauov, oix öé dâçinoay, oşoçÆt pāhlov dè xai vayxaiov – xai eni to éréoo ouyñ au – t uno è vio5, Aéyw, tijp tragtv čyey - xai undauās dåydevon Kai ta ra oðiñv ev . Š iyyow tois ivavtuov- uévoç dvrETTijTaLEv TaÚrIv, Eiynav odaav aitoõ čxeivov Toð évárov dvateparquoñ, oš Oeoðóperos čneħa oy čneħa oy ; ôuðaoxálov ôuávouav O8 ôzi oðv airòv èxe ĪvOv dpévra;

Airòç oov ðuari tbov Toð vioð rò Tveõua eionxev èšyovpevos، « ó; èš airoð õv » Pnow eipṇxéva. ؛ Svußaivov ľav To T) Toi; ÈĘ "Ernépaş raroá · xai yàp xai a roi To TvEiua aveñud paat toð vioǓ xai tôuov toð vioð, ú؛ čxr0DEVÓLEVov èĘ aòtoo.

آرولویاس ;IIposeru dè xai drò Tj (778 کدکس پایه .58 . . .

دیجیتالی شده توسط گوگل

.2

صفحه 53-55.

58. (codex basicus 778) 'ExTOpEÚETau pèy yágöu návra šye perà Toð rarpós.

Kai roëro aitòs ûðafey, eizůy neQl Toð iyío mveóparos, « IIávra õca čye ó rarho ¿uá (B کد) çou barovto slnov Úuiv, öu ix roð iuo5 Ayelei úui». El yàg xai čx toő rarpós, qnoir, čxropeveadau : tò VeËLa ó gwrjpoç eigrxe láyos, àal' őuos oûdèy hrróv i u xal too vioő çotu dë xa voõ vioő, öðE ı nag. Kai yào vwrépw moiv « «Hy yào xai č rw a To5 T Veõua, xabárep åuéleu xai roð raróóş» , xai o pãdiov pèv voð rarpós, ijöo'sllós åupov. åupov. toô veóuaros ro r elnev ó xópoş.Etra dè xat ànò éĘ airoð Aýyeobau tò a tò ÖeixvoL TO TO.

Toöro yàp ù Te deios `Erpávoç dvri toð čxnopeóeobau èĘ airo5 ÈfeðéĘaro, öş puxpov erà ra ra beybioera.

ϳ Kai aitòs ootog ó iegdg Kóptaos óuolos el; rỳp air čvoLay Elxe čv r xarà 'loávvy a tò to ro nòotéuevos el; ẹ̆ṭtraoy « Aaußávev yàp tò ve uá pauev Čx TE Toð rarpos xai toő vioö tà aitőv, — *φησί* — o y ôs roTè uev oöx čyov vip ivoõoav airois yvóvau Te xai, o y ôs roTè uev oöx ştata voñrau Aaußévov, del yào copov xai ôvatòv tò Mveñuá šarı, pãñlov dè airóxgna copia al bívauç, oix ex peTOZĪS TĪ; Twos, dalà pvozoş ». El ov 8 Aaußáve &f vioð dogía čori xai yvõos xa bóvauus, Ta ra ôè oi nOTè utv šyeu Aaßóv, ăllo te 8' oð del yáp Botu TouoŬTov qvoxos, oioozĹex . napà toő vioð haußávEL -،

ἃ οὐκ ἐκ μετοχῆς ὄντα ἐστὶν ἡ οὐσία αὐτοῦ· τὸ ἐντεῦθεν συναγόμενον

Kai elxóraş rairá gnow ó paxápuos Kópullos, ó xai dllazoð noÀlayoð pavegās èx او دو روز اطاعت کرد. roo vioő xabánep xai ix Toð narpðs &xz0peveabau léyoy tò TVEÜLa rò °E» yàp nòòç Ne TópoN &nu rolī «El yàg xai çotu Čv — *φησίν* — inooTáce tò Tveñua iðuxj, xatò vEñuá i Tu xai oæz viós, dll oðv špol aiðo npoyeirau dè rag' a toŭ, xatáneQ åuéneu xai ix oŬ Deo5 xal nargóç ».

"Iva dè ui) rò npoyeiobai tus eri ri ؛ devrépaş xal peradoteňs čxáß, ngoóðov, npörov piv l réov *ὅτι οὐ περὶ χαρισμάτων ἐνταῦθα διανομῆς, ἀλλ' αὐτῆς τῆς τοῦ πνεύματος ὑποστάσεως ὁ λόγος τῷ διδα-* axály "Erera dè rò ng0ze iabau del dvri roð čxzopeÚeabau nag' a TG Aéyerau. T Exro Tôv nòòs ' EQUela» xal nveõua pév gmou — *φησίν* — đdydeias noxaħeī, nporeiobal ye uip ěÆ aætoð dogioaro toð rargós xai dllayoð ROllayo5. "AMà xal tó « xabáneg åuéñeu xai ex roð Deoð xal nurpóş », o npó xeLTau uárny t Aóyy oidčy yàg čxetvoç elonxe párr, dalài xai uerà ueyálns, dalài xai uerà ueyálns Boblerau Toð TE vioð etvau vò nve5ua ö nEQ xai O8 NuTpós, xai èĘ a roŬ T OZE iatau xal nòoiévau xal nnyá eolau xaðáreg xai ex zarQóçau T nòòs Baokéa Osoðóaov Aóyo gnai, negi

(") آنچه تاکنون در متن منتشر شده آمده است، هرچند اندکی تغییر یافته است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

ToéTov Tov h yov noobpevos, xal deifau Boviópevos oroç etvau toð vioð Tò rveñua baneg xal toð nargós, xai oros ýuiv tE aæToð s xai nag' ixelvov nnyxöpá xey 'lwávvov ponjy tò vetua - ó viðs ônhaðí -, dal' a rds čvlnaw èš tavro5, xadánep åuéret wai i rarip. Kal yoðv 6 DeonÉaO; Ilabħos, ölqy åroorhoaç ty Ev ye ro tp bapopáv, norè p v a tò t De xal narpi npoovéueov opāraı, roTè dè að T vi ». Kal éruépe éEiīs Tàs roo Ilaólov povás, alç eri ns paiverau Toð vioð elvau rò mveñua öaneg xai roð narpós oèðeuía yáp š u dapopà vioð te léa xalaye. rãoav yàp riỳv i tobro ôapopdy ì Ilathoç åpiornow. ' Aà toŕ raróds Aéyerau Kvebua öş čxnoQevóuEvOv &Ę æroŬ, xal roŕ vioð ăoa ofro dbyerau aveõua.

59. (codex basicus 778) به yàp rveõua vioð léysaba, elpnrau örws. . .
O uiy àllà xal roúroU Zopis, slonrau őrws (B کد) . . .

.3

صفحه 59

62. (codex basicus 778) ... aitol iuiv naplrwoa . . . Šavrovs ėEyobpevou.

iuiv (یعنی Kópılos، زیرا اینها با پیشینیان سنت سیریل مرتبط هستند) airòs . .. (کد ب) nálw zaglrw, roñrov ŠRÉyfon ròv Aáyov xai éavrov tšyyoóuevos, i toñró maw Aéye duà toð vioðn npoiévau yá ev dvaßaó ey, xai öAos els åyaouov čri riy xrlaw neJLrópEvoV Tap' aitoð.

Dnal yoov čv T éßôóuo töv ng s 'Eeueiay ó iegoc Kóplos « «Evoxov yàg xai čvqvuouévov xararlovroin us tv ròv púaeu Te xai datöç švra deóvóvóv, . oicwdös ***αὐτοῦ τὸ πνεῦμα λαβών, ἀλλὰ τὸ ἐξ αὐτοῦ τε καὶ ἐν αὐτῷ καὶ ἴδιον αὐτοῦ καὶ τὴν ἴσην ὡς πρὸς αὐτὸν*** xuproryra popoov ». Kal perà pxpóv «"Ereuye dè huiv oigavoð To napdxlqrov, dċ oð xai ev ᾧ pet' iuõv čoru xai tv iuiv a ll erau, oæx ôveiov iuiv čyzéov, oş Čyzéov, oşlà tv. rñs toő rarQòç aitoð tWov VEĞua". toð TvEBuaros, o x dvvnoTrárov Tvóç n u xápezos, o x čoTw ör) oò qavpóv. Kai álw iy r airo (و با کد 778 دنبال می شود) « Tò dr) rp delay iuiv &yyapérrov elnóva .

دیجیتالی شده توسط گوگل

نشانه ها

دیجیتالی شده توسط گوگل

دی‌جی‌تالی شده توسط گوگل

من

فهرست استنادهای متن

تعداد صفحات بزرگتر و خطوط کوچکتر به طور همزمان متن و یادداشت ها را نشان می دهند

1. استنادات به کتاب مقدس ()

() مکانهایی از کتاب مقدس که فقط اشاره ای به آنها در متن وجود دارد با ستاره (•) مشخص شده اند.

گوگل دیجیتالی شده توسط

2. از شوراها

3. از پدران و پزشکان کلیسا

دیجیتالی شده توسط گوگل

4. از نویسندگان کلیسایی

5. از نویسندگان ناسزا

دیجیتالی شده توسط گوگل

شاخص تحلیلی اشیا

همه اعداد به صفحات اشاره دارند

آکتای یونانی شورای فلورانس. آنها اولین بار در سال 1577 در رم منتشر شدند، 69; اما نسخه لاتین آنها که اولین بار توسط Bartholomaeus Abrami ساخته شد، قبلاً در سال 1526 در رم ظاهر شده بود، اما در مجموعه های سال 1612 نسخه یوانیس ماتیوس کاریوفیلوس ارائه شده است که خوشبختانه در سال 1865 توسط نیکس، 68-70 کمی تصحیح شده است.

الکسیوس لاسکاریس فیلانتروپوس که در خانواده ای امپراتوری به دنیا آمد، به خاطر ادبیات و فرهنگ انسان گرایانه، از دوستان بساریون، من، بسیار مورد تحسین قرار گرفت.

آمبروز تراورساری برای اتحادیه یونانیان در شورای فرارا-فلورانس

او به کمک مادرم کمک کرد، xxviii.

بساریون نیقیه8. قبل از ورودش به ایتالیا، او عقاید پالمیت ها را آزاردهنده اعلام کرده بود، xix-xx. اما، که هنوز کاتولیک نبود، در جلسات فرارا نه تنها برای غیرقانونی بودن افزودن فیلیوکو، بلکه علیه این عقیده نیز مبارزه کرد، 19-20، 7. پس از جلسه فرارا در 8 نوامبر، به نظر می رسد ذهن او نسبت به حقیقت شروع به تغییر کرد، 21; و انتقال او به ایمان کاتولیک به هیچ وجه ثمره ی سبحان نیست، xii. او در هشت جلسه گذشته فراری، و همچنین در جلسات فلورانس، با تمرکز بر مطالعه خود، سکوت کرد، 21. او قطعاً از اولین جلسات تا زمان سخنرانی جزمی خود، پیشرفت زیادی در جستجوی حقیقت داشته است. که یونانی ها را باید از لاتین ها فراتر از عقل جدا کرد، 73.

22 —

او در خطبه عدن راه‌حلی واقعی برای قسمت‌هایی که سنت دمشقی به آن اعتراض کرده بود، ارائه کرد. پس از مشورت او از ذکر مکان های اس اس خودداری کرد. پدر

که همه آنها را دریافت نکردند، 37; اما او از مجموعه ای بسیار غنی از شهادت های پدران استفاده کرد که می گفت روح القدس از پدر و پسر سرچشمه می گیرد. او هرگز چنین فکری نداشت که اگر لاتین ها خودشان بدون خطا در شورا ظاهر شوند، اتحادی ایجاد نکنند، XILII. سپس به شدت یونانیان را به اتحاد تشویق کرد، 70-73; در واقع اگر می‌فهمید که لاتین‌ها گرفتار اشتباهات شده‌اند، هرگز انجام نمی‌داد، 70-71. قبل از شورا او نتوانست برای بکوس علیه پالاماس 20 ساله عذرخواهی کند. اما احتمالاً قبلاً نوشته های بچی در شورای را می دانست. - احتمال کمی وجود دارد که نظریه LIX اسکاتلندی خود یک ترفند بوده باشد، حتی اگر او بگوید که پسر و روح را نمی توان به اندازه کافی متمایز کرد مگر اینکه یکی از طریق دیگری وجود داشته باشد،، 33. او در فلسفه در عین حال افلاطونی و ارسطویی بود، 64

:

Theodoretus — شورای کلسدون

در قانون هشتم (26 اکتبر 451)، اولین آزمایش مجدد Cyrene صریح نستوریوس، 76، به او بازگردانده شد.

شورای افهسوس، - نستوریوس در اقدام اول (22 ژوئن 431)، 75 تکفیر شد، و توسط نمایندگان پاپ در اقدام 75 ،III تأیید شد. او به دوازده تنبیه ساخته شده توسط قدیس سیریل، 75 تأیید نکرد. او در مورد Cyreode ساکت بود

با این حال، او فکر نمی کرد که آنچه از او گفته شده است، 52; اما سکوت او در برابر عقاید کاتولیک تفرقه‌آمیز، 35، 36، 41-42، کاری ندارد.

مقرر شد (15 آوریل — شورای فلورانس

1439) به جای جلسات عمومی، هشت جلسه خصوصی دیگر در میان ده نماینده لاتین قرار گیرد.

دیجیتالی شده توسط گوگل

او ده کفرآمیز منتشر کرد و در یک نوشته دوگانه از آنها دفاع کرد: البته عذرخواهی، و «اعلامیه، 75. او اغلب به صراحت از فرمول غربی از پدر و از پسر استفاده می‌کرد»، که به حرکت روح می‌پردازد، 51-50 ،xxxviii;

با این حال بی تفاوت معنی حروف اضافه را با و از، 55 می گیرد

نسخه حاضر "سخنرانی جزمی."

از نظر متن یونانی و نسخه لاتین xc-xc تابع هنجارهای خاصی است.

جان بچی. آنها چه قصدی دارند؟ نشان داده شده "Epigraphae" است که بساریون به وضوح به آنها وابسته است، 62-1،13.

اپیفانیوس او آشکارا تعلیم داد که روح القدس از پسر است و از او امرار معاش می کند، 38، 57-58.

به معنای وجود، برآمدن است — "از کسی بودن."

فعال بودن، 25

پسر - او روح القدس را به عنوان ابزار پدر تولید نمی کند. 28. علت واقعی (یا اصل) روح القدس است، وابسته به پدر، اما ناقص نیست، 44-45 .xxxvi

پسر اسم نسبی است که به پدر اشاره دارد، 28; روح القدس نامیده نمی شود، زیرا از او نیست، 37; اما به روح اشاره می شود که پسر به وسیله آن نیست، بلکه به وسیله آن نفس می کشد. بنابراین، از پدر هر چه دارد، و در نتیجه قدرت روحانی نیز دارد (44، 45).

وقتی گفت: "همه چیز از آن پدر من است"، سنت سیریل اظهار می دارد که این چیزها در مورد روح القدس گفته شده است، 53. پسر شخص روح القدس را می فرستد، نه فیض غیرشخصی، 63.

فرمول های پدران شرقی و — فرمول های تثلیثی غربی مخالف نیست،، 27; براهین جزمیات یکسان است، «از پدر از طریق پسر، و از طرف پدر و پسر»، اما وقتی به خودی خود در نظر گرفته شوند، ناقص هستند، و باید توسط یکدیگر تکمیل شوند، 55-47. به گفته بکوس، فرمول لاتین پدر و پسر قابل تحمل است، زیرا لاتین ها به درستی آن را درک می کنند، 60; اما برای بساریون کاملاً مشروع است، زیرا وحدت اصل را به بهترین نحو بیان می کند، 61.

جورج سیپریوس نوعی نظریه پوچ او سعی کرد از ("ex Patre per Filiun = سابق Pater Filii") فرمول سه گانه شرقی حمایت کند، 29; و این در کلام جزمی مردود است، اما نظریه دومی دیگر

و در عین حال یونانیان، که تعدادشان کمتر بود، هجده نفر به یافتن وسایل اتحاد مشغول بودند. یک مناسبت خودجوش به خود پیشنهاد داد تا جلسات عمومی را در جشن تعطیلات هفته بزرگ آن سال، 22، قطع کند. آخرین جلسه علنی راهپیمایی روح القدس در 22 مارس 24 برگزار شد، در مقدمه فرمان برای یونانیان، شورا تشخیص داد که فرمول های "از پدر، از طریق پدر" و "هر یک از طرف پدر، از طریق پسر" و "یکی دیگر از طرف پدر" و "از طرف پدر" و "هر یک از طرف پدر" و "از طرف پدر" و "هر یک از پدر" و "از طرف پدر" در 22 مارس برگزار شد. همان دگم آنها کاتولیک، LVIHI اعلام شده است. - منصب مترجم به نیکولاس ساگوندینوس، یونانی سپرده شد، که ستایش او به زیبایی در قوانین شورا، اعم از لاتین و یونانی، 65 تنیده شده است.

شوراي نيقيه اول. - در زمان شوراي فلورانس درباره راهپيمايي روح القدس به روشني بحث شد و اعتقاد بر اين بود كه مناسب پسر است و از آن سرچشمه مي گيرد (Gelasius Cyzicenus 39 ،از اين استدلال ها نقل مي كند)، 62.

شورای نیقیه دوم - قدیس تاراسیوس تأیید کرد که روح القدس از پدر از طریق پسر سرچشمه می گیرد، 41.

جوهری که توسط نویسندگان جدا شد، پس از یک قرن 12، فرمول با هم جوهری روح و پسر xnopeveotau IIveüua ðà too Yloŭ یکسان بود، در حالی که "čxħáunev ،9 nòoye iobau و غیره، برای اولین بار نشانگر تجلی یا موقتی بودن X1 بود. از خود فوتیوس، xxxvi، اما، طبق گفته ی ریحان، هم جوهری ها به درستی آنهایی نیستند که همسان هستند، بلکه آنهایی هستند که به عنوان علت و علت به یکدیگر مرتبط هستند، 36.

این قطعه معروف سنت باسیل در "Contra Eunomiun III, 1"، جلسات فلورانس به طور مفصل مورد بحث قرار گرفت، x11، 9. طبق نظر بساریوس، این شهادت مقدم بر همه است. بساریون پس از برشمردن کدها با قرائت فاسد این قطعه که در بخش‌هایی از شرق یافت می‌شود، از بیان آن در خطاب جزمی، 49-1 خودداری کرد، درست‌ترین توضیح کلامی این متن را در نوشته‌ای که به الکسیوس لاسکارین، LI-LII نوشت، ارائه می‌کند.

سیریل اسکندریه ای شهادت های او را نباید با موضوع کفر تئودورت، xxxvii توضیح داد. در برابر نستوریوس

دیجیتالی شده توسط گوگل

نشان داده شده است که صالحان تثلیث ساکن هستند .SSmae
39

جان بکوس او همیشه توضیحات جورج سیپریوس، XXIK را رد می کرد. او تکفیر را نزد داور برد، که جرأت کرد بخشی را پاک کند "x&‌ از قطعه ای از سخنرانی یکشنبه سنت گریگوری نیسا، LIV؛ اتحادیه شهید در زندان درگذشت (سال 1296)، IIK. - به نظر می رسد کیف های او منبع اصلی دگماتیک بساریون بوده است. روح القدس، 1:10 - برای بکو، کلمه الروف به یک علت اولیه دلالت می کند، با این حال، یک اصل مشترک، یا همان، دو اصل (می دانید یک اصل اولیه، و یک اصل دیگر مستقل از این).

بنابراین نمی توان آنها را در مورد پسر گفت، 1:11-1:10.

یحیی دمشقی شهادت‌های او معتبر است، جایی که او می‌گوید: "روح القدس از پسر گفته نخواهد شد، ای 35." بنابراین او منکر این است که خودش از پسر بیرون می‌آید، 42، اما ادعا می‌کند که خود از طریق پسر، 43.

جان مونتنرو — در مناظرات فلورانسی، شاید به دلیل دشواری درک درست آنها، از نقل آیات دمشقی خودداری کرد، 36.

جان د تورکومادا، - او راه حل ناکافی در دستگاه فرمان فلورانس داد:

در — جاهای متداول تر، اما در زمان او اشیایی از S. — Damascene, xxv.

جوزف دوم، پدرسالار او در ایمان رومی در فلورانس (10 ژوئن 1439)، قبل از پایان شورا، 45 درگذشت.

لاتین ها کتاب های آنها در مورد حرکت روح القدس به خودی خود مخدوش نشده بود، 27-24;
بساریون می گوید که تصدیق این امر مضحک و احمقانه است، 68-69. آنها در شورا به خوبی به اتهام یونانیان پاسخ دادند، گویی که خودشان عامل انشقاق بوده اند، xxv; و همچنین اتهام غیرقانونی بودن الحاق فیلیوک را رد کردند، 7-8. - طبق گفته ماکسیموس قدیس، آنها خود پسر را عامل روح القدس، یعنی عامل اصلی، نمی دانند، 43. از میان آنها، بساریون تأیید می کند که از خرد و قدرت بسیار برخوردارند، و نه فقط فضیلت اخلاقی، 67.

شهادت پدران لاتین. - در شورا آنها را به یونانیانی که از آنها درخواست کردند تحویل دادند، 11; بعد از اینکه خودشان در جلسات خصوصی شناخته شدند

برق ابدی" به نظر نمی رسد توسط بساریون لمس شده باشد، x1,7-49

جورج موشاباروس - معادل حروف اضافه Öuá s و perà » (با جنسیت) یا aÚv» در فرمول dud roo Yloŭ s, XXx;

اما بساریون معتقد است که باید کاملاً رد شود، 30-33، 47.

جورج اسکالرز — او سه پایان نامه را به صورت مخفیانه برای یونانیان در شورای فلورانس ارائه کرد تا آنها را به اتحادیه تشویق کند. اما جای تردید است که او همان کلمات را با صدای خود به زبان آورده باشد، xlii.
او عضو اتحادیه شد، اما بعداً آن را رها کرد، و با تبدیل شدن به پدرسالار Const/pnus، علیه کلیسای کاتولیک، xL, II اقدام کرد.

یونانیان پس از اینکه در شورای فلورانس تصمیم گرفته شد که دیگر جلسات عمومی برگزار نشود، از 30 مارس 1439، یونانیان جلسات خصوصی بسیاری را با پدرسالار (و گاهی اوقات با امپراتور)، xvii-xvii جشن گرفتند. در تمام آوریل و نوامبر آنها مشکلات زیادی را متحمل شدند، به طوری که بدون سرخ شدن آنها، بساریون گفت، می توان نتیجه گیری بحث تثلیث را به پایان رساند، xvii. تنها راه بررسی حقیقت برای آنها این بود که پدران را — واقعا با پشتکار مطالعه کنند، xxv-xxvi. به عقیده بساریوس، اگر پس از تشکیل شورا، از اتحادیه صرف نظر کنند، در آینده عذر کمتری برای آنها وجود خواهد داشت. برخی از یونانیان لاتین ها را بیهوده متهم کردند، گویی آنها متون معلمان خود را مخدوش کرده اند، xii.

آنها به چند چیز که لاتین ها گفته بودند پاسخ دادند.
به دیگران، و عمدتاً، با هیچ چیز شایسته ای نمی توان مخالفت کرد، همانطور که بساریون گفت: 8. از لاتین هایی که در نوشتن شهادت های پدران لاتین به آنها تحویل داده بودند، 65.

گریگوری ماماس. — پس از برکناری ایلخانی Const/pno (1451)، به رم بازنشسته شد، و در آنجا مقدس درگذشت (1459)، XIV.

گریگوری نازیانزوس - به دلیل علم کلامی خود، نام "متکلم" را دریافت کرد، 36 ،xxxiv.

گرگوری نیسن بهترین شهادت او در مورد حرکت روح القدس از طرف پدر و پسر در قطعه معروف دعای یکشنبه برگزار می شود، خواه در آنجا xal tx tov Yloo خوانده شود، یا xal toŭ Yio5، L II-IIV.

سکونت خدا در جان صالحان. در اتوبوس texti اینطور نیست-| نور هدیه روح القدس، اما خود واقعیت

دیجیتالی شده توسط گوگل

اساساً از این جهت است که او همخوانی هر دو کلیسا را در شهادت های پدران، که شکل متفاوتی را ارائه می دهند، xxxii، xxiv، اثبات خواهد کرد.

بخش اول آن تبلیغی است و به‌طور مناسبی به‌عنوان پایه‌ای بقیه کتاب خطاب تنظیم شده است، xv. و در قسمت دیگر شهادتهای پدران با دقت انتخاب و مرتب شده است، 11:6. وزن برای در تغییر یونانیان نسبت به اتحادیه، 42-42 اقدام قاطع کرد و بخش زیادی از آن را به دست آورد، (44) در آن کم نیست که باید از مکاتب غربی گرفته شده باشد، 64-65. غالباً در مجموعه مجالس، 66-57، و نیز جداگانه، 69-70 منتشر شده است. اما به نظر می رسد هیچ یک از نسخه هایی که تاکنون منتشر شده است مستقیماً از خودنویس های بساریوس، 535 ساخته نشده باشد.

در بهترین حق پدران به doxóç و «j pútn airla» — پدر یا rò alruov doxxóv یا Tò xvoiws alroN , ILXII گفته می شود. از طریق پسر روح تجلی کننده تولید کننده است (• od aóyou nòo- Bodsis tpavtopzoő IIveiuaros »)، طبق Dama- scenum, 40; اما به همین دلیل است که توسط همان معلم گفته می شود که پدر در تثلیث علت «یگانه» است، زیرا او علت منشأ است، به عنوان یک اصل بدون اصل، 42-43.

"از طریق پسر." - بساریون گفت که فرمول "از طریق پسر مناسب است" (sc. 1 آوریل، قبل از دعای جزمی) برای نشان دادن صفوف ابدی روح القدس، XXIII.

پدرسالار جوزف دوم معتقد بود که این فرمول باید به جای لاتین یا حتی زمانی که او قبلاً با عقاید کاتولیک موافق بود، استفاده شود.

و همچنین نمی تواند به تنهایی دلالت بر هم جوهری داشته باشد.

اما بدعت گذارانی که سنت ریحان در برابر آنها بودند فهمیدند که پسر علت واقعی روح القدس است، زیرا از طریق او مانند مخلوقات آفریده شد، 33-34. - از طریق پسر، شخص روح القدس به روح صالحان فرستاده می شود، نه فقط فیض او، 60-61.

حرف اضافه "از". - دلالت بر علت اولیه دارد، 43 ،xxxxv.

حرف اضافه "از طریق". - به طور کلی، همیشه به ترتیب دلالت بر آن چیزی است که به آن چیزی گفته می شود، 23; نظم نیز در ترینیتی نشان داده شده است

43. اما احتمالاً تا پایان شورا که اکنون نزدیک بود، با همه آشنا نشدند، 144 برای همه این شاهدان مشترک است که آنها ادعا می کنند که روح القدس از پدر و پسر است، گویی از یک آغاز.

"روح از طریق پسر ظاهر می شود." - مراد از مأموریت موقت روح بر مخلوقات نیست، که بنا به توضیح فوطیان، برخی تنظیم می کنند، 30، 27-28، 32;

به هدایای کاریزماتون نیز اشاره نمی‌شود، 32. تجلی روح که از طریق پسر آفرینش ساخته شده است مستلزم چیز ابدی دیگری است، xxiv. این مانند حرکت از طریق پسر است، 35، یا روح پسر خوانده می شود، یا از پسر، 38.

مارکوس اوژنیکوس از افسوس — او مشکلی را در شورا از متن سنت اپیفانیوس (آنکوراتوس، 71) مطرح کرد، زیرا کلمه "borl" وجود نداشت، xxxvi. او لاتین ها را به دروغ متهم کرد، گویی آنها مفسد کتاب های خود هستند. - او از دکترین های جورج سیپریوس در شورا حمایت کرد، اگرچه او صریحاً نامی از او نبرد، 48; او اعتراف کرد که روح القدس از ذات پسر است، اما نه از هیپوستاس او، 63

اعتراف بزرگ — بساریون اعتراف کرد که آن چیزهایی که در رساله اش به مارینوس به نظر می رسد برخلاف عقاید کاتولیک است، معتبر هستند، در حالی که در واقع همه این چیزها باید به درستی درک شوند، 35.

متروفان دوم، پدرسالار — او تا زمان مرگش به شدت برای اتحادیه فلورانس کار کرد. (1445)، 145

نیلوس کاباسیلاس — او استدلال کرد که نام روح‌القدس نسبی نیست، 31. - از آثار او، استدلال‌های علیه لاتین‌ها در شورا، xxxi، به عاریت گرفته می‌شد.

«سخنرانی جزمی». گفتار او، همانطور که بود، پیش درآمدی بود که بساریون به یونانیان داد (30 مارس 1439)، xxiii. در دو جلسه (14-13 آوریل)، احتمالاً در خانه ایلخانی، هجدهم، تلفظ شد. اما به نظر می رسد سیروپولوس ها در مورد آن سکوت می کنند، xix. - لحظه الهیات او بزرگ است، xlv، et

دیجیتالی شده توسط گوگل

48-49: زیرا افراد تثلیث از علت و علت (اصل و اصل) متمایز می شوند.

که بر اساس نسل پیش نمی‌رود و از طریق پسر، xKXXII، آشکار می‌شود. زیرا پسر بلافاصله از پدر است، اما روح از طریق او است، که بلافاصله از شخص اول است، xxxiii. - تثلیث از نظر ماهیت متمایز نمی شود، بلکه از نظر نسبت یا منشأ متمایز می شود. و رابطه اول یا بیشتر اصولاً، 38-39، زیرا با روابط افراد تثلیث به وجود می آیند، 38-39، اما در واقع خود رابطه و منشأ یکسان است، 38-39.

قدرت تنفس. به طور مساوی بلافاصله از پدر و پسر سرچشمه می گیرد، اما به گونه ای متفاوت از آنها محمول می شود، 62.

روح القدس همان است که همیشه در کل کلیسا حاضر است، 10-11; او تمام پدران کلیسا را هدایت می کند و بر آنها تأثیر می گذارد، 13، 15. تجلی روح از طریق پسر کاملاً متفاوت از خلقت مخلوقات از طریق پسر است، xxxii. اما از بدعت گذاران

گفته شد که او را پسر ساخته است، مانند یک مخلوق، 33: اما او را از بی حرکتی و تغییر ناپذیری موجودات متمایز می کند، 30-32. نام نسبی روح است و به نفس گیر اشاره دارد، 29.

- از جانب خدا (پدر) از طریق پسر، 25، و قدرت آشکار الوهیت پنهان پدر، که از طریق پسر از او سرچشمه می گیرد، 40. از آتاناسیوس آن را تنفس می نامند » Filii, xxxv, 40; این روح پسر است و نامیده می شود، زیرا از طریق او ظاهر می شود، 27، زیرا از او خارج می شود، 29-30. نه تنها از آنجایی که این کلمه است، بلکه تا آنجا که انسان درک می شود، برای پسر مناسب است، همانطور که سنت سیریل می گوید: 35; و نه می توان آن را بیش از پسر گفت، 30، 25-26. او تا ابد از پسر حکمت و قدرت می‌گیرد، که خود نه از طریق مشارکت، بلکه ذاتاً است، بنابراین از او امرار معاش می‌گیرد، 54; با پسر متحد می شود، زیرا هر دو مخلوق هستند و وجود خود را از پدر دارند. اما آنها از پسر متمایز می شوند، زیرا زاده نشده اند و به وسیله او آشکار می شود، 30-31. بنابراین، با تفاوت نسبت، ارواح و پسر از یکدیگر متمایز می شوند، 36-37; اگر روح از پسر خارج نشود، آنها به اندازه کافی متمایز نمی شوند، 34-35 ،xxxiii.

برای پدر و پسر، جدا از هر دو و در عین حال، به دلیل — هویت ذات است.

او می‌گوید: xviii-xxix در امر الهی نمی‌تواند دلیل نهایی را، نه صوری و نه مؤثر، دلالت کند. اما علت واسطه واقعی، عمل حقیقی، xviii, 19-21, 45; اما نه به عنوان ابزار، 22; و به هیچ وجه معادل حرف اضافه 4، 45 گفته نمی شود.

دکترین کتاب پنجم علیه یونومیوس، که - ،Pseudo-Basilius احتمالاً ناشی از Didymus Alexandrinus است -، واقعاً کاتولیک است، xXX.

"جریان شدن." - متن قدیس سیریل، که در آن عبارات برای سود بردن، سرچشمه گرفتن، * بیرون آمدن، 4 بهار آمدن، و موارد دیگر از این قبیل استفاده می شود، باید از هیپوستاز خود روح القدس فهمیده شود، نه از ریزش فیض های او در ما، 38-39;

یعنی این کلمات در الهیات 54، 59-60 برای «عمل» گرفته شده است.

این متن توسط — «کسی که از پدر سرچشمه می گیرد». بساریون (یوحنا 15: 26) در برابر خواهش های فوتیان، x.

رابطه در تثلیث. تنوع رابطه بین پسر و روح القدس به آنها نام دیگری می دهد، 34; و این رابطه عبارت است از علت و علت (اصل و آنچه از آن است)، xxiv. افراد تثلیث ذاتاً متحد هستند و در واقع از نظر منشأ از هم جدا می شوند، اما اصولاً به واسطه روابطی که به وسیله آنها به وجود می آیند، xxiv.-xxxv. زیرا رابطه و مبدأ اساساً یکسان هستند، اما بر اساس شیوه تصور ما، xxxv، تفاوت دارند.

پدران مقدس برای کسانی که جانشینان رسولان هستند لازم است که با یکدیگر همسو باشند و از یک روح الهام گرفته شده باشند، 26، 12-15: اما در واقع پدران غربی و شرقی در مورد حرکت روح القدس یکسان احساس می کنند، 64. -- اگر آنچه می گویند متناقض تلقی می شود، باید به همان اندازه که با آنها مخالف است، مطابقت داشته باشند. کتب مقدس، 15-17، همه، شرقی و غربی، یک آموزه تثلیثی را منتقل کرده اند، اما، به طور خاص، 18-19، که همیشه و در همه جا تأیید می کنند که روح القدس نیز از جانب پسر است.

بنابراین، آنچه در شهادت های پدران کمتر روشن است، باید توسط موارد واضح تر روشن شود، xxvii.

تثلیث اقدس یک ذات است، اما سه ذات برای اشخاص یا خواص، 38; و در واقع هویت ذات در اشخاص الهی در آنچه به یکدیگر مربوط می شود آشکارتر است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

سخنرانی سگناتیک» فقط یک خودکار جزئی ارائه می‌کند؛
تاریخ نامشخصی است و شامل تمام اضافات نسخه لاتین
نیست، که بعداً IXXVII-1، 31 ساخته شد؛ کدکس Mark Gr.
778، تمام خودکار باید قبل از سال 1449 حفاری شده باشد، در
مقدمه‌ای که بساریون در آن نوشته شده است، و —
بساریون شامل آثاری است که در آن نوشته شده است.
عناوین فصول به حاشیه، که بعداً در زمان نامشخصی
معرفی شدند، کدکس Mark lat 1901 اکثراً خودنویس
بساریون است و شامل نسخه ای از «Oration dogmatica»
است که توسط او قبل از سال 1447، 1886-1888 ساخته شده
است.

- ویرایش دیگری از نسخه لاتین در برخی از کدها یافت می
شود که توسط یک فرد ناشناس از نظر سبک مورد انتقاد
قرار گرفته است، 85Vu1. "اما در مورد اعلامیه،
که توسط خود بساریون به نسخه لاتین اضافه شده Codex Vat
است، متن مشروع را ارائه می دهد. لات 4037، به کدهای دیگری که
ویرایش دیگری را ارائه می کند که توسط یک انسان گرای ناشناس،
مورد انتقاد قرار گرفته است LxXXIX.

نه تنها اجسام سبک و — خطر ترک ها.
مادیات، بلکه ایمان و دینی که در اتحاد ساخته نشده
اند نیز در معرض خطر بسیار شدیدی قرار دارند، 70.

اتحاد مسیحیان. بزرگترین هدیه صلح و هماهنگی است، xxv; از
طریق آن میل مسیح در شام آخر حاصل می شود، دشمنی ها
برطرف می شود، تمسخر دشمنان مسیح نسبت به
مسیحیان متوقف می شود.

خطر ترک ها، از دست دادن کالاهای موقت، سقوط ملت بیزانس،
سیزدهم، 69. —
تا زمانی که بین یونانیان و لاتین ها اتحادی وجود
نداشته باشد، در شورا، یونانیان همان عذر قبلی را
نخواهند داشت،

عنوان، 47-48، 56; نه بیشتر از پدر، کمتر از پسر، بلکه به
طور مساوی از هر دو، xxxxvii. - این واقعیت که روح القدس از
طریق پسر است را نمی توان از توزیع فیض های او درک کرد،
بلکه از هیپوستاس او، 26; و به همین ترتیب شخص او داده
شد، هم در خلقت اول، و هم در نارسایی که منجی بر رسولان ایجاد
کرد، 61-62.

بازترین در او روح — نماد "هر کس".
القدس است اعترافاتی از راهپیمایی به سوی
پدر و پسر وجود دارد، 52.

تئودوریت سیرنه او منکر این شده بود که روح القدس از پسر یا از
طریق پیلیوس منشعب شده و وجود دارد، xxxv، 41. - آثار او در
مجالس پس از مجمع افسسیان، xxxxv، 51 رد شد. او به ویژه
به نهمین کفر از سنت سیریل 75 ساله حمله کرد. در صلح
کلیسا او آخرین روز را تعطیل کرد، هنوز هم سالها پس از
شورای کلسدون، بیس، با مقاومت، او را بازسازی کردند، 76.

تئودور موزالون. او به روح القدس تعلیم داد که از پدر از طریق
پسر حرکت کند، گویی از طریق یک کانال (جریان کاملاً
منفعل همان)، xvii.

درک آن — نظریه «نفوذ ابدی».
دشوار است، زیرا به نظر می رسد از یک تضاد ذاتی رنج می برد، x58; اما
در کلام جزمی، حداقل به صراحت، به آن اشاره نشده است، 63-64.

سنت دست نویس. نسخه های خطی بسیاری از سخنان جزمی،
یونانی و لاتین وجود دارد که مربوط به قرون 15-16 (حتی
برخی از 17) 74-78 است. Codex MarC. گر 679

دیجیتالی شده توسط گوگل

شاخص ONOMASTIC کل کار

همه اعداد به صفحات اشاره دارند

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

دی‌جی‌تالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

شاخص عمومی

دیجیتالی شده توسط گوگل

چیدمان جداول

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

دیجیتالی شده توسط گوگل

ادواری مسیحی شرقی

(یا کر. پر.)

این مجلات برای اولین بار در سال 1935 منتشر شد که هر سال دو بار منتشر می شود و تقریباً شامل 500 صفحه است.

در این کتاب‌ها، نکات، یادداشت‌ها، بررسی‌های کتاب‌هایی منتشر می‌شود که مربوط به الهیات، تاریخ، عبادت، قانون شرعی، باستان‌شناسی، هنر و غیره در شرق مسیحی است. در مورد مسائل اسلامی هم هست.

قیمت اشتراک سالانه 1IB 3500 است. آن را در ایتالیا و یا 3800 lib. آن یا 6 عروسک در خارج از ایتالیا

قیاسهای مسیحی شرقی

(یا کر. آن.)

در اینها هم متون شرقی و هم تذهیب های گسترده تری منتشر شده است که به شرق مسیحی می نگرد.

جدیدتر

1954. شماره. 141 - M. GORDILLO, S.I., Oriental Mariology, page XX, 282, L.it. 2100. عروسک. 3.30
شماره 142 - G. Hofmann, S. I., Rom und der Athos, pag. 118. L.it. 1500. Dol1. 2.50
1955. شماره. 143. – M. LACKO, S. I., Union of Užhorod of the Ruthenians of the Carpathians with the Catholic, page xx, 280. I,.it. 4000. عروسک. 6.50
شماره 144 - I. HAUSHERR, S. I., Direction spirituelle en Orient autrefois, pag. 322. L,it. 3000 عروسک. 5. I
شماره 145- W. DE VRIES, S. I., Der Kirchenbegriff der von Rom getrentnen Syrer, pag. xvi, 200. L.it. 2100. عروسک. 3.30
1956. شماره. 146 - TH. ŠPIDLÍR، S. I.، Joseph of Volokolamks. Un Chapitre de la spiritualité rUSse. صفحه. xix, 153, L.it. 1900. عروسک. 3.
شماره 147 - P. MARIO DA ABIY-ADDI, O.F.M. فصل، 'La Doctrine della Chiesa Etiopica dissidente sul Unione Ipostatica، صفحه. xxXII, 176. IL.it. 3000. عروسک. 5.
1957. شماره. 148 - ص. JOHN CHRYSOSTOMUS, O.S.B., Die "Pomorskie Otvery" als Denkmal der Anschauungen der russischen Aligläubigen gegen Ende des 1. Viertels des XVIII Jahrhunderts, pag. xx, 212, L.it. 2200. عروسک. 3.50
شماره 149 - MAIA MLETIĆ, I ckrstjani » di Bosnia alla luce dei loro monumenti di bietra, pag. 186. L,it. 3600. عروسک. 6.
شماره 150 – ST. Polčin, S. I., La mission religieuse du P. Antoine Possevin, S. I., en Moscovie (1581-82)، صفحه. 160. L,.it. 1500. عروسک. 2.50

از سوریه ANA PHORA

هنوز در کدها یافت می شود QUOTOUOT

جلد 1, Anaph - I - Introduction, A. RAES, S. I. = Anaphora of Timothy Alexandrinus, A. RücKER, make. Severus of Antioch, H. G. CoDRINGTON, Pag. LI, 96. Rome 1939. L.it. 3300. عروسک. 5.50
جلد 1، بساز II - اناف. گرگوری نازیانزن، I. HAUSHERR، S. I. - Anaph. جان کریزوستوم، اچ. جی کودرینگتون- آناف. Duodecim Apostolorum, 1 et 2, A. RAES, S. I., Pag. 167. Rome 1940. L.it. 4200. Doll. 7.

جلد 1، را III - Anaph. Dioscorus Alexandrini, 1a et 24, G. DE VRIES, S. I. - Anaph. Cyril Hiero-solymitani, A. RAES, S. I. - فهرست کلمات جلد اول, A, RAES, S. I. Pag. 154. 1944 رم. L.,it. 4200. عروسک. 7.

جلد 2، فاکس من - آناف. جیمز ساروگ، H. G. CoDRINGTON. 1a-3e - آناف از جان صبا A. RAES, S. I. Pag. 104. 1951 رم. L.it. 4200. Dol1. 7.
جلد 2، فاکس دوم - آناف. سنت جیمز، برادر خداوند، O. HEIMING, O.S.B. - آناف A. RAES, the minor of Saint James, S. I. – A naph Gregory Toannis, A. RAES, S. I., Pag. 126. 1953 رم. L.it. 5000. 8.50 عروسک.

جلدهای دیگر در حال آماده سازی است.

دیجیتالی شده توسط گوگل

L 90293

دیجیتالی شده توسط گول

دیجیتالی شده توسط گوگل

3 9015 03301 0037

دیجیتالی شده توسط گوگل

Google